

ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین | آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

چهل ساله تتبع جره

- توپسروانی: دولت ها هیچ گاه نگاه جامعی به بسیج نداشته اند
- سالک: آقا گفتند نگذارید سپاه فقط در یک دستش اسلحه باشد!
- سردار کوثری: بسیجی ها نبودند دشمن در خاک ایران می ماند
- رحمانی: استقبال جوانان از بسیج حتی بیشتر از سپاه و بانیت حفظ انقلاب بود
- کارن خاثری: آرامنه سوریه سردار سلیمانی را رایین هود خود می دانند

سردار نقدی:
تلخ ترین مأموریت بسیج را داشتیم

سردار اسدی: ۶ مذهب
در سوریه با روحیه بسیجی
در یک خط شدند

بسیجی ها شبیه ترین افراد
به اصحاب پیامبر (ص) هستند





بسیج یکی از آن پدیده‌های شگفت‌آور دوران انقلاب بود؛
امام بزرگوار از طرف پرورده‌کار ملهم شد به اینکه این اقدام
را بکند؛ بسیج ۲۰ میلیونی که ایشان اعلان کردند
و سازمان بسیج که تشکیل شده خیلی کار بزرگی بود.
اصلاً معنای این کار چه بود؟

معنای این کار این بود که خدای متعال به امام بزرگوار
این تعلیم را داد، این الهام را کرد که سرنوشت انقلاب را
بسپرد دست جوان‌ها

بسیج لشکر محمد حجت بسیج لشکر مختصر





شجره ۴۰ ساله
ویژه چهلمین سالگرد تشکیل
بسیج مستضعفین

صاحب امتیاز

پیام‌آوران نشر روز

مدیر مسئول

عبدالله گنجی

سر دبیر

غلامرضا صادقیان

دبیر ویژه‌نامه

علیرضا محمدی

مدیر فنی

حسن فردی

بسیج از برنو تا فضای مجازی

■ **عبدالله گنجی**

قطعا روزی که حضرت امام بسیج مستضعفین را بنیان نهاد تا ۱۰ سالگی آن که آخرین پیام سالروز آن را صادر کرد، می‌دانست که این معجزه حیرت‌آور در آینده چه خواهد کرد، آنچنانکه خود آن را از «الطاف جلیّه» الهی دانست که بر ملت ایران ارزانی شده است. سال ۱۳۶۷ که امام آخرین سال حیات خود را در سالروز تشکیل بسیج می‌گذراند، دقیقاً می‌دانست که این «الهام قدسی» چه کار کرد بی‌نظیری در پایان دادن به جنگی هشت ساله به عهده داشت و چه جوانانی که یک‌شبه در مدرسه بسیج راه صدساله را طی نمودند و چه مردانی که به فرمان آن خلف صالح انبیا هزار، هزار پای در میدان‌هایی گذاشتند که حتی یک احتمال برای زنده ماندن نبود. بسیج چه سرنوشت‌هایی را تغییر داد. چه افرادی را به بال ملائک الله نشانند و چه خانواده‌هایی را عزت داد و از همه مهم‌تر چگونه آبروی رهبر و مقتدای خود – حضرت امام – را خرید و عزتمندانه ایران را در قله‌های شرف نشانند و قرن‌ها خواهد گذشت و سلسله نسل‌های ایرانیان خواهند آمد و این تاریخ را مرور خواهند کرد و افتخار آن را بر پیشانی خود خواهند زد. همانگونه که نسل‌های دیروز و امروز ایران داغ تحقیر شدگی ۲۰۰ سال پیش در جدایی شمال رود ارس از ایران را همچنان بر پیشانی خود حس می‌کنند، اما نسل مادر قالب بسیج اجازه نداد تر کمنچای دیگری در تاریخ ثبت شود. روزی که امام از دنیا می‌رفت، افتخار می‌کرد که بسیج رسالت «تر کمنچای گریزی» ایران را به انجام رساند تا او «با دلی آرام و قلبی مطمئن و ضمیری امیدوار مرخص و به دیار ابدی سفر نماید» اما امام که انقلاب خود را در طول و عرض تاریخ و زمان تعریف کرده بود و می‌دانست که در این راه «تا کفر و شرک هست مبارزه هست، تا مبارزه هست ما هستیم» می‌دانست که «رفاه و مبارزه با هم سازگار نیستند» تصمیم گرفت پس از اتمام آن جنگ نابرابر، بسیج همچنان بر تارک ایران بدرخشد که «اگر نوای دلنشین تفکر بسیجی بر کشوری حاکم شد، چشم طمع دشمنان از آن دور خواهد شد، و گر نه هر لحظه باید منتظر حادثه‌ای بود» بنابراین تصمیم به استمرار حیات و رشد و نمو این شجره طیبه گرفت، اما کار کرد این بسیج، دیگر بسیج دیروز نبود. دیگر دورانی که معلم و استاد، دانش آموز و دانشجو و کارگر و کارمند همگی برنو و کلاشنیکف به دست بگیرند، گذشته بود، بنابراین امام دقیقاً متوجه

فرماندهان بسیج

- ۲ | استقبال جوانان از بسیج حتی بیشتر از سپاه و بانیت حفظ انقلاب بود
- ۷ | بسیج‌الگوی موفق تولید امنیت و اقتدار بومی است
- ۱۱ | تلخ‌ترین مأموریت بسیج را داشتم
- ۱۶ | آقا گفتند نگذارید سپاه فقط در یک دستش اسلحه باشد!
- ۱۹ | اعتماد به جوانان سرخط بر نامه‌ها

بسیج و هنر

- ۲۰ | شهدای ایرانی را در اینستاگرام معرفی می‌کنم
- ۲۱ | کارنامه بسیج در دوران دفاع مقدس درخشان است

بسیج و علم

- ۲۲ | بسیج علمی بهتر از پارک‌های علم و فناوری عمل می‌کند
- ۲۴ | هدف بسیج بارورسازی سرمایه‌های فکری است
- ۲۶ | بسیج علمی و امیدآفرینی برای نوآوران جوان
- ۲۷ | «امیر» نخبه بسیج بود که با دانش به جنگ دشمن رفت
- ۲۸ | مدیریت کشور با تفکر بسیجی آرمان تحقق نیافته امام(ره) است

بسیج و ورزش

- ۲۹ | با حجاب کامل قهرمان آسیا شدیم
- ۳۰ | اخلاص بسیجیان را در اردوهای جهادی دیده‌ام

بسیج و جهان اسلام

- ۳۱ | ۶ مذهب در سوریه با روحیه بسیجی در یک خط شدند
- ۳۴ | هنر بسیج تعمیم‌الگوی مقاومت از لبنان تا یمن است
- ۳۶ | بیداری منطقه تیلور گفت‌وگو انقلاب در بسیج است
- ۳۸ | شاخصه مقاومت زینبیون روحیه بسیجی است
- ۴۰ | اسرباز و ولایت فقیه نزد شیعیان پاکستان یک بسیجی است
- ۴۲ | نخستین پایگاه بسیج غیرایرانی را فاطمیون تأسیس کردند
- ۴۴ | فاطمی مثل بسیجی در رکاب حسین (ع) می‌جنگد
- ۴۸ | «بسیج» در فرهنگ یمن یعنی مردی و مردانگی

بود که ما پس از جنگ هشت ساله وارد جنگ نرم خواهیم شد و در آخرین پیام خود بسیج را به سنگرهای فکری – علمی کشور برد. که «امروز یکی از ضروری‌ترین بسیج، دانشجو و طلبه است» و این آغاز تحول تخصصی در بسیج شد. کارکرد بسیج نقش‌موزاییکی یافت هر کسی در هر کجا هر کاری که می‌توانست باید انجام دهد. بسیج استادان تا پزشکی تا ورزشکاران و مهندسی‌ن به میدان آمدند که تخصص‌ها به کمک انقلاب اسلامی بیاید و کالبد بسیج صرفاً با مگسک کلاشنیکف به تحرک نیاید. تحول در مفهوم جنگ نیز باعث گردید ابتدا جنگ فکری و اعتقادی بلافاصله بعد از جنگ نظامی شروع شود که امام چهار ماه پس از اتمام جنگ نظامی فرمودند: «مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه بزرگ علمی «حوزه – دانشگاه» است.» همین جابود که امام کلید «بسیج جهانی اسلام» را نیز زد و بسیج از عراق تا سوریه و لبنان و آمریکای لاتین رفت. امروز بسیجیان وارد جنگ دیگری شدند که کلاشنیکف به دردشان نمی‌خورد. امروز اسلحه آنان مانی‌تورها و گوشی‌های تلفن است. امروز ابزار جنگ نرم از تمدن دشمن بیرون آمده است و ما چاره‌ای نداریم که با ابزار او در میدانی که خود تعریف می‌کنیم بجنگیم و اکنون مشغول آن هستیم. آنچه مهم است اینکه با پایان «چله بسیج» قدرتمندانه به گام دوم انقلاب وارد شویم. گامی که صاحب آن، جوانان معرفی شده‌اند. جوانان تراز انقلاب اسلامی در کجا متولد می‌شوند؟ بسیج وظیفه خود می‌داند که جوانان مؤمن، انقلابی و پای کار نظام جمهوری اسلامی را در گام دوم تربیت کند تا انقلاب اسلامی از ابعاد مدیریتی لاغر نشود. تا نااهلان و نامحرمان بر مناصب مدیریتی کشور تکیه نزنند و تا اندیشه خمینی بزرگ از جامعه اسلامی و جهانی رخت برنندد. بسیج در آینده باید در همه میدان‌های مورد نیاز و چالش‌های واقعی انقلاب اسلامی نقش‌آفرین باشد و این خواسته رهبری بسیجیان است. مردان و زنانی می‌توانند این بار سنگین را به دوش بکشند که در ابعاد مهارت و معرفت و بصیرت خود را به تراز یاران امام رسانده باشند که اگر چنین نکنند و چنین نشود، هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. مطمئناً حقیقت قدسی انقلاب اسلامی با نقش‌آفرینی بسیجیان و باز بودن در باغ شهادت ماندگار خواهد ماند. وعده الهی محقق خواهد شد. شرط تحقق وعده‌ها، اخلاص در بسیج و عدم سوءظن به نصرت الهی است. ■

- ۵۱ | آرامنه سوریه سردار سلیمانی را رابین هود خود می‌دانند
- ۵۴ | زمینه‌های تشکیل بسیج جهانی اسلام فراهم است
- ۵۶ | بسیجی‌ها شبیه‌ترین افراد به اصحاب پیامبر(ص) هستند
- ۵۸ | «کمال» شهید دفاع مقدس بود و من می‌خواهم مدافع حرم شوم
- ۶۰ | جاپای پدر گذاشت حتی در شهادت

اهل سنت و بسیج

- ۶۱ | جاذبه بسیج عشق است و قوم و مذهب نمی‌شناسد
- ۶۲ | دفاع از اسلام، شیعه و سنی ندارد
- ۶۳ | شهید «سبیل اخلاقی» هم راه بود، هم منش!

بسیج و خدمت‌رسانی

- ۶۴ | شیوه‌ار دوهای جهادی باید بازنگری شود
- ۶۶ | راهیان نور را وارد عرصه محرومیت‌زدایی کردیم
- ۶۹ | جهاد در مناطق محروم و شهادت در حرم
- ۷۰ | ۱۲ هزار گروه جهادی فعال داریم
- ۷۳ | دولت‌ها هیچ‌گاه نگاه جامعی به بسیج نداشته‌اند
- ۷۶ | آبادانی بشاگرد فقط از روحیه بسیجی برمی‌آمد
- ۷۸ | فرهنگ سقوط فرهنگ صعود

بسیج و دفاع مقدس

- ۸۰ | معجزه بسیج در آوردگاه دفاع مقدس
- ۸۱ | بسیجی‌ها نبودند دشمن در خاک ایران می‌ماند
- ۸۴ | یک قرن ماند تا در شلمچه باشد
- ۸۵ | پویا و تمام‌نشدنی

بسیج زنان

- ۸۶ | شهر تشنه اندیشه توست «عصمت» بر گرد
 - ۸۷ | ۹ میلیون جمعیت زنان بسیجی آماده نقش‌آفرینی
- در گام دوم انقلاب هستند



رضا دهشیری / جوان

مبانی اندیشه‌ای بسیج در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین محمد رحمانی از فرماندهان اولیه بسیج

استقبال جوانان از بسیج حتی بیشتر از سپاه و بانیت حفظ انقلاب بود

ایده تشکیل بسیج قبل از انقلاب در ذهن حضرت امام^(ره) تکمیل شد

حجت الاسلام محمد رحمانی از معدود فرماندهان روحانی نظامی است. وی به همراه حجت الاسلام سالک در دوره حساس جنگ تحمیلی فرماندهی بسیج مستضعفین به عنوان مهم ترین بازوی انقلاب در حوزه مردمی را برای جنگ با رژیم بعثی عراق بر عهده داشت. وی از جمله همراهان قدیمی امام^(ره) از زمان تبعید ایشان به نجف بود که به صورت مستمر در جریان مهم ترین تحولات دوران انقلاب قرار داشت. نکته جالب این است که رحمانی سابقه اصلاح طلبی نیز در کارنامه خود دارد و از جمله بنیانگذاران مجمع روحانیون مبارز محسوب می شود. فرار سیدن هفته بسیج بهانه‌ای شد تا برای مرور دوران فرماندهی وی بر این نهاد مردمی به گفت و گو با ایشان بنشینیم.

مهدی پور صفا

می کنند که در همه دنیا برای دفاع از کشور برای وقتی که احساس خطر شود، سیستمی به نام نظام اجباری سربازی به وجود می آورند، اما هیچ وقت یک کشور همیشه در حال جنگ نیست، لذا اگر به جای یک نظام اجباری یا در کنار آن سیستمی به نام سیستم دفاع اختیاری که متکی بر ملت و نسل آن عصر و اعصار بعدی باشد به وجود آورده‌ایم، می توان بقا و استمرار آن دولت، ملت، حکومت و کشور را تضمین کرد و بعد هم به تشریح ماجرا از زمان صدر اسلام می پردازند.

حال برای دفاع از سرزمین، دفاع از امنیت و ایجاد زمینه رفاه، آسایش، کار و فعالیت مردم باید یک نیروی مدافعی وجود داشته باشد که تسهیلات لازم را برای زندگی مردم فراهم کند. مخصوصاً در عرصه امنیت و تمامیت ارضی کشور باید یک سیستم دفاعی تشکیل شود، چون در آن زمان این نیروهای مسلح دقیقاً برخلاف منافع مردم و به نفع استعمار در ایران زمان رضاخان به وجود آمده بود، ایشان از این سیستم تحت عنوان نظام اجباری صحبت می کنند. آنجا امام این نکته را مطرح

یک حرکت اصلاحی - ارشادی شروع شد. ایشان به تدریج با تدوین و تحکیم پایه های نظری نظام سیاسی مبتنی بر دین و مکتب و اصول اسلامی و گسترش آنها وارد عرصه مبارزه شدند. به عنوان مثال در سال های دهه ۲۰ کسی کتابی علیه اسلام می نویسد به نام «سرا هزار ساله» و ایشان با کتابی بانام کشف الاسرار وارد عرصه پاسخگویی می شوند. در آنجا می بینید که ایشان مطالب مفصلی درباره نظام اجباری و سربازی که همیشه در هر قدرت، دولت و هر کشوری شکل می گیرد، دارند. به هر

جناب رحمانی با وجود اینکه مطالب فراوانی در خصوص بسیج و تشکیل آن به فرمان حضرت امام^(ره) در سال ۵۷ منتشر شده اما کمتر به مبانی اندیشه‌ای صدور چنین فرمانی پرداخته شده است. این اندیشه از کی در ذهن حضرت امام برای ساماندهی نیروهای بسیجی شکل گرفت؟

برای شروع بحث اجازه دهید که حرف خودم را از این ماجرا شروع کنم که قیام حضرت امام^(ره) از

دقت کنید که جنگ فراز و نشیب دارد. چه ابتدای جنگ و چه اواسط جنگ و چه آخر جنگ، همه این حرف‌ها در خصوص دلسردی مردم از جنگ بوده است. من به عنوان مسئول بسیج در دوران دفاع مقدس بیشتر عمر و زندگی خود را وقف بسیج کردم، همه رفقای ما این کار را انجام می‌دادند، هر کسی مسئولیتی داشت اخلاص و عظمت و فداکاری مردم را می‌دید

از امکانات ارتش برای آموزش کسانی که خواهند ورود به تشکیلات بسیج بودند، استفاده کنیم.

با این تفصیل پتانسیل نیروی انسانی بسیج نیز در همان ابتدا فراتر از سپاه رفت؟

بله بسیج وسیع‌تر از سپاه و ارتش بود البته در آن اوایل بسیج هنوز آموزش‌های دفاع شهری را ندیده بود، از همین رو لازم بود که نیروهای بسیج برای دفاع شهری سازماندهی و آموزش داده شوند و در کنار نیروهای مسلح برای دفاع رزمی از کشور در صورت هجوم قرار می‌گرفتند. الحمدلله سپاه از آن به بعد به جایی رسید تا بسیج با همه گستردگی در چارچوب کاری سپاه قرار بگیرد و سپاه و برادران عزیز سپاهی ما که بسیجی هم بودند، سازمان مورد نظر امام را گسترده‌تر کردند و خوشبختانه تا امروز این ساختار با برخی تغییرات باقی مانده همچنان مستحکم باقی مانده است.

شما چگونه به بسیج وصل شدید، البته در خاطرات شما دیدم که از ابتدا با بحث نیروهای مسلح در گیر بوده‌اید.

بنده بعد از اینکه انقلاب اسلامی پیروز شد یکی از اعضای دفتر امام بودم. به دلیل آشنایی که در عراق داشتیم و ارتباطی که با سازمان‌های رزمی بعد از انقلاب پیدا کرده بودیم، برادر عزیز ما سرلشکر محسن رضایی بعد از اینکه حضرت امام من را برای بسیج در نظر گرفتند، در جلسه معارفه آمدند گفتند به شما بگویم که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده سپاه همین آقای رحمانی است. قبل از اینکه ساختار دفتر امام تشکیل شود، از گروه امام یک یگان نظامی برای حراست از امام تشکیل شد که تیم حفاظت ایشان بودند و مرحوم محمد منتظری در رأس برای مسائل امنیتی، انتظامی و عملیاتی بود. آنجا یک ستادی در اقامتگاه حضرت امام تشکیل شد که مسائل نظامی و انتظامی را پیگیری می‌کرد. در آن زمان یک ساختار حکومتی هنوز تشکیل نشده بود ولی به امر امام دولت موقت تشکیل و مستقر شد. شب سوم انقلاب بود، یعنی ۲۴ یا ۲۵ بهمن ماه بود، از آن روز به من حکم دادند و من دو سه مسئولیت پیدا کردم. زمانی که هنوز سپاه و بسیجی نبود باید به ستاد ژاندارمری در میدان انقلاب می‌رفتم. همه افسران شاهنشاهی ژاندارمری در آن ستاد جمع شده بودند و وقتی انقلاب شد آنها در آن مکان محصور ماندند. مسئول ژاندارمری در آن زمان تیمسار محقق شد که بعداً در جریان کودتای نوژه اعدام شد. ما در اقامتگاه امام بودیم و فکر می‌کنم شب چهارم بود، عده‌ای از نظامیان را با چشم بسته آوردند. یکی از آنها سرهنگ امیر کیا بود. این آدم مسئول حفاظت پارچین بود. از جاهای حساس کشور بود و هنوز هم هست. در کنار آن مسئول اطلاعات آنجا بود. چشمان ایشان را نیسته بودند. بچه‌های انقلابی آنجا را کنترل کرده بودند ولی آنها را گرفته بودند و ایشان را آوردند. همزمان با ورود ایشان، هیئت دولت که امام اعلام کرده بود و شورای انقلاب در طبقه بالای اقامتگاه امام جلسه داشتند و از آنجا پایین آمدند. تا چشم آقای مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی

چریک‌های فدایی خلق نبودند؟ مگر توده‌ای‌ها با آرمان‌های مردمی به امید اینکه از دست استعمار رهایی می‌یابند همکاری نکردند؟ چه کسی از عهده آن همه تهدید برمی‌آمد؟ امکانات کشور اقتضا نمی‌کرد مقابله کند. ارتش اصولاً یک وظیفه‌ای برای دفاع از تمامیت ارضی کشور دارد، وقتی وظایف تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شورای انقلاب به تصویب می‌رسد، اصول اولیه کار سپاه علاوه بر جهات مکتبی و شرایط خاص بود و این طور نبود که هر کسی تمایل داشت بتواند وارد سپاه شود، مانند بسیج که از تمام اقشار و به هر شکلی نیرو می‌گرفت.

مسئله دیگر این است که آن زمان که سپاه تشکیل شد، سازمان آن بسیار نوپا بود. در یک مدت زمان کوتاهی یعنی یک سال نشده، شاید ظرف شش ماه، سپاه در سطح کشوری تشکیل شد. ابتدا در تهران تشکیل شد و بعد به استان‌ها رسید و بعد به شهرستان‌ها رسید و تازه شهرستان‌ها سپاه داشتیم. آن هم با سختگیری‌ای که در گزینش وجود داشت چون برخی از گروه‌ها قبل از پیروزی انقلاب عددی نبودند و از فضای باز و فریب عامه کشور سوءاستفاده کردند. وقتی چارچوب سپاه مطرح شده بود، خود ما همه جا می‌گفتیم اگر می‌خواهید در نیروهای مسلح وارد شوید، یکی ارتش است و این یکی سپاه است. برای مسائل امنیتی که باید این کار می‌شد، کمیته‌های انقلاب اسلامی تشکیل شده بود، می‌آمدند و جذب کمیته می‌شدند. با همکاری شهربانی و ژاندارمری کار می‌کردند.

مقابله با این همه تهدیدی که وجود داشت نیازمند این بود که همه ملت در برابر آن بایستند. بسیج به معنای حضور همه ملت در برابر یک تهدید فراگیر است که از خارج از یک طرف انجام می‌گرفت و از داخل گروهک‌های وابسته‌ای بود که خیانت‌های آنها در گذشته کم نبود، سازماندهی شدند و از فضای باز استفاده کردند و چه بسا اینها پس‌مانده‌های رژیم سابق بودند. بسیج به عنوان یک نیرو و پشتیبان فراگیر حافظ انقلاب اسلامی بود و آنقدری که از بسیج استقبال شد از سپاه این استقبال نشد. استقبال از بسیج به اندازه‌ای بود که در آن زمان با کمک حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که نماینده امام در شورای عالی دفاع بودند، توانستیم

قدرتمند به وجود آمده است، به همین دلیل امریکا با همه وجود به جنگ و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران وارد شد، مزدورانی با او همکاری کردند، مرتجعین منطقه‌ای که همه بسیج شدند و به مقابله با انقلاب اسلامی پرداختند. همه سیستم‌های اطلاعاتی، نظامی و سیاسی و تبلیغاتی وارد شدند و با مشارکت وسیع بین‌الملل و مزدورانی همانند عراق وارد عرصه یک جنگ سوم جهانی شدند. در کنار این مجموعه‌های بسیار خطرناکی هم در داخل آنها را کمک کردند، چه مستقیم و چه غیرمستقیم. به واسطه انتظاراتی که داشتند بعد از اینکه جمهوری اسلامی به وجود آمد سهم‌خواهی کردند یا می‌خواستند به نحوی در جهت اهداف خود چرخ‌های در این انقلاب ایجاد کنند. گفتند این آقایان کار حکومتی نکردند و می‌توان انقلاب را بازگرداند و با توطئه‌های متعدد دنبال این بودند که مانع تثبیت این نظام شوند یا با شعارهایی که می‌دادند براندازی کنند. در چنین زمانی دیدیم حضرت امام در پنج‌آذر ۵۸ یعنی تقریباً حدود یک سال که از پیروزی بهمن ماه می‌گذرد، در مقابل تمام این تهدیدها رسماً اعلام می‌کنند، مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد باید ۲۰ میلیون تفنگدار و آشنا به مسائل نظامی داشته باشد. اینجاست که بسیج شکل گرفت.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوم خرداد ماه همان سال شکل گرفت. دلیل اینکه دو نهاد مجزا همچون بسیج و سپاه در کنار هم شکل گرفت چه بود. چون به نظر می‌رسید که وظایف این دو تا حدودی با هم همپوشانی دارد.

خیر، هیچ همپوشانی‌ای نداشتند. سپاه محدود بود. از ابتدا این طور نبود که سپاه گسترشی را که امروز پیدا کرده آن روز داشته باشد. در کنار این حضرت امام در صدد تثبیت یک نظام نوپا با ایده‌های انقلابی بودند. این کار با ایده‌های انقلابی احتیاج به نسل فرهیخته انقلابی دارد که در آن چارچوبی که مدنظر است در برابر هر احتمال خطری که به انقلاب آسیب بزند، سرلوحه دفاع از انقلاب باشد. در آن زمان خیلی‌ها ادعای مسلمانی می‌کردند. مگر مجاهدین خلق به عنوان بچه‌های مسلمان نبودند؟ بودند. مگر با آرمان‌های خلقی مثلاً

ایشان این موضوع را همچنان در ذهن داشتند تا وقتی که کم‌کم مقدماتی برای گسترش اندیشه حکومت اسلامی فراهم شد و امام (ره) ایده بسیج نیروهای مردمی را برای براندازی نظام استعماری و وابسته و همچنین ایجاد یک حکومت اسلامی مقتدر مطرح می‌کنند. به یاد دارم در سال ۵۱ که در عراق محضر امام بودیم در جمع دوستان صحبت از این بود و مرحوم شهید محمد منتظری فرمود باید به فکر این باشیم اگر در ایران که این همه شکنجه، زندان و مبارزان وجود دارد، یک روزی فریاد ملت با رهبری حضرت امام به نتیجه برسد، آن وقت بسیجی که امام مورد نظر قرار دارد چگونه تشکیل خواهد شد به این فکر کردید؟ اگر در ایران اتفاقی افتاد ارتش حمایت می‌کند؟ نیروی جدیدی برای حفظ این انقلاب تشکیل می‌شود؟ چه کار می‌کنیم؟ هر کسی نظری می‌داد.

در آن زمان نگاهی به الگوهای موفق در دنیا برای استفاده از نیروهای مردمی داشتید؟

خب آن زمان‌ها مجال مطالعه فراهم بود، در نتیجه نظریه‌های مختلفی را وسط آوردیم. تجربیات کشورها که وجود داشت، مثلاً تجربه مائویست‌ها در چین چطور بود، کشورهای سوسیالیستی یا کمونیستی پیش‌تاز در جنگ‌های پارتیزانی و چریکی بودند، نمادهای آنها کوبا و چه‌گوارا بود که چگونه توانستند به قدرت برسند و جاهای مختلفی وجود داشت یا کودتاهایی که اصولاً در کشورهای مختلف می‌شود و بعد حکومت ملی به وجود می‌آید و از موقعیت استفاده می‌کنند. حضور و نقش مردم چگونه است، نقش روشنفکران و دانشمندان و علما چگونه است. در خود عراق که در انقلاب ۱۹۲۰ که علمای بزرگی نقش مهمی در مقابله با انگلستان داشتند و عراق را به یک سمت استقلال هدایت کردند. ماجرا چطور بود این بحث‌ها مطرح شد و ایشان وقتی نتیجه بحث‌ها را خدمت حضرت امام بردند نکته خیلی مهمی ایشان فرمودند. آن زمان فرمودند، ما اشتباه برخی از ملیون را اجازه نمی‌دهیم تکرار شود. ما بسیج راه می‌اندازیم. ما همه نیروها را بسیج می‌کنیم و این کار را کردیم.

این نیروی بسیج که در ذهن امام بود قرار بود با چه چیزی مقابله کند؟

شما هیچ انقلابی مخصوصاً در این سده اخیر پیدا نمی‌کنید که اولاً جنبه مذهبی داشته باشد و آن هم جنبه الهی در عصری داشته باشد که همه مکتب‌ها و دین را پس می‌زنند. امام با یک ایده حکومت اسلامی و بعدها حتی نحوه حکومت را تبیین کردند. طبیعی بود که قدرت‌های بزرگ دنیا از چنین چیزی استقبال نکنند. چیزی که فکر نمی‌کردند اتفاق افتاد. یک باره استعمار متوجه شد امام یک جمهوری اسلامی به وجود آورده و یک جریان توفنده و نیرومندی که در مقابل همه ابرقدرت‌ها با کمال صراحت می‌گوید نه شرقی است و نه غربی! چنین جریانی در مقابل ابرقدرت‌های شرق و غرب ایجاد شده و منافع آنها به خطر افتاده است. رژیم کهن ۲هزار و ۵۰۰ ساله برافتاده و به جای آن حکومت مردمی اسلامی و



بعد از آقای مجد سرپرستی بسیج به آقای سنجقی محول شد. آقای اخوان و آقای سلیمانی و آقای اخباری و آقای فرمانش هم برای اصلاح بسیج پای کار آمدند و ستاد بسیج آن زمان تشکیل شد

نشان دادم همین طور خون جاری می‌شد. گفتند دستمال زیر دست ایشان بگیرد و بالا برود معالجه کنید. امام خیلی ناراحت شدند. من بالا آمدم که دستم را پانسمان کنم. آنجا بعداً گفتند پوست دست من روی لامپ می‌سوخت و دود می‌کرد.

ماجرای ارجوگنه پیگیری کردید.

مسئول کار حاج احمد بود. من چنین گفتمانی را از یک غیر نظامی ندیده بودم. همه اظهار بی‌اطلاعی کردند. ایشان گفتند امکان دارد اتفاقی فیل از اینکه رخ دهد، شما اطلاع نداشته باشید؟ حاج احمد آقا می‌گفتند شما اطلاع داشتید. این هواپیما از کدام پایگاه حرکت کرده است؟ گفتند خارجی نیست و حتماً به ما گزارش می‌شد. ظاهراً تمام سر و صداها مال یک فرزند هواپیما بود. آن را پدافند جماران زد و در سد لتیان افتاد. همه اظهار بی‌اطلاعی کردند و احمد آقا فکر می‌کردند اینها خودشان را به بی‌اطلاعی زده‌اند. گفت، همه را کنار این دیوار تیرباران می‌کنیم. تیمسار فلاحی گفتند جان مافدای امام، ما بی‌اطلاع هستیم. اجازه بدهید بررسی کنیم. تحقیق کردند و گفتند بدون هماهنگی مانور برگزار کرده‌اند. از همه جا آمدند و همه جا آمده‌باش بود، بعد معلوم شد آقای مجد مانور سراسری در تهران برگزار کرده است که اگر خدای ناخواسته دشمن حمله کند آمادگی وجود دارد که از جماران دفاع شود یا خیر. کسانی به ایشان گفتند اگر شمارا پیدا کنند مجازات می‌شوید، یکی از دوستان ما گفتند من ایشان را مضطرب در فرودگاه مهرآباد دیدم که با پروازی به مشهد رفت و بعد از آن ایشان را ندیدیم.

بعد از آقای مجد چه اتفاقاتی در بسیج روی داد؟

بعد از آقای مجد سرپرستی بسیج به آقای سنجقی محول شد. آقای اخوان و آقای سلیمانی و آقای اخباری و آقای فرمانش هم برای اصلاح بسیج پای کار آمدند و ستاد بسیج آن زمان تشکیل شد. به تدریج بسیج آنسجامی پیدا کرد و در سپاه ادغام شد چراکه اگر این ادغام نبود سپاه از یک نیروی انسانی وسیع محروم می‌شد. بعد از آن هم آقای سالک مدتی ریاست بسیج را بر عهده گرفتند که در زمان ایشان اعزام‌های گسترده به جبهه‌ها آغاز شد و در کنار این بسیج نقش مهم و حیاتی در تأمین امنیت شهرها ایفا می‌کرد.

چطور شما برای ریاست بسیج پیشنهاد شدید؟

در آن زمان قرار بود من سفیر شوم. من به حاج احمد آقا پیشنهاد داده بودم که اگر صلاح بدانید دوست دارم در یکی از سفارتخانه‌ها سفیر شوم، البته ایشان موافق نبودند ولی گفتند چون مایل هستید مانع نمی‌شوم. در نتیجه قرار شد من به الجزایر بروم که بعد از اینکه الجزایری‌ها فهمیدند چون ملبس هستم اجازه ندادند. بعد قرار شد کویت بروم. آنجا هم دولت گفته بود ایشان عضو دفتر امام هستند و ممکن است مشکلاتی در این رابطه به وجود بیاید، از همین رو این احتمال هم منتفی شد. در آفریقا هم یک کشوری پیشنهاد شد که آن هم به هم خورد. حاج احمد آقا هم موافقت نکردند و گفتند جای خوبی نیست. در نهایت قرار

نیست و هر اتفاقی بخواهد می افتد. حاج احمد آقا
آنقدر متوحش و نگران و مضطرب بود که عصبانی
شد و از کوره دررفت و دو دستی به صورت و سر
خود می زد و گفت اگر اتفاقی برای شما بیفتد به
من می گویند خاک بر سر ت! همین طور نشستید
تا اتفاقی برای امام بیفتد، یعنی آشفتنی ای بود که
من هیچ گاه ندیده بودم. عمامه ایشان افتاده بود و
محکم به سر و صورت خود می زدند. می خواستند
برزند من دست ایشان را گرفتم. آقا گفتند برویم.
همه چیز را آماده کردیم و بهترین جازیر زمین
حسینیه در حال ساخت بود. زیر زمین هم همانند
خود حسینیه خراب بود و گچکاری شده بود. راه پله
هم نداشت و ورودی از کوچ بود و آن هم مشکل
بود. برادران سرعت عمل به خرج دادند، بشکه ها را
روی هم گذاشتند و سه تا الوار گذاشتند. الوارهای
بنایی منظوم است. حضرت امام در وسط روی
یک الوار و حاج احمد آقا در یک سمت و من سمت
دیگر بودم.

همه این سر و صداها برای مانوری بود که آقای مجد بدون هماهنگی انجام داده بود؟

بسیج ملی زیر نظر آقای مجد در همان ستاد خیابان فلسطین شروع شد که البته بعدها به ستاد اصلی بسیج مستضعفین نیز تبدیل شد، البته برخی انتقادات به نحوه کار آقای مجد در بسیج بود که در نهایت به کنار رفتن ایشان منجر شد.

آقای مجد هم گویا مانوری را یک بار بدون اجازه برگزار کردند که کلی سرو صدا کرد.

همان هم باعث در رفتن ایشان شد.

ما چرا چه بود؟

آن زمان من در دفتر امام بودم. کارم آنجا بود، چون حضرت امام اجازه رفتن به من را ندادند، البته من مدتی نماینده ایشان در خراسان، در شهرستان قوچان بودم که بعد هم دوباره خدمت امام برگشتم. یک روز عصر من و حاج احمد آقا در دفتر امام نشسته بودیم و ناگهان غرش هواپیما را شنیدیم. قبل از این تجاوزات عراق بود مثلاً در سر دشت و لب مرز بود.

هنوز جنگ شروع نشده بود؟

خیر. از نظر پدافند آنجا قوی بود ولی کسی هنوز صدای پدافند و غرش این طور و شکستن



دیوار صوتی را نشنیده بود. ناگهان توپ‌های او را لیک شروع به کار کرد. حاج احمد آقا احتمال دادند حمله از سوی امریکا شده است. به هر حال مسئولیت سنگین حفاظت از امام مطرح بود. حاج احمد آقا با ترس گفت چه چیزی بر سر ما آمده است و نزد امام برویم. پایره‌نه از دفتر نزد امام رفتیم. حضرت امام در داخل نشسته بودند و تلاوت قرآن می‌کردند. من تا رسیدم بلافاصله برق‌ها را خاموش کردم و البته چون احتمال خطر بود چسب‌های ضرب‌دری به شیشه زده بودم که اگر اتفاقی افتاد ایشان آسیبی نبینند. حضرت امام به تندی به من گفتند چراغ را روشن کنید. چرا خاموش کردید؟ گفتم صدای هواپیماها خطرناک است. دستور است اگر این طور باشد چیزی دیده نشود. چراغ خاموش باشد که اینجا دیده نشود. تا این را گفتم ایشان گفتند خاموش باشد. احمد آقا گفتند پناهگاه برویم. نمی‌دانستیم چه خبر است. آقا هم قبول نمی‌کردند به پناهگاه برویم و می‌گفتند خون ما را رنگین تر

بله صدای وحشتناکی داشت. ما تلاش کردیم آقا را از اینجا به زیرزمین ببریم. یک صندلی گذاشتیم و آقا نشستند. خانواده آقا آمدند و بقیه هم آمدند.

ما چرا تمام شد؟

خبر ادامه داشت. اگر صدا قطع می شد مشکلی نبود. احمد آقا وقتی امام را آنجا مستقر کردند به بالا رفتن و ستاد مشترک ارتش را احضار کردند. تیمسار فکوری و تیمسار فلاحتی و گمانم فکر می کنم تیمسار نامجو بودند. اینها آمدند. در زیر زمین یک چراغ قدیمی بود و نمی دانستیم این چراغ را چگونه خاموش کنیم. بچه ها بازو به بازو گرفتند و من خواستم این را خاموش کنم که دستم سوخت. خواستند چوب بیاورند امام نگاه کرد و گفت این کار را نکنید. در حالی که دود از دست من بلند می شد و به شدت می سوخت، این کار را نکردیم چون اگر می شکستیم چراغ منفجر می شد و به چشم های ما آسیب می رسید. این لامپ را کندیم. امام گفتند دست شما را ببینیم.



بعضی وقت‌ها جریان جنگ سخت و مشکل می‌شد، مثل زمانی که دشمن با سلاح‌های شیمیایی گسترده به مردم حمله می‌کرد. در این مواقع آنهایی که در داخل مخالف جنگ بودند از این موقعیت استفاده می‌کردند

فوق‌العاده‌ای به جبهه‌های جنگ انجام شد. طرح لبیک از طرح‌های اعزام بسیج موفق بود و همه در آن شرکت کردند. خودم کارت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی و مهندس موسوی را صادر کردم تا به صورت رسمی در بسیج عضو شوند. آقای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله موسوی‌اردبیلی در جبهه‌ها بودند و به عنوان مشارکت در طرح لبیک یا خمینی شخص رئیس‌جمهور در آن زمان یعنی حضرت آقا در مانورهای جمعی حضور پیدا می‌کردند، به عنوان مثال بنده اعزام بزرگی در زنجان داشتم و آقا می‌فرمودند من اینجا صحبت می‌کنم، در یزد اعزامی بود و فلان آقا می‌گفتند من سخنرانی می‌کنم، لذا این جمعیت عظیم همیشه حضور داشتند ولی همیشه عملیات انجام نمی‌شد. در یک جایی پسرقت نداشتیم ولی برخی جاها پیشرفت هم نداشتیم. تعارف نداریم، جنگ بود. در جنگ جهانی دوم هم همه جا پیشرفت نبود.

آیا تبلیغاتی که علیه جنگ در طول جنگ می‌شود تاثیری بر روحیه مردم می‌گذاشت؟

بعضی وقت‌ها جریان جنگ سخت و مشکل می‌شد، مثل زمانی که دشمن با سلاح‌های شیمیایی گسترده به مردم حمله می‌کرد. در این مواقع آنهایی که در داخل مخالف جنگ بودند از این موقعیت استفاده می‌کردند.

چطور؟

شب‌نامه‌هایی را به عناوین مختلف پخش می‌کردند با این مضامین که چرا از درس ماندید؟ چرا فرزندان خود را می‌فرستید؟ چرا چنین می‌کنید. به خاطر این مباحث ممکن است مشارکت مردم در جنگ آن طور که باید باشد

آقای رحمانی شاید مهم‌ترین مسئله که شما در آن زمان با آن روبه‌رو بودید، بحث حضور مردم در جبهه‌ها بود، البته ما در آن زمان اعزام بزرگی به جبهه داشتیم، اما در اواخر جنگ گلیه فرماندهان از کمبود نیرو کاملاً مشخص است. آیا در پایان جنگ ما شاهد کم شدن علاقه مردم برای حضور در جنگ بودیم؟

اجازه بدهید من باید در اینجا مسئله را روشن کنم و آن هم جریان عمومی جنگ است. دقت کنید که جنگ فراز و نشیب دارد. چه ابتدای جنگ و چه اواسط جنگ و چه آخر جنگ، همه این حرف‌ها در خصوص دلسردی مردم از جنگ بوده است. من به عنوان مسئول بسیج در دوران دفاع مقدس بیشتر عمر و زندگی خود را وقف بسیج کردم، همه رفقای ما این کار را انجام می‌دادند، هر کسی مسئولیتی داشت اخلاص و عظمت و فداکاری مردم را می‌دیدید. این مسئله که در مقاطعی احیاناً آن مقداری که باید نیرو در جبهه باشد، نبود، بستگی به سازمانده‌هایی داشت که در پشت جبهه صورت می‌گرفت یا شرایطی که در جبهه می‌گذشت. مثلاً فرض کنید در سال‌های ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ در برخی از این اوقات عملیات در جبهه سالانه شده بود یعنی برخی جاها به بن‌بست می‌خوردند و پیش نمی‌رفت.

می‌توانید مثالی از فراز و فرودها بزنید؟

عملیات خبیر تا عملیات بدر یک سال طول کشید. در میانه این دو عملیات درگیری‌هایی بود ولی جبهه در رکود بود. در همان زمان یک طرحی به نام طرح لبیک یا خمینی اجرا و اعزام‌های

آمادگی دفاعی برای این نسل انقلابی و دستیابی به ارتش ۲۰ میلیونی است. این ارتش ۲۰ میلیونی هم مرکب از ۱۰ میلیون جوانان مرد و ۱۰ میلیون دیگر از زنان است. شما نسبت به هیچ کدام از جحیت قاتل نشوید. هنوز در کشور ما مسئله بانوان برای خیلی‌ها روشن نیست و بدانید عقیده من بر این است نقشی که خانم‌ها در جمهوری اسلامی در انقلاب داشتند، اگر بیشتر از آقایان نباشد، کمتر نیست.

پس امام نیم‌نگاهی هم به گسترش حضور زن‌ها در عرصه دفاعی کشور داشتند؟

بله ایشان مرتب می‌فرمودند غیر از زن‌ها چه کسی اجازه داد فرزندان آنها در تظاهرات شرکت کنند؟ چه کسی اجازه داد همسرانشان در تظاهرات شرکت کنند؟ چه کسانی زندگی را اداره کردند تا در نبود فرزند و همسر وقتی که در شکنجه‌گاه یا تظاهرات یا متواری بودند، مشکلی ایجاد نشود. مخصوصاً یکی دو سال اخیر انقلاب که رژیم گذشته به مردم بسیار تنگ گرفته بود. هر کدام را امام بیان می‌کردند برای من ملموس بود. منظور امام این بود اگر خانم‌ها و بانوان اجازه نمی‌دادند اتفاقات دیگری رقم می‌خورد، از این رو به من امر کردند که به این مسئله توجه جدی داشته باشم تا به نحو خوبی هم بسیج خواهران و هم بسیج برادران تشکیل شود. بعد از اینکه رفتیم و مشغول شدیم، مدتی که فعالیت کردیم از ایشان اجازه خواستم گزارشی خدمت امام بدهم. الان فراموش کردم برای چه زمانی است اما امام در آن زمان بر این نکته تأکید کردند که باید توانمندی‌های کشور در حوزه دفاعی تقویت شود و این تنها با گسترش بسیج عملی خواهد شد.

شد به امارات برویم. تا مقدمات این انتصاب طی شود، قرار بود محضر ریاست محترم جمهوری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بروم و استوارنامه خود را بگیرم. ایشان هم آقای مادرشاهی را خواسته بودند تا با من همراهی کنند. ساعت ۱۰ شب بود که حاج احمد آقا به منزل ما آمدند. منزل ما هم در جماران بود. ایشان آنجا آمدند و تعجب کردم. گفتند امام فرمودند فردا صبح خدمت ایشان برسید. ساعت ۸ صبح آنجا بیایید. گفتم باید فردا ریاست جمهوری بروم. گفتند امام فرمودند و آنها را درست می‌کنیم. گفتند با آقای ولایتی تماس می‌گیرم و اطلاع می‌دهم.

در آنجا مسئولیت بسیج به شما از طرف امام ابلاغ شد؟

بله من صبح محضر امام رفتم و ایشان فرمودند سپاه از من فرمانده و مسئولی برای بسیج خواسته است و من هر چه فکر کردم مناسب‌تر از شما به ذهنم نرسید. گفتم هر چه شما امر کنید. بنابراین از فردا آمادگی داشته باشید که شما را برای بسیج معرفی کنیم، ضمناً مطالبی را در بسیج مدنظر داشته باشید. بسیج را عبادتگاه و معبد خود بدانید. من آن زمان خیلی این مطلب را متوجه نشدم. ایشان دریافت من مطلب را متوجه نشدم، فرمودند به احمد گفتم شما که از صبح زود بیدار می‌شوید و تا آخر وقت کارهای من را انجام می‌دهید، اینجا را عبادتگاه خود بدانید و در محضر خدا هستید. من کم‌کم فهمیدم منظور امام چیست. وقتی احساس کنید در حال عبادت هستید معصیت پروردگار نخواهید کرد و شما هم این را در بسیج مغتنم بدانید.

مطلب دوم این بود که فرمودند هدف ما از تشکیل بسیج فقط مسئله جنگ و جبهه نیست بلکه ایجاد



من صبح محضر امام رفتم و ایشان فرمودند سپاه از من فرمانده و مسئولی برای بسیج خواسته است و من هر چه فکر کردم مناسب‌تر از شما به ذهنم نرسید. گفتم هر چه شما امر کنید. بنابراین از فردا آمادگی داشته باشید که شما را برای بسیج معرفی کنیم، ضمناً مطالبی را در بسیج مدنظر داشته باشید

در دوره‌ای تبلیغات از داخل و خارج خیلی وسیع شد. می‌گفتند بسیجیان را در جبهه با زنجیر می‌بندند یا به زور می‌برند و چون بزرگ‌ترها نمی‌روند بچه‌های کوچک و دانش‌آموزان را می‌برند. این تبلیغات آنقدر وسیع بود که حتی در درون پایگاه‌های ما می‌دیدیم شب‌نامه پخش می‌کردند

مسجد الرحمان من را دیدند و دور من را گرفتند. مسئول بسیج این مسجد گزارش داد که ۹ گروه مقاومت هستند و اکثراً تحصیلات عالی دارند. همیشه از این پایگاه یاد می‌کنم. ما ۲۱ هزار و ۵۰۰ پایگاه داشتیم. شاید برخی ۱۰ گروه مقاومت داشتند. من خدمت آقا عرض کردم چیزی که کاشتم را باید درو کنیم.

این سرمایه‌گذاری در زمان همان اعزام درو شد، البته فکر می‌کنم تمام کشور به نوعی در این اعزام سهیم داشتند.

بله. گفتیم هر پایگاه در شهر و روستا هفت نفر اعزام کنند. دو نفر هم ارفاق می‌کنیم که اتفاقی بیفتند. الان اشاره‌ای داشته باشم که آذربایجان شرقی ۸ هزار نفر اعزام کرد، اصفهان ۸ هزار نفر اعزام کرد، ایلام که کوچک است هزار و ۵۰۰ نفر اعزام کرد، کرمانشاه ۴ هزار و ۵۰۰ نفر اعزام کرد، بسیج عراق ۴ هزار نفر اعزام کرد. علاوه بر بسیج ایران بسیج عراق هم تشکیل داده بودیم که برای مجلس اعلا بود. تهران ۱۴ هزار نفر اعزام کرد، خراسان ۱۴ هزار و ۵۰۰ نفر اعزام کرد، مازندران ۱۰ هزار نفر اعزام کرد، قم هزار و ۲۰۰ نفر اعزام کرد، هرمزگان ۵ هزار و ۵۰۰ نفر اعزام کرد و همدان ۵ هزار نفر اعزام کرد. این از سراسر استان‌ها هماهنگ شد و برنامه‌ریزی کردند و تصویری نبود که در خیال باشد. همه در تهران حضور داشتند و در این مراسم مهم شرکت کردند. ما ترتیبی دادیم که امام هم به استادیوم بیایند ولی گفتند ممکن است خطری پیش آید و خلاصه منتفی شد. کسی که آنجا را اداره کرد آیت‌الله خامنه‌ای بود و رژه در این بزرگراه کرج انجام شد. بنابراین این حرف درستی نیست که کسی جبهه نمی‌رفته است. اینها با اختیار و خواسته خود در اعزام ۱۰ هزار نفری شرکت کردند. کربلای ۵ معلول این حضور چشمگیر است و الحمدلله دستاورد بزرگ کربلای ۵ بعدها منجر به پذیرش قطعنامه و انهدام ماشین جنگی دشمن و تسلیم شدن او در برابر انقلاب اسلامی بود.

مشکلات لجستیک را چگونه حل کردید؟

خوشبختانه کمک‌های مردمی همه را حل کرد. ما برنج این نیروها را از شمال کشور گرفتیم. روغن حیوانی را یک استان اهدا کرد. همه و همه با کمک‌های مردمی حل شد. ما حتی مجبور شدیم برخی از ساختمان‌های نیمه‌کاره در مجتمع اسکان را بازسازی و بخشی از نیروها را در آن ساکن کنیم. در کنار این ملاحظات لازم نیز برای انتقال نیروها انجام شد و برای سوخت‌رسانی به خودروها تانکرهای متحرک را در جاده‌ها به راه انداختیم تا به اتوبوس‌ها گازوئیل برسانند. همچنین پدافند هوایی نیز در کنار استادیوم مستقر شد تا خدای نکرده دشمن از فرصت سوءاستفاده نکند. هنگام حضور نیروها هم دو فروند هواپیمای اف ۱۴ در حال گشت‌زنی در اطراف استادیوم بودند. تمام این تدابیر خوشبختانه به آن تجربه بزرگ منجر شد که من تأثیرات آن را در جبهه‌های جنگ خدمت شما عرض کردم.

جناب رحمانی از وقتی که برای گفت وگو با ما اختصاص دادید متشکریم. ■

را می‌خواهیم بیاوریم و چه کار کنیم که این انجام شود. رفقا استقبال خوبی در بسیج کردند، البته برخی متأسفانه قبول نداشتند و می‌گفتند امکانپذیر نیست و این برای جمهوری اسلامی بد است. به شما عرض کنم که حتی برخی برخلاف واقع برای امام نوشتند برای جبهه‌ها جمعیت نمی‌آیند.

از طرف چه کسانی این شبهه برای امام ایجاد شد؟

اجازه دهید اسم بیاورم. این برنامه‌ریزی گسترده برای خنثی کردن همان جو منفی بود که گفتم و خوشبختانه به همراه سایر دوستان این کار بزرگ را انجام دادیم. ظرف دو سه ماه تبلیغات ما با همراهی سایر بزرگان انجام شد. خوشبختانه وقتی به میدان وارد شدیم و تأیید دیگران را دیدیم، مخالفت‌ها از بین رفت و این اعزام بزرگ انجام شد.

در جمع‌آوری این جمعیت عظیم در آن زمان دچار مشکل نشدید چون به هر حال ۱۰ هزار نفر جمعیت عظیمی بود؟

عظیم بود ولی اصلاً ناممکن نبود. بر اساس تجربیات گذشته ما برای ۱۱۲ آذر ۱۳۶۵ برنامه‌ریزی کردیم. خوشبختانه این اعزام توانست تأثیرات بسیار مفیدی را در تغییر کلی توازن به نفع جبهه داشته باشد. حضور سپاه محمد کربلای ۵ را به وجود آورد و سرنوشت جنگ را دگرگون کرد. ما برای حضور نیروها سهمیه‌بندی کردیم. محضر آقا رسیدیم که رئیس‌جمهور بودند و گفتند برخی زیاد خوش‌بین به این شعاری که شما دادید نیستند. گفتم با راهنمایی شما این آمار را می‌دهم که ۲۱ هزار و ۵۰۰ پایگاه و ستاد ناحیه مقاومت در شهر و روستا و عشایر داریم. هر کدام از این پایگاه‌ها چقدر نیرو دارد؟ یک بار در تهران بمباران شده بود از قم می‌آمد، یک باره در خیابان‌ها که صدای انفجار می‌آمد ترسیدم، نماز مغرب و عشا را هم نخوانده بودم. غروب بود و یک ساعت از اذان گذشته بود. به مسجد الرحمان در خیابان سپهبد قرنی رسیدم و چشمم به پایگاه مقاومت افتاد، ماشین را پارک کردم و داخل رفتم. مشغول نماز شدم و نماز دوم را می‌خواندم که بچه‌های بسیج

مختلف کمک‌های زیادی دریافت کردیم. مردم بزرگ ما همین طور که در جهاد نفس و جانی در جبهه حضور داشتند، در جهاد مالی هم به همان صورت مطابق قرآن حضور داشتند. اگر کسی بگوید کمبود داشتیم این جزوه عملکرد یک ساله بسیج را ارائه می‌دهم. ببینند لشکرها و تیپ‌ها و همه چگونه امکانات را دریافت می‌کردند، البته جنگ بود و نمی‌توان گفت هر چه می‌خواستیم به وفور بود ولی در عین حال تبلیغات وسیع وجود داشت و حتی برخی از مسئولان ما هم باور کردند. اینها گذشته است و نمی‌توان برخی حرف‌ها را پنهان کرد و الحمدلله الان پیروزی‌های بزرگی به دست آورده‌ایم ولی یک عده‌ای درون سازمان‌های رزم ما بودند، ممکن است از این بهانه می‌گرفتند که نیرو نداشتیم و اگر نیرو داشتیم چنین و چنان می‌کردیم. این هم وجود داشت.

اگر اجازه دهید سراغ اعزام سپاه ۱۰۰ هزار نفری محمد رسول‌الله به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل برویم. این اعزام یکی از بزرگ‌ترین تجمعات بسیجیان بود که در زمان جنگ انجام شد که خب زمینه‌ساز عملیات‌های بزرگی همچون کربلای ۴ و ۵ بود. فکر می‌کنم این اعزام هم در راستای مقابله با همان فضای تخریبی بود که علیه جبهه‌های جنگ شکل گرفت؟

برای مقابله با این موج تبلیغاتی به دنبال این بودیم که ابتدا با امام مشورت کنیم. محضر ایشان رفتم و گفتم چنین فضایی وجود دارد. امام همانند ما نبود که بولتن‌های خود را دور سر خودمان می‌گردانیم. امام علاوه بر آنکه ضروری بود اکثر شبکه‌های خارجی را گوش می‌کردند، لذا وقتی خدمت ایشان گفتم فرمودند ببینید چه هجومی است و رادیوهای بیگانه این مطالب را بیان می‌کنند. به ایشان گفتم می‌خواهم اعزام ۱۰۰ هزار نفری را در این هفته برای هفته بسیج آتی سازماندهی کنم. ایشان گفتند خیلی خوب است. همین مطلب را بیان کردند و بیشتر هم صحبتی نکردند. من به ستاد بسیج آمدم و همه جمع شدیم و برای ایمن برنامه‌ریزی کردیم. گفتیم ۱۰۰ هزار نفر

اتفاق نیفتد، از همین رو بود که ما بحث جذب و توسعه بسیج را پیگیری می‌کردیم که یکی از آنها همایش‌های سالانه فرماندهان بسیج بود که برگزار می‌شد، یکی از تلاش‌ها هم برگزاری سمینارهای سالانه هفته بسیج و اعزام‌های آن را داشتیم که بزرگ‌ترین آن اعزام ۱۰۰ هزار نفری سپاه محمد بود. در همان دوره توسعه پادگان‌ها را داشتیم. توسعه در جذب داشتیم. تحول در آموزش بود. در سازماندهی بیشتر موفقیت‌هایی به دست آوردیم و راه‌های گسترش جذب نیرو به جبهه‌ها را کسب کردیم. این جواب کسانی است که می‌گویند در آن سال‌ها کسی جبهه نمی‌رفت.

واکنش بزرگان کشور از جمله حضرت امام به این تبلیغات چه بود؟

در دوره‌ای تبلیغات از داخل و خارج خیلی وسیع شد. می‌گفتند بسیجیان را در جبهه با زنجیر می‌بندند یا به زور می‌برند و چون بزرگ‌ترها نمی‌روند بچه‌های کوچک و دانش‌آموزان را می‌برند. این تبلیغات آنقدر وسیع بود که حتی در درون پایگاه‌های ما می‌دیدیم شب‌نامه پخش می‌کردند. نمی‌خواهم اسم گروه‌ها را بیان کنم، کسانی که با جنگ موافق نبودند و پای آنها هیچ وقت به جبهه‌ها نرسید و به فرمایش امام، یک روز خواهد رسید که عده‌ای حسرت جبهه و دفاع مقدس را می‌خورند که چرا در جبهه‌ها نبودیم. از طرف دیگر تبلیغات فراوانی می‌کردند که در جبهه همه گرسنگی می‌کشند، در صورتی که علاوه بر مسئولیت بسیج، من مسئول ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی بودم، در واقع یک شبکه‌ای با قدرت بسیج در کل کشور به وجود آوردم که کمک‌های مردمی هدایت شود. راهکارهای جدیدی که مردم مستأصل نشوند و هر کسی می‌خواهد مشوقاتی برای این کار شود. من از این کاسه گرفتن و گدایی به مناسبت‌های مختلف از ابتدا مخالف بودم و اینها را خلاف عزت بسیج می‌دانستم و اجازه نمی‌دادم هیچ‌گاه این کار را انجام دهند اما باید راه درست طی شود.

این برای همان زمانی بود که شما مسئولیت ارسال کمک‌ها را بر عهده داشتید؟

بله البته کمک‌ها وسیع بود اما برخی مرتب می‌گفتند که مردم کمکی به جبهه نمی‌کنند. در آن زمان برای تسهیل امور من خدمت امام رسیدم و گفتم مردم ما علاقه دارند به جای مالیات کمک به جبهه کنند. این ضرری نمی‌زند اما می‌خواهند پولی که پرداخت می‌کنند در جبهه هزینه شود. این پیشنهاد من به امام بود و ایشان پذیرفتند. ایشان سهم امام را هم اجازه دادند و به حاج احمد گفتند و ایشان هم با دولت صحبت کردند و گفتند آقای رحمانی می‌آیند و توجه داشته باشید. آقای موسوی بودند. ما خدمت ایشان رفتم و توضیح دادیم از طریق وزارت اقتصاد و دارایی اعلام شد هر کسی آن مقداری که پول برای پشتیبانی جبهه و جنگ و رزمندگان می‌دهد همان فیش را به دارایی ارائه دهد و از مالیات فرد کسر می‌شود. از آن روز وضع خرید ما خوب شد. از بیرون و داخل خرید می‌کردیم. سفارخانه‌ها را فعال کردیم. از جاهای



شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان |



فراز و فرودهای بسیج در دوره‌های مختلف در گفت و گو
با سردار علیرضا افشار، فرمانده اسبق بسیج مستضعفین

بسیج الگوی موفق تولید امنیت و اقتدار بومی است

محمد اسماعیلی

از زمان تشکیل بسیج ۴۰ سال می‌گذرد؛ نهادهای که در دفاع از آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی گام‌های مؤثری برداشته و در جهت تأمین منافع مردم از هیچ کوششی مضایقه نکرده است. سازمان بسیج مستضعفین در پنجم آذر ۱۳۵۸ با فرمان حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در دی ماه ۱۳۵۹ به طور قانونی رسمیت پیدا کرد. سردار علیرضا افشار متولد ۱۳۳۰ از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هشت سال جنگ تحمیلی است که از سال ۶۸ تا ۷۶ فرمانده نیروی مقاومت بسیج را بر عهده داشته است و دوره فرماندهی خود در بسیج را موفق‌ترین دوره بسیج می‌داند؛ وی در گفت‌وگویی که با «جوان» انجام داده است فراز و فرودهای بسیج در دوره‌های مختلف زمانی را مؤثر در کار آمدی و توانمندی این نهاد انقلابی می‌داند و بسیج مستضعفین را یک الگوی موفق برای سایر کشورهای مختلف در جهت توسعه امنیت و اقتدار عنوان می‌کند.

آقای افشار به عنوان یکی از فرماندهان بسیج بفرماید، چه ضرورت‌های منجر شد تا حضرت امام (ره) تنها چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دستور به تشکیل بسیج را صادر کنند؟

حضرت امام به عنوان معمار انقلاب قبل از پیروزی نهضت روی ساختار حکومت فکر کرده بودند؛ مثلاً در نجف و نوفل‌لوشاتو فرمایشاتی از ایشان منتشر شده که نشان می‌دهد ایشان برای حکومت اسلامی دوراندیشی و بینشی منحصر به فردی داشته‌اند. یکی از آن شاخصه‌ها، تأکید بر مردم‌سالاری، توجه به مردم، نقش مردم چه در پیروزی نهضت و چه در اداره کشور بوده است. خیلی در ذهن امام این امر برجسته بود و لذا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نهادهای انقلابی یکی پس از دیگری با محوریت مردم شکل می‌گیرد. نهادهای انقلابی هم فقط برای حضور مردم در عرصه‌های مختلف شکل گرفته است و برخی فکر می‌کنند دلیل آن عدم اعتماد مردم به دستگاه‌های کلاسیک و سنتی است، مثلاً اگر در کنار دولت، جهاد سازندگی ایجاد شده یا در کنار ارتش، سپاه تأسیس شده است، عاملش بی اعتمادی مردم بوده است، خیر اینطور نیست. اتفاقاً امام نسبت به ارتش نظر مثبتی داشتند و به رغم اینکه منافقین شعار انحلال ارتش می‌دادند امام محکم ایستادند و گفتند ارتش باید بماند. اما سپاه به عنوان بستر حضور مردم مکمل ارتش است یعنی فراخوان مردم و آموزش نظامی دادن به مردم

در قالب بسیج صورت می‌گرفت. بسیج و سپاه از هم جدا نیستند. سپاه بدون بسیج هویتی ندارد. سپاه ستاد بسیج است. شما هر بسیجی بخواهید در کشور درست کنید، آموزش نظامی بدهید، سازماندهی و به کارگیری کنید نیاز به یک رده ستادی دارید که آن ستاد سپاه می‌شود. همانند سپاه و بسیج که محور امنیت و اقتدار نظام در حوزه نظامی و امنیتی هستند، در حوزه اقتصادی ما خلأ جهاد سازندگی را کاملاً احساس می‌کنیم و یک نهاد انقلابی و مردمی نداریم. شهید بهشتی می‌فرمودند «سپاه و جهاد دو بال انقلاب هستند». با حذف جهاد در حقیقت یک بال انقلاب را از دست دادیم. البته بسیج سازندگی تا حدودی آن را جبران می‌کند اما قطعاً خلأ جهاد سازندگی کاملاً احساس می‌شود. فلسفه تشکیل بسیج و سپاه این است که بستری برای حضور مردم در عرصه دفاع و امنیت کشور باشد. این نظر حضرت امام بوده که فرمودند: مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد، ۲۰ میلیون تفتنگار باید داشته باشد. قبل از بروز جنگ تحمیلی این فرمایش را داشتند که این نشان دهنده نهادینه ساختن مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف است. در حوزه بسیج هم در بخش دفاع و امنیت بوده است. این مقدمه‌ای بود که باید عرض می‌کردم. بحمدالله بسیج را نتوانستند منحل کنند، نه اینکه نخواستند، بلکه اراده‌ای برای انحلال سپاه و بسیج بود.

در داخل چنین اراده‌ای وجود داشت؟

متأسفانه بله.

در همان سال‌های نخست انقلاب؟
خیر، در اواخر جنگ بود. در اواخر جنگ گروهی مأمور شدند...
چه گروهی بودند؟
نمی‌توان بیان کرد.
این گروه همان گروهی است که بیان می‌کردند جنگ تمام شده و نیاز به سپاه و بسیج نداریم؟

خیر، اواخر جنگ بود که آقای شیخ‌عبدالله نوری که نماینده ولی فقیه در سپاه شده است، ابتدا نماینده ولی فقیه در جهاد بود و با حفظ سمت آن اواخر نماینده ولی فقیه در سپاه هم شد. ایشان از طرف آقای هاشمی رفسنجانی مأموریت پیدا کرد که طرح ادغام ارتش و سپاه را تهیه کند. یک سال ایشان کار کرد. یعنی با فرماندهان ارتش و سپاه جلسه گذاشت و طرح ادغام را تهیه کردند. نزد ما هم آمدند. آن زمان من در بسیج بودم و گفتم آقای نوری بسیج را مستثنی کنید و این نیروی مردمی است. در مجموع ایشان طرح ادغام سپاه و ارتش را تهیه کرد. خدمت امام می‌برند. امام طرح را می‌بینند و می‌گویند می‌خواهید سپاه را منحل کنید؟ جواب می‌شنوند که خیر، ما می‌خواهیم نیروی زمینی ارتش را به سپاه بدهیم و نیروی هوایی و دریایی سپاه را به ارتش بدهیم که در کل یک ارتش داشته باشیم. امام می‌فرمایند نزد آقای خامنه‌ای بروید و هر چه ایشان بیان کردند. آن زمان مقام

معظم رهبری نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع بودند و بعد اقامت مخالفت می‌کنند و این طرح کنار گذاشته می‌شود و گر نه الان سپاه نداشتیم.

گفته می‌شد خروج شما از جهاد به دلیل اختلاف با آقای عبدالله نوری بود. چنین روایتی درست است؟

بله، به همین دلیل بود. یعنی من مخالف وزارتخانه شدم و گفتم جهاد نهاد مردمی است و وقتی وزارتخانه شود نمی‌تواند هویت مردمی خود را حفظ کند.

بر اساس آنچه گفتید دستاوردهای بسیج در ۴۰ سال اخیر حین جنگ تحمیلی و پس از آن در عرصه جنگ نرم و سایر عرصه‌ها چه بوده است؟

من فکر می‌کنم غیر از نقش اولی که بسیج در تأمین نیروهای جبهه و جنگ و بخش دفاعی داشت (که درباره آن خیلی صحبت شده) می‌توان گفت اگر این روحیه و فرهنگ ایثار و شهادت که بسیجیان با خود به جبهه‌ها می‌بردند، نبود ماً قطعاً قافیه جنگ را باخته بودیم چون در تمام عوامل اقتدار نظامی، دشمن از ما جلوتر بود. معادله قدرت را در دانشگاه‌های نظامی تدریس می‌کنند، مثلاً تعداد جمعیت عراق یک سوم جمعیت کشور ماست اما ارتش عراق با وجود اینکه همیشه تلفات سنگینی می‌دید، دو برابر ما نیرو داشت. عملیات کربلای ۵ باعث شد ۷۰ درصد ارتش عراق منهدم شود اما در پایان جنگ عراق ۵۰ لشکر داشت در حالی که ارتش و سپاه ما با هم

در مقطعی که واحد بسیج بود بیشترین نقش بسیج، در دفاع مقدس بود. فعالیت‌های بسیج فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و به خصوص امنیتی بود. در بخش‌های مختلف ایست و بازرسی‌هایی که در سطح شهرها داشتیم هم حضور فعال داشت

کمتر از ۲۵ لشکر داشتند. ۸۰-۷۰ کشور از صدام در این جنگ تحمیلی حمایت می‌کردند. آن اسرایی که ما از کشور‌های مختلف داشتیم بیانگر این مشارکت‌ها بود و پیشرفته‌ترین تجهیزات، چه شرقی و چه غربی، هر دو بلوک در اختیار صدام بود. چه چیزی معادله قدرت را به نفع ما تغییر داد؟ تنها چیزی که می‌توان بیان کرد همین فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی بود که رزمندگان ما داشتند البته با همین روحیه هم تسلط خود را بر خطوط نبرد فراهم می‌کردند یعنی رشد فنی و تخصصی و نظامی‌گری را با همین روحیه به سرعت پیش می‌بردند. لذا نقش بسیج را می‌توان غیر از عوامل انسانی که تأمین می‌کردند، روحیه و فرهنگ ایثار و شهادتی دانست که در جبهه‌ها به واسطه حضور این عزیزان در اوج خود قرار داشت و مایه پیروزی ما بر دشمن شد و قطعاً لطف الهی هم در رابطه با این فرهنگ شامل این عزیزان شد.

در دوره فرماندهی شما در بسیج، شاهد تغییر در ساختار بسیج و ایجاد نیروی مقاومت بسیج هستیم و علیرضا افشار به عنوان اولین فرمانده نیروی مقاومت است، چنین تغییراتی بر حسب چه ضرورت‌هایی شکل گرفت؟

من هم می‌خواهم بیشتر به بسیج دهه ۷۰ و شکل‌گیری نیروی مقاومت بسیج اشاره کنم، در طول دفاع مقدس بسیج به صورت واحد عمل می‌کرد. واحد بسیج ستاد مرکزی سپاه بود و در استان‌ها و شهرستان‌ها هم واحد بسیج داشتیم ولی به صورت نیرو عمل نمی‌کرد و سلسله مراتب طولی نداشته است. حتی در خیابان فلسطین، محل سابق بسیج، دفتری داشتیم که نیروی متخصص جذب می‌کرد. نیروهای تخصصی که مورد نیاز جبهه‌ها بود از نجار، خیاط و هر تخصصی که جبهه نیاز داشت در آن دفتر جذب و به لشکرها اعزام می‌کردیم. دانشجویان دانشگاه‌ها عموماً آنهایی که داوطلب رفتن به جبهه بودند می‌رفتند و مرکز آموزش خاتم‌الانبیا داشتیم. واحد بسیج بخش‌های مختلفی داشت. حتی برای نمایش اقتدار یک رژه نیروهای بسیجی را در سطح شهرها قبل از اعزام داشتیم که اولین مورد لشکریان فجر بود که قبل از عملیات والفجر مقدماتی بسیجیان در قالب یگان‌هایی بالباس و کلاهخود در سطح شهرها رژه رفتند و این روی فضای روحی و روانی کشور تأثیر داشت ولی از آن قوی‌تر سپاهیان محمد رسول‌الله (ص) بود که در استادیوم آزادی اجتماع عظیمی از رزمندگان تشکیل دادند که می‌خواستند به جبهه اعزام شوند.

این اعزام خیلی رعب در دل دشمن ایجاد کرد و این جمعیت عظیمی که به سمت جبهه می‌آمدند بسیار مؤثر بود، چون آنها مرتب می‌گفتند به واسطه فشاری که به مردم از جهات مختلف وارد می‌شود، مردم استقبال نمی‌کنند ولی اینطور نبود. به محض اینکه امام اعلام فراخوانی می‌دادند جمعیت قابل توجهی به سمت جبهه‌ها حرکت می‌کرد.

اینکه نام بسیج از نیروی مقاومت بسیج به سازمان بسیج مستضعفین تبدیل شد بر چه اساسی صورت گرفت؟

باید بگویم نیروی مقاومت بسیج داستان مفصلی دارد. با تشکیل سازمان به نظر من قدری بسیج افت کرد و خیلی مشکلات برای بسیج ایجاد شد. من در تحلیل خودم اوج بسیج را در دوره نیروی مقاومت می‌دانم، باید بدانیم بعد از جنگ، فرمان آقا بود که تشکیل نیروی مقاومت صورت بگیرد.

به هر حال بسیج سه مقطع دارد. یکی واحد بسیج، یکی نیروی مقاومت بسیج و دیگری سازمان بسیج است. این سه دوره را باید از هم تفکیک کنیم. واحد بسیج زیر نظر سپاه بود. فرقی نمی‌کند، چه واحد بسیج و چه نیروی مقاومت زیر نظر سپاه بود. مقاومت بسیج باعث شد اقتدار ستادی قوی‌تری پیدا کند. البته باید بیشتر درباره نیروی مقاومت صحبت کنیم چرا که بسیج دهه ۷۰ اوج موفقیت‌های بسیج بود.

چه نتایج و آثاری را می‌توان برای این سه دوره بر شمرد؟

در مقطعی که واحد بسیج بود بیشترین نقش بسیج، در دفاع مقدس بود. فعالیت‌های بسیج فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و به خصوص امنیتی بود. در بخش‌های مختلف ایست و بازرسی‌هایی که در سطح شهرها داشتیم هم حضور فعال داشت. چون همزمان با دفاع مقدس و وضعیتی که در جبهه‌های جنگ تحمیلی داشتیم در داخل کشور هم حرکت‌ها و آشوب‌هایی بود، اقدامات و تحرکات گروهک‌های تروریستی بود که آنجا هم نقش بسیج و نیروهای مردمی تعریف شده بود و فعالیت‌هایی در قالب ایست و بازرسی‌ها و فعالیت‌های اطلاعاتی و بسیج انجام می‌شد. یک سال ماند به پایان جنگ حضرت امام (ره) در برابر درخواست فرمانده کل سپاه،



سردار محسن رضایی، که نامه‌ای خدمت امام نوشته بود و از ایشان درخواست کرد اجازه بدهند یگان‌های دریایی و هوایی داشته باشیم؛ حضرت امام نیز چون افاق بلندی برای سپاه می‌دیدند اجازه دادند نیروی دریایی و هوایی و یگان‌های نیروی زمینی ایجاد شود.

این سه نیرو در سپاه شکل گرفت. یعنی سپاه سه نیرو داشت. اما با سپاهی که در استان‌ها و شهرستان‌ها و روستاها به نام سپاه کشوری بود در واقع سپاه صاحب چهار نیرو بود.

بعد از رهبری مقام معظم رهبری فکر می‌کنم اولین جلسه بود که معظم له بعد از رهبری برای بازدید به سپاه آمدند. مراسم صبحگاهی بود و بعد در دفتر کل سپاه تشریف آوردند. آنجا بحث نیروها مطرح شد و از ایشان پرسیده شد که حضرت تعالی فکر می‌کنید جنگ تمام شده نیروها بمانند یا خیر؟ مقام معظم رهبری فرمودند نیروها که باید با قوت بمانند، نیروی زمینی، دریایی و هوایی باید بمانند. البته یک نیروی قدس را رهبری در همین جلسه موافقت کردند که مربوط به فعالیت‌های

برون مرزی سپاه می‌شد. در آن جلسه عرض کردم برای بسیج چه فکری می‌کنید که در تبادل نظر معظم له ضمن موافقت، فرمودند نیروی مقاومت بسیج عنوان خوبی است و تأکید کردند که یک نیرو هم برای بسیج اختصاص پیدا کند. در حقیقت نیروی مقاومت بسیج با تدبیر مقام معظم رهبری شکل گرفت. همین سپاه کشوری که در حقیقت بدنه آن بدنه بسیج در استان‌ها و شهرستان‌ها و روستاها و ستادهای سپاه استان و شهرستان بود به عنوان نیروی مقاومت بسیج تصویب شد. چند روز بعد هم سردار محسن رضایی به بنده حکم راهاندازی نیروی مقاومت بسیج را دادند چون بسیج تا آن زمان نیرویی نداشت. برای تشکیل ستاد در پادگان امام حسن (ع) جایی را در نظر گرفتیم و نیروی مقاومت آنجا به تدریج شکل گرفت. بعد از آتش‌بس تهدیدات جدی در عرصه‌های جنگ نرم داشتیم که مقام معظم رهبری بارها بدان اشاره داشتند یعنی فرمودند آن تهدید جدی که کشور را امروز در برابر خود دارد شبیخون فرهنگی است و بر همین اساس اولویت نخست بسیج در همین زمینه شکل گرفت. آمادگی‌های نظامی هم به جای خود ضرورت داشت. پادگان‌های آموزشی نظامی داشتیم که از قبل، زمان جنگ، موافقتی از شورای عالی پشتیبانی جنگ گرفته

بودیم که در شرایط جنگی در همه شهرهای کشور، اردوگاه قدس برای بسیج داشته باشیم تا نیروهای بسیجی هر شهرستان در آن اردوگاه‌ها آموزش لازم را ببینند. این اردوگاه قدس به تدریج با کمک ائمه جمعه و مسئولان محلی در استان‌ها تبدیل به یک پادگان می‌شد. این ظرفیت بسیار عظیم را در سراسر کشور داشتیم البته بخش عمده اینها را لشکرها و تیپ‌ها وقتی از جبهه برگشتند، گرفتند چون یگان‌های رزم سپاه در مناطق عملیاتی پادگان‌هایی را برای استقرار نیرو ایجاد کردند ولی وقتی به شهر خود بازگشتند آنجا مکان مناسبی نبود و دنبال جایی می‌گشتند، همین اردوگاه قدس را از بسیج گرفتند.

در کل بعد نظامی و آموزش‌های نظامی در بسیج کماکان وجود داشت اما رویکردی به سمت مقابله با تهدیدات نرم شکل گرفت که الان عرض می‌کنم. اولین مسئله توسعه رده‌های مقاومت بسیج مساجد در محلات بود و جذب گسترده نیروهای بسیجی بود.

اجتماعات یکصد هزار نفری در استادیوم آزادی را همان

زمان برپای می‌کردیم حتی برای خواهران اجتماع یکصد هزار نفری بسیج خواهران داشتیم که در استادیوم آزادی بود. پایگاه‌های مقاومت اقتداری تام در محلات پیدا کردند و برای آنها یک حساب جاری با کمک بانک ملی باز کردیم که پول مستقیماً از مرکز به حساب پایگاه‌های مقاومت واریز می‌شد و تلاش‌های زیادی بود که پایگاه‌های مقاومت یک قوت و هویت قوی‌تری پیدا کنند البته بسیج اقشار هم به تدریج در دستور کار قرار داشت که توسعه یابد.

برای توسعه بسیج در میان اقشار مختلف جامعه چه اقداماتی صورت گرفت؟

بسیج ادارات، بسیج کارگری، بسیج اصناف و بسیج طلاب به عنوان یک ضرورت مهم و اساسی در همین دوره درک شد و بر اساس همین ضرورت توسعه در همین زمینه‌ها مورد توجه قرار گرفت. البته بسیج دانشجویی و بسیج دانش‌آموزی از قبل تشکیل شده بود. بسیج جامعه مهندسين، بسیج جامعه پزشکی و... در همان ایام شکل گرفتند. خیلی از بسیج‌ا قشار این چنین بود البته بعداً که مقام معظم رهبری توصیه‌هایی داشتند که بسیج اقشار به سایر گروه‌های اجتماعی توسعه یابد الان ۲۴ بسیج قشر در سازمان بسیج داریم.

محور مهم دیگری که در آن ایام بیشتر مدنظر داشتیم اوقات فراغت جوانان بود که خیلی روی آن تأکید می‌شد مخصوصاً در ایام تابستان و به طور کلی در طول سال این چنین بود. بسیج محوری اولویت کانون‌های فرهنگی و ورزشی جوانان شد. در تمام شهرها کانون‌های بزرگ اجتماعی، فرهنگی و ورزشی ایجاد شد. حتی برای مساجد کانون‌های کوچک‌تر پیش‌بینی شده بود. طرح میثاق را در تابستان‌ها اجرا کردیم که جمعیت زیادی از جوانان را جذب می‌کرد و برنامه‌های فعالیت فوق برنامه و تفریحات سالمی را برای آنها داشت.

یک محور دیگر فعالیت‌های هنری بود که بنیاد روایت فتح تأسیس شد البته قبل از تشکیل نیروی مقاومت بسیج یعنی قبل از آتش‌بس روایت فتح در جهاد سازندگی بود. شهید آوینی آنجا تولید برنامه می‌کرد که من هم با ایشان در ارتباط بودم چون در اوایل جهاد ایشان کار خود را با ما شروع کرد. یعنی دعوت به گروه تلویزیونی جهاد سازندگی بود.

یک حوزه را هم به یادواره‌های شهدا اختصاص دادیم چون به هر حال آتش‌بس شده بود و به نظر می‌رسید که نباید از یاد شهدا غفلت کنیم. واقعا احساس می‌کنم این یادواره‌ها و این ارتباط ما با شهدا و فرهنگ آنها و وصیت آنها چقدر روی نسل جوان امروز ما تأثیر گذار است. کنگره‌های سرداران شهید تشکیل شد. در هر استان یک کار بسیار سنگین هنری و فرهنگی بر گزار می‌شد تحت عنوان کنگره سرداران شهدای استان که هر سال یک استان را انجام می‌دادیم. یک کار جالب دیگر اردوگشی‌های رزمی بود.

بسیج در آن دوره زمانی در غائله‌های شهری نیز حضوری فعال داشت؟

گردان‌های عاشورا و الزهرا بعد از تشکیل نیروی مقاومت بسیج راهاندازی شد. مخصوصاً حوادثی که در اغتشاشات شهری وجود داشت، در مشهد، اراک، شیراز و... وجود داشت. شاید آن زمان را به خاطر نداشته باشید ولی آشوب سنگینی را از خارج کشور مدیریت کردند و تمام بانک‌ها و مغازه‌ها و خیابان‌های وسیع به دست افراد اوپاش آتش می‌گرفت و هیچ دفاع شهری نداشتیم.

مسئله امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با مفاسد اجتماعی یکی دیگر از اقدامات موثر این دوره زمانی بود. البته حرکت اولیه و جریان اصلی بسیج ترویج فرهنگ انقلاب و ارزش های انقلابی-دینی به شکل های مختلف در پایگاه های مقاومت و پایگاه های بسیج بود

ابهام دارد چرا که حفظ هویت سازمانی یک اولویت مهم است؛ اما این اتفاق نیفتاد و عملاً نه سازمان بسیج به آن معنا راه افتاد و نه اینکه یک ستاد تخصصی برای ستاد سپاه شکل گرفت. یعنی عملاً در مدیریت بسیج دچار مشکل شدیم و این پراکندگی و رخت طوری ایجاد شد که همه احساس می کردند، در نیروهای مقاومت بسیج ضعیف شده است.

دلایل دیگری را هم می توان برای موفقیت آن دوره زمانی ذکر کرد؟

انسجام و اقتدار و یکپارچگی ستاد نیروهای سپاه های استانی یک اولویت مهم و حیاتی دیگر بود. جز انسجام و تداوم آن دلیل دیگری نیست. من ۸ سال در نیروی مقاومت بودم، ۸ سال هم آقای حجازی که باهم ۱۶ سال می شود. این ثبات برنامه ها و تداوم برنامه ها تأثیر گذار است تا این که برادری اینها را کنار بگذارد و کار دیگری را شروع کند. این به نظر من ثبات، انسجام، تداوم منجر به حمایت های بی دریغ مقام معظم رهبری نیز شد و البته الان هم ایشان حمایت های گسترده ای از بسیج دارند.

خب در دوره های بعد همچنان شاهد ایده های نو در بسیج بوده ایم؟

ایده ها همچنان وجود دارد مخصوصاً در زمان سردار نقدی ایده های متنوعی معرفی شد ولی قدرت اجرایی نداشتند. خودشان هم مدعی بودند که قدرت اجرایی نداشتند و ایده ها روی زمین می ماند و در رده ها حمایت نمی شد در حالی که بودجه بسیج خیلی افزایش یافت. زمانی که مانیروی مقاومت بسیج بودیم کل بودجه بسیج برای همه رده ها ۴/۵ میلیارد تومان بود.

از همان سال ۶۸ رقم کل بودجه ۴/۵ میلیارد بود؟

خیر، قبل از ۷۶ کمتر هم بود و میانگین این سالها را عرض می کنم. حداکثر بودجه ای که من آخرین دوره گرفتم ۴/۵ تا ۵ میلیارد تومان بود با این همه رده هایی که گستردگی زیادی داشت البته بعد از من که سردار حجازی تشریف آوردند جهش اعتباری داشتیم به واسطه دو درصد سود کار خانجات که قانون تصویب کرده بود، در اختیار بسیج قرار دادیم. به نظرم می رسد که آن دوران، دوران درخشانی بود و الان هم البته زحمت زیادی کشیده می شود و بسیج هم واقعاً تلاش های خوبی دارد و کار های خوبی هم صورت می دهد ولی به اعتراف همه عزیزان دهه ۷۰ دوره طلایی و بهتری بود.

یکی از اتهاماتی که به بسیج می زنند اتهام فعالیت سیاسی و دخالت در فضای سیاسی کشور است؛ نظر شما درباره این اتهامات چیست؟

در کل بسیج همانطور که در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، امنیتی، دفاعی و غیره مأموریت دارد در عرصه سیاسی هم مأموریت دارد و نمی توان گفت هیچ مأموریتی ندارد. مقام معظم رهبری به صراحت تأکید فرمودند باید بسیج فعالیت سیاسی داشته باشد، منتها این چارچوب فعالیت سیاسی نباید منجر به دخالت در جناح بندی ها شود. وقتی می گوئیم بصیرت افزایی بسیج یعنی مردم دشمن شناس و مصلحت شناس باشند و مصالح خود، نظام و انقلاب را در بعد ارزش های انقلاب در نظر بگیرند. به هر حال اینها را به عینت ببینند که کجا تقویت می شود و کجا ضربه می خورد و از کجاها ممکن است دچار سستی و ضعف شویم. لیبرالسم یک تفکر است، تکنوکراتی در حوزه اقتصادی یک نظر به است. وقتی به این نظریات می پردازیم ممکن است مواضع

مهم بهداشتی بود که بسیج پای کار آمد و با کمک وزارت بهداشت توانستند فلج اطفال را در کشور ریشه کن کنند. کار بسیار ارزشمندی بود. بعد از این موفقیت خدمت مقام معظم رهبری هم رسیدیم و ایشان خیلی استقبال کردند و گفتند کار بسیار خوبی بوده و ادامه بدهید. ماطرح های زیاد دیگری تهیه کردیم. طرح کمر بند سبز ایران بود که در تمام نقاط مرزی زمین های مستعد زیر بار کشاورزی برود، در بخش هایی شروع شد ولی متأسفانه بعدها دولت ها حمایت نکردند. یک طرح که خیلی مهم است و الان هم به عنوان یکی از مشکلات کلیدی نظام مطرح است خصوصی سازی مؤسسات دولتی و شرکت های دولتی بود که روی دست دولت مانده است. کار خانجات بزرگ و مؤسسات بزرگی هست چون اینها زیان ده هستند، هیچ کس سرمایه خوبی نمی گذارد و ارزان می خرد، بعد می گویند بیت المال را مفت فروختند. این بحث خصوصی سازی به این دلیل معروف شده است. به یاد دارم در آن زمان گفتم بسیج این مؤسسات را می خرد و سهام آن را بین بسیجیان و مردم توزیع می کند و این اتفاق افتاد. این فرآیند را جلوی بردیم که کات کردند و اجازه ندادند ادامه یابد و حوزه اقتصادی و بسیج سازندگی هم فعالیت های متنوعی صورت گرفت که به هر حال جای طرح آن در اینجا نیست.



نقتهای چراده دهه ۷۰ را موفق ترین دوره بسیج می دانید؟

نیروی مقاومت هویتی داشت که ستاد فرماندهی و مدیریت مستقلی بود که می توانست این تنوع برنامه ها و گستردگی کار را مدیریت کند. وقتی تبدیل به سازمان بسیج شد این ستاد کوچک شد. سپاه هم گرفتاری های زیادی داشت. ستاد سپاه نمی توانست با ستاد بسیج جایگزین شود. به هر حال کشور در بخش های مختلف مشکلاتی داشت مخصوصاً تهدیدات برون مرزی و مسائلی که وجود داشت، تقویت نیروی قدس و امثالهم و کارهایی که در مجموعه سپاه رقم می خورد. لذا ستاد بسیج ضعیف و محدود شد و خود به خود این تأثیر را روی رده ها گذاشت. سپاه های استان که در حقیقت اقتدار بسیج به سپاه های استانی آن بود از بسیج گرفته شد و زیر نظر سپاه آمد. در حقیقت بین ستاد بسیج و سازمان بسیج باردهای بعدی یعنی شهرستان و بخش و روستا قطع رابطه اتفاق افتاد. سپاه استان سلسله مراتب را قطع می کند و این ساختار

به آن جریان تشکیل شد. مؤسسه امام خمینی و آیت الله مصباح یزدی زحمت کشیدند در اردوگاه سیدالشهدا تعدادی دانشجو دعوت کرده و دوره ۴۰ روزه برای اینها گذاشتند و به قدری مؤثر بود که بعداً اینها به راحتی می توانستند پاسخ ابهامات و سوالات و شبهاتی که مطرح می شود را در قالب طرح ولایت بدهند که سال های بعد هم به سطح دانش آموزی انتقال پیدا کرد و دوره هایی برای دانش آموزان در سطح خودشان برگزار کردند. دوره ای که من در نیروی مقاومت بسیج بودم در مقطعی آقای قالیباف جانشین من بود و آقای حجازی رئیس ستاد من بودند. وقتی آقای قالیباف رفتند آقای حجازی جانشین من بودند. بعد از این که من از فرماندهی نیروی مقاومت رفتم آقای حجازی که فرمانده نیروی مقاومت شدند همان برنامه ها را ادامه دادند. به نظر من موفقیت بسیج در دهه ۷۰ که همه عزیزان صاحب نظر از آن یاد می کنند به دلیل تداوم برنامه ها بود که هیچ برنامه ای قطع نشد.

در واقع تداوم برنامه های مثبت را از کار کردهای مثبت دوره فرماندهی بعد از خود می دانید؟

آن برنامه هایی که اشکال داشت، اشکالات را برطرف می کردند. هیچ برنامه ای کنار گذاشته نمی شد. باید

بلافاصله گردان های عاشورا و الزهرا را تشکیل دادیم که آموزش های لازم را دیدند و حالت بازدارندگی پیدا کرد. وقتی گردان های عاشورا رزمایش شهری برگزار می کردند از هر گونه آشوب شهری پیشگیری می کرد حتی مایک کاربرد دیگر برای گردان های عاشورا و الزهرا پیش بینی کردیم که برای امداد و نجات بود. حوادث زیادی از جمله زلزله، سیل و حوادث غیر مترقبه داشتیم که از کان گردان های عاشورا دو گروه شدند و همین گردان آمادگی پیدا کرده بود برای اینگونه حوادث بلافاصله در محل حضور پیدا کنند و در زلزله روبرار و جاهای دیگر شاهد این حضور بودیم.

دستاوردهای دیگری هم می توان برای نیروی مقاومت بسیج در زمان فرماندهی شما نام برد؟

مسئله امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با مفاسد اجتماعی یکی دیگر از اقدامات موثر این دوره زمانی بود. البته حرکت اولیه و جریان اصلی بسیج ترویج فرهنگ انقلاب و ارزش های انقلابی-دینی به شکل های مختلف در پایگاه های مقاومت و پایگاه های بسیج بود. قبلاً از نظر نظم شهری اوضاع مناسبی نبود، به عنوان نمونه در ایست و بازرسی هایی که با هدف ارتقای امنیت صورت می گرفت چون بسیج ضابط قضایی نبود در دادگاه ها معمولاً محکوم می شد. با دستور مقام معظم رهبری به مجلس قانونی تصویب شد که تمامی بسیجیان بعد از طی دوره آموزشی و دریافت کارت به ضابط قوه قضائیه تبدیل شده اند. بر همین اساس مراکز اجرایی امر به معروف و نهی از منکر را در سراسر کشور راه اندازی کردیم. همین مراکز اجرایی امر به معروف و نهی از منکر به دلایل مختلفی نتوانست ادامه کار دهد.

ایده راهیان نور بر اساس چه ضرورت های مطرح و اجرایی شد؟

کار مناسب دیگری که صورت گرفت بحث راهیان نور بود. اینها الان رویدادهای مهم کشور است که نسل جوان ما را با فرهنگ و ارزش های دفاع مقدس آشنا می کند. بعد از آتش بس بود که تعدادی از خانواده های شهدا به عشق شهید خود مناطق عملیاتی را بازدید می کردند. بسیج به این نتیجه رسید که این کار کشنکی است و تأثیر خوبی در روح و روان افراد می گذارد لذا کار را توسعه دادند. بازسازی مناطق عملیاتی صورت گرفت. در منطقه ای که عملیاتی انجام شده بود چون همه چیز تخریب می شد و از بین می رفت، شلمچه و اروندرود و سایر نقاط سپاه و نیروی مقاومت بسیج تلاش کردند و این راهیان نور تبدیل به دانشگاهی شد که مردم به خصوص نسل جوان را با آن حماسه ها و افتخارات گذشته آشنا کند. حتی روایاتی تربیت شدند که همراه این کاروان ها به آنجا می روند و شرایط جنگی را توضیح دهند. تربیت روایان هم بر عهده مجموعه ما بود.

طرح ولایت هم در همان بازه زمانی عملیاتی شد؟

بله طرح ولایت در همان دوره طرح ریزی شد. این طرح بر اساس یک دغدغه مهم و ناشی از احساس مسئولیت نسبت به انقلاب و اسلام شکل گرفت. در سال ۷۶ که جریان دراندیش و لیبرال و از نظر سیاسی و تکنوکرات از نظر اقتصادی مدیریت کشور را به دست گرفت عزیزان بسیجی در دانشگاه ها از نظر مباحثه با اینها دچار مشکلاتی شدند. جریان سروش و جریان های غرب زده در دانشگاه ها و بعضاً با تفکرات التقاطی در دانشگاه ها خیلی فعالیت داشتند. دوره طرح ولایت در جهت پاسخگویی

استکبار جهانی و دشمنان ما بعد از ۴۰ سال از انقلاب متوجه شده‌اند تشکیل نهادهایی مانند بسیج و سپاه از عوامل اقتدار نظام بوده است. بر همین اساس دائماً در تلاشند تا چهره اینگونه نهادهای انقلابی را تخریب کنند



و دیدگاه‌هایی که بسیج دارد هم جهت شود یا مخالف جهتی با یکی از اعضا یا گروه‌ها شود. این مقصر بسیج نیست. بسیج از نظام دفاع می‌کند. از ایده‌آرزشی و دینی خود دفاع می‌کند. این که جناحی منتفع شود و یک جناحی ضرر ببیند به آنها مربوط است و ربطی به بسیج ندارد. ممکن است تخلفی در جاهایی صورت بگیرد ولی نباید به کل بسیج تعمیم داد. ممکن است فرمانده یا مسئولی از سپاه و بسیج در یک نقطه‌ای از کشور کاری انجام دهند. این خلاف است و دادسرای نظامی ماست که به خیلی از این پرونده‌ها رسیدگی و با فرد برخورد می‌کند. خیلی رسانه‌ای نمی‌شود ولی این اتفاق گاهی رخ می‌دهد ولی بر بدنه بسیج و کل سپاه به هیچ وجه این اتهام وارد نیست یعنی شأن خود نمی‌داند که در بازوی یک حزب، گروه یا جناحی قرار بگیرد. خودش در رأس نظام و ارزش‌های نظام قرار دارد.

برای تخطئه شأن و جایگاه بسیج، نظام سلطه و برخی از جریانات داخلی تلاش می‌کنند تقابل مردم - بسیج را عملیاتی کنند و بر همین اساس در طراحی‌های خود تصویری خشن و پر خاشاک ارائه می‌دهند؛ نظر شما در این باره چیست؟

استکبار جهانی و دشمنان ما بعد از ۴۰ سال از انقلاب متوجه شده‌اند تشکیل نهادهایی مانند بسیج و سپاه از عوامل اقتدار نظام بوده است. بر همین اساس دائماً در تلاشند تا چهره اینگونه نهادهای انقلابی را تخریب کنند. مراکز مطالعاتی زیادی به آنها کمک می‌کند تا به این نقطه برسند چرا که همانطور که عرض کردم سپاه و بسیج را عامل بسیار مهم در حفظ نظام و تحقق اهداف نظام و پیشبرد برنامه‌های نظام می‌دانند و در همین راستا فضا سازی در رسانه‌ها را دائماً مورد توجه قرار می‌دهند و بعضاً عوامل داخلی نیز آنها را حمایت می‌کنند. باید به بحث نفوذ هم توجه داشت؛ ما هم نفوذ فردی داریم هم جریانی. نفوذ فردی همانند سیامک پورزند است که به ۲۰۰ خبرنگار و هنرمند پول می‌داد و آنها را در عرصه‌های مورد نظر آمریکا هدایت می‌کرد. نفوذ جریانی هم یعنی یک جریان لیبرالی که طوری فکر و عمل می‌کند که در جهت دشمن قرار بگیرد. در فتنه‌هایی که اتفاق افتاده است، یک نوک حمله جریانی سپاه و بسیج بوده است. هر چند واقعا مظلومیت سپاه و بسیج در این حوادث برای دفاعی که انجام می‌دادند مشهود است چون به هر حال یک آشوب شهری همانند صحنه جنگ نظامی نیست و راحت نمی‌توانیم در آن مقابله کنیم، بلکه باید با احتیاط و تحمل فشار باشد. به یاد دارم شهید همدانی زمانی که فرمانده سپاه تهران بود و مسئولیت مقابله با فتنه ۸۸ و نیروهای آشوبگر را داشت، آنها می‌خواستند از خیابان عبور کنند و به سمت جنوب و بیت رهبری بروند که ایشان به نیروهای خود دستور داد که اجازه تیر نندارید ولی نباید اجازه دهید جمعیت از اینجا عبور کند، در حالی که آنها مسلح بودند. خود شهید همدانی می‌گفت خدا شاهد است فشاری که به ما در این نقطه آمد از کربلا ۵ بیشتر بود. اینها فشار زیادی را تحمل کردند تا نظام را حفظ کنند و این فتنه به اهداف خود نرسد. اینها مسئولیت سپاه است. سپاه پاسدار انقلاب و این نظام است و بسیجیان عزیز ما به همراه عوامل و نیروهای اصلی سپاه چنین مأموریتی را دارند و الحمدلله موفق بودند. دشمنان به واسطه ابزارهای مختلفی که در دست دارند و از جمله رسانه‌های پر شمار (چه در داخل و چه در خارج از کشور) تلاش می‌کنند

بسیج گفت‌وگو بگیرند و عکسی از آنها منتشر کنند، می‌توانستیم حقایق بسیاری از غائله‌های آشوبی ۸۸ را به تصویر بکشیم اما نشد. اولاً قدری می‌شود که همان مقدار الحمدلله انقلاب را از گرداب‌ها و گردنه‌ها نجات داده و پیش برده است. بحث فیلم‌هایی که از صحنه‌های مردمی در جریان فتنه ۸۸ گرفته شد بی‌تأثیر نبود هر چند همانطور که اشاره داشتید متأسفانه قوت لازم را در این بخش نداریم مخصوصاً آنکه به موقع باشد. خبر آن لحظه‌ای که باید پخش شود ارزش خبری دارد و بعداً معلوم نیست آن مقدار اثر را داشته باشد. یک مقداری ممکن است مدیریت گزارش ضعف داشته باشد، البته محافظه‌کاری به نظر من کمتر تأثیر داشته یعنی کمتر چنین چیزی وجود داشته و بیشتر نداشتن فن است یا آشنا نبودن به فنون خبرنگاری و جنگ نرم عملیات روانی است و الا قطعاً بچه‌های سپاه و بسیج از خدا می‌خواهند این مظلومیت و این ارتباط مردمی را که اشاره کردید، بیشتر بیان شود. هر رشته‌ای تخصص خود را دارد و نیاز است این تسلط پیدا شود ولی اجمالاً فکر می‌کنم حفظ ارتباط مردمی که باید سپاه و بسیج در بدنه جامعه داشته باشند بیشتر کمک می‌کند تا آن حوادث و کارهای رسانه‌ای همین مسئله می‌تواند خیلی مؤثر و تعیین کننده باشد، چرا که مردم در یک فرآیند طولانی ببینند بسیج و سپاه از آنهاست به آنها اعتماد می‌کنند و لو خبر و رسانه نتواند این مظلومیت را منعکس کند یعنی ما به یک بحث دراز مدت نیاز داریم، به یک چیز عمیق و ریشه‌ای نیاز داریم تا شکلی و ژورنالیستی باشد. این در جای خود خوب است و نمی‌خواهیم منکر شویم ولی اگر ریشه‌ها و ارتباطات و همراهی‌ها خوب دیده شود و مردم شناخت پیدا کنند و خود حضور داشته باشند که الحمدلله بخش زیادی اینچنین است.

البته رسانه‌ها هم مسئولیت دارند و باید بسیجی به میدان بیاید. ارتباط تنگاتنگ با مردم و ارائه خدماتی که در طول سال‌های اخیر بسیج به مردم ارائه داده و برای اینکه به مردم جاهای مختلف و افکار عمومی کشور بخواهیم بگوییم بسیج این خدمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را انجام می‌دهد قاعدتاً نیازمند رسانه هستیم. اینکه در فلان منطقه مرحوم استان سیستان یا استان ایلام خدماتی ارائه می‌شود نیازمند این است که یک کار منسجم رسانه‌ای داشته باشیم. قبلاً هم عرض کردم و ممکن است شنیده باشید که وقتی در جهاد سازندگی

این فضا را در تبلیغات عمومی خود ایجاد کنند که سپاه و بسیج در مقابل این جریانات معترض هستند. اگرچه دشمن و جریان‌های ضدانقلاب در این جهت هزینه‌های گزاف اقتصادی می‌کنند اما به دلیل اینکه بسیج در بدنه مردم و جامعه وجود دارد هیچ وقت این اتفاق جنبه عینی پیدا نمی‌کند. در تبلیغات و فضای مجازی یا در عرصه‌های دیگر که در اختیار دارند ممکن است هر مقدار بتوانند تبلیغات کنند اما در واقع و در صحنه و خیابان و میدان چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد یعنی بسیج هیچ وقت از مردم جدایی پیدا نمی‌کند چون بدنه مردم را دارد.

البته در بحث استفاده از رسانه، رواجی نداریم و آنچه را واقعیت است نمی‌توانیم نشان دهیم. این ضعف بسیج نیست؟ یعنی استفاده نکردن از رسانه یک ضعف به شمار نمی‌آید؟

توقع بیشتری از سپاه و بسیج هست که برای بصیرت‌افزایی و انتقال معارف است. البته در حوزه سیاسی ابعادی از آن مربوط به دشمن‌شناسی و مسائل مشابه است که برای مطالبه مقام معظم رهبری باید بهتر عمل کنیم. ابزار کار طرح‌های مختلفی است، مثلاً طرح صالحین و طرح‌های بصیرتی همچون طرح ولایت ولی شاید با ابزار روز تناسب ندارد و نتوانستیم مقداری که لازم است در گسترش کار خود مخصوصاً بحث بسیج دهها میلیونی خوب عمل کنیم.

محافظه‌کاری زیاد در اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها و اقدامات بسیج را قبول دارید؟

با توجه به اینکه مثلاً در سال ۹۷ و در حالی که به رژه اهواز حمله شد یکی از اتفاقاتی که در فضای رسانه‌ای به ما خیلی کمک کرد؛ توثیق آقای ظریف بود که به زبان انگلیسی نوشته بودند. آقای ظریف سه عکس را کنار هم گذاشته بود و در مورد حمله به رژه خبررسانی کرده بود. آن سه عکس، عکس کودکانی بود که نیروهای ارتش و سپاه تلاش می‌کردند آنها را از معرکه بیرون بیاورند. این به دنیا نشان داد که فقط به نیروی نظامی محمله نشده بلکه آنجا زن و بچه بودند. منظور ما چنین کارهایی است که با یک عکس حقیقت نشان داده شود. در حالی که به عنوان نمونه خاطر همست در فتنه سال ۸۸ به ما گفتند بعد از ظهر عاشورای ۸۸ بسیاری از زخمی‌های بسیج را به بیمارستان بقیه‌الله بردند و به هیچ خبرنگاری اجازه ورود ندادند. اگر خبرنگاران می‌توانستند بازخمی‌های

فعالیت‌های زیادی انجام دادند خدمت امام رفتند و گزارش کار سالگرد جهاد را از طرف شورای مرکزی خدمت آنها دادند امام قدری برافروخته شدند و گفتند اینها را به مردم بگویید و چند بار هم بگویید، چرا که مردم فراموش می‌کنند. یک مرغ یک تخم می‌گذارد این همه سروصدا می‌کند، شما این همه کار کردید و هیچ چیزی نمی‌گویید.

مسئله مهمی که باید در اینجا مورد توجه قرار بگیرد آن است که متأسفانه مآقرارگاه جنگ نرم در کشور نداریم. این بحث شما به ایجاد چنین قرارگاهی بازمی‌گردد که جریانات معاند را رصد و شناسایی کند و مقابله قانونی با آنها داشته باشد. مقام معظم رهبری این توقع را داشتند که شورای عالی انقلاب فرهنگی قرارگاه جنگ نرم کشور شود.

در پایان تحلیل خود از الگوپذیری بسیاری از کشورهای مسلمان از بسیج مستضعفین را بفرمایید.

این هم نکته مهمی بود که جزو محورهای نوشته بودم ولی فرصت نداشت توضیح دهم. همان‌طور که سردار سلیمانی بیان کردند دفاع مقدس که واقعا یک قله برای جریان‌های جهادی است. واقعا فرهنگ ایثار و شهادت که با تشکیل بسیج در دوران دفاع مقدس و پس از آن شکل گرفته است، درس مهمی برای ملت‌های آزاد است و این یک نماد در خشان است که موفقیت‌ها و پیروزی‌ها و مقاومت‌های بسیاری را برای ملت‌های منطقه به همراه داشته است. زمانی که نیروی مقاومت بسیج بودم یک گروه از طرف سید حسن نصرالله برای بسیج آمدند و گفتند این تشکل حزب‌الله را سازمانده می‌کنیم و می‌خواهیم از تجربیات شما استفاده کنیم. مقصود مطالبی را خدمت آنها بیان کردیم و بعد یک هفته در بخش‌های مختلف نیروی مقاومت می‌چرخیدند. به یاد دارم همان مقطع به آنها گفتم هر چند در حال جنگ هستید ما هم باید آمادگی رزم را داشته باشیم ولی کمک به محرومان و مردم را هیچگاه از سازمان خود دور نکنید. سعی کنید به موازات آن آمادگی رزمی خدمت به مردم و محرومان در اولویت کار شما باشد که آنها هم پذیرفتند و الحمدلله عمل کردند. یکی از دلایل محبوبیت حزب‌الله لبنان و اینکه توانسته در دل مردم جا داشته باشد این است که در رسیدگی به مناطق محروم لبنان موفق عمل کرده است. ولی جریانات معارضین و دشمنان از این اقدامات و در انتقال این تجربیات بسیار نگران و ناراحت هستند. به هر حال سوری که نزدیک سقوط قرار داشت، عراق هم همین‌طور بود و این دو کشور توانستند با مشارکت نیروهای مردمی خود و با همین بسیج ملی نجات یابند و اینها درس گرفته از حرکت بسیج ماست. خوب است که حداقل در حد مطالعات و بررسی‌هایی که باید صورت گیرد و چگونگی انتقال این فرهنگ به ملت‌های آزادیخواه دنیا تحقیق شود. هر ملت و هر کشوری بخواهد در مقابل استکبار بایستد نیاز به نیروی مردمی دارد. الان در دنیا نیروی مردمی داریم ولی بسیج نیست. کشورهای شرقی و نیروهای مردمی اجباری است یعنی کل دانشجویان و کل کارگران در نظام کمونیستی در ارتش هستند و باید سالی چند روز آموزش ببینند تا در زمان جنگ از اینها استفاده شود. حتماً باید مد نظر داشت که بسیج باید به صورت نهادینه برای انتقال فرهنگ به ملت‌های دیگر مخصوصاً جهان اسلام تلاش کند.

تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید
تندرست باشید

وقتی اتفاق و اتحاد بین مردم پیدا شود می‌توانند بر طغوت و قدرت‌های بزرگی که سازو برگ و سلاح زیاد دارند غلبه کنند. بنابراین امام از ابتدا برای غلبه بر طغوت و ظالمین بزرگ بین‌المللی و مستکبرین، اندیشه مستضعفین را از قبل انقلاب مطرح کردند که باید چنین تشکلی داشته باشیم

گذشته و حال و آینده بسیج در گفت و گوی تفصیلی با سردار نقدی فرمانده اسبق بسیج

تلخ‌ترین مأموریت بسیج را داشتم

رحیم زیاده‌علی - کبری آسوپار



گفت‌وگو با سردار نقدی، همیشگی جذاب و خواندنی است. صراحت، صداقت و شجاعت در بیان مسائل جزء لاینفک رفتار اوست که البته بعضاً برای این ویژگی‌ها هزینه هم پرداخته است. سادگی در رفتار فردی و مدیریتی وی زبانزد است. دفتر کار او به غایت ساده است و به جرئت می‌توان گفت از امکانات دفتر یک مدیر دست چندم هم بهره‌مند نیست. چه زمانی که رئیس سازمان بسیج مستضعفین بود و چه اکنون که معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. سردار سر تیپ بسیجی محمدرضا نقدی را می‌توان نمونه عینی یک بسیجی نامید. به مناسبت چهلمین سال تشکیل بسیج مستضعفین با او به گفت‌وگو نشستیم. مشغله کنونی او گرچه بسیار فراتر از مسئولیت در بسیج است، لیکن باعث نشد برای بسیج وقت نگذارد. سردار نقدی سخت معتقد است که رؤسای بسیج در ادوار مختلف، فرمانده یا رئیس نیستند، بلکه نقش دبیرخانه و هماهنگ‌کننده تدابیر را ایفا می‌کنند. فرمانده بسیجیان آقا هستند. آنچه در پی می‌آید حاصل گفت‌وگوی ما با سردار نقدی است.

سازمان بسیج از زمان تشکیل تا کنون سه بار تغییر نام داده است. از ابتدای تشکیل «واحد بسیج» بود، در زمان آقای حجازی به «نیروی مقاومت بسیج» تغییر یافت و با ورود جناب‌عالی «سازمان بسیج مستضعفین» شد. فلسفه این تغییر نام‌ها چه بود؟

واحد بسیج ابتدای انقلاب تشکیل شد، یک تشکل کوچک بود و هنوز می‌خواست جوانه بزند و این طور نبود که نام بزرگی را روی آن قرار دهند. چیزی وجود نداشت و باید موجودیت می‌یافت. بنابراین آن زمان در مجموعه سپاه کارهای مختلفی بود و واحدی به نام بسیج درست کردند که ستادی این کار را دنبال کند. در جنگ بسیج کارایی و گستردگی خود را نشان داد.

با تدبیر فرمانده معظم کل قوا، بعد از جنگ تصمیم گرفته شد در عداد سایر «نیروها» دربیاید و همانند نیروی زمینی، هوایی و دریایی یک نیرو شود که تحت عنوان نیروی مقاومت بود. باین وضعیت هم نزدیک به ۲۰ و چند سال بسیج طی شد که به عنوان نیروی مقاومت بود. نزدیک به ۲۰ سال و با بیشتر این وضعیت راطی کرد و جلو آمد. بعداً کارکردهای دیگر بسیج غیر از نظامی گری خود را نشان داد و جنبه‌های فرهنگی، حضور در عرصه اقتصاد مقاومتی، جنبه‌های محرومیت‌زدایی، جنبه‌های هنری و جنبه‌های علمی انقلاب ضرورت یافت که بسیج به صورت گسترده وارد شود. پیشنهادی از سوی فرمانده وقت کل سپاه شد که این ساختار فراتر از نیرو هست و در تراز یک نیرو نیست که در تراز خود سپاه و کل سپاه است و سطح تشکیلاتی راهبردی پیدا کند و به حالت سازمان مطرح شود، نه به صورت نیرو.

سازمان فراتر از نیرو است؟

این پیشنهاد به این دلیل بود که بر اساس تشکیلات ساختاری نیرو و ده عملیاتی است. ستاد کل سپاه حالت راهبردی است. این را در تراز رده ستاد کل سپاه آوردند. مجموعه بسیج را در رده ستاد کل سپاه آوردند و رئیس سازمان بسیج جانشین فرمانده کل سپاه در امر بسیج تعریف شد.

پس ارتقا پیدا کرد؟

از نظر ساختاری و ادبیات ساختاری و سازمان ارتقا یافت منتها این کار ویژگی‌هایی داشت که قسمت‌های پشتیبانی و آمادی و امثال اینها را از بسیج گرفتند و گفتند واحدهای سپاه این کارها را انجام می‌دهند. شاید از نظر اختیارات اجرایی و قدرت اجرایی تنزل یافت اما از نظر جایگاه ساختاری و ادبیات سازمانی ارتقای سازمانی بود ولی از نظر اختیارات



محمد مهدی صالحی | جوان

طاغوت و ظالمین بزرگ بین‌المللی و مستکبرین اندیشه مستضعفین را از قبل انقلاب مطرح کردند که باید چنین تشکلی داشته باشیم که بعد از انقلاب به صورت بسیج مستضعفین این تشکل را ایجاد کردند تا یک محوری برای تشکل مورد ظلم واقع شده‌هایی که مصمم هستند حق خود را از طاغوت بگیرند.

تشکیل معاونت امور بین‌المللی در زمان ریاست جناب‌عالی، با همین نگاه بود؟

اینکه این تشکیلات را جهانی ببینیم از ابتدا نگاه امام بود. بحث بسیج جهانی و یکصد میلیونی جهان اسلام را مطرح کردند، بسیج ۲۰ میلیونی را در داخل کشور مطرح کردند و امام راهی که بنیان‌گذار بسیج هستند بسیج صدمیلیونی را در جهان اسلام مطرح کردند و طبعاً اقتضای می‌کرد. یعنی بسیج در سیر تکاملی خود به نقطه‌ای رسید که باید در جهان اسلام حرف می‌زد. باید این تجربه را منتقل می‌کرد و ما هم دیدیم عملاً اتفاق افتاد. بحث معاونت بین‌المللی یا همکاری‌های بین‌المللی برای این بود که بتوانیم تجربه بسیج مستضعفین را به تمام مستضعفین دنیا منتقل کنیم و آنها را هم به میدان بیاوریم. برای این کار سازمان و نیروی قدس را داریم که برای کمک و یاری مستضعفین عالم است. منتها تجربه‌های سازماندهی بسیج در آن نیرو وجود ندارد و اینجا کسی بخواهد این کار را برای دنیا و مستضعفین دنیا تعریف کند باید معاونت بین‌الملل مطرح شد که در این امر نقش آفرینی کند و شما هم شاهد بودید که هم در عراق حشدالشعبی درست شد و هم در سوریه نیروهای وطنی درست شدند و هم در لبنان و جاهای دیگر و کشورهای دیگری که مبارزه آنها شکل گرفته است، ریز به ریز الگوی بسیج را بردند و پیاده می‌کنند.

به بسیج ۲۰ میلیونی اشاره کردید. به خاطر دارم ابتدای

آذر ماه ۹۲ پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران به

صورت رسمی برای اولین بار اعلام کردید که آرزوی امام

محقق شد. می‌خواستیم بدانیم به موازات این ارتقای کمی،

آیا از نظر کیفی هم در این حوزه اتفاقی افتاده است؟

اجرایی و میدانی و عملیاتی به سپاه استانی رفت و اینها به آنها واگذار شد. اینها مسائل تشکیلاتی است و این بحث زیاد مورد علاقه مردم نیست.

چرا بسیج مستضعفین شد؟

بسیج مستضعفین از ابتدا بود. از ابتدا که امام این مسئله را پایه‌گذاری کردند شاید از قبل انقلاب فرموده بودند نیاز به حزب مستضعفین داریم. تشکلی شامل همه مستضعفانی که مورد ظلم قرار گرفتند و حق آنها را مستکبران ضایع کردند و مصادره کردند. مستضعف کسی است که مورد استضعاف قرار گرفته است، نه فرد ضعیف منظور باشد. آدمی که به ضعف کشیده شده و حق او پایمال شده است، حق او مصادره شده است. مستضعف با ضعیف فرق دارد. ضعیف شاید فردی است که مورد ظلم قرار نگرفته است بلکه فرد ضعیفی است ولی مستضعف کسی است که این استضعاف فاعلی دارد که آن طاغوت و استکبار است. انسانی را به استضعاف و به بند و ضعف کشیده است.

تشکل این به ضعف کشیده‌شدگان و تشکل مظلوم واقع‌شدگان در مقابل استکبار ضرورت غلبه بر آنها است. بالاخره نمی‌توانیم سلاح قوی‌تر از مستکبرین فراهم کنیم. امکان مردم مستضعف نیست که از ساز و برگ نظامی قوی‌تر از مستکبرین و طاغوت را تهیه کنند. نمی‌خواهند تسلیم شوند و چطور می‌شود هم تسلیم نشد و هم ساز و برگی معادل دشمن نداشت؟ راه این تشکل و یکپارچگی و انسجام بین مستضعفین است که وقتی با هم متحد شوند می‌توانند با یک قدرت قلدر دست و پنجه نرم کنند.

مورچگان را چو فتد اتفاق / شیر زیان را بدرانند پوست!

یعنی مورچه خیلی کوچک است و با شیر مقایسه کنید چیزی نیست ولی وقتی مورچگان متفق می‌شوند و حمله می‌کنند، یک شیر و یک فیل را با آن هیکل بزرگ از پای درمی‌آورند. مستضعفین وقتی متحد شوند و انسجام پیدا شود می‌توانند غلبه کنند. این سنت الهی است. وقتی اتفاق و اتحاد بین مردم پیدا شود می‌توانند بر طاغوت و قدرت‌های بزرگی که سازو برگ و سلاح زیاد دارند غلبه کنند. بنابراین امام از ابتدا برای غلبه بر

شجره چهل ساله و یزه چهلیمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

آنچه به فتنه خاتمه داد درگیری‌های جزئی نبود. آن چیزی که در فتنه دشمن را سرکوب کرد و فتنه‌گران را زمین گیر کرد و غائله را خاتمه داد حضور بسیار گسترده مردم بود که نتیجه برنامه‌روشنگری و بصیرت‌بخشی و آگاهی بخشی از طریق رسانه‌های بسیجی و از طریق رسانه سخنران در میان مردم و از طریق ارتباط با یک یک مردم بود

کند یا در چارچوب سپاه در موقعی که آشوبی اوج بگیرد وارد عمل شود و کمک کند.

قسمت اصلی، نقش آفرینی و بصیرت‌افزایی بسیج به جامعه است. حضور متشکل در میدان‌ها و دعوت به حضور مردم است و این اتفاق بزرگی است که در فتنه ۸۸ افتاده است. در فتنه ۸۸ اتفاقات بزرگی را بسیج رقم زد که مسئله چند گردان ضداغتشاش در مقابل آن هیچ است. حرکت بزرگ مردم در روز قدس، حرکت بزرگ مردم در روز ۱۳ آبان ۸۸ است که شاید دیگر تا امروز چنین تجمعی تکرار نشده، به خاطر اینکه بصیرت بخشی انجام شد و حساسیت مردم در این موضوع بالا رفت و آگاهی رسانی شد و مردم ضرورت احساس کردند تا حضور یابند و فتنه را خنثی کنند. بنابراین اگر شما به سوابق رجوع کنید تجمعی به اندازه ۱۳ آبان ۸۸ نداریم. آنچه فتنه را شکست، برخورد چند گردان ضداغتشاش نبود. آنها بخش کوچک کار بسیج بود. در فضای فتنه و غباری که ایجاد کردند و سعی می‌کردند حقیقت بر مردم نامعلوم باقی بماند و مردم تکلیف خود را ندانند که بالاخره باید از چه کسی حمایت کنند و چه کار کنند، بسیج با حضور مقتدرانه در عرصه‌روشنگری و آگاهی بخشی و رسانه‌های مختلف و انتشارات و بیانات و سخنرانی‌های مختلف و زنجیره‌ای در تمام کشور کار بزرگی انجام داد. حماسه ۹ دی نقش پررنگ‌تر و مهم‌تر از این مسئله دارد. اینها را چه کسانی انجام دادند؟ بسیجیانی که مردم را در محله‌های خود جمع کردند و در مساجد برای آنها صحبت کردند و مسئله فتنه را شکافتند. مردم را توجیه کردند، حقایق را بازگو کردند، فیلم‌ها را نشان دادند و غباری که دشمن درست کرده بود تا حقیقت روشن نشود را کنار زدند و مردم آن طور حضور حماسی در ۹ دی پیدا کردند و اینها ظرفیت‌هایی بود که بسیج در آن نقش اساسی و محوری داشت.

آن چه به فتنه خاتمه داد درگیری‌های جزئی و مختصری که اتفاق افتاد نبود. آن چیزی که در فتنه دشمن را سرکوب کرد و فتنه‌گران را زمین گیر کرد و غائله را خاتمه داد حضور بسیار گسترده مردم بود که نتیجه برنامه‌روشنگری و بصیرت‌بخشی و آگاهی بخشی از طریق رسانه‌های بسیجی و از طریق رسانه سخنران در میان مردم و از طریق ارتباط با یک یک مردم بود. حتی کارهایی بسیجیان کردند که فوق‌العاده اثربخش بود.

در همان زمان بسیجیانی که سطح تحصیلات بالا و قدرت اقناع بالایی داشتند، به هزاران نفر از افرادی که در فتنه فریب خورده بودند مراجعه کردند. به خانه این افراد رفتند. در دفتر کار آنها ملاقات کردند و با آنها گفت‌وگو کردند و مسئله را برای آنها تبیین کردند. اینها را قانع کردند که این کار اشتباهی است. بیانیه‌های زیادی شاید در روزنامه‌های شما چاپ شده و در آن تاریخ پیدا کنید که اعضای ستادهای انتخاباتی که بیشتر از همه در معرض آسیب مشارکت در فتنه و آشوب بودند، بیانیه‌های سلسله‌واری را همان زمان منتشر کردند که جزو فتنه نیستیم و جزو آشوب نیستیم و ما این کارها را انجام نمی‌دهیم. این افراد را چه کسانی آگاه کردند؟ با آنها چه کسانی صحبت کردند و آنها را قانع کردند که این بیانیه‌ها را صادر کنند؟ همین بسیجیان متفکر و صاحب نظر و سطوح بالای عناصر سیاسی که در بسیج بودند

عملکرد بسیج را در آن چند ماه و بعضاً اتفاقاتی که بعد از آن به شکل کوچک افتاد، چطور ارزیابی می‌کنید؟

بسیج نیروهای مردمی هستند. شاید در حرفه خود و قشر خود حرفه‌ای هستند اما در مسئله جنگ و امنیت نیروهای مردمی هستند که شغل دیگری دارند یا حرفه آنها بحث نظامی‌گری و مقابله با اغتشاش نیست. طبیعتاً آن کسی که صحنه را مدیریت می‌کند متولی امر است. در دفاع مقدس سپاه جنگ را اداره می‌کند، ارتش جنگ را اداره می‌کند.

آنها مدیریت می‌کنند و نقشه را طرح‌ریزی می‌کنند تا در کجا مستقر باشند، مهندسین کجا جاده بکشند، مخابرات کجا مستقر شود و گردان‌ها به چه سمت و سویی حرکت کنند و چه ساعتی حرکت کنند و اینها طراحی‌هایی است که توسط سپاه و ارتش انجام

جداگانه دارند. بسیج کارگری قدیمی تر است. از قدیم بوده است و این سؤالی که می‌پرسید این کمیت اضافه شده کیفیت هم داشته است، این پاسخ است که شما می‌بینید اگر بخواهیم از نظر نظامی کیفیت را در نظر بگیریم نقش آفرینی بسیجیان در شکست داعش در عراق و سوریه یک کیفیت نظامی را نشان می‌دهد. تشکل ۲ هزار و ۷۰۰-۶۰۰ گردان بسیجی در قالب‌های مختلف یک کیفیت آموزش دیده سازمان یافته رزمایش کرده است. این کیفیت را ضمن کمیت و رشد چند دهه برابری کمیت را نشان می‌دهد. وجود همین افشار همانند بسیج هنرمندان که



می‌شود و بسیجیانی که شغل‌های دیگری دارند را آموزش می‌دهند و در چهارچوب طرحی که ریختند از آنها استفاده می‌کنند. در مسائل امنیت داخلی شهرها، مسئولیت با نیروی انتظامی است. بسیج مسئولیتی ندارد. بر اساس طرحی که او می‌ریزد و مثلاً جریان اغتشاشی را می‌خواهند کنترل کنند نیاز است دست کمک به سوی بسیج دراز کند چون امکانات ما به اندازه کافی نیست. آنجا بسیج در چهارچوب طرحی که او می‌ریزد وارد میدان می‌شود.

این پیش از بحران است؟

خیر. شرایطی که حتی بحران شود مثلاً سپاه باید مسئولیت را بر عهده بگیرد که طراحی برای به کارگیری بسیجیان انجام دهد. بنابراین ما نمی‌توانیم ضعفی را متوجه بسیجیان کنیم. اگر ضعفی متوجه کار و طراحی باشد متوجه نیروی انتظامی یا سپاه است که باید طراحی می‌کردند و به نحو شایسته استفاده می‌کردند. منتها نقش آفرینی بسیج آن قسمتی که رسانه‌های دشمن بدان می‌پردازند که چند گردان کمک نیروی انتظامی کرده نیست. اصلاً در جریان فتنه این کوچک‌ترین نقش بسیج است و کم‌رنگ‌ترین نقش بسیج است که چند گردان ضداغتشاش به نیروی انتظامی کمک

برجسته‌ترین هنرمندان را در بسیج هنرمندان داریم. اینها کیفیت است. وقتی یک کسی که جزو بسیج هنرمندان است فیلمی را می‌سازد که در زمان خود بالاترین نفوذ در جریان‌های اجتماعی پیدا می‌کند کیفیت محسوب می‌شود. اینها نبوده است و کیفیت‌هایی است که در طول این سال‌ها به بسیج اضافه شده است و بسیج یک روند تکاملی کمی و کیفی را داشته است.

در میانه فتنه ۸۸ به ریاست سازمان بسیج منصوب شد. بد. آن زمان در مورد فعالیت بسیج در مقابله با فتنه نقدها و حتی تحسین‌ها زیاد بود. برخی بسیج را متهم به خشونت می‌کردند، برخی معتقد بودند بسیج آموزش لازم و آمادگی کامل برای مقابله با جنگ شهری را ندارد و به یک نوعی غافلگیر شده است، برخی معتقد بودند بسیج محدودیت‌هایی در این زمینه دارد.

حتماً اتفاق کیفی افتاده است. یعنی قابل قیاس نیست. ما امروز نزدیک به دو هزار و ۸۰۰-۷۰۰ گردان بسیجی داریم که در قالب گردان‌های بیت‌المقدس، گردان‌های امام حسین (ع)، گردان‌های امام علی (ع) سازماندهی شدند. اگر چنین ظرفیتی را در زمان دفاع مقدس داشتیم تا آن سوی مرزهای عراق پیش می‌رفتیم.

چنین تشکل آموزش دیده و سازمان یافته‌ای را اگر داشتیم می‌توانستیم کارهای خیلی بزرگی انجام دهیم. اینها کیفیت هستند یعنی وقتی سازمان یافتند، آموزش دیدند، کیفیت هستند به علاوه اینکه در جنبه‌های دیگر رشد و تکامل بسیج در عرصه‌های مختلف وجود نداشته است. الان بسیج حقوق‌دانان را داریم که برجسته‌ترین حقوق‌دانان تراز یک کشور در این تشکل هستند. بسیج اساتید را داریم که

برجسته‌ترین اساتید و استاد تمام فراوانی از دانشگاه‌ها عضو این تشکل هستند. بسیج پزشکان داریم. البته در زمان جنگ بسیج پزشکان داشتیم و عملکرد درخشانی داشته است ولی خیلی از این افشار دیگر را با این کیفیت و این سطح از علم و دانش و تخصص در رشته‌های مختلف نداشتیم. اینها کیفیت است. بسیج رسانه اصلاً نداشتیم. سال ۹۴ یا ۹۳ تشکیل شده است. اینها کیفیت هستند. بسیج مداحان، بسیج روحانیون و طلاب و غیره داریم. بسیج اساتید حوزه‌های علمیه داریم. بسیج اساتید دانشگاه‌ها را قبلاً داشتیم و الان بسیج اساتید حوزه‌های علمیه را ۵ سالی است تشکیل دادیم و وزنه بسیار بزرگ فقهی است که شاید در دنیا معادل چنین تشکل بزرگ فقهی وجود ندارد. تشکل انقلابی با این کیفیت که تماماً مجتهد هستند وجود ندارد. کل بسیج اساتید حوزه‌های علمیه که الان تشکیل شده همه مجتهد هستند. تشکل بزرگی از مجتهدین است. این کار نظیر و سابقه نداشته است. همه کیفیت است که در عرصه فقهی خود نقش آفرین هستند. بسیج اصناف و بسیج مهندسین مافعال هستند. بسیج مهندسین را الان در چند رشته جدا داریم. بسیج کشاورزی برای خود سازمانی دارند، بسیج مهندسین صنعتی تشکل

بسیج کارهای هنری بسیار بزرگی انجام داده که حضرت آقا فرمودند گویی مولود جدیدی در هنر متولد شده است. فرمودند شما کاری در هنر کردید که وقتی نگاه می کنید گویی مولود جدیدی در عرصه هنر ظهور یافته است

توانستند بروند و این نقش خیلی مهم تر از این است که در خیابان انجام شد.

البته اینکه می گوئیم غافلگیر شدند نسبت به اینکه تعدادی از شخصیت های تراز اول کشور که مورد اعتماد مردم بودند و مردم اینها را در طول ۳۰ سال از انقلاب همیشه پشت سر انقلاب دیده بودند و همیشه حامی انقلاب دیده شده بودند، پرچمداران خیلی از حرکت ها بودند و یکباره همه اینها مخالف شوند، همه در جبهه منتقد شوند، این را کسی تصور نمی کرد. اینکه رسانه های بیگانه تلاش کنند و یکسری آدم فریب خورده که پول بگیرند و اراذل و اوباش خیابان را به هم بریزند و آتش بزنند، همیشه احتمال این اتفاق وجود دارد. آن چیزی که همه را غافلگیر کرد این بود عده ای که در تراز مسئولیت ها، در ریاست جمهوری ها، ریاست قوه قضائیه ها، در

بسیج مجری هزاران طرح محرومیت زدایی است که در عمق روستاهای کشور انجام شده است. بسیج کارهای هنری بسیار بزرگی انجام داده که حضرت آقا فرمودند گویی مولود جدیدی در هنر متولد شده است. فرمودند شما کاری در هنر کردید که وقتی نگاه می کنید گویی مولود جدیدی در عرصه هنر ظهور یافته است. بسیج اینها است. بسیج شهید شهریاری و شکافتن هسته است. بسیج پر تاب ماهواره است. بسیج حرکت های عظیمی است که الهام بخش جهان اسلام می شود و عملیات بزرگ شکست داعش را رقم می زند. ما به تبع اینهایی نرویم که بسیج را طور دیگری معرفی می کنند. این هم (فتنه) یک حادثه بوده و زیر یک درصد از حوادث مربوط به بسیج را تشکیل می دهد.

البته عملکرد بسیج در مقابله با فتنه ۸۸ و فتنه ۷۶



و فتنه ۹۶ بسیار درخشان و کاملاً قابل دفاع است. توانسته با حرکت موج های مردمی جلوی فتنه را بگیرد و آنها را سر جای خود بنشاند. ۲۳ تیر یک ماجرا است، ۹ دی یک ماجرا است و در سال ۹۶ در شهرهای مختلف به اقتضای خود بسیج این ماجراها را رقم زده است. این هم پرونده بسیار درخشان است و کاملاً قابل دفاع است و برای هر جای دنیا کاملاً الهام بخش است.

در بغداد یک اغتشاش شد یکباره صد نفر در یک روز کشته شدند. در جاهای دیگر همین اتفاقات می افتد. اینجا هشت ماه فتنه بود، خود بسیجیان شهید شدند. این مهم است. خیلی درخشان و درجه یک است، کار بسیج در این حوزه درجه یک است و در دنیا نظیر ندارد، منتها چیزهای بزرگی ممکن است مورد غفلت واقع شود. کارهای بزرگی که جنبه های ایجابی و هیجان انگیز و الهام بخش دارند. باید روی این جنبه های ایجابی تمرکز کنیم و بسیج را این گونه معرفی کنیم. بسیج نماد شهید شهریاری است. ایشان یک بسیجی بود. نماد بسیج حججی است. نماد بسیج همدانی است. با اینها به میدان بیاییم و بسیج را با این دید معرفی کنیم. اشاره ای در حد خودش به مسئله نقش بسیج در فتنه ۸۸ و موفقیتی که آنجا داشته

دوران ما نشان دادند در این آزمایش سخت هم به میدان می آیند و سربلند بیرون می آیند. نشان دادند افرادی هستند که این از خود گذشتگی را دارند که در مقابل قوم و خویش خود اگر خواست در مقابل انقلاب و اسلامی بایستد حاضر هستند تا پای جای بایستند و از انقلاب دفاع کنند. این اوج عظمت و بصیرت یک بسیجی است. در صدر اسلام آنچه کم آوردند مؤمنین آن دوران در دفاع از حقیقت که منجر به حادثه کربلا شد در همین صحنه بود. خیلی ها به امیرالمؤمنین می فرمودند ما را برای جنگ بفرستید ولی برای جنگ این قسمتی که خویش و قوم های ما هستند نفرستید. حاضر بودند جان بدهند ولی در این قسمت کم می آوردند. بسیجیان دوران ما نشان دادند کم نمی آورند ولو در مقابل قوم خویش و رفیق خود و هم بازی و هم دانشجوی خود برای دفاع از انقلاب بایستند، اگر آن افراد منحرف شده باشند و از مرز شرع یا رافرا ت بگذارند می ایستند و جان در این مسیر می دهند. این اوج عظمت بسیجیان دوران ما است که امام راحل فرمودند مردم دوران ما از مردم دوران امیرالمؤمنین (ع) و از مردم حجاز در دوران پیامبر بالاتر هستند از نمادهای این است که آنجا این جماعت کم آوردند. در مقابل اجنبی و بیگانه برای جنگ آمدند ولی جایی که خواستند با قوم و خویش خود در زمان امیرالمؤمنین (ع) بجنگند کم آوردند و کم گذاشتند ولی این جوانان آمدند و حقیقتاً این از خود گذشتگی را نشان دادند و با وجود اینکه بسیار تلخ و سخت است عدول نکردند.

این درس بزرگی بود برای کسانی که طمع کردند به اینکه ما را در موضع انفعال قرار می دهند و اگر دشمن خارجی می ترسد خود وارد میدان نشود افرادی را در داخل استخدام کند تا برای برهم زدن اوضاع با این تصور که ما هم در مقابل همشهری و رفیق و هم محلی خود کم می آوریم و آنها را استخدام کند راحت می تواند پیشروی کند. این چنین نبود و نشان دادند بصیرت بسیجیان خیلی بیشتر از این است که بخواهند در هر میدانی کوتاه بیایند و اگر لازم باشد در مقابل فرزند و پدر خودشان هم می ایستند و از انقلاب خود دفاع می کنند.

افزما یشت شما این چنین برداشت

کردم در سیری که بر بسیج گذشته برای این تشکل مردمی می توان سه رویکرد را مشخص کرد. رویکرد دفاعی، امنیتی و الان هم جنگ نرم است. به نظر شما الان مهم ترین اولویت برای بسیج چه حوزه ای است؟

من یک موردی را اصلاح کنم که شاید در مورد بسیج این ذهنیت وجود داشته باشد. با آمدن بنده به بسیج این تغییرات ساختاری به وجود نیامد. من یک سال بعد از اینکه تغییرات ساختاری به وجود آمده سازمان بسیج آمدیم. تغییراتی که نیروی مقاومت را تبدیل به سازمان بسیج کردند. گرچه در حکم من برای اولین اسم سازمان بسیج ذکر شد ولی قاعده و سازماندهی که بر این اساس صورت گرفته بود که نیرو نباشد، قبل از اینکه به بسیج بپیوندم انجام شده بود و تصمیمات زیادی گرفته شده بود و تغییرات ساختاری داده شده بود. تقریباً یک سال بعد از این تغییرات به بسیج پیوستم. این تغییرات را من به وجود نیاردم. بلکه با یک امر واقع مواجه شدم. این را هم تصدیق نمی کنم

است که بخش ناپیدای آنکه هیچ یک از رسانه های دنیا نمی دانند، شاید برای اولین بار از من می شنوید که ارشادگران بسیج و صاحب نظران متخصص اعتقادی و سیاسی بسیج که در جامعه حضور دارند ده هزار نفر را مشخص کردند از افرادی که در معرض آسیب مشارکت در فتنه بودند و سراغ اینها رفتند و با اینها گفت و گو کردند و در خانه ها و دفاتر کاری آنها صحبت کردند. صدها بیانی از اینها در همان موقع در رسانه ها منتشر شد و آدم هایی بودند و یا ستادهای انتخاباتی که در آنجا شکست خورده بودند و ممکن بود گرفتار فتنه شوند.

در واقع نوعی مواجهه چهره به چهره بود.

بله. اقناع آرامش بود. اینکه می گفتند گفت و گو کنیم، همین بود. به جای اینکه در خیابان درگیر شوند بسیاری از افراد یعنی ۹۰ درصد آنها را با گفت و گوها اقناع کردند.

البته در صدی افراد رذل و بی منطق و با اهداف متمایزی بودند. این افراد کینه دار بودند و یکسری بهایی و منافق و شلاق خورده های مفاسد بودند. افرادی هم قاچاقچی و یکسری افرادی که چک پول گرفته بودند در خیابان آمدند و آن شلوغ بازی ها را در آوردند. آن کسانی که روز ۲۵ خرداد آمدند مردمی بودند که در انتخابات شرکت کردند و اعتراض داشتند. اصلاً هیچ انگیزه ضد انقلابی نداشتند و اکثر اینها طرفدار نظام بودند. کاملاً طرفدار نظام بودند و برخی شهادت طلب در دفاع از نظام بودند، اعتراض داشتند و تصور می کردند آن دروغی که گفته شده بود و خیلی از مسئولین این دروغ را تأیید کردند، تصور می کردند اشکالی به وجود آمده و باید اعتراض کنند. وقتی حرکت های آن اراذل و اوباش و حمله به مسجد و حمله به پایگاه بسیج را دیدند خود همین مردم پا پس کشیدند. اینها مردم بودند و عقب رفتند و حاضر نشدند جلوتر بروند. در این پاپس کشیدن آگاهی بخشی بسیج بسیار مؤثر بود که توجه کند بگوید در انتخابات طرفدار کسی بودید و حالا رأی نیاورد و توجه می شوند. ۹۰ درصد این جمعیتی که بودند، شاید ۹۸ درصد آنها با گفت و گو چهره به چهره قانع شدند. آن دو درصد آدم هایی بودند که هدف های دیگری داشتند و خود را قاطی این مردم و معتزضین کرده بودند تا با هدفی کشور را به هم بریزند. از روز ۳۰ خرداد به بعد فقط می بینید با جمعیت بزرگی مواجه نیستید و این چطور اتفاق می افتد؟ در رأس خود بسیجیان خود رهبر معظم انقلاب با خطبه غرامسئله را برای مردم تبیین می کنند.

این بخشی از مشارکت بسیجیان در برقراری امنیت و مقابله با فتنه است که حضور در مقابله با اغتشاشات است، سخت ترین و تلخ ترین مأموریتی است که به بسیجیان سپرده شد. اوج بصیرت و اوج گذشت بسیجیان را به نمایش می گذارد. طبعاً جنگیدن با دشمن اجنبی و خارجی با وجود مخاطراتی که دارد و اینکه سلاح های پیشرفته و شیمیایی و انواع بمب ها را علیه بسیجیان دارند و تعداد زیادی از آنها شهید و شیمیایی می شوند و برای همیشه جانبا می شوند، برای بسیجیان این رزم شیرین تر و گوارتر از این است که جلوی یک همشهری یا هم محلی یا یک همخون خود از عشیره و طایفه و اقوام خودشان هستند، بایستند و کار بسیار سختی است. منتها بسیجیان

اعتقاد دارم بسیج هوشمندان به یک شیب متناسب با تهدیدات همیشه خود را تطبیق داده است. آنجایی که لازم بوده در عرصه نظامی وارد شود آمده و آنجا که لازم بوده در عرصه برقراری امنیت آمده وارد شده و آنجا که لازم بوده در عرصه مقابله با اغتشاشات و آشوب‌های خیابانی بیاید، آمده و خیلی قشنگ نقش آفریده است

کل قوا گرفتند در این زمینه تأثیر داشت. اشاراتی که داشتند اگر من رهبر نبودم خودم تصدی این فضای مجازی را بر عهده می‌گرفتم و این جنب و جوش بسیار زیادی در بین بچه‌های بسیجی ایجاد کرد. علاقه را به اینکه در این عرصه فعال تر باشند بیشتر می‌کرد و خوشبختانه امروز ما یک بلوغی داریم. البته شاید حد حضور ما و اثر گذاری ما در حد حضور واقعی نباشد و اثر گذاری مجازی ما به اندازه اثر گذاری واقعی بسیج نباشد و مطالبه ما بیشتر باشد ولی باید این را بدانیم که این مسئله مربوط به بسیجیان و مربوط به حضور بسیجیان در فضای مجازی نمی‌شود بلکه به مدیریت فضای مجازی مرتبط است که تصمیم درباره آن در حوزه دولت است و دولت تصمیم گرفته مدیریت فضای مجازی در دست بیگانگان باشد. بنابراین تا زمانی که آنها مدیریت کنند و آنها تصمیم بگیرند که چه کسی صدای او بلندتر شنیده شود و چه کسانی صدای آهسته تر داشته باشند، چه کسی پر تکرار باشد، آنها شبکه را مدیریت می‌کنند، تصمیمی که تا حالا دولت گرفته است این بوده که این مدیریت در دست بیگانگان بماند. بنابراین تلاش‌های زیادی که بسیجیان در این زمینه می‌کنند به دلیل مدیریت در دست دشمن بسیجیان است، شاید به اندازه کافی آن بازتابی که در صحنه حقیقی دارند، آن توازن دیده نشود.

طی دو دهه گذشته، بسیج در حوزه محرومیت زدایی و سازندگی همواره به صورت فعال شرکت کرده و همیشه هم اعلام آمادگی کرده در این حوزه‌ها به دولت‌ها کمک کند، ولی هیچ گاه این اراده و جلب مشارکت بسیج از سوی دولت‌ها دیده نشده است. در این زمینه هم فرقی بین اصلاح طلبان و اصولگرایان وجود ندارد. این امر ناشی از چیست؟

ما یک نظام دیوان سالاری داریم که از رژیم گذشته به ارث رسیده است و امروز روش متعارف همین مدل‌ها است که قدری رقیق تر یا غلیظ تر است. همین دیوان سالاری و به اصطلاح دولتی بودن برنامهریزی‌ها و تصمیمات، اجراها و همه مسائل است. مدل حکومت اسلامی قطعاً این نیست. مدل نظام اسلامی منطبق بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که حضرت آقا مطالبه می‌کنند اگر خواهیم مطلعی برای این الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بنویسیم، اولین خط توجه به خدا است ولی حتماً دومین خط مردم هستند. حضور مردم در صحنه و اداره مسائل و حل مسائل با مردم است.

این مدل و نگاه که جای دولت‌ها را برای حکومت‌داری تنگ نمی‌کند؟

بله. مدل اسلامی این است. این دیوان سالاری که همین طور به ارث رسیده و متداول در دنیا است که آنها باشند افرادی بیایند و همه کارها را به عهده بگیرند و تصمیم بگیرند. الان در دیوان سالاری دولتی وقتی می‌خواهند یک مسئله را حل کنند مثلاً خانه‌های بهداشت را درست کنند، جاده بسازند، راه آهن درست کنند، جنگل کاری کنند، سد بزنند، هر کاری بخواهند انجام دهند و هر مأموریتی به عهده دولت گذاشته شود، هر کاری بخواهند انجام دهند اعم از اینکه کشاورزی را تقویت کنند، صنعت را تقویت کنند، مدلی که در دیوان سالاری ما وجود دارد کار فرما،

بسیج نبودیم. فرمانده بسیج همیشه شخص فرمانده معظم کل قوا بودند و هستند و اگر خواهیم فرماندهی کنیم بسیجیان گوش نمی‌دهند، بسیجیان از فرمانده خودشان گوش می‌کنند فرمانده را او می‌دانند و صبح به صبح بیدار می‌شوند که ببینند رهبری چه گفته و آن را اجرایی کنند. هر چقدر شفاف تر کار را در زمینه فرمان و تدبیر رهبری تبیین کنم و راه برای اجرای آن باز کنم، آن زمان مسئول بسیج موفق می‌شوم. اگر کمترین زاویه با حرف رهبری پیدا کنم و حرفی را از خود در باورم قطعاً ناموفق در آن مسئله هستم. فرمانده بسیج همیشه ولایت است و هیچ گونه واسطه‌ای در این میان نیست.

در خصوص فعالیت‌های فرهنگی و فضای مجازی بسیج که در دوره‌های قبل نبوده، چه اتفاقی افتاد که این ضرورت احساس شد و فعالیت بسیج در فضای مجازی به چه صورت است؟

جنگ نرمی که شکل گرفت یک ابزار مهمی که داشت فضای مجازی بود. فضایی که باید بستر برای تکامل و رشد انسان باشد برای مبارزه با ارزش‌های الهی به شکل گسترده بکار گرفته شد. طبیعی بود بسیجیان در مقابل این بی تفاوت نباشند و گوشه و کنار کارها را شروع کردند و مطالبه می‌کردند که فرصت دهیم در فضای بسیج بپاییم و از این امر استفاده کنیم و از این ابزار برای پیشبرد اهداف استفاده کنیم. با مشورتی که با اهالی نظر در بسیج شد این تصمیم گرفته شد که قرارگاه بصیرت را تشکیل دادیم و بچه‌ها را سازماندهی کردیم که خوشبختانه حرکت بسیار بزرگی صورت گرفت که آن زمان جاده یک طرفه وجود داشت که در فضای مجازی یک جاده یک طرفه وجود داشت. فقط اتوبان بود و آنها و حریفان و دشمنان ما می‌تاختند و جلو می‌رفتند و به هدف خود نزدیک می‌شدند و ما این جاده را دو طرفه کردیم و با کمک بسیجیان حضور فعالی بحمدالله در فضای مجازی پیدا شد. کسانی که دنبال حقیقت هستند بتوانند نظرات متفاوت را بشنوند و ببینند. موضوعی که فرماندهی

داده است. آنجایی که لازم بوده در عرصه نظامی وارد شود آمده و آنجا که لازم بوده در عرصه برقراری امنیت آمده وارد شده و آنجا که لازم بوده در عرصه مقابله با اغتشاشات و آشوب‌های خیابانی بیاید، آمده و خیلی قشنگ نقش آفریده است. آنجایی که لازم بود کار فرهنگی انجام دهد حضور پیدا کرده است. آنجایی که لازم بوده کار سیاسی انجام دهد حضور پیدا کرده و روشنگری سیاسی کرده است، آنجایی که لازم بوده در اقتصاد مقاومتی و محرومیت زدایی وارد شود نقش ایفا کرده است و قطعاً بدون انتقاد نیست ولی در یک جریان کلی عمومی این حرکت را نگاه می‌کنیم حرکت منطقی و هوشمند است و متناسب با اقتضات و شرایط است. علت این هوشمندی هم نسبتی با ما ندارد مثلاً خودم بخوام نسبت دهم یا آقای غیب پرور نسبت دهد یا آقای سلیمانی نسبت دهند و یا قبل از آن آقای حجازی بخواهند نسبت دهند. اصل دلیل این هوشمندی به هدایت‌های رهبری بازمی‌گردد که هر سال ملاقات با بسیجیان دارند و خط مشی تعیین می‌کنند و کاملاً از نزدیک بسیج را زیر نظر دارند و بیشترین عنایت را در گفتارها به بسیج داشتند. بیشتر از هر پدیده و مجموعه‌ای رهبری انقلاب، چه در زمان امام راحل و چه در زمان بعد از رحلت ایشان تا امروز، به بسیج پرداختند و رمز این هوشمندی بسیج و تطبیق خودش با شرایط همین هدایت‌های رهبری بوده است. هیچ کدام از مدیرانی که در بسیج بودیم نمی‌توانیم این هوشمندی را به خود نسبت دهیم. بسیجیان هم از همان جا خط می‌گیرند. ما اینجا دبیر خانه کار هستیم. برخی به ما نسبت می‌دادند فرمانده کار هستیم، من هر جا بوده گفتم ما فرمانده بسیج نیستیم و فرمانده بسیج رهبری هستند. ما اینجا دبیر خانه کار هستیم. آن چیزی که رهبری می‌خواهند اگر عرضه داشته باشیم و لایق باشیم را تبیین کنیم و راه بیندازیم و این ارتباط را سامان دهیم. این ارتباط میلیونی بسیجیان را با فرمانده خودشان سامان دهیم. ما اینجا فرمانده نیستیم. هیچ کدام از ما که مسئولیت بسیج را داشتیم فرمانده

در زمان نیروی مقاومت بسیج رویکرد فرهنگی و یا جنگ نرم نبوده است. درست است که اسم آن نیروی مقاومت بسیج بود اما لااقل در ۱۵-۱۰ سالی که به انتها برسد و نیروی مقاومت بسیج به سازمان بسیج تبدیل شود، دغدغه اصلی فرمانده نیروی مقاومت بسیج دغدغه‌های فرهنگی بود. فعالیت و تمرکز فکری روی مسئله فرهنگی بود منتها الان نمی‌توان قطع بندی کرد که تا آنجا رویکرد نظامی داشتند و از آن به بعد رویکرد فرهنگی شده است. این بابی بعد از جنگ شروع شده و هر چقدر تهدیدات جنبه‌های نرم پیدا کرده بسیج هم خود را با آن تهدیدات تطبیق داده است و تهدیدات فرهنگی و تهدیدات نرم و تهدیدات سیاسی و تهدیدات اقتصادی است و بسیج خود را به تدریج و متناسب با شرایط تهدیداتی که واقع می‌شد و بر اساس ارشادات و راهنمایی‌هایی که از رهبری معظم انقلاب دریافت می‌کرد خود را به تدریج تطبیق داده است. من یک مرز بندی را نمی‌گذارم که از این تاریخ که در بسیج وارد شدیم رویکرد عوض شد. این چنین نیست. شاید مقداری هر مدیر و فرمانده‌ای روی قسمتی تمرکز می‌کند. بخش دفاعی را اتفاقاً در یک سال قبل از ورود من به سازمان بسیج، خیلی نادیده گرفته بودند و کنار گذاشته شده بود و فرض را بر نبود این گذاشته بودند و به بخش صرفاً جنگ نرم پرداخته بودند. وقتی بنده آمدم تمام بخش‌های نظامی را دوباره احیا کردم.

این بخش‌ها مشکلی ندارد در گفت و گو باشد؟

خیر. نمی‌خواهم چیزی مهم بماند این طور می‌گویند از زمانی که ما آمدیم رویکرد ما جنگ نرم شده و قبل از آن جنگ سرد بوده. این تقسیم بندی نیست. رویکرد بسیج به تدریج بوده متناسب با تهدیدات بوده و نیروی مقاومت بسیج هم رویکرد جنگ نرم داشته و اولویت را بر جنگ نرم می‌دانسته است. در ۱۵-۱۰ سال انتهای نیروی مقاومت بسیج رویکرد اصلی قطعاً جنگ نرم بوده و به آن پرداخته است و بعد که مسئولین تصمیم گرفتند در ساختار تغییراتی ایجاد کنند در یک سالی که به بسیج نپرداخته بودند قدری در کنار گذاشتن جنبه‌های نظامی بسیج افراط شده بود که ما برگشتیم با تدبیری که فرمانده معظم کل قوا داشتند تمام بخش‌هایی که قدری پرموده شده بود یا نادیده گرفته شده بود همه را به لطف پروردگار احیا کردیم و گردان‌ها دوباره سازماندهی و تجهیز شدند. رزمایش‌هایی سالانه برای گردان‌ها داشتیم و این طور که بگوییم از آن به بعد روی جنگ نرم آمدیم و جنگ سخت را رها کردیم این چنین نبود. ما نمی‌توانیم افراط و تفریط کنیم. همیشه فرصت‌های متفاوت و تهدیدات متفاوتی داریم و اینها کم و زیاد می‌شوند و پررنگ و کمرنگ می‌شوند و باید خود را با شرایط تطبیق دهیم. هر جا تهدیدات نظامی غلظت پیدا می‌کنند باید بتوانیم در آن دوران غلظت آمادگی‌های رزمی را بالا ببریم و آن زمانی که تهدیدات جنگ نرم غلظت می‌یابند باید در آن دوران بر آن کارها تمرکز کنیم و توسعه دهیم. بسیج هم تقریباً در طول سال‌ها از ابتدای انقلاب با یک شیبی خود را با شرایطی که اقتضای کرده، تطبیق داده است.

من خودم تقسیم مقطع تاریخی برای مأموریت‌های بسیج قائل نیستم. اعتقاد دارم بسیج هوشمندان به یک شیب متناسب با تهدیدات همیشه خود را تطبیق



شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان |



می خواستند بسیج و سپاه را ادغام کنند که رهبری با قاطعیت مانع شدند. می خواستند بسیج و ارتش و سپاه را با هم ادغام کنند، همانند جهاد که ادغام شد. اگر این کار را کرده بودند اصلا امروز اثری از این چیزی که در صحنه می بینید نمانده بود.

کارهایی است که می توان در همه امور اجرایی کرد و طرح های زیادی هم به دولت ارائه شده و متخصصان و کارشناسانی که اهل فن هستند طرح ها را شدنی دانستند. منتها این نظام دیوان سالار حاکم که وجود دارد نوعی احساس رقابت می کند و مجال نمی دهد که وارد شوند و این تجربه شیرین دفاع مقدس، تجربه شیرین جمع کردن بساط ترور بیست ها، تجربه شیرین بحث واکسیناسیون اطفال را فراگیر کرد. ولی بسیجیان هر جایی بتوانند کار خود را انجام می دهند. حضور در خشان بسیجیان را در واقعه سیل دیدید. خوشبختانه من آن زمان مسئول بسیج نبودم و راحت می توانم تعریف کنم.

همه دنیا این حضور بسیجیان را دید. یکبار یک اتفاق نادر در کشور افتاد که ۱۴-۱۳ استان در گیر سیل خانمان برانداز شد ولی آب از آب تکان نخورد. از همه جای کشور در این استان ها ریختند آن هم در تعطیلات نوروز که مردم دنبال تفریح خود باید می رفتند، همه آسایش خود را کنار گذاشتند و به میدان آمدند و بسیجی وار مسئله را حل کردند والا تا ۱۰ سال دیگر تبعات آن ماجرا دامن ما را می گرفت. البته الان مشکلاتی وجود دارد ولی اوضاع زیروبر شد و خیلی وضع با حضور بسیجیان تغییر کرد. در زلزله و سیل و حوادث و در محرومیت زدایی که الان هزاران گروه جهادی در عمق روستاها شبانه روز فعالیت می کنند، در ایام تعطیل از استراحت و رفاه و لذت ها می گذرند و وارد میدان می شوند. این ظرفیتی است و عقل و تدبیر حکم می کند که افرادی که در سمت مسئولیت قرار می گیرند از این ظرفیت عظیم استفاده کنند.

به عنوان سؤال پایانی بفرمایید، اگر زمان به عقب برگردد نکته مغفول مانده ای که در ۷ سال خدمت در بسیج که می خواستید انجام دهید و نشد چیست؟

برنامه دانشگاه بسیج را داشتیم که بسیجیان کادر خود را که در سرگروه ها، گردان ها و دسته های رزمی هستند، در فضای مجازی هستند، تحت پوشش آموزش جامع و فراگیر و سطح بالا قرار دهیم و خیلی تلاش کردیم و آن زمان نشد. این برنامه ای بود که داشتیم و توفیق حاصل نشد که انجام دهیم. گسترده تر کردن همین ارتباطات بین المللی بسیجیان بود که تلاش زیادی شد و قدم هایی هم برداشته شد اما به اوج خود نرسید. در اقتصاد مقاومتی طرح های بزرگی وجود داشت که نیاز به همراهی و مساعدت دولت داشت، در حد و کفایت بسیج انجام شد ولی باز هم به اوجی که می خواستیم به خاطر عدم همراهی دولت ها، چه دولت قبلی و چه دولت فعلی، به هدف نرسیدند. همان طور که گفتید دولت قبلی هم همین طور بود و از بسیج به نحو شایسته استفاده نکرد. برنامه اقتصاد مقاومتی که بسیج داشت. اگر من الان فرصت کنم و دولت همراهی کند، این برنامه را پیاده می کنیم و می توان گفت کشور بیمه می شود. برنامه ای که به دولت ارائه شده در زمان آقای احمدی نژاد بود، برنامه ای که به صورت اقتصاد مقاومتی به دولت آن وقت ارائه شد ولی متأسفانه استفاده نشد و در این دوره هم دوباره ارائه شد و استفاده نشد. این می تواند اقتصاد کشور را زبروز بر کند. اینها چیزهایی است که امید داریم بشود در آینده انجام داد. ■

برندند. همه خبر دادند. هر کسی از همسایه خود خبر دارد که متناقض و ترور بیست است خبر دهد. همین مطلب را امام فرمودند و همه این کار را کردند و این قفل شد. یک گروه تروریستی وقتی واحد اطلاعاتی و سازمان اطلاعاتی آن را تعقیب می کند تعداد سازمان اطلاعاتی محدود است. در این شرایط گروه تروریستی احساس امنیت می کند و اینکه از چشم این سازمان اطلاعاتی خود را پنهان کنم کار تمام است و می توانم خود را حفظ کنم و هر کاری بخواهم انجام دهم ولی وقتی احساس کند زیر ذره بین همه مردم قرار دارد و هر کسی مشکوک می شد سریع خبر به سیستم اطلاعاتی می دادند و این گروه تروریستی خواب نخواهد داشت. همان طور که دیدیم مرد. جریان تروریستی با اطلاعات ۳۶ میلیونی مرد. جریان تجاوز بیگانگان به کشور با ارتش ۲۰ میلیونی مرد و شکست



خورد. در همه عرصه ها بخواهیم وارد شویم. در بسیج گفتیم سوادآموزی را انجام دهیم و ظرف ۳ سال بی سواد را با کمک بسیجیان صفر می کنیم. با کمک بسیج بر نامه ریزی و محاسبه کردیم و طرح دادیم. دو بار در هیئت عالی که ۷ وزیر عضو بودند و حکم هیئت دولت را داشت مطرح شد و تصویب شد. بعد گفتند این آموزش یاران چه می شوند و حقوق می گیرند. به همین سادگی این سیستم دیوان سالاری اینکه مردم نقش آفرینی کنند و مسئله را حل کنند کنار می گذارد. این چیز کوچکی نیست که ظرف دو الی سه سال رکورد شکنی کنیم و بی سواد را صفر کنیم، در عرصه جهانی باز تاب دارد ولی دیوان سالاری به این مجال نمی دهد. یکسری کارمندانجا داریم که بیکار می شوند. کارمندان را معلم آموزش و پرورش کنید و یک برنامه دیگر برای آنها طراحی کنید ولی دیوان سالاری فکر می کند با همین مدل باید جلو برود. شما در فلج اطفال بسیجیان را وارد می کنید و ریشه کن می کنند و ۲۰-۱۰ کشور وارد می شوند و تنها کشوری که موفق می شود که کار را تمام کند ایران است. چون از بسیج استفاده کرد. اگر بخواهد دیوان سالاری و اداری برخورد کند نمی تواند جمعیت بزرگی را انجام دهد. در همین روزهای آخری که در بسیج بودم وزارت جهاد گفت می خواهیم مرغ های محلی را واکسینه کنیم و خطر وجود دارد. قبول کردیم و ۱۵ میلیون قطعه مرغ محلی را بسیجیان در عرض سه روز واکسن زدند و طرح اجرا شد. اینها

وجود ندارد. در صدر اسلام همه حضور داشتند. در دفاع مقدس به شیرینی این را تجربه کردیم. در جهاد سازندگی این را تجربه کردیم.

البته آنها بیان می کنند که مجلس و رئیس جمهور منتخب مردم هستند

دموکراسی غربی و مردم سالاری اسلامی در همین فرق دارند. دموکراسی غربی می گوید مردم انتخاب کنند و با فضای پروپاگاندا و فضای تبلیغات که می دانیم چه کسی انتخاب می شود که مربوط به نظام و حاکمیت پشت پرده آنها می شود، این را انتخاب کنید و در خانه بنشینید و کاری با شما نداریم. این مدل دموکراسی غربی است. شما کارهای نیستید و پیمانکاران بزرگ و عناصر دولتی و کارفرمایان بزرگ برای شما تصمیم می گیرند. مجلس می روند

پیمانکار و ناظر است. یعنی می گویند این کاری که می خواهیم انجام دهیم کار فرما ما به عنوان دولت هستیم و پیمانکار چه کسی باشد و چه کسی نظارت کند. این مثلث همیشه در ذهن آنها می آید یا گاهی اوقات در شکل افراطی، خود دولت وارد عمل می شود و خودش مجری و پیمانکار می شود. این شکل افراطی است که سعی شده از این فاصله بگیریم و به بخش خصوصی واگذار کنیم و از این سیستمی که خود دولت وارد عمل شود فاصله گرفته شود. اوج سپردن کارها به مردم این طور تصور می شود که کارها را به مردم بسپاریم و دولت کار فرمای بزرگ باشد منتها در مدل اسلامی اولین چیزی که به ذهن مدیر می رسد این است که با مشارکت خود مردم چطور می توانم این مسئله را حل کنم. با مشارکت خود مردم باشد! احاد مردم مسئول باشند، احاد مردم احساس مسئولیت کنند. همه نقش داشته باشند.

در دفاع مقدس در موضوع جنگ این را توانستیم خوب اداره کنیم. یعنی فرماندهی جنگ مردم را در صحنه آورد و دیدیم چه نتایج شورانگیز و افتخار آفرینی به دنبال داشت. تازمانی که مردم را در دفاع مقدس نیابورده بودیم مرتب زمین از دست دادیم و مرتب ناکام ماندیم. عملیات بزرگی انجام دادیم که شکست خورد و بی نتیجه ماند ولی از زمانی پیروزی های درخشان ما شروع شد که مردم وارد جنگ شدند. کسی که فکر دیوان سالارانه دارد همانند بنی صدر تفکر می کرد می گفت برای چه اسلحه بدهیم مردم نمی دانند چه کار کنند ولی وقتی این راه باز شد و آن فکر دیوان سالاری کنار رفت و مسیر برای حرکت باز شد، دیدیم چه افتخاراتی آفریده شد. خوبی آن صحنه این بود که مجریان و کارفرمایان این صحنه نیروهای مسلح بودند که زیر نظر مستقیم رهبری بودند. بنابراین این حرف را برتابیدند و حرکت کردند و اطاعت کردند و وقتی فرمودند بسیجیان را وارد صحنه کنید و بکار بگیرید این کار انجام شد. نترسیدند که کار را به خود مردم واگذار کنند. مردم هم در پشت جبهه حماسه آفریدند و هم در تدارکات جبهه حماسه آفریدند و هم در خود جنگ حماسه آفریدند و همه کارها را مردم انجام دادند.

در عرصه های دیگر بحث جهاد سازندگی برای خدمت رسانی به مردم تشکیل شد بسیار در خشان کار کرد منتها همین فکر دیوان سالارانه آمد و به عنوان دولت پیشنهاد ادغام و انحلال را دادند. این به عنوان انحلال است وقتی در یک وزارتخانه اداری و بروکراسی قدیمی ادغام شود یعنی منحل شود. این سیستم را ادغام کردند حتی می خواستند بسیج و سپاه را هم ادغام کنند چون در حوزه مسئولیتی مستقیم رهبری بود مخالفت شد. رهبری با قاطعیت مانع شدند. می خواستند بسیج و ارتش و سپاه را با هم ادغام کنند و همانند جهاد که ادغام شد. اگر این کار کرده بودند اصلا امروز اثری از این چیزی که در صحنه می بینید نمانده بود. کمیته را ادغام کردند و نهادی انقلابی منحل شد. سراغ سپاه آمدند که این کار را انجام دهند و رهبری جلوی این کار ایستادند و اجازه ندادند این کار اتفاق بیفتد. چرا این اتفاق می افتد؟ چون مدل ها را در دنیا نگاه می کنند هیچ جایی این مدل استثنائی که اسلام عرضه می کند و می گوید به مردم خود مسئولیت اجتماعی بدهید و مسائل را با حضور مردم حل کنید، اسلام این را بیان می کند،



روایت حجت الاسلام احمد سالک دومین فرمانده بسیج
از چگونگی تشکیل آن و خارج کردن بسیج از دست بنی صدر

آقا گفتند نگذارید سپاه فقط در یک دستش اسلحه باشد!

فاصله من با نوک یوزی تروریست فقط شیشه ماشین بود اما خدا نخواست



مهدی پورصفا



خب اولین مسئولیت بنده در اصفهان، فرمانده کمیته دفاع شهری بود. عمر این مسئولیت کوتاه بود. کارهای زیادی هم صورت گرفت. بعد از آن فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان شدم البته یک مدت کوتاهی مرحوم استاد پرورش بودند، ولی بعد این سمت به عهده من گذاشته شد و فرماندهی سپاه را بر عهده داشتم. در این مدت اتفاقات بسیار فراوانی افتاد، چرا که کشور در تلاطم بود از جمله درگیری با بنی صدر و خط مهدی هاشمی که در استان بسیار فعال بودند.

دلیل این اختلاف نظر و درگیری با بنی صدر چه بود؟

مادر زمان فرماندهی سپاه یک کمیته ویژه‌ای با رتش داشتیم، مرحوم شهید صیاد شیرازی، شهید بابایی، سرهنگ یا تیمسار ریاحی، برادر خوبم حاج آقا صفوی مسئولیت عملیات من در استان بودند. وقتی جنگ شروع شد ما ستاد غرب کشور را در اصفهان تشکیل داده بودیم و با ارتش‌هایی همانند عطاریان در جنوب و غرب کشور سر جنگ داشتیم. آنها آدم‌هایی در گروه بنی صدر بودند. البته من نمی‌خواهم کلمه خیانت را به کار ببرم ولی واقعاً با این فرماندهان مشکل داشتیم. یکی از این مشکلات هم سر واگذاری یک پادگان آموزشی رخ داد.

منظور تان کدام پادگان بود؟

پادگان غدیر اصفهان بود. مابه مرحوم شهید رجایی در زمان نخست‌وزیری

حجت الاسلام احمد سالک از جمله روحانیونی است که از ابتدای انقلاب اسلامی علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و مذهبی در جبهه مبارزه سخت با دشمنان نیز فعال بوده است. یکی از مسئولیت‌های حجت الاسلام سالک در این حوزه فرماندهی بسیج مستضعفان در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی است. فرارسیدن سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان حضرت امام خمینی (ره) در ۵ آذرماه بهانه‌ای شد تا برای مرور خاطرات وی از آن دوران پر افت و خیز در ساختمان بهارستان مهمان نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی در اصفهان و فرمانده بسیج مستضعفان در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ باشیم.

اجازه بدهید گفت و گور از زمانی شروع کنیم که شما قبل از فرماندهی بسیج، مسئولیت‌های جدی نظامی و امنیتی را در استان اصفهان بر عهده داشتید.

“

جمع‌بندی من این است که قبل از فرمان حضرت امام (ره) که در پنجم آذر سال ۵۸ اعلام کردند، بسیج مردمی را در اصفهان تشکیل دادیم که هم حوزه خواهران و هم حوزه برادران بود و هم به سپاه وصل کردیم. چشمه جوشان سپاه کل کشور این بچه بسیجی‌ها بودند. این کار اول بود

مهم‌ترین دلیل کناره‌گیری من از فرماندهی بسیج این بود که امید نجف‌آبادی نماینده مردم اصفهان از سوی دستگاه قضایی محکوم به اعدام شده بود و اصفهان نماینده نداشت و از این رو مردم اصفهان و علمای این شهر از من خواستند که کاندیدا شوم



ما هم آنجا بودیم تا توضیح بدهیم که در سطح کشور چه کار می‌کنیم، در این جلسه سردار محمودزاده که مدتی در نیروی انتظامی بود و الان نمی‌دانم کجا هستند، بحث فرماندهی من را مطرح کردند. یکبار همه دور من جمع شدند و گفتند این برای فرماندهی خوب است و اینجا ما را انتخاب کردند و ما را بلند کردند و پشت تریبون بردند. در این جلسه با حضور فرماندهان ارشد سپاه اعلام کردند آقای سالک فرمانده بسیج است. ما نه سر پیاز و نه ته پیاز بودیم، ولی تجربه اصفهان را داشتیم که تجربه خوبی بود.

بعد چه اتفاقی افتاد؟

خب ما در این جلسه به فرماندهی بسیج انتخاب شدیم و به تهران رفتیم، ما را شورای فرماندهی سپاه خواستند و بحث‌های زیادی شد. قبل از من آقای مجد مدت کوتاهی آنجا بودند که ایشان را آقای بنی‌صدر منصوب کرده بود.

دلیل برکناری ایشان از فرماندهی بسیج چه بود؟

من این را نمی‌دانم ولی اعضای شورای فرماندهی روی آقای مجد اشکال ارتباط با منافقین داشتند. البته این جای بررسی دارد ولی من الان نظری ندارم. البته ایشان در مجلس آن زمان رنج‌نامه‌ای علیه من خواند. من ایشان را قیل از آن ندیده بودم و نمی‌شناختم. به نظرم هم بعداً خلع لباس شدند و خبر دیگری ندارم. البته من هم در این قضیه تقصیری نداشتم و شورای فرماندهی سپاه این تصمیم را گرفته بود تا بسیج را از دست بنی‌صدر خارج کند و از این رو لازم بود کسی را از خودشان برای این سمت معرفی کنند و آقای مجد را کنار بزنند. این مقدمه ورود من به فرماندهی بسیج کل کشور بود.

البته تمام کسانی که می‌خواستند سمت فرماندهی را در سپاه داشته باشند، باید به حضرت امام معرفی می‌شدند و این مسئله مهمی بود. به هر حال فرمانده کل قوا باید روی نیروی مسلحی همانند سپاه نظر داشته باشد. اینها نکته قابل توجهی بود که البته به من هم گفتند، حضرت امام هم با این انتصاب موافقت کردند.

اولین روز کاری شما در بسیج چگونه آغاز شد؟

در اولین قدم ما به مقر بسیج رفتیم تا آنجا را تحویل بگیریم. ساختمانی که در آن مستقر بودیم ساختمان تقاطع بلوار کشاورز و فلسطین بود که ساختمانی ۱۱ طبقه بود و مقر مآدای زمان شاه محسوب می‌شد. ما با استقبال دوستان آنجا مستقر شدیم و اولین کاری که باید انجام می‌دادیم این بود که شورای فرماندهی خود را تعیین می‌کردیم. در طول این مدت سپاه خواهران تهران شکل گرفته بود و تحولاتی در سپاه رخ داده بود. من شورای فرماندهی خود را ساماندهی کردم و تیم خیلی خوبی متشکل از ۱۴ نفر از دوستان شکل گرفت و کار را شروع کردیم. اساسنامه و برنامه‌ها را تنظیم کردیم، یک ارزیابی هم شد. این هم قابل توجه است که باید بیان کنم، دوستان فکر می‌کردند اگر امکان داشته باشد، بسیج در مجلس شورای اسلامی آن زمان یک اساسنامه مستقل از سپاه داشته باشد.

چرا این اتفاق نیفتاد، گویا خود شما در آن زمان پیشیمان شدید؟

اتفاقاً بنده روی مسئله به صورت جدی کار کردم و اساسنامه‌ای ۴۰ ماده‌ای هم آماده کردم. این خبر به

جنازه ما سپاهی‌ها رد شوید. ما این کار را نمی‌کنیم و جلسه را ترک می‌کند و بیرون می‌آید. از آنجا به من زنگ زد که من نیروی پیش‌مرگ برای نجات کردستان می‌خواهم. گفتم چهار فروند هواپیما را بفرست و این کار را کرد. زمان گذاشتیم. مثلاً شنبه این جلسه بود، ما چهارشنبه نیروها را اعزام کردیم.

من مصاحبه تلویزیونی کردم و غوغایی شد. گردان‌ها تشکیل شدند. روز چهارشنبه اعزام شروع شد. اولین هواپیما رفت و ما به خلبان سپردیم که در فرودگاه سنندج می‌خواهید بنشینید مراقبت کنید که هواپیما را خمپاره نزنند.

این خلبان‌ها هم پذیرفتند که از لای کوه‌ها با یک مهارت خاصی حرکت کنند. هواپیمای مادر فرودگاه سنندج نشسته بود که پر تاب خمپاره‌ها شروع شد. ما هر ۳۰ قدم یا ۲۰ قدم یک شهید دادیم. شرایط طوری بود که روی مناره مسجد جامع سنندج مسلسل گذاشته بودند و در کوچه پس‌کوچه‌ها و خانه‌ها شلیک

و مردم که می‌آیند اسامی را روی حروف الفبا بنویسند که جمعیت فشرده نشود. تقسیم کردیم. جمعیت خوبی آمد. پدر و مادران و جوانان آمدند و اسم‌نویسی کردند.

سه، چهار تا از ماشین‌های ارتشی را دم در مسجد سید گذاشتیم تا نیروهای داوطلب را برای آموزش انتقال دهند و شهید خلیفه سلطانی را به عنوان مسئول این کار گذاشتیم. زمانی که امام تشکیل بسیج مستضعفان را مطرح کردند ما چهار، پنج ماه تقریباً جلو بودیم. نیروها به طور منظم به پادگان ارتش می‌رفتند و آموزش آنها به مدت یک هفته انجام می‌گرفت. بعد به سپاه می‌آمدند و در قالب گردان‌های مختلف سازماندهی و اعزام می‌شدند. زمانی که جنگ در ۳۱ شهریور سال ۵۹ آغاز شد، دست ما از نظر نیروی انسانی پر بود. زمانی که حضرت امام (ره) اعلام کردند ارتش ۲۰ میلیونی تشکیل شود ما در اصفهان جشن گرفتیم که در راستای اندیشه حضرت امام یک عمل مثبتی را انجام دادیم.



اولین اقدام عملیاتی شما با نیروهای سازماندهی شده در این قالب چه بود؟

در این باره من فقط یک حادثه را برای شما بیان می‌کنم. مرحوم شهید کلاهدوز سرپرست سپاه یا فرماندهی سپاه بود. خود او نیروی ارتشی بود ولی فرمانده سپاه در خیابان پاسداران شده بود. آنجا محل ساواک قدیم بود و الان دست وزارت اطلاعات است. بنی‌صدر همه را در دزفول یا وحدتی خواسته بود. بنی‌صدر با عنوان جانشین فرمانده کل قوا به آنجا رفته بود و برای مسئله جنگ جلسه‌ای گذاشته بود. شهید کلاهدوز هم به آن جلسه دعوت شده بود. آنجا به نظرم سرهنگ قاسمی، سرهنگ عطاریان و سران ارتش آن زمان به بنی‌صدر پیشنهاد می‌کنند که کردستان از دست رفته است و ما مرز ایران را کرمانشاه بگذاریم. یعنی کردستان از دست رفته است. این پیشنهاد را می‌دهند و بنی‌صدر در جلسه بحث می‌کند و می‌گوید حرف خوبی است و می‌پذیریم. مرحوم شهید کلاهدوز بلند می‌شود و داد و فریاد می‌کند که یک وجب از خاک این مملکت را اجازه نمی‌دهیم به بیگانه بدهید مگر اینکه از روی

ایشان نامه‌ای نوشتیم که باید نیرو برای جبهه‌های غرب، جنوب، گنبد، سیستان و بلوچستان تربیت کنیم. در چهار نقطه نیرو داشتیم.

لازم بود آموزش نظامی، رزم انفرادی، عقیدتی را داشته باشیم. جا نداشتیم. در ابتدا توانستیم مالکیت پادگان ۱۵ خرداد را که پادگان لنجری یا کوماندویی شاه بود با کمک مرحوم صیاد شیرازی که فرمانده ارتش در اصفهان بود، بگیریم که ساختمان تازه‌ساختی هم بود ولی آن پادگان محدود بود. رقمی که از جوانان به ما رجوع کردند، رقم بسیار بالایی بود و پادگان ظرفیت این را نداشت. بنابراین نیاز به پادگان بزرگ‌تر و بیشتر داشتیم که پادگان غدیر را برای آموزش نیروهای جدید گرفتیم. نقطه شروع این درگیری همین مسئله بود.

ثمرات تشکیل این ستاد در اصفهان چه بود؟

اولین اقدام پیوند بین سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی به عنوان بازمانده ارتش شاه بود. خط اصلی این ارتباط توسط ما شکل گرفت. در کنار این ما جنگ را با مدیریت خیلی خوبی در اصفهان و غرب و جنوب و شرق اداره می‌کردیم. ما در سیستان و بلوچستان نیرو داشتیم که آقای شمشیری مسئول آن بودند.

در گنبد نیرو داشتیم و فرمانده آقای عسگر منتظرالقائم بود که الان استاد دانشگاه اصفهان است. اولین بار در غرب کشور، کردستان، آقای محمد حجازی، مرحوم شهید محمد اردستانی را داشتیم. در جنوب و در دارخوین مرحوم شهید حجت الاسلام حاج آقا مصطفی ردانی پور و آقای شهید حسین خرازی بودند. ایشان مسئول اسلحه‌خانه در سپاه اصفهان بود. اینجا به لطف خدا رشد کرد و فرمانده الگو شد.

ماجرای پادگان غدیر چه شد؟

سر پادگان غدیر با بنی‌صدر درگیر شدیم ولی پادگان را گرفتیم و الان دانشگاه امیرالمؤمنین شده است. یک ستاد دیگری تشکیل دادیم که مسئول آموزشی آن ستاد مرحوم شهید حبیب خلیفه سلطانی بود، آقای رحیم صفوی، مرحوم شهید کلاهدوزان، بنده بودیم. دو کار در این ستاد کردیم؛ یکی این بود که سپاه خواهران را راه انداختیم و اولین باری بود که در کشور سپاه خواهران تشکیل می‌شد.

کار دومی که کردیم این بود که جوانان مؤمن و انقلابی را با هماهنگی با صیاد شیرازی و دوستان ارتشی آموزش بدهیم. آنجا برای اولین بار کلمه بسیج در دهان ما افتاد. جلسه مفصلی تشکیل شد و در این جلسات صحبت کردیم و آنجا به این نتیجه رسیدیم که می‌توانیم یک برنامه‌ریزی مفصل برای آموزش نیرو انجام دهیم.

مرحوم شهید صیاد شیرازی و دوستان ایشان پذیرفتند که کلاس‌های آموزشی، ابزار آموزشی و خوابگاه و غذا را در اختیار ما قرار دهند. مجانی هم بود چون آن زمان پولی نداشتیم. از سوی دیگر در تلویزیون یک مصاحبه کردیم که این آمادگی را داریم و می‌خواهیم بسیج را تشکیل دهیم.

پس شما تشکیل بسیج را از قبل از فرمان رسمی حضرت امام کلید زدید؟

بله، این قبل از فرمان حضرت امام (ره) بود. در یک روز مردم را دعوت به مسجد سید اصفهان کردیم. ساعت ۴ بعد از ظهر بود.

میزهایی را به صورت حروف الفبا گذاشتیم که جوان‌ها

زمانی که من فرمانده بسیج شدم چالش اصلی ماجریانان منافقین و میلیشیای مسلح و مانور آن هادر کل کشور از جمله تهران بودند. میلیشیای مسلح منافقین همراه بابر کناری بنی صدر اعلام تظاهرات کرده بودند و اوضاع بهم ریخته بود. بعد از ماه‌های اولیه این بحران اسفند ماه بود که بحث تظاهرات در دانشگاه تهران و راهپیمایی منافقین در تهران مطرح شد

عبدالرضا بنی‌صدر، جوان



در کشور صورت گرفت. به همراه اعضای شورای فرماندهی سفرهای زیادی به استان‌ها داشتیم و تشکیلات زیادی راه انداختیم. خود من مرزهای پاکستان و افغانستان را بازدید کردم. مرزهای آستارا را رفتم و برای هر کدام داستان دارم. بخواهم در این مدت کوتاه بگویم نمی‌شود، ما شب و روز نداشتیم. اتفاقاتی هم می‌افتاد. در همین مانور ۱۲ هزار نفری که داشتیم یک زمانی بچه‌ها به من گفتند تمام بیمارستان‌های تهران را بسیج کردیم و آمبولانس‌ها به ورزشگاه می‌آیند. گفتم چه شده‌است؟ گفتند یک عده به خاطر تشنگی سرآغ آب آلوده رفته و دچار مسمومیت حاد شدند. تمام آمبولانس‌های تهران آمدند و به بچه‌های ما سرم وصل کردند.

خود شما در آن دوره هدف حمله منافقین قرار گرفتید؟

یک روز صبح که من از ساختمان مرکزی بسیج پایین آمدم، دیدم روبه‌روی در ورودی بسیج یک موتور سوار دو پشته نشسته است. خیلی اهمیت ندادم و راننده خود را صدا کردم، چرا که با مر حوم شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی جلسه داشتم و باید به دیوان عالی می‌رفتم. ماشین من که حرکت کرد این موتوری هم حرکت کرد. دم در ورودی به دیوان عالی کشور، راننده من گفت آقای سالک لوله

یوزی در شقیقه شما است.

من زیر چشمی نگاه کردم، دیدم همان موتوری است و عقبی یوزی را در آورده و فاصله من با لوله یوزی شیشه ماشین بود. من آنجا کلت داشتم. بلافاصله کلت را کشیدم مسلح کردم. راننده ما یک و پراژ داد، زنجیر را پاره کردم و رفتیم داخل ساختمان دیوان عالی کشور. آقای بهشتی گفتند چطور شده‌است، خیلی مضطرب هستم. جریان را گفتم.

سریع دستور دادند کل منطقه را کنترل کنند چون روز قبل آقای حقانی را به شهادت رسانده بودند و دیگران هم بود. این اتفاق هم برای من افتاد، ولی خدا خواست.

چه شد که از فرماندهی بسیج کنار رفتید؟

مهم‌ترین دلیل کناره‌گیری من از فرماندهی بسیج این بود که امید نجف‌آبادی نماینده مردم اصفهان از سوی دستگاه قضایی محکوم به اعدام شده بود و اصفهان نماینده نداشت و از این رو مردم اصفهان و علمای این شهر از من خواستند که کاندیدا شوم. خب من هم مشورت کردم و گفتند خوب است و رفتم. من جزو اولین نمایندگان میان‌دوره‌ای مجلس اول انقلاب اسلامی هستم. یعنی مجلس اول را بودم. سوم و چهارم هم بودم و بعد هم در دوره‌های نهم و دهم هم از سوی مردم شریف اصفهان به نمایندگی انتخاب شدم.

ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید جناب سالک.

من هم از شما و روزنامه جوان تشکر می‌کنم به فکر افتاده‌اید که تاریخ شکوهمند انقلاب اسلامی را با برگ‌های زرین آن که یکی از آن برگ‌ها بسیج است و به فرمان حضرت امام خمینی (رضوان‌الله) تشکیل شده برای نسل جدید و مخاطبان روزنامه روایت کنید. همان گونه که رهبری تصریح کرده‌اند، این اطلاعات باید مستند شود و به عنوان یک الگو در اختیار نسل حال و آینده قرار گیرد. ■

داستانی دارد و زنجیری محل ورودی بستیم و هیچ کسی را راه ندادیم. به بالای ساختمان رفتیم و چادر زدیم و آموزش را راه انداختیم. با کمک صیاد شیرازی و بچه‌های سپاه و ارتش عده زیادی را آموزش دادیم. یک پادگان هم در جاده قدیم تهران داشتیم که الان پادگان پشتیبانی سپاه است. یک پادگانی بود که امکانات آموزش فراوانی داشت. آنجا مرکز آموزشی ما بود. در این دو جا نیرو تربیت می‌کردیم و آموزش می‌دادیم، البته این غیر از استان‌های ما بود. در تهران این دو پادگان بود. برای جبهه و شرق و غرب و حفاظت خود تهران که مهم‌تر از همه بود. کار دیگری که کردیم از سراسر ایران تمام بسیجی‌ها را بسیج کردیم که هر کسی با لباس و اسلحه خود به تهران بیاید. حدود ۱۲ هزار نفر به تهران آمدند. این ورزشگاه ۱۲ هزار نفری را محل خواب و کار و غذای این عده قرار دادیم که به هیچ عنوان کار راحتی نبود. آقای کنعانی مقدم مسئولیت این کار را بر عهده داشتند. اجتماع بسیار عظیمی بود و سنی و شیعی، کرد و لرد و غیره همه با یک لباس آمده بودند.

اعزام این ۱۲ هزار نفر در قالب طرح خاصی صورت گرفته بود.

نام این طرح لبیک یا خمینی بود. یک نقطه شروعی در تهران و یک نقطه پایانی داشتیم. مانور قدرت در تهران با چند هدف مهم انجام شد. یکی اینکه موجودیت بسیج را با قدرت اعلام کنیم. دوم اینکه به تمام جریانات سیاسی از جمله منافقین، حزب توده و غیره اعلام کنیم که در مقابل شما ایستاده‌ایم.

البته نکته سومی در این امر داشتیم که انسجام درون تشکیلاتی سپاه را به عنوان مانور خیابانی عملیاتی کنیم. الحمدلله این مانور خیلی زیبا شکل گرفت و آن روز هم ما تشکیلات فعلی را نداشتیم تا بتوانیم این لحظات را ثبت کنیم.

تشکیلات استانی بسیج هم در همین زمان شکل گرفت؟

بله، خوشبختانه در آن زمان سازماندهی خوبی

دوران ریاست شما مصادف با برکناری بنی‌صدر و اوج درگیری‌های منافقین در تهران بود، بسیج در مهار این درگیری‌ها چه نقشی داشت.

خب بنی‌صدر از مهم‌ترین چالش‌های ما در آن زمان بود. بنی‌صدری که سر انتقال پسادگان غدیر و ۱۵ خرداد با او درگیر بودم، بنی‌صدری که با صیاد درگیر بود و درجه او را کند، بنی‌صدری که با روحانیت مسئله داشت و دهها مورد دیگر. زمانی که من فرمانده بسیج شدم چالش اصلی ما جریانات منافقین و میلیشیای مسلح و مانور آنها در کل کشور از جمله تهران بودند. میلیشیای مسلح منافقین همراه بابر کناری بنی‌صدر اعلام تظاهرات کرده بودند و اوضاع بهم ریخته بود. بعد از ماه‌های اولیه این بحران اسفند ماه بود که بحث تظاهرات در دانشگاه تهران و راهپیمایی منافقین در تهران مطرح شد. برای مقابله با این مانور قدرت پایگاه‌های بسیج تهران آماده بودند تا با موتور مقابل این حرکت مانور کنند اما پول بنزین هم نداشتند. من خدمت مر حوم آیت‌الله مهدوی کنی، وزیر کشور رفتم و گفتم تهران را می‌خواهید اداره کنید باید به من کمک کنید. من ۱۵ هزار لیتر بنزین می‌خواهم. ایشان هم دادند و من بین موتورهای بچه‌ها تقسیم کردم. بچه‌ها با خانم‌های خودشان با پرچم جمهوری اسلامی آمدند. ۵۰۰ موتوری راه انداختیم. اینها یکبار روی پل پیچ‌شمرن آمدند. آن سوی پل منافقین یک ماشین آجر خالی کرده بودند و میلیشیای مسلح هم ایستاده بودند. مردم را اذیت می‌کردند. یکبار بچه‌های ما وارد شدند. گفته بودیم هر کسی را دیدید معطل نکنید و بنزین. فتنه منافقین آن روز توسط میلیشیا و همین جوانان بسیجی بدون تابلو جمع شد.

مسئله آموزش نیروها را چگونه پیگیری کردید؟

ما دو پادگان در تهران داشتیم که یکی شهرک شهید محلاتی بود که یک ساختمان در آن نبود و فقط یک ساختمان مرکزی داشت. ما وارد شدیم و آن هم

حضرت آقا رسید. به من زنگ زدند و تشکر کردند. من شورای اول این اساسنامه را در مجلس رد کردم. برای شورای دوم می‌رفت که به صحن علنی بیاید و عملیاتی شود.

معظم‌له با شماره تلفن سیاسی زنگ زدند و من صبح در ستاد نشسته بودم و گفتند آقا می‌خواهند با شما صحبت کنند. من به فرمایشات آقا گوش دادم. گفتند اولاً من شما را تشویق می‌کنم، چرا که کار کشنگی را سازماندهی می‌کنید، ولی آقای سالک اگر این کار را بکنید عملاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبدیل به سازمانی می‌شود که تنها در یک دست اسلحه دارد و در یک دست قرآن و نیرویی را که همانند یک چشمه جوشان برای سپاه باشد، از آن جدا می‌کنید. من گفتم فرمان شما چیست؟ ایشان فرمودند بسیج باید پشتوانه سپاه باشد. گفتم «چشم» و بلافاصله جلسه شورای معاونین را تشکیل دادم و آنجا موضوع را مطرح کردم. در اعضای شورا اختلاف افتاد، عده‌ای موافق و عده‌ای مخالف بودند. در این میان من میدان‌داری کردم و گفتم فرمان آقا را اجرا می‌کنم. اگر همه مخالف باشید من یک تنه می‌ایستم. اینها وقتی موضع محکم من را دیدند قبول کردند.

همان‌جا متن و ماده واحده‌ای نوشتیم که از این ساعت بسیج کل کشور با توجه به مواد قانونی به سپاه پاسداران ملحق می‌شود. به مجلس رفتم و با دوستان صحبت کردیم و لایحه پیشنهادی را بالا و پایین کردیم. برخی نمایندگان گفتند، ولی من گفتم باید این کار بشود و دلایل خودم را هم بیان کردم. بالاخره با اصرار من دوستان مجلس این امر را پذیرفتند و با ۱۵ امضا در کمیسیون دفاعی مجلس طرح را متوقف کردیم و بسیج در سپاه ادغام شد.

بعد از ظهر خدمت آقا زنگ زدم و خدمت ایشان موقوف را گفتم. آقا گفتند من تعجب می‌کنم که این کار به این سرعت انجام شد. من گفتم امر شما است. ایشان صبح فرمود و بعد از ظهر هم کار انجام شد. این هم خلاصه کار بود.

بخشی از بیانیه «گام دوم انقلاب» امام خامنه‌ای

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم‌امید در آن به شما جوان‌هاست

گروه‌های جهادی و بسیج سازندگی در پایگاه‌ها و هسته‌های مقاومت بسیج مجری این بخش از گام دوم انقلابند. مسئول سازمان بسیج سازندگی هم در این باره به مناسبت چهلمین سالروز تشکیل این نهاد می‌گوید: «در بیانیه گام دوم خطاب‌های به مسئولان است که به آنها می‌فرماید: همانطور که امور را به شما سپردیم، شما هم آنها را به جوانان بسپارید که در ادامه می‌فرمایند جوانان شما هم آستین‌ها را بالا بزنید و مردانه پای کار بایستید.»

وی می‌افزاید: «جوانان امروز باید نقش خودشان را مطالبه کنند و به‌طور دغدغه‌مند و مسئولیت‌پذیرانه در صحنه‌های انقلاب نقش‌آفرینی کنند. قطعاً اشاره مستقیم به نقش جوانان و بسیجیان در بیانیه گام دوم انقلاب هم افتخار بزرگی برای نهاد بسیج است هم دغدغه‌ساز و مسئولیت‌آفرین.»

مهندس زهرایی در خصوص نقش و کارکرد بسیج سازندگی در گام دوم تصریح می‌کند: «حضرت آقا در این بیانیه به دستگاه‌های اجرایی اشاره‌ای نکردند، ولی بسیج سازندگی را مورد اشاره قرار دادند و صف‌های طولانی و اردوهای جهادی برای سازندگی را که اتفاق می‌افتد مورد تحسین قرار دادند و این مسئولیت ما را بیشتر می‌کند.»

رئیس سازمان بسیج سازندگی کشور اضافه می‌کند: «ایشان وقتی می‌فرمایند صف‌های طولانی جوانان و اردوهای بسیج سازندگی برای خدمت‌رسانی یعنی‌ای بسیج سازندگی مسئولیت شما در ۴۰ ساله دوم بسیار سنگین‌تر است و متولی بخش عظیمی از این جهادی‌ها هستی و شمای که می‌گویید ۱۱ هزار گروه جهادی در کشور راه‌انداختید باید آن را به ۵۰ هزار گروه برسانید.»

مادر همه مقاطع انقلاب شاهد نقش‌آفرینی و پیشتازی جوانان در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بوده‌ایم اما بهره‌گیری دولت‌های حاکم و مستقر از این ظرفیت دارای فراز و نشیب بوده است. زمانی بوده برخی از دولت‌های مستقر دور بسیج و سپاه را خط کشیده‌اند و به دلیل تعلقات سیاسی نخواستند از این ظرفیت عظیم برای رفع محرومیت و پیشبرد اهداف کشور بهره‌برداری کنند که این اقدام ضد ملی موجب ایجاد خسارت برای کشور شده است. برخی هم تا اندازه‌ای به این ظرفیت توجه کرده‌اند، اما اصل اتفاق و خدمت‌رسانی و کمک‌رسانی و همگرایی ملی به شکل آتش به اختیاری اتفاق افتاده و بسیج در میان نهادها و نیروهای مردمی پیشتاز بوده است.

آیا امروز کسی تردیدی می‌تواند نسبت به حضور و سهم و نقش نیروهای مردمی در اجرای موفق طرح ملی واکسیناسیون فلج اطفال، سیل گلستان، لرستان، زلزله سرپل ذهاب و... داشته باشد. اگر به بهانه‌های سیاسی تردیدهایی وارد می‌شود قطعاً از سر دلسوزی و دغدغه‌مندی و خدمت به کشور نیست بلکه غرض و مرض سیاسی در پیدا و پنهان آن نهفته است.

در حال حاضر، جوان‌سازی، جوان‌گرایی و جوان‌مداری جزو برنامه‌های اصلی نظام و تأکیدهای رهبری نظام و لازمه برون‌رفت از وضعیت موجود است و کادرهای جوان وظایف مهم و گسترده‌ای را باید بر عهده بگیرند، اما تحقق این امر نیازمند ساختارسازی و نهادمندی است که طبیعتاً بسیج می‌تواند در سرلوحه و سرفصل این حرکت باشد. ■



۱۲ گام بسیج در گام دوم انقلاب

اعتماد به جوانان سرخط برنامه‌ها

رئیس سازمان بسیج تأکید می‌کند: «دیگر طرح ما اعتلای رضویون است که بسیجیان با هماهنگی قوه قضائیه و نیروی انتظامی در محلات و محل زندگی خود گشت‌های امنیتی دارند و این گشت‌ها به منظور صیانت از حریم مردم بوده و برنامه‌هایی در ارتباط با جامعه پزشکی است که در قالب گروه‌های جهادی بسیج پزشکی به مردم خدمت می‌کنند.»

رئیس سازمان بسیج با تأکید بر اینکه طرح اعتلای پایگاه‌های مقاومت محلی بسیج برادران و خواهران در دستور کار است، گفت: «این طرح برای دستیابی به منظومه فکری مقام معظم رهبری و نقشه راهی که ایشان ترسیم کرده‌اند، اجرا می‌شود.»

■ خدمت‌رسانی، مردم‌یاری و مردم‌داری

خدمت‌رسانی، مردم‌یاری و مردم‌داری از دیگر اهداف و برنامه‌های اعتلای بخش سازمان بسیج در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب است. بر این مبنا حرکت‌های جهادی در قالب بسیج سازندگی تاکنون توانسته بخشی از این اهداف را محقق سازد، اما حجم عظیم خرابی‌ها و خسارت‌ها و محرومیت‌های باقی‌مانده از نظام ستمشاهی و حوادث فراوان در کشور می‌طلبد دامنه فعالیت‌ها و خدمات گسترش یابد و بر مبنای گام دوم، گام‌های بلندتری برداشته شود.

ضرورت توجه به این مقوله مهم و مؤثر در توسعه کشور است.

رئیس سازمان بسیج هم با تأکید بر ضرورت ساماندهی و توانسنجی آن را از دیگر اولویت‌ها عنوان می‌کند و می‌افزاید: «باید حضور سازمان‌یافته جوانان در گام دوم انقلاب اسلامی و در راستای اعتلای انقلاب اسلامی و عظمت میهن و کشور عزیزمان شکل بگیرد.»

■ ۱۲ گام برای تحقق گام دوم انقلاب

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در خصوص برنامه‌های این سازمان برای حضور مؤثر بسیج در گام دوم انقلاب و استفاده از این ظرفیت هم می‌گوید: «برنامه‌های ما موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرد و برنامه‌های مختلفی را هم باید انجام دهیم که بخشی از آن در قالب ۱۲ برنامه اعتلا و تدبیر به مرحله اجرا گذاشته شده است.»

سردار سلیمانی درباره اهم برنامه‌های ۱۲ گانه اعتلای بسیج تصریح می‌کند: «اعتلای بسیج در واقع ساماندهی جوانان و نوجوانان از سن ۱۵ تا ۴۰ سال در قالب طرح اعتلای شهید حججی است. طرح اعتلای شهید بهنام محمدی هم در عرصه بسیج دانش‌آموزی در حال انجام است که مدارس، مراکز بسیج و مساجد را به یکدیگر پیوند می‌دهد.»

“

تجربه گرانقدر جوان‌گرایی و جوان‌مداری در دوران دفاع مقدس و موفقیت سایر کشورها در راه‌اندازی سمن‌ها و تشکلات مردم‌نهاد و خیریه‌ها، برای ساماندهی حضور سازماندهی شده مردم و جوانان و اقشار متخصص و صاحبان فن و ایده، حاکی از ضرورت توجه به این مقوله مهم و مؤثر در توسعه کشور است

علی شیرین



صدور بیانیه گام دوم انقلاب از سوی امام خامنه‌ای یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین رویدادها در حوزه گفت‌وگویی انقلاب اسلامی است که افق و چشم‌انداز حرکت نظام، کشور و انقلاب اسلامی را ترسیم می‌کند. بی‌تردید لزوم توجه به جایگاه این سند راهبردی اتخاذ تدابیر لازم برای تحقق منویات و فرامین رهبر فرزانه انقلاب را گوشزد می‌کند. در این راستا به‌طور حتم اصلی‌ترین رسالت بسیج و همه دستگاه‌های مسئول در گام دوم انقلاب این است که برای اجرایی شدن آن به جوانانی که موتور محرکه نظام و کشور هستند بهای لازم را بدهند.

یکی از ابعاد این بها دادن‌ها توجه به ظرفیت‌ها و توان بالقوه نیروهای مستعد و پابکار و بهره‌گیری از پتانسیل و انرژی فوق‌العاده این قشر و زمینه‌سازی برای حضور مؤثر و هدفمند در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و محرومیت‌زدایی و رفع موانع و مشکلات کشور و برنامه‌ریزی برای پیشرفت علمی و تمدن‌سازی است.

رئیس سازمان بسیج در این‌باره به مناسبت چهلمین سال تأسیس این نهاد انقلابی می‌گوید: وظیفه ما این است که در سازمان بسیج مستضعفین از ظرفیت نیروهای بسیجی استفاده بهینه کنیم؛ البته ظرفیت‌های خوبی نیز داریم که باید این ظرفیت‌ها ساماندهی و سازماندهی شود.

سردار غلامرضا سلیمانی اجرای بیانیه گام دوم انقلاب را وظیفه بسیج و بسیجیان می‌داند و می‌افزاید: «یکی از برکات انقلاب اسلامی توجه به تربیت نوجوانان و جوانان انقلابی و فرهیخته است که در دوره‌های مختلف و طی ۴۰ سال گذشته این مهم به خوبی انجام شده است.»

تردیدی نمی‌توان داشت که در جامعه مدرن امروز، نهادسازی و ساختارمندی امری بدیهی و گریزناپذیر است و محوریت بخشی به کار جمعی مبتنی بر خرد حکمرانی و عقلانیت است. تجربه گرانقدر جوان‌گرایی و جوان‌مداری در دوران دفاع مقدس و موفقیت سایر کشورها در راه‌اندازی سمن‌ها و تشکلات مردم‌نهاد و خیریه‌ها، برای ساماندهی حضور سازماندهی شده مردم و جوانان و اقشار متخصص و صاحبان فن و ایده، حاکی از

بخشی از نامه رهبر انقلاب به عموم جوانان در کشورهای غربی

من اصرار نمیکنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه میگویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند

گفت‌وگو با یک جوان ارمنستانی که خودش را بسیجی می‌داند

شهدای ایرانی را در اینستاگرام معرفی می‌کنم

حضرت آقا بهترین الگو برای بسیجیان عالم است

علیرضا محمدی



صحبت از تفکر و روحیه بسیجی که به میان می‌آید، مرزها معنای خود را از دست می‌دهند. مهم نیست اهل کجا باشی و به چه زبانی سخن بگویی، ارزش‌های نهفته در بسیج می‌تواند روح هر انسان آزادانه را چنان جذب کند که یک جوان غیرایرانی در قلب یک کشور مسیحی، خود را بسیجی بداند. خانم نازلی مارگاریان متولد ۱۳۷۲ در شهر ایروان ارمنستان، چنین روحیه‌ای دارد. پیج اینستاگرامش مملو از تصاویر شهدای ایرانی است و می‌گوید ایران را به خاطر همه چیزش دوست دارد؛ تاریخش، انقلابش، طبیعتش و شهدایش. گفت‌وگوی ما را با این جوان ارمنستانی که خود را یک بسیجی می‌داند، پیش رو دارید.

چطور شد یک جوان ارمنستانی مسلمان شده و مذهب تشیع را انتخاب کرده است؟

من پیش از آنکه مسلمان شوم، به ایران علاقه‌مند شدم. همسایه‌های ایرانی داشتیم که آشنایی با آنها مرا به ایران، فرهنگ و تاریخش علاقه‌مند کرد. از ۱۲ سالگی در مورد ایران مطالعه کردم. چون کشور شما یک کشور انقلابی است که در نظام آن دین نقش پررنگی دارد، خواهی نخواهی در مورد اسلام و تشیع هم مطالعه کردم. رفته رفته همان عشقی را که نسبت به ایران پیدا کرده بودم، نسبت به اسلام، مذهب تشیع، انقلاب و ولایت فقیه و خصوصاً اهل بیت پیدا کردم و بعد از مطالعه فراوان در ۱۷ سالگی مسلمان شدم.

با انقلاب اسلامی و اندیشه‌های حضرت امام چطور آشنا شدید؟ شما به عنوان یک فرد دوستدار شهدای ایرانی در فضای مجازی شناخته می‌شوید.

من یک کتاب در خصوص انقلاب اسلامی در مسجد کبود ایروان خواندم که به زبان ارمنستانی بود. با انقلاب و ریشه‌های آن و اندکی از تفکرات حضرت امام با همان کتاب آشنایی پیدا کردم. بعدها از طریق دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کردم، برای اردوی چند روزه به ایران آمدم. در دانشگاه امام خمینی (ره) قزوین فیلمی از دفاع مقدس با عنوان «خدا حافظ رفیق» دیدم که روی من تأثیر عمیقی گذاشت. بعد از باغ موزه دفاع مقدس بازدید کردیم و اشتیاقم برای دانستن از شهدا بیشتر شد. رفته رفته سعی کردم زبان فارسی را یاد بگیرم. اول مکالمه و بعد خواندن و نوشتن را هم یاد گرفتم و کتاب شهدا را مطالعه کردم. ابراهیم هادی یکی از شهیدایی بود که به عنوان بسیجی به جبهه رفت و شهید شد. زندگی و مرام ایران واقعا من را تحت تأثیر خود قرار داد.

پس بسیج را از طریق شهید هادی و دیگر شهدای دفاع مقدس شناختید؟

راستش همینطور است. وقتی در مورد این شهدا مطالعه می‌کردم، متوجه شدم اغلب آنها به عنوان یک بسیجی به جبهه رفته‌اند. حتی شهدای مدافع حرم که سال‌ها بعد از مسلمان شدن من در جبهه سوریه و عراق شهید شدند، آنها هم خیلی هایشان بسیجی بودند یا اگر شغل نظامی داشتند، به صورت داوطلبانه و بسیجی‌وار به جهاد می‌رفتند. من بسیج را در سیمای شهدا و راه و منش آنها شناختم. به قول شهید مدافع حرم هادی ذوالفقاری لباس بسیجی مهم نیست، اخلاق بسیجی مهم است.

اتفاقاً سؤال بعدی‌ام در خصوص همین اخلاق یا روحیه بسیجی بود؛ چه شناختی از روحیه بسیجی دارید؟

پاسخ این سؤال را هم دوست دارم از طریق شهدا بدهم. مثلاً ابراهیم هادی که یک بسیجی تمام‌عیار بود، به مردم کمک می‌کرد و آزارش به هیچ کسی نمی‌رسید. ایشان وقتی می‌خواست باری از روی دوش کسی بردارد، همین که او مخلوق خدا بود برایش کفایت می‌کرد. نمی‌پرسید تو مسلمانی یا مسیحی یا هر دین دیگری، به آن شخص برای رضای خدا کمک می‌کرد. همین اخلاص در عمل و کار برای رضای خدا و جهاد در مسیر الهی، نشانه‌های روحیه بسیجی است.



د

من در پیج اینستاگرامی‌ام سعی می‌کنم به معرفی شهدای ایرانی بپردازم. از آن گذشته هر اتفاقی را که در ایران یا کشورهای اسلامی رخ می‌دهد اطلاع‌رسانی می‌کنم. مثلاً در حادثه سیل اخیر که اوایل امسال برای چند نقطه از ایران رخ داد، سعی کردم پست‌های مرتبط با آن را بگذارم و اطلاع‌رسانی کنم

شما بسیجی هستید یا خودتان را بسیجی می‌دانید؟

به‌رغم اینکه برخی از دوستان ایرانی‌ام سعی می‌کردند ذهنیت بدی نسبت به بسیج در من ایجاد کنند، اما من به بسیج و روح حاکم در آن علاقه‌مند شدم و چند سال پیش دوست داشتم به صورت رسمی بسیجی بشوم و کارت بسیج داشته باشم. چون می‌خواستم در فعالیت‌های فرهنگی که در مسجد کبود ایروان انجام می‌شود یا سایر فعالیت‌ها شرکت داشته باشم. ولی متأسفانه امکان پذیر نشد. با این وجود خودم را یک بسیجی می‌دانم. چون بسیجی بودن به قول شهید ذوالفقاری به لباس نیست به اخلاق است. اگر من بتوانم روحیه یک بسیجی را در خود تقویت کنم، یک بسیجی هستم.

در صحبت‌هایتان به دوستانی اشاره کردید که می‌خواستند ذهنیت بدی نسبت به بسیج در شما ایجاد کنند؛ هدفشان چه بود و چرا شما خلاف تلاش آنها به بسیج علاقه‌مند شدید؟

نمی‌خواهم این تصور ایجاد شود که آنها هدفمند این کار را می‌کردند. راستش تعدادی از دوستان ایرانی بودند که خیلی در خط بسیج و این حرف‌ها نبودند. به نظر من آنها هم خوب این راه و مرام را نمی‌شناختند. من همیشه سعی می‌کنم تحت تأثیر جوسازی‌ها قرار نگیرم. سعی دارم خودم با تحقیق به حقایق پی ببرم. لذا در کنار حرف آنها به حرف کسانی که دوستدار بسیج و انقلاب بودند هم گوش می‌دادم و نهایتاً با مطالعه راه خودم را پیدا کردم.

تا به حال در فعالیت‌های بسیجی گونه شرکت کرده‌اید؟

من در پیج اینستاگرامی‌ام سعی می‌کنم به معرفی شهدای ایرانی بپردازم. از آن گذشته هر اتفاقی را که در ایران یا کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، اطلاع‌رسانی می‌کنم. مثلاً در حادثه سیل اخیر که اوایل امسال برای چند نقطه از ایران رخ داد، سعی کردم پست‌های



رسانه‌های جوان

مرتبط با آن را بگذارم و اطلاع‌رسانی کنم. خیلی هم دوست دارم در مسجد کبود ایروان فعالیت فرهنگی داشته باشم. چون در اغلب مراسم آنجا شرکت می‌کنم، می‌خواهم فعالیت هم داشته باشم. ولی راستش خجالتی هستم و رویم نمی‌شود از مسئولان بخوام تا با آنها همکاری کنم.

به نظر شما هر کسی در هر جای دنیا می‌تواند یک بسیجی باشد؟ به عنوان نمونه تشکیلی مثل بسیج می‌تواند در کشور ارمنستان ایجاد شود؟

بعید می‌دانم در اینجا چنین تشکیلی ایجاد شود. من معتقدم روحیه بسیجی به روحیه یک مسلمان نزدیک‌تر است. این امر هم به دلیل مسائل دینی و فرهنگ ناشی از آن است، ولی اگر منظور از روحیه بسیجی کار گروهی و داوطلبانه برای اهداف خیر باشد، این قضیه در مؤسسه‌های مردم‌نهاد یا «ان‌جی‌او»‌ها انجام می‌شود. ولی اینکه درست مثل بسیج باشد و روابط و روحیه حاکم در آن در یک تشکل حاکم شود، خب این مسئله سخت است و بعید می‌دانم در یک کشور غیرمسلمان چنین جمعی ایجاد شود. با این حال معتقدم هر کسی که بتواند روحیه بسیجی داشته باشد و برای رضای خدا کار کند یک بسیجی است حالا چه مسلمان باشد چه مسیحی.

شما الگوی بسیجی‌ها را چه کسی می‌دانید؟

حضرت آقا بهترین الگو برای بسیجی‌های عالم است. به ایشان علاقه‌مند هستم و دوستشان دارم. تدابیر حضرت آقا و گوش به فرمان بودن بسیجی‌ها باعث شده تا ایران الان به چنان قدرتی تبدیل بشود که هیچ کسی جرئت حمله نظامی به آن را نداشته باشد. تا وقتی که همه گوش به فرمان ایشان باشند، هیچ اتفاقی برای ایران با آن همه دشمنی که دارد، نمی‌افتد. ■

مجید مظفری بازیگر سینما و تلویزیون: کارنامه بسیج در دوران دفاع مقدس در خشان است



بسیج یکی از تفکرات ناب انقلاب اسلامی است که اصلی ترین اثرگذاری آن بعد از تشکیل شدنش را می توانیم در دوران شکوهمند هشت سال دوران دفاع مقدس ببینیم، به گونه ای که گروه های مردمی و بسیجی در این هشت سال توانستند کارنامه درخشان و ماندگاری از خودشان در تاریخ به ثبت برسانند و توانایی خود را به رخ جهانیان بکشانند. یکی از مهم ترین دلایل پیروزی مادر مقابل دشمن متجاوز، وجود گروه های بسیجی بود که داوطلبانه و به عشق حراست از خاک کشورمان قدم در میدان های نبرد گذاشتند و نگذاشتند که دشمن خاکمان را در اشغال نگه دارد و او را فراری دادند.

به نظر من تفکر بسیجی، فرهنگی مقاومتی را در دوران دفاع مقدس ایجاد کرد که باعث شد بسیاری از گروه های مردمی رهسپار جبهه ها شوند و نگذارند که سنگرها خالی بمانند. در این میان تعداد زیادی از این عزیزان و مردم کشورمان به

شهادت رسیدند و با خون خودشان اثبات کردند که حاضرند برای وطن از جانشان بگذرند. اصالت و فرهنگ بسیج از همان دوران دفاع مقدس شکل گرفت، هر چند که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی هم که هنوز بسیج تشکیل نشده بود مردم ما بسیجی ها به خیابان ها می آمدند تا باعث سرنگونی رژیم شاهنشاهی شوند و سرانجام هم موفق شدند. در حال حاضر با اینکه خبری از جنگ در کشورمان نیست، همچنان بسیج به فعالیت خود در عرصه های مختلف ادامه می دهد. نمی توان گفت که فعالیت بسیج فقط به ابعاد نظامی ختم می شود. بسیج یک فرهنگ است و با این فرهنگ می توان کشور را به سمت پیشرفت و ترقی سوق داد. یقیناً وجود روحیه بسیجی در میان مسئولان کشورمان می تواند حلال بسیاری از مشکلات اقتصادی باشد. اگر بتوانیم روحیه بسیج در دوران دفاع مقدس را برای همیشه حفظ کنیم، هرگز کشورمان دچار بحران نخواهد شد. ■

محمد گلریز خواننده سرودهای انقلابی: موسیقی ارزشی می تواند با بسیج عمومی تقویت شود



در طول سالیان گذشته با پدیده رشد و گسترش موج خوانندگی در کشور، به ویژه در موسیقی های مبتذل مواجه هستیم که متأسفانه گاه دیده می شود رسانه های ما هم به این موسیقی های بدون محتوا و شعر بها می دهند و از آن حمایت می کنند، اما وجود جشنواره های موسیقی بسیج می تواند باعث رشد و گسترش موسیقی ارزشی و با مضمون در کشورمان شود. ارگان هایی همچون سپاه و بسیج می توانند در این حوزه بیشتر ورود کنند تا با ورود هجمه موسیقی مبتذل منتقل شده از سوی غرب مقابله کنند. بسیج، یک تفکر و فرهنگ است که ریشه در انقلاب اسلامی دارد. باید از این فرهنگ در همه عرصه ها خصوصاً عرصه ها فرهنگی و هنری بهره ببریم. ما نمی توانیم حضور بسیج را فقط در ابعاد نظامی ببینیم، بسیج آنقدر گسترده است که می تواند در همه حوزه ها در راستای ارزش ها و مبانی انقلاب اسلامی فعالیت کند.

همانگونه که بسیج به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد و در زمان جنگ تحمیلی به بهترین شکل ممکن ظاهر شد و توانایی هایش را نمایان کرد، در حال حاضر هم می توانیم در حوزه فرهنگی از فرهنگ بسیج بهره بگیریم و نگذاریم که فرهنگ غربی در جامعه گسترش پیدا کند. به نظر می رسد اگر بودجه بیشتری در اختیار بسیج قرار گیرد، بسیج می تواند در حوزه فرهنگی اقدامات شایان و قابل توجهی را انجام دهد و سد محکمی در برابر هجمه ها و تهاجم فرهنگی دشمن باشد. معتقدم که بسیج یک نهاد انقلابی و نیرومند است که می تواند خدمات زیادی را به قشر متعهد جامعه، به ویژه در حوزه فرهنگی و حمایت از آثار هنری ارزشی ارائه کند. باید از این توانایی و ظرفیت استفاده و بودجه آن نیز تأمین شود. بسیجی ها نشان داده اند با روحیه جهادی می توان در هر عرصه ای موفق عمل کرد. به شرطی که انگیزه های الهی فراموش نشود و رضایت الهی سرلوحه امور باشد. ■

عبدالرضا اکبری بازیگر سینما و تلویزیون: طعم حضور در اردوهای جهادی بسیج را چشیده ام



بسیج یکی از یادگارهای ماندگار امام خمینی (ره) محسوب می شود. بعد از تشکیل این نهاد مردمی، شاهد خیر و برکات آن در عرصه های مختلف برای کشورمان بودیم. من در طول سالیان گذشته در برنامه های مختلف بسیج شرکت داشتم، اما اردوهای راهیان جهادی در مناطق محروم استان آذربایجان شرقی، برایم حس و حال عجیبی داشت. در این منطقه محروم، نظاره گر خدمات گسترده بسیجیان جهادگر در جهت خدمت به محرومان این استان بودم و تلاش کردم خودم هم به عنوان یک فرد در این طرح شرکت و طعم خدمت رسانی به مردم را لمس کنم. بر خورد مردم با گروه های بسیجی و جهادی بسیار عالی بود. وقتی این گروه ها، باعث ترمیم خانه های تخریب شده، تازه سازی مدارس کهنه و همچنین تقویت امکانات بهداشتی و درمانی آن مناطق محروم می شدند، واقعاً می توانستیم رضایت دل نشینی را در چهره های مردم آن مناطق ببینیم که واقعاً دیدن چنین

صحنه ای به اندازه یک دنیا ارزش داشت. معتقدم که اردوهای جهادی یکی از دستاوردهای اثرگذار و عظیم بسیج است. اگر بتوانیم باعث افزایش گروه های جهادی و بسیجی در مناطق محروم کشورمان شویم، یقیناً مردم کشورمان اثرگذاری بسیج در عرصه سازندگی و خدمت رسانی را در ابعاد بیشتری خواهند دید. خدمت به مردم محروم روستاهای کشور، یکی از امتیازات ویژه بسیج و اردوهای جهادی محسوب می شود و بسیجیان در این عرصه بدون هیچ چشمداشتی و در جهت کسب رضایت الهی و خدمت به مردم، تلاش می کنند. انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب مردمی است. از دل مردم برآمده و حالا کسب رضایت الهی در گرو خدمت به همین مردم است. این همان نکته ای است که بسیج آن را درک کرده و امیدوارم بسیجیان همیشه در این مسیر دشوار ثابت قدم و استوار باشند. ■

گفت و گو با مدیر اجرایی یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی ایران

بسیج علمی بهتر از پارک‌های علم و فناوری عمل می‌کند

ارتفاع پروازی هواپیمای تک نفره خورشیدی کشورمان
۳ کلاس بالاتر از مشابه خارجی آن است

زهرا چیدری



دنیا محسوب می‌شود و حالا به همت جمعی از جوانان متخصص کشورمان به ثمر رسیده است. به سراغ کاوه مرادنجاتی، معاونت اجرایی این پروژه می‌رویم تا درباره این دستاورد علمی و فنی که با همراهی سازمان بسیج به ثمر رسیده گفت و گویی داشته باشیم.

آقای مرادنجاتی پروژه هواپیمای خورشیدی که شما و دوستانتان ساخته‌اید از چه زمانی و چگونه کلید خورد؟

این پروژه از سال ۸۹ کلید خورد. در پنج سال اول یعنی از اواخر سال ۸۹ تا سال ۹۵ در فاز طراحی، مطالعه و ساخت نمونه‌های رادیو کنترل و برنامه کنترل بوده است. از سال ۹۵ به بعد این پروژه با همکاری و حمایت شرکت‌ها، مراکز و سازمان‌های مختلفی از جمله سازمان بسیج وارد فاز اجرایی شده است. فرآیند طراحی و ساخت نمونه اولیه زیر نظر واحد پژوهشی ماناکا و شرکت هواپیماسازی ایرسا تکمیل شده است.

درباره فرآیند ساخت این هواپیما بگویید، حتماً کار پیچیده‌ای است!

بله، طراحی و ساخت هواپیمای یک نفره خورشیدی چهار بخش دارد؛ بخش مکانیک، بخش برق، مهندسی هوافضا و طراحی‌های پیشرفته هر بخش یک سرگروه دارد و در مجموع ۱۶۰ نفر روی این پروژه کار می‌کنند. طراحی نمونه اولیه دارای حداکثر وزن برخاست ۲ هزار و ۱۲۷ کیلوگرم، بال‌هایی با مساحت ۱۹۴ متر مربع و پهنای بال ۷۱ متر بدنه‌ای به طول ۱۷ متر و سه موتور با مجموع قدرت ۴۰ اسب بخار است، سلول‌های خورشیدی مورد استفاده از این هواپیما باید دارای حداکثر راندمان باشند. مساحت سلول‌ها ۱۸۴ متر مربع، وزن آنها ۴۵۰ کیلوگرم و توان خروجی مقداری برابر ۱۲/۳ کیلووات است. باتری مورد استفاده در نمونه اولیه از نوع لیتیوم یون بوده و دارای وزنی برابر ۴۳۰ کیلوگرم است. برای این نمونه اولیه مداومت پروازی حدود یک ساعت پیش‌بینی شده است که می‌تواند تا حدود چهار ساعت نیز افزایش یابد.

هواپیمای شما تاکنون پرواز هم داشته و امتحانش را پس داده است؟

بله، محققان واحد پژوهشی ماناکا و شرکت هواپیماسازی ایرسا، اولین پرواز آزمایشی نمونه اولیه را به صورت شبیه‌سازی جریان باد روی بال‌ها و بدنه هواپیما انجام دادند و براساس نتایج به دست آمده توانستند مشکلات موجود را شناسایی کرده و در جهت رفع آنها اقدام کنند. این پرندۀ اکنون منتظر اخذ مجوزهای لازم برای پرواز آزمایشی روی باند است.

این هواپیما چه مشخصاتی دارد و چگونه کار می‌کند؟

از مشخصات فنی این طرح می‌توان به نوع بال آن اشاره کرد که هواپیمایی با بال بالاست. هواپیماهای با بال بالا طراحی پیچیده‌تری نسبت به هواپیماهای با بال وسط یا بال پایین دارند. طول دهانه بال ۶۵ متر و مساحت هر



با نگرانی از اتمام انرژی‌های فسیلی، انرژی‌های نو به عنوان انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این میان انرژی خورشیدی یکی از پاک‌ترین و در دسترس‌ترین این انرژی‌هاست که می‌توان از آن در طیف گسترده‌ای بهره گرفت؛ از روشنایی یک چراغ گرفته تا به پرواز درآوردن یک هواپیما!

شاید تصور کنید دستیابی به هواپیمای خورشیدی تنها برای کشورهای پیشرفته غربی امکانپذیر است، اما باید بدانید که جوانان مبتکر و دانشمند ایرانی نخستین هواپیمای تک نفره خورشیدی را تولید کرده‌اند و در پروژه‌ای جدید ارتقای این هواپیما به هواپیمای دو نفره خورشیدی را در دستور کار دارند. هواپیمایی که بناسست تمامی آیات قرآن روی بدنه آن نقش ببندد و به عنوان پیام آور صلح و دوستی، دور دنیا را در ۸۰ روز طی کند! این پروژه علمی، به صورت جدی و برای اولین بار در ایران کلید خورده و سازمان بسیج علمی هم برای حمایت از آن آستین همت بالا زده است. پروژه طراحی و ساخت هواپیمای یک نفره خورشیدی ایران با هزینه‌ای بالغ بر ۱۸۵ میلیارد تومان جزو بزرگ‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی



روحیه بسیجی یعنی عمل به تکلیف. اینکه ما تلاش کنیم صرف‌نظر از نتیجه، با جدیت در مسیر هدف والایی که در پیش است حرکت کنیم. چنین روحیه‌ای باعث می‌شود شکست در نیل به اهداف معنی نداشته باشد و درهای ناامیدی به رویمان باز نشود

پروژه ساخت اولین هواپیمای خورشیدی ایران با هزینه‌ای بالغ بر ۱۸۵ میلیارد تومان جزو بزرگ‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی دنیا محسوب می‌شود و کمتر پیش می‌آید روی پروژه‌های تحقیقاتی این میزان هزینه شود



بال ۸۲ متر مربع است. مساحت شه‌پر ها ۲۱ متر مربع متر مربع است. بیشینه وزن برخواست ۲ هزار و ۷۲۷ کیلوگرم و مداومت پروازی ۱۵ ساعت و ۴۱ دقیقه است. ارتفاع پروازی که این هواپیما می‌تواند در آن پرواز کند بین ۵۵ تا ۶۲ هزار پا است. توان پیل‌ها ۲۹/۶ و باتری ۶۲ کیلووات ساعت است. سه موتور در این هواپیما استفاده شده و طول ملخ موتور اصلی دو متر و موتورهای جانبی ۳/۶ متر است.

ویژگی هواپیماهای شمشاد نسبت به نمونه‌های مشابه در دنیا چیست؟

قبل از ما شرکت سولار اینپاس سوئیس هواپیماهای یک نفره خورشیدی تولید کرده، اما ارتفاع پروازی هواپیماهای تولیدی ما سه کلاس از هواپیماهای تولیدی آنها بیشتر است.

ساخت این هواپیما چه اهمیتی دارد؟

حمل‌ونقل کشور همواره قسمت زیادی از انرژی موجود در کشور را مصرف می‌کند و مسبب بسیاری از آلودگی‌های هوا است. کشورهای پیشرو در عرصه انرژی‌های تجدیدپذیر و سبز مانند آلمان، امریکا و قطر در شاخه‌های مختلف حمل‌ونقل دستاوردهای فوق‌العاده‌ای در این زمینه دارند و در این مسیر قرار گرفته‌اند.

با توجه به گران بودن فعالیت در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و از آنجا که کمتر کشوری به فعالیت در این حوزه مبادرت نموده است، حضور ایران در این صنعت و ساخت هواپیماهای خورشیدی توسط کشورمان می‌تواند تحول عظیمی برای صنعت ایران باشد تا بتواند فاصله خود را با صنعت جهان به حداقل برساند. ساخت این محصول اقتصاد مقاومتی را محقق می‌کند و ارزش‌آوری بسیاری برای کشور به همراه خواهد داشت و همچنین ایجاد اشتغال و فرصت‌های پژوهشی از دیگر چشم‌اندازهای این طرح است.

از آنجایی که تاکنون کشور ما تجربه‌های موفق چندانی در طراحی و ساخت هواپیما نداشته، می‌توان گفت ساخت اولین هواپیماهای با چنین ارتفاع پروازی آن هم از نوع خورشیدی، پروژه بزرگ ملی و بسیار چالش‌برانگیزی محسوب می‌شود و می‌توان آن را بزرگ‌ترین پروژه تحقیقاتی ایران در طول تاریخ نامید.

آیا این هواپیما به بنزین نیازی ندارد؟ پس چگونه کار می‌کند؟

این هواپیما با انرژی خورشیدی کار می‌کند. تجهیز هواپیما با سلول‌های خورشیدی به طوری است که این سلول‌ها روزانه انرژی موردنیاز برای پرواز را از خورشید دریافت نموده و مازاد آن را در باتری ذخیره می‌کنند و در طول شب باتری تنها منبع انرژی در دسترس است که تا روز بعد و شروع چرخه جدید به آرامی تخلیه می‌شود.

سازمان بسیج چه نقشی در اجرای پروژه شما داشته است؟

این پروژه اسپانسرهای زیادی دارد و بیشتر این اسپانسرها در برابر زدن آرمشان روی هواپیما از این پروژه حمایت کردند، ولی سازمان بسیج یک حامی واقعی است و حمایت‌های بی‌شائبه‌ای داشته است.

با توجه به حمایت‌های بسیج از پروژه‌های علمی، از نگاه شما به عنوان یک مخترع آیا بسیج در سالگرد ۴۰ سالگی خودش توانسته نقش خودش

را در عرصه علمی به درستی ایفا کند؟

طی سه یا چهار سال اخیر با شروع فعالیت‌های علمی، بسیج علمی گام‌های خوبی برداشته و حمایت‌های خوبی هم از پروژه‌های کوچک و کم‌هزینه کرده است، اما با توجه به سنگین بودن هزینه‌های پروژه ما امکان حمایت از ما محدود بوده است، ولی در کل می‌شود گفت بسیج در چند سال اخیر خیلی بهتر از پارک‌های علم و فناوری کار کرده است. چون پارک‌های علم و فناوری افراد را بدهکار و تولیدکننده‌ها را درگیر بروکراسی‌های اداری می‌کنند، ولی بسیج علمی واقعا یک حامی است و برای هر طرح دنبال یک حامی می‌گردد. به خاطر همین حمایت‌ها هم بناسنت تا روی بدنه این هواپیما پنج آرم ثبت شود که با توجه به حمایت‌های گذشته سازمان بسیج احتمالا یکی از آرم‌ها، آرم سازمان بسیج خواهد بود.

پس شما به عنوان مدیر اجرایی یک پروژه علمی از عملکرد بسیج رضایت کافی دارید؟

بله، به خصوص آقای قدیانی مدیر قبلی سازمان بسیج علمی هر چند وقت به بارگزارشی از پروژه می‌خواستند و جلسای با ما می‌گذاشتند.

در مسیر اجرای این پروژه به چه مشکلاتی مواجه بودید؟

بدیهی است که انجام هر پروژه بزرگ دارای مشکلات، کمبودها و محدودیت‌های خاص خود است که فقدان بودجه کافی، وجود مقررات دست و پاگیر مالی و اداری، کم‌توجهی به محققان و مشخص نبودن سیاست‌ها و اولویت‌های تحقیقاتی، فقدان نظام صحیح و مطلوب در ارتباط با توزیع اعتبارات پژوهشی، فقدان بستر مناسب برای شکل‌گیری و رشد تحقیقات کاربردی، فقدان ضوابط منسجم و قابل اجرا در ارتباط با سیاست‌های حمایتی از محققان و متخصصان از جمله مشکلاتی است که در مسیر

فعالیت و کار تحقیقاتی پروژه وجود دارد. با وجود این باید توجه داشته باشیم که صنعت هوانوردی در آینده سرمایه ملی ما خواهد بود که توسعه آن نیازمند فراهم کردن زیرساخت‌هاست، یعنی همان تأمین منافع ملی و توسعه پایدار. مدیران ما باید این زیرساخت‌ها را آماده کنند تا بتوانیم وجهه خود را در سطح منطقه و در عرصه بین‌المللی حفظ کنیم.

برای انجام این پروژه چه میزان اعتبار در نظر گرفته شده و برنامه آینده شما چیست؟

پروژه ساخت اولین هواپیمای خورشیدی ایران با هزینه‌ای بالغ بر ۱۸۵ میلیارد تومان جزو بزرگ‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی دنیا محسوب می‌شود و کمتر پیش می‌آید روی پروژه‌های تحقیقاتی این میزان هزینه شود.

فازهای بعدی این پروژه هواپیمای خورشیدی چند نفره و بعد استفاده هر چه بیشتر انرژی‌های نو در صنعت هوانوردی است که بنا داریم در این مسیر گام بر داریم. با تولید هواپیماهای دو نفره بناسنت تا تمام آیات قرآن بر روی بدنه آن نوشته شود و این هواپیما دور کره زمین را در ۸۰ روز بگردد و پیام صلح و دوستی جهان اسلام را به دنیا برساند. این کار در آینده نزدیک شاید کمتر از یک سال آینده بناسنت تا اجرایی شود و به این منظور طی دو سال اخیر هماهنگی‌های لازم پیش‌بینی شده است.

به عنوان مدیر اجرایی یک پروژه تحقیقاتی بزرگ چه انتظاری از مسئولان دارید؟

مسئولان باید به کارهای تحقیقاتی و پژوهشی که توسط جوانان انجام می‌شود، بها بدهند و باید از ایده و فکر آنان حمایت کنند، در ایران شرکتی که توانایی ساخت و تولید هواپیماهایی که بتوانند مجوزهای جهانی پرواز را بگیرند وجود ندارد و با

توجه به گران بودن فعالیت در حوزه انرژی‌های نو و تجدیدپذیر و از آنجا که کمتر کشوری به فعالیت در این حوزه مبادرت نموده است، حضور ایران در این صنعت و ساخت هواپیماهای خورشیدی توسط کشورمان می‌تواند تحول عظیمی برای صنعت ایران باشد تا بتواند فاصله خود را با صنعت جهان به حداقل ممکن برساند.

آقای مرادنجاتی در هفته بسیج قرار داریم و به طور یقین اگر فداکاری رزمندگان بسیجی و جانفشانی شهدا نبود امروز فضا برای دستیابی به چنین پروژه‌های علمی‌ای فراهم نمی‌شد. از بین شهدای دوران دفاع مقدس و بعد از آن شما با کدام شهید ارتباط روحی نزدیک‌تری برقرار می‌کنید؟

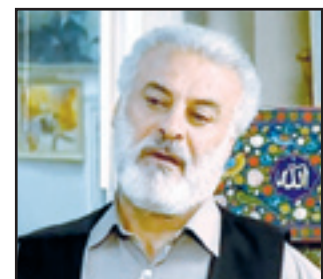
من با شهید محمود کاوه و شهید مرتضی آوینی ارتباط بیشتری برقرار کرده‌ام. من شخصیت شهید آوینی را از مطالعه کتاب‌های ایشان شناختم و برایم شخصیت بسیار جذابی دارد. درباره شهید کاوه هم وقتی زندگی ایشان را مطالعه می‌کنید، می‌بینید ایشان با وجود سختی‌های زیادی که کشیده‌اند، اما به پیروزی امیدوار بوده‌اند.

چه تعریفی از روحیه بسیجی دارید؟ این روحیه در پیشرفت‌های علمی چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

روحیه بسیجی یعنی عمل به تکلیف. اینکه ما تلاش کنیم صرف‌نظر از نتیجه، با جدیت در مسیر هدف‌والایی که در پیش است حرکت کنیم. چنین روحیه‌ای باعث می‌شود شکست در نیل به اهداف معنی نداشته باشد و درهای ناامیدی به رویمان باز نشود. این روحیه را اگر در زندگی و کارهای علمی هم به کار ببریم به طور یقین پیشرفت خواهیم کرد. ■

د
معتمد اگر روحیه مدیریت جهادی و خدمت به اجتماع با هدف دستیابی به تعالی اجتماعی در مدیران
ما وجود داشته باشد ایران از این تنگناها به سلامت عبور خواهد کرد. در زمان حاضر کشور ما نیازمند
مدیران متعهد، متخصص و خدمتگزاری است که دل در گرو کشور و انقلاب دارند و هدف خود را
در راستای اهداف ایران اسلامی و منافع ملت می دانند

جهانبخش سلطانی:
نقش تعیین کننده بسیج
در حراست از کشور
مشهود است



گفت و گو با نخبه علمی، پژوهشگر و فعال خانه نخبگان بسیج

هدف بسیج

بارورسازی سرمایه های فکری است

زینب امجدیان



و کار کرد هنجاری و کاربردی خود را هم ارتقا دهد، آن وقت است که می توان
تفکر بسیجی را در تمام زمینه های علمی نیز مشاهده کرد.

**صرف نظر از جوان ها و عموم مردم، تاثیر روحیه جهادی روی
مسئولان و مدیران تا چه میزان می تواند کشورمان را از
چالش های رو به رو به سلامت عبور دهد؟**

من معتقدم اگر روحیه مدیریت جهادی و خدمت به اجتماع با هدف دستیابی به
تعالی اجتماعی در مدیران ما وجود داشته باشد ایران از این تنگناها به سلامت
عبور خواهد کرد. در زمان حاضر کشور ما نیازمند مدیران متعهد، متخصص و
خدمتگزاری است که دل در گرو کشور و انقلاب دارند و هدف خود را در راستای
اهداف ایران اسلامی و منافع ملت می دانند. در این صورت تهدیدها برای ما
فرصت خواهند بود. مدیران جهادی با روحیه بسیجی و اخلاقی خود می توانند
انگیزه تحقّق شعار اقتصاد مقاومتی را در مردم ایجاد نمایند و به راحتی از
چالش های رو به رو عبور نمایند.

**در شرایط کنونی سازمان بسیج علمی تا چه میزان می تواند
از مبتکران و نخبگان علمی برای رفع مشکلات بهره ببرد؟**

سازمان بسیج علمی از تمامی ظرفیت خود در جهت نیل به اهداف عالیه کشور
استفاده می کند. حمایت های فکری و معنوی همواره و با تمام ظرفیت های
تخصصی انجام می شود، زمان و مکان هم ندارد. استان ما (خراسان شمالی)
جزو استان های محروم کشور قلمداد می شود. مرکز علمی و پژوهشی بسیج
نگاه بسیار ویژه ای به این موضوع داشته و در برنامه های کوتاه مدت و بلندمدت
خودش رسیدگی به مناطق محروم، خصوصاً افرادی را که به لحاظ بضاعت مالی
کم برخوردار هستند اما پتانسیل تفکر خلاقانه و نوآورانه را دارند در اولویت
می گذارد.

اما در خصوص حمایت مادی به لحاظ کمبود بودجه گاه نمی توان در حد
انتظار بودجه ای را به طرح ها اختصاص داد، با این وجود ما در استان خراسان
شمالی با استفاده از پتانسیل متخصصان مان، تقریباً تمامی طرح های مربوط
به مخترعان را تا حد تجاری سازی و عرضه به بازار با همان بودجه اندک

دکتر سهیلا خسروآبادی دارای مدرک دکترای مدیریت آموزشی است
که در سال ۱۳۹۵ دانشجوی نمونه استان مازندران از دانشگاه آزاد
اسلامی واحد ساری شد، سپس رتبه اول فارغ التحصیلان دکتری در
سال ۱۳۹۵ از همین دانشگاه را به خود اختصاص داد. وی به کرات کتب
علمی آموزشی و مقالات علمی - پژوهشی در فصلنامه های داخلی و
خارجی به چاپ رسانده است و هم اکنون نیز به مطالعه و پژوهش در
حوزه علوم اجتماعی و رفتاری مشغول است. با دکتر خسروآبادی
که عضو خانه نخبگان بسیج استان خراسان است همکلام شدیم تا
از فعالیت خانه نخبگان بسیج بیشتر بدانیم و از چگونگی تاثیر تفکر
بسیجی بر پیشرفت های علمی گفت و گو کنیم.

**خانه نخبگان بسیج، چه فعالیت هایی دارد؟ از نحوه
عضوگیری این خانه بگویید.**

با توجه به آشنایی من با بسیج علمی به عنوان یک پژوهشگر، خانه نخبگان
بسیج تاکنون موفق به شناسایی و جذب دهها تن از مخترعان، دانشجویان،
اساتید نوآور، خلاق و ایده پرور و پژوهشگر شده است، هم اکنون نیز نه تنها در
پی شناسایی و جذب حداکثری است، بلکه جهت ایجاد انگیزه برای نگهداشت
این نخبگان بسیجی برنامه های مدونی را در نظر دارد. لازم به ذکر است منویات
مقام معظم رهبری و فرمایشات ایشان همواره سرلوحه و نقشه راه مرکز علمی
بسیج بوده و طبق فرمایشات حضرت آقا اعتماد به جوانان و نخبگان که امروز
دارای بصیرت و آگاهی هستند می تواند زمینه شکوفایی و توسعه هر چه بیشتر
ایران اسلامی را فراهم آورد.

در همین مرکز نخبگان بسیج استان خراسان شمالی که من عضو آن هستم،
همواره از این سرمایه های فکری استقبال شده و می شود، به گونه ای که اقبال
مختلف دانشجویان، اساتید و حتی نوجوانان که دارای طرح و ایده های نوآورانه
هستند و به حمایت فکری و مالی نیاز دارند با مراجعه به این مرکز علاوه بر
عضویت در خانه نخبگان از آنها حمایت می شود.

سعی مرکز علمی و پژوهشی این است تا افرادی که اعتقاد دارند این سازمان
می تواند طرح ها و ایده های علمی آنها را عملی سازد مورد حمایت قرار بگیرند.
به مرکز علمی و پژوهشی مراجعه می کنند و خانه نخبگان بسیج هم از پذیرش و
عضوگیری آنها استقبال کرده و هیچ حد و مرزی برای آنها قائل نیست.

**همانطور که می دانید هویت بسیجی، صرفاً در بعد نظامی
خلاصه نمی شود، به نظر شما چگونه می توان تفکر بسیجی را
در همه ابعاد به ویژه بعد علمی توسعه داد؟**

به نظر من اینجا نقش نظام تعلیم و تربیت بسیار حائز اهمیت است. آنچه امروز
در سیستم تعلیم و تربیت و حتی دانشگاه ما آموزش داده می شود در جهت
پرورش شخصیت و تفکر افراد این جامعه نیست. امروز ما در دنیا جزو کشورهای
برتر در دارا بودن سواد به لحاظ اخذ مدرک دانشگاهی هستیم و بسیار افتخار
می کنیم که در تعالی علوم پیشرو دارای متخصصان برجسته هستیم. به نظر
من در کنار آموزش دروس تخصصی چه در آموزش و پرورش و چه در نظام
آموزش عالی، باید برنامه هایی جهت رشد معرفت و شناخت نوجوانان و جوانان
وجود داشته باشد تا تعلیم و تربیت صرفاً از نگاه تجویزی و توصیفی خارج شود

بسیج یکی از گروه های مردمی و
اثرگذار در کشورمان است که در دوران دفاع
مقدس، به خوبی توانست باعث شکست
دشمن متجاوز شود. در حال حاضر با تغییر
شرایط جنگی در حوزه های فرهنگی و فضای
مجازی، بسیج در این عرصه وارد شده است.
یکی از مهم ترین اهداف بسیج، مقابله با
تهاجم فرهنگی دشمن است. دشمن از طریق
رسانه هایش در تلاش است تا باعث کمرنگ
شدن فرهنگ بسیجی در کشورمان شود و
طوری وانمود کند که بسیج در مقابل مردم
قرار دارد، در حالی که در زلزله کرمانشاه
دیدیم که گروه های بسیجی و مردمی زیادی
به کمک مردم شتافتند.

بسیج، تفکری مهم و انقلابی و عاملی مهم
برای حفظ وحدت و همبستگی در کشورمان
است و به دلیل اثرگذاری این نیروهای
مردمی و انقلابی است که دشمن تلاش
می کند تا باعث تضعیف چنین گروه هایی در
کشورمان شود و از این طریق بتواند به ابعاد
مختلف کشورمان نفوذ کند و باعث متلاشی
شدن انقلاب اسلامی شود. بسیجیان کسانی
هستند که به خاطر مسائل مادی به بسیج
نیامده اند و توقعات مادی ندارند، بلکه به
خاطر حفظ اسلام و انقلاب و قصد قربت
آمده اند. در حال حاضر، امنیت کشورمان
مدیون رشادت ها و از جان گذشتگی های
بسیجیان و نیروهای مسلح است که با جان
و دل از خاک کشورمان محافظت می کنند و
هر چند وقت یکبار خبر شهادت این عزیزان
را در مرزهای کشورمان در مقابله با گروه های
تروریستی و جنایتکار می شنویم که واقعا
تلخ است.

باید گفت که بسیجیان به عنوان سربازان
انقلاب اسلامی، نقش تعیین کننده در
حراست از خاک کشورمان بر عهده دارند
و در طول دوران دفاع مقدس هم رزمندگان و
بسیجیان زیادی بودند که با اهدای جانشان،
نقش اثرگذاری در پیروزی ملت ایران
ایفا کردند. اگر بتوانیم همان فرهنگ و
روحیه را حفظ کنیم، انقلاب اسلامی در
مقابل تمام حمله های دشمن بیمه
خواهد شد. ■

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

وجود دهها هزار نخبه، از یک منظر، نشانگر «تصویر صحیح و واقعی از کشور» و مایه خرسندی و احساس امید است. ضمن آنکه با بهره‌مندی از نخبگان قطعا چارچوب‌های برنامه‌ریزی برای مسائل کشور باید ارتقا یابد (رهبر معظم انقلاب)



جهانگیر الماسی:

بسیج در فضای مجازی بصیرت‌افزایی کند



بسیج اثرات فوق‌العاده و اثرگذاری برای انقلاب اسلامی به همراه داشته است. در حال حاضر که خبری از جنگ نظامی سخت نیست، شاهد ایفای نقش بسیجیان در عرصه‌های فرهنگی و جنگ نرم هستیم. یقیناً اگر به خوبی نتوانیم در جبهه جنگ نرم فعالیت کنیم، دشمن به راحتی می‌تواند فرهنگ مسموم خود را در میان جوانان و نسل‌های امروزی ما ترویج دهد. اگر چنین اتفاقی بیفتد، نسل به نسل که می‌گذرد، فرهنگی غربی جایگزین فرهنگ اصیل کشورمان خواهند شد. در این حالت می‌گویند کشور دچار استحاله فرهنگی شده است. به همین دلیل، وجود گروه‌های بسیجی و مردمی در فضاهای مجازی و فرهنگی کشورمان لازم و ضروری است. باید آن را تقویت کرد، به ویژه اینکه در حال حاضر اکثر جوانان کشورمان فعالیت گسترده‌ای در فضای مجازی دارند و دشمن از این فضا به نفع خود بهره می‌برد و در تلاش است تا با تولید محتوای غلط، باعث دل‌سرد شدن جوانان کشورمان نسبت به انقلاب اسلامی و فرهنگ بسیج شود. نیاز است که بسیج در این عرصه ورود جدی داشته باشد و به روشنگری و تبیین اهداف دشمن در فضای مجازی بپردازد.

یقیناً بصیرت‌افزایی بسیج در عرصه فضای مجازی و عرصه فرهنگی کشورمان باعث شناخت بیشتر ما نسبت به تاکتیک‌های دشمن می‌شود. به این ترتیب عملیات‌های روانی و رسانه‌ای دشمن در کشورمان بی‌اثر و خنثی خواهد شد. در کل باید بگویم بسیج، ارزش، احترام و ضرورت بودنش همواره مورد توجه قرار گرفته است و بسیج در هر قشری که است هدفش کمک به مردم در نقاط مختلف کشور است. به نظر من بسیج دانشجویی بسیار مؤثر عمل کرده و همچنین در بعد سازندگی نیز بسیج در ساخت خانه‌های روستایی و مناطق محروم خیلی تلاش کرده و بار زیادی را از دوش مردم مستضعف برداشته است. ■



دانش است.

در دانشگاه هدف باید سطح بالاتری از آنچه دانشجویان در دوران دبیرستان آموخته‌اند را به دانشجویان تعلیم بدهد. آنچه در دانشگاه هدف است یادگیری است نه صرفاً یادگیری دانش، بلکه خردمندی است. به نظر می‌رسد کارکردهای هنجاری دانشگاه در برخی از دانشگاه‌ها به فراموشی سپرده شده است. توماس فریدمن در کتاب (جهان مسطح) خود معتقد است که برای جوانان فرصتی فراهم کنید که پندار مثبت‌شان را به واقعیت تبدیل کنند. فریدمن می‌گوید: فناوری اطلاعات در ارتباطات به خودی خود نمی‌تواند جامعه‌ای عادل‌تر، عاقل‌تر و آبرومندتر بسازد و وجود فناوری اطلاعات در ارتباطات می‌تواند موجبات ایجاد بستری جهت رشد خلاقیت، همکاری، همدلی و خودآگاهی و در نهایت باعث ارتقای سطح خردمندی افراد شود. فریدمن بر این باور است که کارکرد تکنیکی سیستم آموزشی باید در خدمت کارکرد هنجاری قرار گیرد.

شما به عنوان یک نخبه علمی عملکرد سازمان بسیج علمی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

با وجود تمامی مشکلاتی که پیش روی سازمان بسیج علمی قرار دارد به عنوان سازمانی که همواره در پی ایجاد اعتماد بین خود و اجتماع است و از سویی دیگر با منابع محدود مالی رو به رو است، به نظر می‌رسد این سازمان از تمامی توانش جهت اهداف اجتماعی استفاده می‌کند اما همانند تمامی سازمان‌های اجتماعی که دغدغه ملت و اجتماع را دارد تا زمان رفع مشکلات مردم باید تلاش مضاعف از خود نشان دهد. ■

اینجا باید خاطر نشان کنم که تفکر بسیجی در پی پیشرفت است و نه فقط توسعه، زیرا توسعه، گاه ارزش‌ها را همراه ندارد اما بسیج پیشرفت و توسعه همراه با ارزش‌های ایرانی و اسلامی را خواهان است. سازمان بسیج علمی ایجاد ساختار شبکه‌ای جهت سهولت در دسترسی به تجربیات و ایده‌های مختلف در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و علمی را در برنامه خود قرار داده است و این خود باعث توانمندسازی متخصصان در تمام عرصه‌ها شده است.

چطور می‌توان تفکر خلاق و نوآور بسیجی را در دانشگاه‌ها و مراکز علمی گسترش داد؟

باید به این نکته تأکید داشته باشیم که دانشگاه یک نهاد معرفت‌ساز است که صرفاً وظیفه آن آموزش نیست بلکه وظیفه‌اش گسترش فهم در جهت تربیت یک شهروند اجتماعی متعهد و متخصص است. دانشگاه نقطه تلاقی فرهنگ و



توسعه، گاه ارزش‌ها را همراه ندارد اما بسیج پیشرفت و توسعه همراه با ارزش‌های ایرانی و اسلامی را خواهان است. سازمان بسیج علمی ایجاد ساختار شبکه‌ای جهت سهولت در دسترسی به تجربیات و ایده‌های مختلف در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و علمی را در برنامه خود قرار داده است

مورد حمایت قرار می‌دهیم. هم اکنون چندین طرح تجاری‌سازی شده در حال تولید و عرضه محصولات‌شان به بازار استان و در سطح کشور هستند و در چرخه تولید و اقتصاد نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

چقدر بر این باورید که بسیج منحصر به حضور در سازمان بسیج نبوده و در حقیقت هر کسی دل در گرو انقلاب اسلامی دارد یک بسیجی محسوب می‌شود؟!

آنچه در بسیج اهمیت بسیار دارد تفکر بسیجی است؛ تفکری مبتنی بر مفروضات و باورهای بسیجی. بسیجی تنها در لباس و حضور در سازمان خلاصه نمی‌شود؛ در برخی شرایط خاص مثل هشت سال دفاع مقدس و سال‌ها بعد در جبهه مقاومت به عنوان مدافعان حرم در صحنه نبرد با دشمنان اسلام به خوبی ظهور و بروز یافت و جوانان ما از طیف‌های مختلف در زمان مقتضی در صحنه حاضر شدند. این مسئله نشان می‌دهد ادراکات مبتنی بر ایثار، وجدان، همدلی، خداترسی، تعهد مسئولیت در قبال مظلومان از ویژگی‌های جوانان ابتدای انقلاب بوده و هم اکنون نیز وجود دارد اما همانگونه که مقام معظم رهبری می‌فرمایند با یک سطح بالاتری از دانش، آگاهی و بصیرت که خود مایه افتخار است.

به نظر شما نیروهای توانمند بسیجی در عرصه‌های مختلف علمی، چگونه می‌توانند به خوبی بروز و ظهور پیدا کنند؟

به نظر من بسیج ۲۰ میلیونی ایران تمام اقشار و تخصص‌ها را در خود دارد و همین امر می‌تواند زمینه پیشرفت و بالندگی ایران را فراهم آورد.

حمایت سالانه از هزار طرح علمی از مرحله فکر تا تبدیل به علم، فناوری، تولید و ثروت از برنامه‌ها و سیاست‌های مهم سازمان بسیج علمی، پژوهشی و فناوری در عرصه علم و فناوری است که امیدواریم با افزایش حمایت‌ها در کنار سایر فعالان این عرصه بتواند توطئه‌های بدخواهان این سرزمین را خنثی کند



بسیج علمی و امیدآفرینی برای نوآوران جوان

■ علی شیرین

یکی از دسیسه‌ها و توطئه‌های پیدا و پنهان دشمن در داخل و خارج کشور که با همکاری رسانه‌های معاند، شبکه‌های ماهواره‌ای، کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مجازی در حال انجام و گسترش است، ترویج روحیه ایران ستیزی، ایران گریزی و نفرت‌پراکنی نسبت به این سرزمین از طریق انتشار اخبار منفی و سیاه و فیک و رواج جعلیات و شبهات و بزرگنمایی ضعف‌ها و کاستی‌هاست.

در اینکه کشورمان هم‌اکنون دچار مشکلات متعدد فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و بی‌عدالتی و تبعیض است و بخشی از این مشکلات و نابسامانی متعلق به این دوره است تردیدی نیست، اینکه مدیران و مسئولان در برطرف کردن این مشکلات و مبارزه با فقر و فساد و تبعیض کوتاهی کرده‌اند، باز هم تردیدی نیست، اما کیست که نداند این کشور وارث حجم عظیمی از نواقص، معضلات و فسادها و آوارها از حاکمیت‌های فاسد گذشته است و باز هم کیست که نداند در هیچ دوره‌ای بیگانگان و غربی‌ها دایه دلسوز تر از مادر برای ما نبوده‌اند و در هیچ یک از دولت‌های گذشته و حال ایران آنها به ویژه امریکا، اروپا و غرب برای ما کاری نکرده‌اند و فقط به دنبال غارت ثروت‌های ملی و استعمارگری بوده‌اند، سرانجام اینکه راه‌حل این مشکلات را هم باید در داخل جست نه مهاجرت و پشت کردن به وطن.

کسانی هم که باید برای عمران و آبادانی و اصلاح این مشکلات و نابسامانی‌ها قدم بردارند و با پیشرفت علمی و نوآوری، راه‌های ناهموار را هموار کنند، همین جوانان و نسل جدید دختران و پسران هستند. بی‌تردید بنای معاندان و دشمنان و تفرقه‌افکنان و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب بدخواهان ایجاد یأس و ناامیدی نسبت به آینده کشور و بهشت‌نمایی غرب برای نسل جوان به ویژه نخبگان، نوآوران و پیش‌تازان علم و فناوری است. خب در این میان نقش بسیج به‌عنوان نهادی خیرخواه، دلسوز و پیشگام در شکستن این سد و امیدآفرینی برای نسل جوان چیست؟

یکی از برنامه‌های حمایتی سازمان بسیج علمی به‌عنوان بخش تخصصی بسیج می‌تواند همین حمایت از نخبگان و نوآوران و به ثمر رساندن پروژه‌هایی باشد که سال‌هاست خاک می‌خورد و طراحان و پی افکنان آن منتظر گشایش در باغ سبز حمایتند و خیلی‌هاشان هم ناامید و سرگشته میان

دستگاه‌های حمایتی رها شده‌اند!

وقتی می‌شنویم سازمان بسیج علمی، پژوهشی و فناوری در پی تجاری‌سازی بیش از ۶۰ طرح اختراعی و علمی در سال جاری است، امیدوار می‌شویم که حداقل بخشی از این جوانان راه را در ماندن، ساختن، آباد کردن و رفع موانع و مشکلات فرارو دیده‌اند.

بسیج به‌عنوان امتداد مردمی نظام و نهادی که اقشار و اصناف مختلف را با اولویت جوانان در بر می‌گیرد، یکی از وظایف اصلی خود را در حوزه علم و فناوری و تسهیل فرآیند عملکرد برای مخترعان، مبتکران، استادان، دانشجویان و نخبگان می‌داند.

بر مبنای همین راهبرد این نهاد تلاش کرده از

طرح‌های علمی و پروژه‌های دانش‌بنیان نوآوران جوان در حد وسیع خویش حمایت کند، اما آیا این حمایت کافی است؛ اگر طرحی معرفی شد با چه سرمایه‌ای تجاری‌سازی و تولید انبوه می‌شود؟ آیا مجدداً اجرای طراح ماشین برقی پیش نمی‌آید که از سوی معاون وقت محیط‌زیست در دولت‌های قبلی رانده شد و در مقابل کشوری مثل آلمان از طرح‌های استقبال کرد و او را قاپید.

در این بخش هم شاید بسیج علمی و سایر بخش‌ها فعالیت‌هایی را برای ثروت‌آفرینی داشته‌اند، اما کافی نیست و به حمایت گسترده دولت نیازمند است.

در بخش دانش‌افزایی و استعدادپروری هم از

اقدام‌های امیدبخش به نخبگان و مستعدان جوان ایجاد ۱۰۰ مرکز رشد توسط بسیج علمی در کشور است که از ابتدا تا زمانی که ایده به تولید صنعتی برسد، خدمات رایگان به افراد می‌دهد. در کنار این اقدام همچنین برای تبدیل نوآوری و طرح به کالای صنعتی و تبدیل به ثروت ایجاد مرکز نوآوری و شتاب‌دهی در دستور کار قرار گرفته است.

بسیج علمی با رویکرد تفکر جهادی در حوزه حمایتی تلاش دارد از تمامی افراد فعال در حوزه علم و تولیدات دانش‌بنیان حمایت کند، اما به دلیل ظرفیت گسترده منابع انسانی کشور باید بیش از پیش از توانایی محققان داخل و خارج کشور برای پیشبرد برنامه‌های بلندمدت توسعه علمی و دسترسی به افق ۱۴۰۴ استفاده کرد.

یکی دیگر از ضرورت‌های امروز شرایط تحریمی و کاهش شدید درآمدهای نفتی بومی‌سازی علم و فناوری‌ها و به منصف تولید رساندن اختراعات و نوآوری‌های دانش‌بنیان است، لذا محققان و پژوهشگران باید برای حل مشکلات کشور و درآمدافزایی علم را با حمایت نهادها بومی کنند تا ثمره آن به محصول قابل صادرات تبدیل شود.

هم‌اکنون ۲ هزار و ۸۰۰ مرکز آموزش عالی، ۴ میلیون و ۸۰۰ دانشجو و ۴ هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور فعالیت می‌کنند. همچنین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار عضو هیئت علمی داریم که باید از این پتانسیل‌های عظیم و تأکیدات مقام معظم رهبری در راستای ارتقای سطح علمی کشور و افزایش سطح تولیدات علمی و محصولات دانش‌بنیان برای افزایش درآمدهای کشور و ثروت‌افزایی استفاده شود.

حمایت سالانه از هزار طرح علمی از مرحله فکر تا تبدیل به علم، فناوری، تولید و ثروت از برنامه‌ها و سیاست‌های مهم سازمان بسیج علمی، پژوهشی و فناوری در عرصه علم و فناوری است که امیدواریم با افزایش حمایت‌ها در کنار سایر فعالان این عرصه بتواند توطئه‌های بدخواهان این سرزمین را خنثی کند.

همه مسئولان و دست‌اندرکاران و تلاشگران این میدان باید سعی کنند تا شیرینی علم و فناوری‌ها را با تبدیل آن به ثروت بر سر سفره‌های مردم وارد کنند و ما هم به سهم خود و برحسب وظیفه به این تلاش‌ها راج می‌نهمیم و دست‌ان پر توان‌شان را می‌بوسیم. ■



فرازی از وصیتنامه شهید مهرداد... فتح قدس صرفاً آزاد شدن یک مکان نیست، بلکه این آزادی در کنارش آزادی مستضعفین را به همراه دارد و شکست و پایان عمر نکبت‌بار ابرقدرت‌ها را و این ملت زجرکشیده و شهیدداده از شر طاغوتیان آزاد خواهد شد

«امیر» نخبه بسیج بود که با دانش به جنگ دشمن رفت

از «امیر مهرداد» شهید شاخص بسیج کشور در سال ۹۸ چه می‌دانیم

آرمان شریف



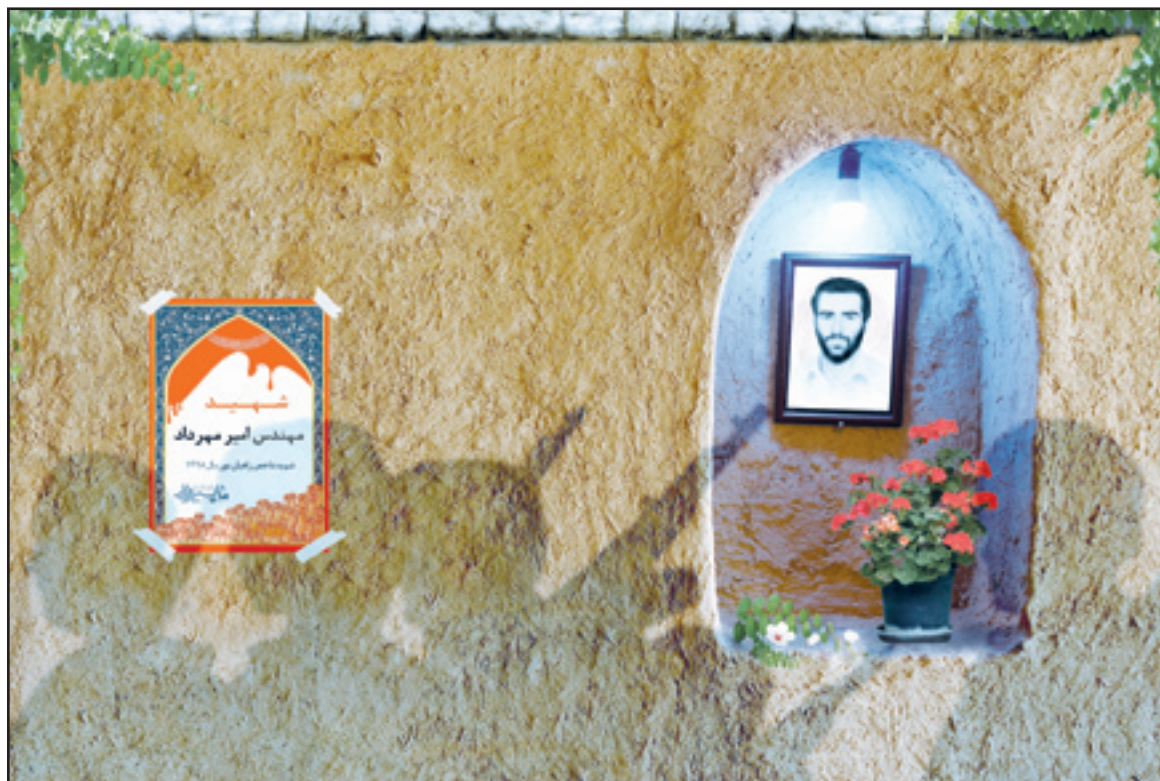
از نقاط قوت ملت ایران در دفاع مقدس حضور پرتعداد نخبگان علمی و چهره‌های دانشگاهی در صحنه نبود. این نخبگان به هیچ عنوان خودشان را از صف مردم و دیگر اقشار جامعه جدا نکردند و حضورشان به عنصری روحیه‌بخش برای سایر رزمندگان تبدیل شد. در آن روزها دفاع از میهن برای نخبگان علمی در اولویت قرار داشت. آنها به فرصت‌های مادی که پیش‌رویشان بود، پشت‌پاز شدند تا ایران اسلامی در آوردگاه دفاع مقدس سربلند باشد. مهندس شهید امیر مهرداد که به عنوان یکی از شهدای شاخص بسیج در سال ۹۸ معرفی شده است، یکی از رزمندگان نخبه علمی بود که حضور مخلصانه‌ای در دفاع مقدس داشت. در ادامه نگاهی به فعالیت‌های علمی و جهادی شهید مهرداد می‌اندازیم و گذری نیز بر حضور او در دوران دفاع مقدس خواهیم داشت.

■ دانشجویی متعدد و انقلابی

هنگامی که مهرداد در رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد، آینده‌ای روشن انتظارش را می‌کشید، اما او کسی نبود که تنها به یک جنبه از زندگی‌اش توجه کند. مهرداد دغدغه و تعهداتی داشت که نمی‌توانست نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد. شهید مهرداد پس از ورود به دانشگاه ارتباطش را با دانشجویان مسلمان برقرار کرد. می‌خواست وارد مبارزه با رژیم طاغوت شود، اما خیلی زود و در اولین سال تحصیل در یکی از تظاهرات دانشجویی دستگیر و راهی زندان شد که به خاطر نداشتن مدارک کافی دال بر محکومیت، بعد از مدت کوتاهی آزاد شد. دانشجویان در دوران انقلاب حضوری پررنگ در مبارزات انقلابی داشتند و شهید مهرداد با شدت بخشیدن به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود، برای پیروزی انقلاب از هیچ فعالیت صحیح و اسلامی رویگردان نبود. با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های این دانشجوی متعدد و نخبه نیز چند برابر شد.

روحیه پر تلاش مهرداد، او را به تکاپو و امی داشت و سعی می‌کرد لحظه‌ای را برای خدمت کردن به اسلام و رفع محرومیت و کسب فیض از دست ندهد. به دنبال این روحیه بود که بعد از پیروزی انقلاب و در تابستان ۱۳۵۸ ابتدا در جهاد سازندگی استان لرستان فعالیتش را آغاز کرد و بعد مسئول تدارکات جهاد شد. او بعد از اتمام کار و بازگشت به تهران در جهاد سازندگی دانشگاه صنعتی شریف که عمده فعالیتش رفع مشکلات سیاسی و فنی کارخانجات و صنایع بود، مشغول به کار شد.

مسئولیت اولیه این دانشجوی انقلابی مراجعه به کارخانجات همراه با دیگر برادران جهاد و اساتید متعهد دانشگاه و جمع‌آوری مشکلات فنی آنان بود تا با طر حشان برای حل مشکلات چاره‌اندیشی شود و در این رابطه پاره‌ای از مشکلات فنی و سیاسی بعضی



از مشکلات مردم روستایی کشورمان در فصل سرما که رساندن سوخت و تهیه چوب برای ایجاد گرما بود، رفع شود. گروه علمی ایشان حدود سه سال در رابطه با این پروژه فعالیت کرد که حاصل آن ایجاد چند واحد اصلی در استان ایلام و ارائه و بررسی در سمپوزیوم بین‌المللی انرژی‌های نو بود که توسط شهید علیرضا قزوینی در سمپوزیوم مطرح شد.

پروژه دوم، طرح «برج تقطیر» برای سازمان انتقال خون ایران بود که در این پروژه یک واحد تقطیر الکل جهت تصفیه پساب‌های سازمان طراحی، ساخت، نصب و راه‌اندازی شد که هم‌اکنون در حال بهره‌برداری است و همچنین چندین پروژه دیگر با همکاری ایشان انجام شد. ساخت پماد سنگر نیز از ابتکارات شهید امیر مهرداد در دفاع مقدس بود. این پماد برای دفع حشرات موزی در سنگر رزمندگان در شرایط سخت مناطق عملیاتی بسیار کاربردی بود و محل گزش حاصل از نیش پشه‌ها را التیام می‌داد.

شهید مهرداد از طریق بسیج راهی جبهه شد و با اینکه مدت خدمت ایشان پایان یافته بود برای رسیدن به مقصود خود کنار رزمندگان ماند و گفت که آمده در عملیات شرکت کند. در پاییز سال ۱۳۶۲ قرار بود عملیات والفجر ۴ انجام شود. شهید امیر مهرداد همراه دیگر رزمندگان در این عملیات شرکت کرد و در ارتفاعات منطقه پنجوین در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱۳ به فیض شهادت نائل آمد. ■

شهید مهرداد در بخشی از وصیتنامه‌اش به زیبایی مسیر جهاد و مبارزه‌اش را اینگونه تشریح می‌کند: «به‌هر حال این قافله با قافله‌سالار پیر خود بار و بندیش را بسته و به سوی قدس عزیز حرکتش را آغاز کرده و دیر نیست روزی که خمینی عزیز ندای توحیدش را از آن خطه به گوش جهانیان برساند و البته فتح قدس صرفاً آزاد شدن یک مکان نیست، بلکه این آزادی در کنارش آزادی مستضعفین را به همراه دارد و شکست و پایان عمر نکبت‌بار ابرقدرت‌ها را و این ملت زجرکشیده و شهیدداده به رهبری پیر جماران، جهان را از شر طاغوت و طاغوتیان و شیطان بزرگ آزاد خواهد کرد و این مبارزه را با انتظار مهدی (عج) و تظاهر آن حضرت که منجی عالم بشریت است ادامه خواهد داد و بدا به حال آنان که عزم راسخ این کاروانیان را دیدند و به آن نپیوستند. کاروان حق جویان را دیدند که به‌سوی نور در حرکت است، اما همچون شب‌پرستان اگر در جلوی آن نایستند، سر را در گریبان بردند و منکر حقیقت آن شدند و به اعمال دوران جاهلیت خود ادامه دادند و همچون ابولهب‌ها و ابو جهل‌ها و... بهترین فرصت متعالی شدن را از دست داده و جهنمی شدند.»

دانشگاه بود، به همین دلیل مسئولیت گروه مهندسی شیمی جهاد را بر عهده گرفت.

■ فعالیت‌های علمی شهید مهرداد

اولین پروژه گروه که تحت سرپرستی ایشان و با همکاری یکی از اساتید دانشکده مهندسی شیمی و چند تن از دیگر افراد، از جمله شهید علیرضا قزوینی انجام شد، پروژه «پیوگاز» بود. در این پروژه که هدف از آن تهیه گاز معی (به عنوان سوخت) از فضولات حیوانی بود، سعی شد تا یکی

“



کارخانجات را رفع کردند.

در خرداد ۱۳۵۹ با حرکت انقلاب فرهنگی و تعطیل شدن دانشگاه‌ها با توجه به اینکه در آن روزها مسئله‌ای به نام تضاد علم و تعهد توسط منقر فان در ایران ایجاد شده بود، شهید امیر مهرداد برای اینکه غلط بودن این نظریه را اثبات کند همراه دیگر دانشجویان متعهد دانشگاهی حرکتی را آغاز کردند که بعداً به نام جهاد دانشگاهی نامیده شد. با توجه به اینکه این شهید، دانشجوی رشته مهندسی شیمی



من فکر می‌کنم باید سعی کنیم حلقه‌های صالحینی را به طور جدی تر تشکیل دهیم. مستمر بودن حلقه‌های صالحین و همینطور هدفمند کردن آنها می‌تواند به جذب بچه‌ها در بسیج کمک کند

د

دارنده مدال طلای المپیاد جغرافیا از توانایی‌ها و ویژگی‌های علمی بسیجیان می‌گوید

مدیریت کشور با تفکر بسیجی آرمان تحقق نیافته امام (ره) است

کبری فرشچی



پس به خاطر همین است که شما در پایگاه علمی در کنار فعالیت‌های علمی و برگزاری رده‌های رفع اشکال فعالیت‌های فرهنگی را هم گنجانده‌اید؟

بله دقیقاً همین طور است.

از نظر شما چگونه می‌توان شرایط بسیج را ارتقا داد و هم جذب دانش‌آموزان و به ویژه بچه‌های نخبه را در بسیج افزایش داد و هم جذب هدفمندی داشته باشیم تا بسیج را به جایگاه شایسته‌اش برسانیم؟

من فکر می‌کنم باید سعی کنیم حلقه‌های صالحینی را به طور جدی تر تشکیل دهیم. مستمر بودن حلقه‌های صالحین و همینطور هدفمند کردن آنها می‌تواند به جذب بچه‌ها در بسیج کمک کند. این مسئله برای خود من پیش آمده که گاهی وقت‌ها از راه‌های دور و نزدیک به پایگاه می‌آیم اما حلقه صالحین تشکیل نمی‌شود و یا در حلقه‌ها مطالب و موضوعات عمیق و استدلالی مطرح نمی‌شود و نمی‌تواند به ابهامات بچه‌ها و شبهاتی که وجود دارد پاسخ دهد. این شبهات باعث می‌شوند پایه فکری بچه‌ها به هم بریزد و وقتی این عشق و ارتباط به واسطه شبهاتی که مطرح می‌شود و پاسخ مناسبی هم برای آنها نیست از بین برود بچه‌ها نمی‌توانند به خوبی ارتباط بگیرند و فعالیت کنند.

شما خودت با این مواجه شده‌ای که شبهه‌ای برایت پیش بیاید و در حلقه‌های صالحین به سؤال و شبهه شما پاسخ ندهند؟

بله برای من چند بار پیش آمده است. به همین خاطر هم تنها مباحثی را در حلقه مطرح می‌کنم که اطمینان داشته باشم امکان پاسخگویی به آن وجود دارد و مواردی را که احساس کنم نمی‌توانند پاسخگو باشند، در جمع مطرح نمی‌کنم و کارم را شخصی پیش می‌برم.

در این موارد چه کار می‌کنی؟ معمولاً به سراغ معلم دینی ام می‌روم و از ایشان می‌پرسم.

خانم حدادی شما چقدر برای بسیج وقت می‌گذاری؟

من و دوستانم چهار پنج نفر هستیم و تلاش می‌کنیم بیشتر در مدرسه برای بسیج وقت بگذاریم. به طور مثال برای برنامه‌های صبحگاه که یک ربعی فرصت هست تلاش می‌کنیم تا برنامه پرباری را برای بچه‌ها داشته باشیم. همین طور خیلی وقت‌ها از معلم‌ها کمک می‌گیریم. در پایگاه علمی با بچه‌ها قرار گذاشتیم تا جلسات رفع اشکالی را در حرم حضرت مصومه و یا در مدرسه تشکیل دهیم و هر کدام از بچه‌ها به تناسب توانایی‌اش بخشی از کار رفع اشکال را بر عهده بگیرد. این برنامه را هنوز کامل اجرا نکردیم اما فعلاً قصد داریم جمعه‌ها ۲ ساعتی را به این کار اختصاص دهیم. ■

که آموزش‌های خوبی داشت و آزمون‌های منظمی برگزار می‌کردند. البته نه به کیفیت رده‌هایی که برخی از آموزشگاه‌های معروف برگزار می‌کنند اما در مجموع خیلی خوب و کمک‌کننده بود. به خصوص اینکه این رده‌ها هزینه مناسبی هم داشتند. البته این رده‌ها در زمینه جغرافیا نبود اما برای درس‌های کلی مدرسه کمک خوبی به شمار می‌رفت.

شما از چه زمانی عضو بسیج شدی؟ من از چهار سال پیش فعالیت‌م را در بسیج شروع کردم. ابتدا عضو بسیج مسجد شدم و بعدها علاوه بر مسجد در مدرسه و پایگاه علمی فعالیت‌هایم را ادامه دادم.

امسال بسیج وارد چهل سالگی خود می‌شود. به نظر شما به عنوان یک نخبه جوان آیا بسیج به جایگاهی که باید دست یابد رسیده است؟ ما نسبت به بسیج چه وظیفه‌ای داریم؟

به نظر من ما خیلی بیشتر از اینها می‌توانستیم برای بسیج کار کنیم. آن بسیجی که مد نظر امام خمینی (ره) بود و بر اساس آن نیروی مقاومت بسیج را پایه‌گذاری کردند نیرویی مردمی بود که بتواند مدیریت کشور را بر عهده بگیرد و در هر زمینه‌ای اعم از علمی، فرهنگی، اقتصادی و غیره بتواند پیشرو باشد. اما متأسفانه امروز و در آستانه چهل سالگی بسیج به خیلی از این آرمان‌ها نرسیده‌ایم و این از کم‌کاری ما بوده است.

چطور؟ ببینید ما وقتی وارد بسیج می‌شویم فقط در یک زمینه فعالیت داریم؛ یا فعالیت علمی می‌کنیم و از فعالیت‌های فرهنگی غافل می‌شویم یا فعالیت فرهنگی می‌کنیم و از فعالیت‌های علمی جا می‌مانیم. به نظر من اینطوری جواب نمی‌دهد و باید فعالیت‌های علمی و فرهنگی را توأم با هم انجام داد تا به نتیجه دلخواه برسیم.

در حال حاضر چه فعالیت‌هایی در زمینه‌های علمی داری؟

امسال توانستم در المپیاد جغرافیای کشوری مدال طلا کسب کنم و در کنارش در کانون علمی بسیج هم فعالم.

اشاره داشتی که در کانون علمی بسیج هم فعال هستی. کانون علمی بسیج چه فعالیت‌هایی دارد؟

در این کانون بیشتر برای بچه‌هایی که در پایه‌های پایین‌تر هستند رده‌های رفع اشکال برگزار می‌کنیم و حتی سعی می‌کنیم تا برای المپیاد رده‌هایی برگزار کنیم. دانش‌آموزانی که علاقه‌مند به شرکت در این رده‌ها هستند را برای عضویت در بسیج تشویق می‌کنیم. علاوه بر این در کانون علمی بسیج نگاه ما این است که تنها به برگزاری رده‌های علمی اکتفا نکنیم و در کنار برگزاری رده‌های علمی به فعالیت‌های فرهنگی هم توجه کنیم.

فعالیت‌های فرهنگی کانون‌ها چیست؟

ما بیشتر سعی می‌کنیم روی وصیت‌نامه شهدا کار کنیم و از بچه‌ها می‌خواهیم تا وصیت‌نامه شهدا را حفظ کنند یا این وصیت‌نامه‌ها را روی در و دیوار رده‌ها بزنند. همچنین یادواره‌هایی برای شهدا برگزار می‌کنیم.

خانم حدادی شما در حال حاضر با توجه به توانایی علمی‌ات در رده‌های کانون علمی بسیج به بچه‌های پایه‌های پایین‌تر و کسانی که از نظر علمی نسبت به شما ضعیف‌تر هستند کمک می‌کنی. آیا در بسیج به شما هم کمک شد تا بتوانی توان علمی‌ات را بالا ببری؟ چقدر از موفقیت‌ت در المپیاد راناشی از این کمک‌ها می‌دانی؟

بله در پایگاه علمی رده‌هایی برای ما می‌گذاشتند

یلدا حدادی کلاس یازدهم است و امسال توانسته به عنوان یک دانش‌آموز بسیجی از استان قم در المپیاد جغرافیای کشوری مقام نخست را به دست بیاورد و مدال طلای این رقابت علمی را از آن خود کند. این نوجوان بسیجی نخبه تنها یکی از رویش‌های بسیج در آستانه چهل سالگی این نیروی مردمی است. حالا رویش‌های بسیج در حوزه‌های غیر نظامی و در عرصه‌های علمی و فرهنگی ملموس‌تر از گذشته شده است و چهره‌هایی همچون یلدا حدادی نمادی از وجهه‌های کمتر شناخته شده بسیج در حوزه فعالیت‌های علمی و فرهنگی را به همگان معرفی می‌کنند. نشانه‌ای از اینکه بسیج می‌تواند با استعدادترین دانش‌آموزان این مرز و بوم را تحت پوشش خود قرار دهد و در کنار علم آموزی با جذب آنها در زیر پرچم انقلاب و ولایت، علم‌شان را به زیور اخلاق انقلابی و تعهد بسیجی بیاراید تا علم نافع تولید شود. در سایه تولید همین علم نافع است که کشور به پیشرفت و ارتقا دست می‌یابد. به سراغ این دانش‌آموز نخبه رفته ایم تا سیمای دهه هشتادی‌های نخبه و بسیجی را در کلام وی بیشتر بشناسیم.

خانم حدادی چه شد که متوجه شدی در رشته جغرافیا استعداد داری و به این سمت و سو کشیده شدی؟

من ابتدا علاقه‌ای به رشته جغرافیا نداشتم. اما معلم جغرافیای ما در سال دهم ما را برای ورود به رشته انسانی و همین‌طور برای یادگیری درس جغرافیا خیلی تشویق می‌کرد. از سوی دیگر خیلی از ما المپیادی‌ها وقتی کتاب‌های درسی‌مان را می‌خوانیم برایمان چندان جذاب نیست اما وقتی علاوه بر کتاب درسی برخی کتاب‌های دیگر را هم می‌خوانیم موضوع برایمان جالب می‌شود. من هم وقتی منابع المپیاد جغرافیا اعلام شد منابع را خواندم و خیلی خوشم آمد و با تلاش خودم و لطف خدا توانستم موفق شوم.

برای حضور در المپیاد جهانی جغرافیا چه برنامه‌ای داری؟ آیا برای حضور مقتدرانه در این رقابت هم آماده‌ای؟

بهمن ماه بناسست تا یک دوره و یک آزمون دیگر برگزار شود و بر اساس این آزمون از بین ما هشت نفر برگزیده المپیاد کشوری چهار نفر انتخاب می‌شوند و این چهار نفر برای مرداد ماه سال آینده برای المپیاد جهانی اعزام خواهند شد.

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

بسج و ورزش



گفت و گوبا کاپیتان بسیجی تیم ملی کبدی بانوان که برای اولین بار قهرمان بازی های آسیایی شدند

با حجاب کامل قهرمان آسیا شدیم

مبینا شانلو

موارد اهمیت می دهند. به نظرم شهدا در زمینه های گوناگون زندگی الگوی ما هستند و باید این الگوها به نحو درستی به نسل جوان معرفی شوند

چند سال است که عضو بسیج هستید؟

از دوران دبستان عضو بسیج بودم و در فعالیت های ورزشی بسیج حضور داشتم. در مقطع راهنمایی هم به عنوان بسیجی فعال شناخته شدم. در کمیته های مختلف پایگاه بسیج شهرستان عضو بودم و فعالیت داشتم. همه کاری می کردیم. هر سال مسابقات مختلف ورزشی برگزار می کردیم و خودمان تیم داشتیم.

شما از دبستان وارد بسیج شدید و در این مدت در

کنار دیگر بسیجیان همکاری و فعالیت داشتید.

تعریف شما از بسیج و روحیه بسیجی چیست؟

به نظر من بسیجی یک نیروی کارآمد همه میدان هاست. این کارآمدی در میدان دفاع مقدس و سپس در میدان سازندگی و محرومیت زدایی از مناطق محروم کشور و در میدان علمی هم ثابت شده است و میدان های جدیدی هم که باز شود باز بسیج کارآمدی خودش را اثبات می کند. اگر در هر کدام از دستگاه های اجرایی کشور روحیه بسیجی حاکم باشد، توفیقاتشان بیشتر می شود. روحیه بسیجی در هر جا که حاکم باشد، در آنجا فعالیت، نشاط، حرکت و حیات را مضاعف می کند. این معنای بسیج است. من هم که از کودکی در کلاس های بسیج شرکت می کردم، از همان ابتدا جذب این انگیزه، همت، تلاش و انرژی زیادی که دارند، شدم.

کدامیک از شهدای استان

خود را می شناسید؟

شهید عالی را خیلی خوب می شناسم. الان هم با خانواده این شهید ارتباط داریم. شهید عالی در هنگام شهادت سن کم، اما روحی بزرگی داشت. شهدا موجب افتخار ما هستند. آنها جانانشان را برای اسلام و کشورشان دادند. من به خودم و به همه زنان سرزمین می گویم که ما باید همیشه این شهدا را مد نظر داشته باشیم. آنها برای حفظ امنیت ما و حفظ ناموس کشور به جبهه رفتند. ■

می کنیم، اما کار ما تیمی است و باید در کنار هم تمرین کنیم تا هماهنگی لازم بین اعضای تیم به وجود آید. مسئولان نباید به قهرمانی سال ۲۰۱۸ جاکار تاپسند کنند، باید برای تکرار قهرمانی در دوره های بعدی برنامه ریزی شود. ما می خواهیم با تکرار قهرمانی هایمان دل مردم را شاد کنیم و امیدوارم باز هم در عرصه ورزشی با همت و تلاش باز یکنان به قهرمانی برسیم.

یک بخشی از حاشیه سازی هایی که صحبتش شد مربوط

به حجاب خانم های ورزشکار می شود، بر خی حفظ حجاب را در انجام مسابقه نوعی محدودیت می دانند،

نظر تان چیست؟

ببینید این قانون کشور ماست. ما باید تابع قانون جمهوری اسلامی باشیم چون در این کشور زندگی می کنیم و برای این کشور و به نام این کشور مسابقه می دهیم، بنابراین باید به قانون کشورمان احترام بگذاریم. من به شخصه ارادت خاصی به حضرت آقا دارم. هر چه ایشان بگویند من می پذیرم. از طرفی ما در میدان عمل نشان دادیم که حجاب محدودیت نیست. با حجاب هم می شود قهرمان شد. با حجاب هم می شود به هر جای دنیا رفت و ورزش کرد و مسابقه داد و موفق شد. اتفاقاً قهرمانی با حجاب اسلامی بیشتر چسبید، این نیست که بگویم حجاب مانع پیشرفت ما می شود. من خودم ۱۳ سال است که با حجاب در تیم ملی بازی می کنم و مسابقه می دهم. هرگز به ذهنم خطور نکرد که این حجاب بود که باعث شد تیم ما موفق نشود.

به عنوان کاپیتان

در هدایت تیم

پیش آمده که از

الگوهای انقلابی

مثل شهدا، برای

دادن انگیزه به

بچه های یتیم

استفاده کنید؟

بله، البته من به این مورد خیلی توجه دارم. خودم در خانواده ای مذهبی در زابل بزرگ شدم و افتخار می کنم در خانواده ای بزرگ شده ام که به این

از ۹ سالگی ورزش کبدی را شروع کرد و اکنون که ۲۷ سال دارد با ۱۸ سال فعالیت مستمر در ورزش کبدی به عنوان یکی از پیشکسوتان این رشته در ایران شناخته می شود. فریده ظریف دوست در اوج جوانی، ۱۳ سال است که در تیم ملی کبدی ایران در رده های سنی جوانان و بزرگسالان حضور دارد و مدت هاست که بازویند کاپیتانی تیم ملی کبدی ایران را بر بازو می بندد. او دومین فرزند خانواده و تنها خواهر در بین پنج برادرش است. تیم ملی کبدی ایران با کاپیتانی وی بود که در مسابقات آسیایی ۲۰۱۸ جاکار تاد در دیدار نهایی با غلبه بر هند قهرمان آسیا شد. فریده ظریف دوست از دبستان به عضویت بسیج در آمده و در دوره راهنمایی به عنوان یک بسیجی فعال شناخته شده است. او همواره در فعالیت های ورزشی بسیج مشارکت فعال داشته و دارد. گفت و گوی ما با این بانوی بسیجی ورزشکار را پیش رو دارید.

چطور سدر رشته کبدی را انتخاب کردید؟

کبدی رشته اول استان ما سیستان و بلوچستان است، اما من فوتسال و کاراته هم کار می کردم. خانواده ام اهل ورزش هستند. پدرم ورزشکار بود و ورزش را دوست داشت و از همه ما در این راه حمایت کرد. ما هم هر کدام با حمایت پدر و مادر به سمت آن رشته ورزشی که دوست داشتیم، رفتیم. پدر و برادرم یارهای تمرینی من بودند و کمک می کردند. رشته کبدی را دوست داشتم اگر چه قبل از آن کاراته کا بودم. تنها رشته ای که استان ما در بازی های آسیایی بازیکن ملی پوش دارد، همین رشته کبدی است.

تیم ملی کبدی بانوان اولین مدال طلای تیمی تاریخ

ورزش بانوان ایران را در بازی های آسیایی کسب کرد، اما

خیلی از جریان هایی که به اصطلاح خود را مدافع حقوق زنان

ایرانی می دانند، از کنار این موفقیت گذشتند و ترجیح دادند

به مسائل حاشیه ای بپردازند، پاسخ شما به آنها چیست؟

خط و ربط آنها مشخص است، خودتان هم که گفتید به حاشیه می پردازند. مهم واکنش مردم است. ما که مقام آوریم همه مردم خوشحال شدند. هر جا می رفتیم مردم ابراز علاقه و لطف و محبت می کردند و همین برای ما کافی است.

آینده تیم کبدی بانوان را چطور می بینید و چه انتظاری

از مسئولان دارید؟

ما یکسال است که از بازی های آسیایی آمده ایم، در این مدت هیچ مسابقه بین المللی برگزار نشده است. نه تمرین ملی داشتیم و نه اردویی برگزار شده است. اگر اینطور پیش برود تکرار قهرمانی سخت خواهد بود. البته وضعیت اقتصادی کشور در این زمینه بی تأثیر نیست، اما مسئولان باید برنامه ریزی کنند تا اعضای تیم ملی در طول سال دور هم جمع شوند و تمرین داشته باشند. این خیلی مهم است. البته ما در شهرهای خودمان تمرین

یوسف کر می مدال آور المپیک در رشته تکواندو:

اخلاص بسیجیان را در اردوهای جهادی دیده‌ام

سازمان بسیج ورزشکاران یکی از سازمان‌هایی است که تلاش می‌کند فرهنگ بسیجی را در میان ورزشکاران کشورمان ترویج دهد و با آنان از تباط برقرار کند. من هم در طول این چند سال همکاری زیادی با این سازمان داشته‌ام. معتقدم که بسیج، فرهنگی ماندگار و ارزشی در کشورمان است که اگر به این تفکر بیشتر پرداخته شود، موجبات خیر و برکت بیشتری در سطح جامعه می‌شود. برای مثال اردوهای جهاد سازندگی یکی از اردوهای خاطره‌انگیز، اثرگذار و مردمی است که توسط بسیجیان سراسر کشور برگزار می‌شود. در این اردوها یک عده بسیجی مخلص و انقلابی، لباس خدمت به تن می‌کنند و به روستاها و مناطق محروم کشورمان قدم می‌گذارند و بدون هیچ چشمداشتی در جهت توسعه و آبادانی آن مناطق تلاش می‌کنند تا موجبات رضایت مردم منطقه و روستای محروم را فراهم آورند. این بسیجیان در یادل، اگر خانه‌ای تخریب شده در آن منطقه وجود داشته باشد آن را ترمیم می‌کنند و اگر مدرسه‌ای

بدون امکانات در آن منطقه ببینند، آن را مجهز به امکانات بهتر می‌کنند. واقعاً اردوهای جهادی از جمله اردوهای ماندگار در سطح کشورمان است که مفتخرم از نزدیک این اردوها را به چشم دیده‌ام. به نظرم هیچ چیز شیرین‌تر از دیدن لبخند مردم محروم از فعالیت گروه جهادی نیست. اردوهای جهادی به دلیل اینکه یک اردوی دلی است و بسیجیان خالصانه در این اردوها به مردم خدمت می‌کنند، جلوه‌ای خاص برایم دارد. من مفتخر بوده‌ام که در اردوهای جهادی استان سیستان و بلوچستان شرکت کنم و در مناطق محروم این استان، حاضر شوم و عشق و دلدادگی بسیجیان به مردم را از نزدیک نظاره‌گر باشم. بسیاری از ما تلاش می‌کنیم که در طول سال و در بهترین ایام مثل نوروز به بهترین مناطق کشورمان سفر تفریحی داشته باشیم، اما بسیجی‌ها در اردوهای جهادی در این ایام، به مناطق محروم سفر می‌کنند و به هموعان خود در سخت‌ترین شرایط کمک می‌کنند. باید به آنها خداقوت گفت. ■

وحید شمسایی بازیکن و مربی فوتسال:

بسیج در زمان بحران‌ها در خط اول خدمت‌رسانی به مردم است

بسیج یکی از برکات انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و نقش ویژه بسیجیان را در زمان بحران در کشورمان به خوبی مشاهده کرده‌ایم. مثلاً در زمان سیل و زلزله، ابتدا این گروه‌های جهادی، بسیجی و مردمی هستند که به کمک مردم می‌شتابند تا آسیب‌های ناشی از این بحران‌ها کمتر شود. به همین دلیل می‌توانیم بگوییم که بسیج، یک گروه آماده و منسجم در سراسر کشور است که در مواقع بحرانی به کمک مردم می‌شتابد. هدف از تشکیل آن هم خدمت به مردم در تمام عرصه‌هاست.

در دوران دفاع مقدس نیز شاهد حضور گروه‌های مردمی و بسیجی در خط مقدم جبهه‌ها بودیم و می‌توانیم به جرئت بگوییم که با وجود این گروه‌ها بود که توانستیم بدون هیچ امکانات پیشرفته نظامی در طول هشت سال دفاع مقدس در مقابل دشمن ایستادگی کنیم و نگذاریم که یک وجب از خاک کشورمان را

حمید استیلی سرمربی تیم ملی امید:

بسیج ماهیتی مردمی دارد

بسیج در تمام عرصه‌ها به خوبی درخشیده است. برگزاری اردوهای راهیان نور که من هم در این اردوها شرکت کرده‌ام، یکی از اقدامات مؤثر بسیج است که همه ساله در کشورمان با حضور اقشار مختلف مردم برگزار می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی هم این سفرها را یکی از کارهای ویژه بسیج می‌دانند. از آنجایی که هویت بسیج، مردمی است اردوهای راهیان نور با حضور گسترده مردم در مناطق عملیاتی دفاع مقدس برگزار می‌شود. مردم با حضور در این مناطق، بار دیگر با آرمان‌های شهدا عهد و میثاق دوباره می‌بندند.

همانطور که عرض کردم من هم از نزدیک در اردوهای راهیان نور شرکت کرده‌ام و معنویت شهدا را حس کرده‌ام. معتقدم که حضور جوانان در اردوهای راهیان نور می‌تواند باعث پیوند میان نسل امروز با نسل گذشته شود.

همچنین بسیج به عنوان یک گروه مردمی در زلزله کرمانشاه و سیل اخیر

تلاش‌های گسترده‌ای در جهت خدمت به مردم انجام داد و در این مواقع بحرانی شاهد حضور به موقع نیروهای مردمی و بسیجی در صف خدمات‌رسانی به آسیب‌دیدگان بودیم. می‌توانیم بگوییم که رسالت بسیج، خدمت به مردم است و نباید بسیج را جدا از مردم بدانیم. رسانه‌های بیگانه در طول سالیان گذشته تلاش گسترده‌ای انجام داده‌اند که باعث کمرنگ شدن فرهنگ بسیج و بسیجی در سطح جامعه شوند. این امر در حالی است که بسیج یکی از ستون‌های محکم انقلاب است و حضور بسیجی‌ها در سراسر کشور باعث ایجاد امنیت داخلی شده است. امیدوارم با وجود تلاش خالصانه گروه‌های بسیجی و مردمی، امنیت‌مان پایدار باشد و دشمن هرگز جرئت حمله به خاک کشورمان را نداشته باشد. هم‌اینک به‌رغم اینکه جنگی نیست، باز در برخی از مناطق مرزی شاهد حضور نیروهای مردمی در قالب بسیج هستیم که می‌تواند امنیت را برایمان به ارمغان بیاورد. ■

باید جوان های سوری وارد میدان می شدند که به همت افرادی چون حاج قاسم سلیمانی تجربیات جنگ تحمیلی در سوریه به کار گرفته شد و با ورود دفاع وطنی، معادله جنگ تغییر کرد

گفت و گو با سردار محمدجعفر اسدی
پیرامون تأثیر روحیه بسیجی
در پیروزی های جبهه مقاومت اسلامی

۶ مذهب در سوریه با روحیه بسیجی در یک خط شدند



علیرضا محمدی

برای معرفی سردار محمدجعفر اسدی اشاره به یک سمت یا مقطع تاریخی کافی نیست. نام او ابتدا به عنوان فرمانده لشکر ۳۳ المهدی در دفاع مقدس شناخته شد. اما او بعد از دفاع مقدس نیز مسئولیت های متعددی نظیر فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا و سپاه پنجم باقر العلوم (ع) در شمال غرب کشور به مدت چهار سال، فرمانده لشکر ۱۹ فجر استان فارس به مدت شش سال، جانشینی فرماندهی نیروی زمینی به مدت شش سال، جانشین بازرسی ستاد کل به مدت سه سال، فرماندهی نیروی زمینی سپاه از تیرماه ۸۷ تا اردیبهشت سال ۸۸، حضور در سوریه و لبنان طی سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ و معاون بازرسی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) را در پرونده خدمتی خود دارد، اما نکته ای که باعث شد دوباره نام سردار اسدی بر زبان ها بیفتد، حضورش به عنوان فرمانده نیروهای مستشاران ایرانی در بحبوحه جنگ سوریه بود که وی این سمت را از مستان سال ۱۳۹۳ از سردار شهید حاج حسین همدانی تحویل گرفت و تا سال ۹۵ عهده دار این مسئولیت بود. سردار اسدی هم به عنوان یک فرمانده لشکر در دوران دفاع مقدس و هم به عنوان فرمانده سابق مستشاران ایرانی در سوریه، با بسیجی های نسل های مختلف ارتباط داشته و دارد. از این رو به سراغش رفتیم تا در چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین، از تأثیر روحیه بسیجی در جوانان مدافع حرم و پیروزی های کسب در این جبهه گفت و گو کنیم.

خیلی از کارشناسان، ارتش سوریه را یک ارتش منسجم با تجربیات تاریخی نظیر جنگ اعراب و اسرائیل می دانند، اما ما می بینیم که ورود نیروهای دفاع وطنی یا همان بسیجی های این کشور باعث تغییر معادلات جنگ شد. چطور می شود که چند هزار جوان می توانند کاری را انجام بدهند که یک ارتش نتوانسته بود به انجام برساند؟

من هم موافقم که ارتش سوریه یک ارتش کارآمد است، اما بخشی از نیروهای این ارتش در هنگام وقوع فتنه در این کشور آسیب دید. با این وجود خوب مقاومت کرد و بخش هایی از خاک سوریه را از خطر سقوط حفظ کرد. گاهی می دیدیم که بخشی از ارتش در یک پادگان نظامی چند سال در محاصره بودند، اما تسلیم نشدند. در دیرالزور، حلب یا نقاط دیگر این اتفاق افتاد. تنها در یک مورد تعدادی از نیروهای ارتش سوریه در یک پایگاه هوایی به مدت چهار سال مقاومت کردند، اما به هر حال در آن طرف یک نیروی چریکی با انگیزه و سازماندهی شده از سراسر جهان جمع شده بود تا با حمایت باز یگران بین المللی و منطقه ای طومار حکومت سوریه را ظرف کمتر از سه ماه در هم بپیچند. یادمان نرفته که تروریست ها در هنگام ورود به سوریه تلی از گذرنامه های شان درست کردند و همگی را به آتش کشیدند. چون می گفتند آمدیم تا یک دولت راه بیندازیم. داعش یعنی دولت اسلامی عراق و شام، دولتی که از طرف قدرت های منطقه ای و ابر قدرت های فرامنطقه ای حمایت می شد. بنابراین ارتش سوریه به تنهایی کافی نبود، لذا باید همان مدلی که در دفاع مقدس به اجرا درآمد آنجا نیز اجرا می شد. یعنی باید

جوان های سوری وارد میدان می شدند که به همت افرادی چون حاج قاسم سلیمانی تجربیات جنگ تحمیلی در سوریه به کار گرفته شد و با ورود دفاع وطنی، معادله جنگ تغییر کرد. در برخی از مواقع همین جوان های دفاع وطنی توانستند حلقه محاصره را بشکنند و ارتش سوریه را از محاصره برهانند.

تعداد جوان های حاضر در دفاع وطنی چقدر بود؟ چه انگیزه هایی آنها را تبدیل به یک نیروی کارآمد کرد؟

تعداد دفاع وطنی در مقاطع مختلف در نوسان بود. در یک مقطع تا ۵۰ هزار نفر رسیدند، ولی آنچه در اغلب مواقع افراد را به اشتباه می اندازد، تعداد نفرات است. اگر انگیزه قوی وجود داشته باشد، یک نفر می تواند با شجاعت و ایمان یک تنه معادلات نبرد را تغییر بدهد. نمونه اش را بارها دیده ایم. مثلاً در مقطع محاصره آبادان، یک

باید همان مدلی که در دفاع مقدس به اجرا درآمد آنجا نیز اجرا می شد. یعنی باید جوان های سوری وارد میدان می شدند که به همت افرادی چون حاج قاسم سلیمانی تجربیات جنگ تحمیلی در سوریه به کار گرفته شد و با ورود دفاع وطنی، معادله جنگ تغییر کرد. در برخی از مواقع همین جوان های دفاع وطنی توانستند حلقه محاصره را بشکنند و ارتش سوریه را از محاصره برهانند

عملیاتی در تپه های مدن انجام دادیم. یک روز صبح اول وقت بعضی ها با هفت تانک و نفربر به ما پاتک زدند. من خودم آنجا بودم. خوف این تانک ها باعث شد نیروهایی که پشت خاکریز خودی بودند عقب نشینی کنند. می رفت تا خط سقوط کند که ناگهان سردار مرتضی قربانی روی خاکریز رفت و در حالی که گلوله های دشمن از چپ و راستش عبور می کرد، نفربر پیشروی دشمن را زد. باقی نفربرها و تانک ها ترسیدند و ایستادند. یکباره ورق برگشت و بچه هایی که عقب نشینی می کردند، برگشتند و نیروهای دشمن را به اسارت گرفتند. یا در عملیات کربلای ۵ شهید مرتضی جاوید کاری کرد که بسیاری از نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله از خطر اسارت نجات پیدا کردند. خود سردار قاسم سلیمانی می گوید که اگر جاوید نبود من یا اسیر می شدم یا به شهادت می رسیدم. در موضوع سوریه هم همین بود. ورود نیروهای با انگیزه دفاع وطنی که به نوعی همان بسیجی های کشور سوریه بودند جان تازه ای به جبهه مقاومت داد و باعث شد در کنار دیگر عوامل، کفه ترازو به سمت جبهه خودی تغییر کند.

روحیه بسیجی های سوری را چطور دیدید؟

یکسری از این جوان ها همان اخلاص بسیجی های ما را داشتند، اما نمی توانیم بگوییم همه اینطور بودند. از شهید مطهری نقل قول زیبایی وجود دارد به این مضمون که برخی می گویند در جهان ۶ میلیارد آدم است، اما تنها یک میلیارد مسلمان هستند. پس باقی را به کنار بگذاریم. از آن یک میلیارد هم ۲۰۰ میلیون شیعه هستند پس باقی را کنار بگذاریم. از میان شیعیان هم یک عده تنها در شناسنامه شیعه هستند، پس آنها را هم کنار بگذاریم و همین طور تا آخر. به نظرم ما نمی توانیم



د
اصلاً جهان استکبار از نام بسیج وحشت دارد. فقط به یک نمونه‌اش اشاره کنم؛ در ماجرای برخورد با شناورهای آمریکایی شاید شما فیلم کاملش را ندیده باشید، آن فردی که وارد شناور آمریکایی می‌شود دمپایی پایش است

تروریست‌ها همچنان قدر تمند بودند و سرنوشت جنگ مشخص نبود. در دنبال کارهایی که سردار سلیمانی و شهید همدانی انجام می‌دادند ما هم با نیروهای خودمان و دفاع وطنی سوریه و سایر مجاهدان کار را ادامه دادیم.

حیفمان می‌آید با سردار اسدی گفت‌وگو کنیم و به عکس مشهوری که می‌گویند ساعتی قبل از شهادت سردار همدانی انداخته شده اشاره‌ای نداشته باشیم. این عکس مربوط به چه زمانی است؟

این عکس شاید پنج ساعت قبل از شهادت سردار

سردار شما چه زمانی به عنوان فرمانده نیروهای مستشاری وارد سوریه شدید؟

من مقطعی سه ساله فرمانده لبنان، سوریه و فلسطین بودم. زمان جنگ ۳۳ روزه در ایران بودم. دوباره وقتی که فتنه سوریه رخ داد، سال ۹۳ به آنجا رفتم و فرماندهی مستشاران ایرانی در سوریه را از شهید همدانی تحویل گرفتم.

زمانی که شما رفتید تروریست‌ها هنوز در دمشق بودند؟

هم در خود دمشق بودند و هم در ریف (اطراف) دمشق به شکل مفصل حضور داشتند. البته

طوری پاسخ داد که گویی اصلاً نمی‌داند جنگ شروع شده است. در هنگام جنگ سوریه هم یک خبرنگار معاند دوربین را به سطح شهر دمشق برد و با معرفی میدان امسوی همینطور رفت تا به یک کاباره رسید. بعد از داخل آنجا تصاویری نشان داد و اینطور القا کرد که وقتی جوان‌های سوری دارند خوشگذرانی می‌کنند، جوان‌هایی از ایران، عراق، افغانستان و پاکستان دارند اینجا شهید می‌شوند. در صورتی که در ایران خودمان و زمان دفاع مقدس هم چنین جوان‌هایی وجود داشتند. در آن طرف یک عده هم جبهه می‌رفتند و شهید می‌شدند. در سوریه هم این‌طور بود. یک عده از

همه نیروهای حاضر در جبهه مقاومت را با معیار بسیجی‌های خودمان بسنجیم. اسلام و عقاید دینی جای خود دارد، ولی گاه می‌شود که یک نفر به خاطر قومیتش یا کشورش اقدام به ایستادگی و مقاومت می‌کند. اشکالی ندارد. کار او هم در جای خودش قابل تحسین است. همین که طرف حق را شناخته و علیه باطل قیام کرده، جای تقدیر دارد. شما ببینید در سوریه شش مذهب کنار هم علیه تروریست‌های وابسته به جبهه استکبار می‌جنگیدند. علوی‌ها بودند، سنی‌ها بودند، دروزی‌ها بودند، اسماعیلی‌ها و دیگران بودند. این از قشنگی کار است. روحیه بسیجی و حضور



دکتر قالیباف و سردار سلامی نفرات اول و دوم از سمت چپ (در دوران دفاع مقدس)

همدانی انداخته شده است. یک جلسه‌ای در دمشق برگزار کردیم که عکس مورد اشاره شما مربوط به آن موقع است. آن روز بعد از اتمام جلسه، قرار شد به حلب برویم، اما سردار همدانی گفت بهتر است هر دوی ما در یک اتومبیل نباشیم، چون اگر اتفاقی بیفتد، می‌گویند چرا هر دوی اینها در یک وسیله نقلیه بودند. خلاصه ایشان رفت و من هم کاری داشتم. انجام دادم و حرکت کردم. پیش خودم گفتم اگر دیروقت بشود شب را نزدیکی‌های حلب یک جایی به صبح می‌رسانم و بعد به آنجا می‌روم. رفتم و نزدیکی‌های حمص بودم که تماس گرفتند و گفتند همدانی تصادف کرده، ولی به خیر گذشته است. به حمص رسیده بودیم که خبر دادند ایشان به شهادت رسیده است. آن شب بسیار ناراحت و نگران بودم. صبح خودم را به حلب رساند که متوجه شدم پیکر حاج حسین را به دمشق فرستاده‌اند و همان شب هم او به تهران منتقل شده بود.

خیلی از بسیجی‌های دهه هفتادی اصرار داشتند که در جبهه سوریه حضور داشته باشند و تعدادی هم در آنجا حضور پیدا کردند و شهیدایی

این عکس شاید پنج ساعت قبل از شهادت سردار همدانی انداخته شده است. یک جلسه‌ای در دمشق برگزار کردیم که عکس مورد اشاره شما مربوط به آن موقع است. آن روز بعد از اتمام جلسه، قرار شد به حلب برویم، اما سردار همدانی گفت بهتر است هر دوی ما در یک اتومبیل نباشیم، چون اگر اتفاقی بیفتد، می‌گویند چرا هر دوی اینها در یک وسیله نقلیه بودند

زمانی که شهید همدانی به سوریه رفت اوضاع بغرنج‌تر بود. اوایل کسی که از فرودگاه تا دمشق می‌رفت، چندین بار مورد حمله تروریست‌ها قرار می‌گرفت. شهید همدانی وقتی که به دفتر کارش در دمشق رفته و کلید برق را زده بود یک نفر از ساختمان روبه‌روی دفترش را به رگبار بسته بود. زمان حضور ما اوضاع دمشق امن‌تر بود، اما

جوان‌های شان کاملاً مخلص وارد گود شدند و در قالب دفاع وطنی با دشمن جنگیدند.

به نظر می‌رسد خود ارتش سوریه هم با سرسختی بیشتری نسبت به رویدادهای تاریخی چون جنگ‌های اعراب و اسرائیل می‌جنگید.

عملکرد ارتش سوریه محصل تفکرات و فرماندهی بشار اسد است. به نظر من در مواردی او بسیار بهتر از پدرش حافظ اسد شرایط را درک کرده و عمل می‌کند. به تعبیر دیگر بصیرت لازم را دارد. در مقطع جنگ ۳۳ روزه همین آقای بشار اسد مرزها را به روی لبنانی‌ها گشود و گفت هر کسی که می‌خواهد بیاید و در مدارس به آنها پناه داد. نوع نگاه رئیس‌جمهور آن کشور، به نیروهای نظامی هم تسری پیدا کرده است و حق و باطل را بهتر از قبل می‌شناسند و لذا بهتر می‌جنگند. می‌دانید که اسرائیل مدعی است ظرف شش روز ارتش چند کشور عربی را نابود کرد. تا حدی هم درست می‌گوید، اما این ارتش سوریه که ما دیدیم با آن ارتشی که در زمان جنگ شش روزه بود و متفاوت است.

بسیجی‌وار همه اینها را در یک خط و مقابل دشمن قرار داده بود.

حضور رزمندگان ایرانی تا چه میزان در انتقال روحیه بسیجی به جوان‌های سوری مؤثر بود؟ خصوصاً که تعدادی از رزمندگان مدافع حرم یادگارهای دوران دفاع مقدس بودند.

اصلاً نفس تشکیل دفاع وطنی یا همان بسیجی‌های سوریه بر گرفته از الگوی بسیج در دفاع مقدس است. خیلی از جوان‌های سوری در همنشین و همراهی با رزمندگان و بسیجی‌های خودمان، رنگ‌وبوی بسیج گرفتند، اما برخی از آنها هم ذاتاً دارای انگیزه‌های اعتقادی و دینی قوی بودند که این عده خیلی زودتر جذب می‌شدند. اینجا خوب است به یک نکته‌ای اشاره کنم. یادمان است اوایل شروع جنگ تحمیلی یک خبرنگاری به گمانم در تهران گزارش تهیه می‌کرد. به یک جوانی رسید که هدفون گوشش بود و داشت آهنگ گوش می‌داد. از او پرسید می‌دانی که جنگ شده است. آن جوان که انگار در حال و هوای دیگری بود



شجره طیبه‌ای که حضرت امام به نام بسیج مستضعفین تشکیل داد، امروز ذیل هدایت‌های مقام معظم رهبری شاخ و برگ‌های متعددی داده و هر شاخه‌ای میوه‌های خودش را دارد. یکی در سوریه، یکی در عراق، یکی در لبنان، یکی در سوریه و...

همین خاطر شجره طیبه‌ای که حضرت امام به نام بسیج مستضعفین تشکیل داد، امروز ذیل هدایت‌های مقام معظم رهبری شاخ و برگ‌های متعددی داده و هر شاخه‌ای میوه‌های خودش را دارد. یکی در سوریه، یکی در عراق، یکی در لبنان، یکی در سوریه و... همه از یک ریشه نشئت گرفته‌اند و به این ترتیب ما امروز شاهد حضور بسیج جهانی اسلام در محور مقاومت هستیم.

حالا که در چهلمین سالگرد تشکیل بسیج قرار داریم، به نظر شما دشمنان در مؤلفه‌های قدرت

و می‌خواستند غذا بخورند. به هم تعارف می‌زدند. شوخی می‌کردند و ظاهر و رفتارشان آدم را یاد رزمندگان دوران جنگ می‌انداخت. اما اینها یک مدل مصنوعی از بسیجی‌های ما بودند. گاهی ما گل‌هایی را می‌بینیم که کاملاً به شکل گل طبیعی هستند. تا وقتی به آنها دست نزیند و از نزدیک لمس نکنید، نمی‌توانید اصل یا مصنوعی بودنش را متوجه شوید. قضیه دشمن هم همین‌طور بود. تا از نزدیک نمی‌دیدید و لمس نمی‌کردید متوجه نمی‌شدید که اینها مدل مصنوعی بسیجی‌های ما هستند. در واقع دشمن خواسته بود نقطه قوت ما یعنی همان روحیه بسیجی را در میان

قبل از اینکه به سؤال شما پاسخ بدهم خوب است خاطره‌ای را برای شما تعریف کنم. یکبار در جنوب حلب بودم. با دوربین‌های مخصوص تصویری را از جبهه دشمن می‌دیدم. یک ساعت یا یک ساعت و نیم به نماز صبح باقی مانده بود که دیدم یکی از نیروهای دشمن در حالی که از فرط سرما پتویی دور خودش پیچیده و به پشت‌بام آمد و مشغول خواندن نماز شب شد. نقش هم بازی نمی‌کرد چون در آن موقع از شب که کسی او را نمی‌دید. در هوای سرد ایستاد و نماز خواند. خب نشان می‌دهد که به کارش اعتقاد دارد. یا یکبار اسنادی از دشمن به دستمان رسید که نشان می‌داد از نیروهای‌شان

تقدیم شد. شما که با بسیجی‌های دهه ۶۰ و بسیجی‌های حال حاضر هم‌رزم بودید، چه تشابه یا تفاوتی بین این دو نسل می‌بینید؟

اصل و ریشه یکی است. تنها تفاوت در اختصاصات زمانه است. الان بسیجی‌ها از لحاظ دسترسی به تکنولوژی و مسائلی از این دست به‌روزتر هستند. دهه ۶۰ از این خبرها نبود، ولی همانطور که گفتم چون ریشه یکی است، آرمان‌ها و اهداف یکی است، قابلیت‌ها هم یکی می‌شود. چطور در دوران دفاع مقدس یک نوجوان بسیجی با اصرار خودش را به جبهه می‌رساند،



نظام اسلامی چه جایگاهی برای بسیج قائل هستند؟

اصلاً جهان استکبار از نام بسیج وحشت دارد. فقط به یک نمونه‌اش اشاره کنم؛ در ماجرای برخورد با شناورهای آمریکایی شاید شما فیلم کاملش را ندیده باشید، آن فردی که وارد شناور آمریکایی می‌شود دمپایی پایش است، اما نیروی کاملاً مسلح دشمن از او می‌ترسد و تسلیم می‌شود. مگر نه اینکه آمریکایی‌ها با کشورهای غربی می‌گویند ما ابرقدرت جهان هستیم، پس چطور است که از یک نیروی ما اینطور می‌ترسند. اینها به خاطر ابهت و ترسی است که نام بسیج و سپاه و نیروی نظامی اعتقادی ما در دل دشمن ایجاد کرده است. یک روز رزمندگان خوزستانی ما از خانه‌اش در دزفول تا خط مقدم فقط ۱۰ دقیقه با ماشین راه داشت. اما امروز به برکت هدایت‌های ولی فقیه و وجود بسیج جهانی اسلام، خط مقدم ما تا مدیترانه گسترش یافته است. بسیج، سپاه و ارتش ما که برگرفته از جوانان انقلابی است، نعمت‌های بزرگ الهی هستند که باید قدر دان آنها باشیم. ■

خودش ترویج بدهد و علیه ما استفاده کند، اما بسیجی‌های مصنوعی آنها هیچ وقت نمی‌توانستند عطر و بوی بسیجی‌های ما را به دست بیاورند و به همین خاطر هم مدل مصنوعی بسیج که توسط دشمن درست شده بود، در میدان عمل نتوانست کاری از پیش ببرد و شکست خورد. این خاصیت جبهه حق و باطل است. هر چند جبهه باطل در ظاهر مسلمان و اعتقادی باشد، در نهایت باطل از بین رفتنی است.

در جبهه مقاومت اسلامی گردان‌های فاتحین ایرانی در کنار حیدریون عراقی و فاطمیون افغانستانی و زینبیون پاکستانی و دفاع وطنی سوری‌ها همگی ذیل نام بسیج در میدان حضور یافته بودند. در حالی که خیلی از این ملت‌ها با فرهنگ‌های متفاوتی هستند، چطور است که همگی آنها جذب روحیه بسیجی می‌شوند؟

اصل و ریشه یکی است. ما همگی به یک قبله نماز می‌خوانیم و باورهای مشترکی داریم. به



گاهی ما گل‌هایی را می‌بینیم که کاملاً به شکل گل طبیعی هستند. تا وقتی به آنها دست نزیند و از نزدیک لمس نکنید، نمی‌توانید اصل یا مصنوعی بودنش را متوجه بشوید. قضیه دشمن هم همین‌طور بود. تا از نزدیک نمی‌دیدید و لمس نمی‌کردید متوجه نمی‌شدید که اینها مدل مصنوعی بسیجی‌های ما هستند. در واقع دشمن خواسته بود نقطه قوت ما یعنی همان روحیه بسیجی را در میان خودش ترویج بدهد و علیه ما استفاده کند

برای ورود به مناطق عملیاتی امتحان عقیدتی گرفته‌اند. حالا برسیم به پاسخ سؤال شما. من فیلمی را از جمع تروریست‌ها دیدم که مرا به یاد دفاع مقدس و جمع بسیجی‌های خودمان می‌انداخت. یک نوشابه‌ای وسط گذاشته بودند

در دفاع از حرم نیز شاهد چنین صحنه‌هایی بودیم. من هر وقت به ایران برمی‌گشتم در همان فرودگاه جوان‌ها با اصرار و حتی التماس از من می‌خواستند که امکان حضورشان در جبهه مقاومت اسلامی را فراهم آورم. یک‌بار یک جوان که تازه وارد سپاه شده بود در فرودگاه دستم را گرفت و گفت نمی‌از حقوقم را کسر کنید، اما اجازه بدهید به سوریه بروم و در دفاع از حریم اهل بیت بکنم. این جوان قطعاً جبهه‌های دفاع مقدس را ندیده بود. شاید هم بعد از جنگ به دنیا آمده بود، اما چون روحیه بسیجی داشت، اینطور با اصرار می‌خواست در جبهه مقاومت اسلامی حضور داشته باشد.

در طرف مقابل هم دشمن سعی کرده بود مدل بسیجی‌های ما را در جبهه خودش پیاده کند، برخی از معاندها اعتقادی می‌جنگیدند، پس چطور شد که بسیجی‌های جبهه مقاومت نتوانستند بر کسانی که هم اعتقادی می‌جنگیدند و هم از سوی ابرقدرت‌ها پشتیبانی می‌شدند پیروز شوند؟



“

من اشتیاق مردم مصر را در رفتار و اظهاراتشان مشاهده می‌کردم که نشان می‌داد آنها همواره از اینکه یک کشور اسلامی بتواند برای خودش قدرت کسب کند، خوشحال بودند و به حال خودشان غبطه می‌خورند

نقش بسیج مردمی در جبهه جهانی مقاومت اسلامی در گفت‌وگو با مجتبی امانی، دیپلمات و کارشناس روابط بین‌الملل

هنر بسیج تعمیم‌الگوی مقاومت از لبنان تا یمن است

انقلاب دلبستگی داشتند، نکرد. مرسی تلاش نکرد از نیروی آنها جهت پیشبرد اهداف انقلاب استفاده کند.

اگر چنین کاری انجام می‌داد می‌توانست موفق باشد؟

من مثالی را برای برخی شخصیت‌های اخوانی می‌زنم. زمانی که دولت «عمیق مصر» مرسی را در عمل انجام شده قرار داد و او مجبور شد استوارنامه سفیر مصر در رژیم صهیونیستی را امضا کند، گفتم اگر مرسی این استوارنامه را امضا نمی‌کرد و جلوی دیدگان مردم مصر آن را پاره و اعلام می‌کرد من زیر بار چنین ننگی نمی‌روم، می‌توانست با موجی از طرفداران خودش روبه‌رو شود که هیچ قدرتی قادر نبود مقابلشان بایستد.

فضای اجتماعی مصر و خصوصاً جوان‌های آنها تا چه میزان با انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه‌های قدرتی چون بسیج آشنایی دارند؟

در زمان حکومت سادات و در طول ۳۰ سال حکومتداری مبارک، یک سیطره خبری و تبلیغاتی علیه ایران وجود داشت که روی افکار عمومی مردم مصر مؤثر بود. با این حال هر بار که خبری از مقاومت مردم ایران و کسب پیروزی‌های مختلف علمی یا سیاسی به خصوص در عرصه دستیابی ایران به تسلیحات پیشرفته از طریق خودکفایی واصل می‌شد؛ من اشتیاق مردم مصر را در رفتار و اظهاراتشان مشاهده می‌کردم که نشان می‌داد آنها همواره از اینکه یک کشور اسلامی بتواند برای خودش قدرت کسب کند، خوشحال بودند و به حال خودشان غبطه می‌خوردند. بعد از انقلاب مصر نیز دشمنان مقاومت می‌خواستند مردم مصر را نسبت به انقلاب ایران بدبین کنند. اما واقعیت این است که مردم مصر هیچ گونه واهمه‌ای در رابطه با ایران نداشتند. به خصوص در زمان پیروزی انقلاب ایران مورد تهاجم تبلیغاتی کشورهای غربی و امریکا بودند. با این حال مردم این کشور وقتی اخبار مختلفی را درباره پیشرفت‌های



احمد محمد تبریزی

علی‌اکبر وحدتی در دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

شما مدتی حافظ منافع ایران در مصر بودید. برخی کارشناسان معتقدند مرسی می‌توانست از حدود ۱۳ میلیون نفری که به او رأی داده‌اند، چند درصدی را پای کار بیاورد تا دولتش سقوط نکند. می‌توانیم این حرف را اینطور تفسیر کنیم که جای بسیج مردمی در تحولات مصر خالی بود؟

اصولاً مرسی در دوره ریاست جمهوری‌اش همانند مرحوم بازرگان فکر می‌کرد. این دو تصور می‌کردند مردم وظیفه اصلی خودشان را نسبت به انقلاب انجام داده‌اند و دیگر باید به خانه‌هایشان بازگردند تا دولت وظایفش را انجام دهد. این چیزی بود که مرحوم بازرگان به طور صریح در سال ۵۸ گفت. مرسی چنین موضوعی را به طور صریح به زبان نیاورد ولی هیچ‌گونه استفاده و توجهی از مردمی که طرفدارش بودند و به

مجتبی امانی مأموریت‌های طولانی مدتی را به کشور مصر داشته و رئیس سابق دفتر حافظ منافع ایران در این کشور است. او همچنین در سفرهایش به سوریه و لبنان مطالعاتی روی سیاست‌های این کشورها داشته است. امانی معتقد است الگوی بسیج در جبهه مقاومت یک الگوی سازنده و تأثیرگذار است و کشورهای منطقه با تأثیرپذیری از روحیه بسیجی می‌توانند بر دشمنان غلبه کنند. رئیس سابق دفتر حافظ منافع ایران در مصر در گفت‌وگوی پیش‌رو به نقش نیروهای مردمی در جبهه مقاومت اسلامی و ترویج روحیه بسیجی جهت مقابله با استکبار جهانی می‌پردازد که در ادامه می‌خوانید.

خودتان سابقه عضویت در بسیج یا حضور در دفاع مقدس را دارید؟

من از ابتدای تشکیل بسیج در سال ۱۳۵۸ به عضویت این سازمان در آمدم. حدود پنج سال فرمانده پایگاه شهید غلامی در مسجد بینایی خیابان مولوی بودم و ارتباطم با بسیج را تا پایان جنگ تحمیلی حفظ کردم. پس از آن درگیری‌های کاری و مأموریت‌های خارجی اجازه نداد دیگر در تشکیلات بسیج باشم، هر چند همواره خود را بسیجی می‌دانم. موقعیت شغلی‌ام به گونه‌ای بود که مدت زمان زیادی نمی‌توانستم در جبهه‌های جنگ حضور داشته باشم و توفیق حضور کوتاه مدتی را در جنگ تحمیلی دارم. برادرم، شهید مصطفی امانی و فرزند خواهرم شهید



امروز اگر شما جلوه‌های زیبایی پُرشور حضور جوانان را در صحنه‌های پُر خطر فلسطین و لبنان مشاهده می‌کنید، این الگوگیری از بسیج است

علمی، نظامی و سیاسی ایران می‌شنیدند که باعث تفکر و تعجب‌شان در خصوص علت پیشرفت‌های ایران اسلامی می‌شد.

آیا امکان ایجاد یک تشکل خودجوش و مردمی نظیر بسیج در مصر وجود دارد؟

یکی از نقاط ضعف انقلاب مصر این بود که هیچ‌گاه نتوانست نهادسازی کند. در انقلاب اسلامی ایران نهادهای مختلفی برای حفاظت از انقلاب یا تضمین استمرار آن به وجود آمدند. کمیته‌های انقلاب اسلامی در کنار شهربانی و سپاه پاسداران در کنار ارتش به وجود آمد. دادگاه‌های انقلاب، مجموعه‌های اطلاعاتی، کمیته امداد، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و شورای نگهبان نهادهایی بودند که پس از انقلاب تأسیس شدند. بسیج مستضعفین هم یکی از این سازمان‌هایی بود که چند روز پس از تسخیر لانه جاسوسی با فرمان امام تشکیل شد. انقلاب مصر هیچ‌گونه نهادسازی انجام نداد و یکی از دلایل مهم شکستش هم همین بود.

مدل بسیج مسبوق به سابقه بود؟ یعنی در جنبش‌های تشکیل شده قبل از انقلاب می‌توانیم نمونه‌هایی از آن را پیدا کنیم؟ اصلاً چه چیزی باعث می‌شود تا بسیج را شاخص و نمونه بدانیم؟

سازمان بسیجی که در ایران تشکیل شد با نمونه‌های آن در کشورهای دیگر متفاوت است. در برخی کشورهای اروپایی نمونه‌ها و الگوهایی در این باره وجود دارد اما آنچه در ایران اتفاق افتاد، تفاوت‌هایی با نمونه‌های دیگر کشورها دارد. نخست بعد اعتقادی و دینی بسیج است که اهمیت زیادی دارد. دوم اینکه کاملاً از آحاد جامعه برخاسته و در آن نشانی از سن، شغل، تحصیل و قومیت خاصی وجود ندارد. به خاطر همین ویژگی‌ها، بسیج توانسته است منشأ خدمت زیادی به انقلاب اسلامی باشد.

جنگ هم تأثیر زیادی بر پختگی و کارآمد شدن بسیج داشت. یکی از ابتکارات مهم مسئولان پس از دفاع مقدس به کارگیری نیروی بسیج در زمینه‌های مختلف سازندگی، فرهنگی و اجتماعی بود. اینها شاخصه‌هایی است که در نمونه‌های خارجی به این وسعت نمی‌بینیم.

به نظر شما بسیج مستضعفین که مدنظر امام بود می‌توانست محدود به جغرافیای ایران باشد؟

بسیج هم مانند سپاه پاسداران محدود به جغرافیای ایران نیست. این البته به معنای این نیست که بسیج مأموریت‌هایی در کشورهای دیگر دارد بلکه به این معناست که فکر، نیرو و روحیه بسیجی می‌تواند در خدمت منافع مشروع ملت‌های دیگر قرار بگیرد. امروز الگوی بسیج به عنوان یک الگوی پذیرفته شده برای اقتدار و پیشرفت در خیلی از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثل حشدالشعبی عراق که نمونه‌ای از بسیج مستضعفین ایران است و توانست جنایتکاران داعشی را شکست دهد.

به حشدالشعبی اشاره کردید، جوانان حشدالشعبی در حالی با افتخار خودشان را بسیجیان عراقی معرفی می‌کنند که کشورشان ۳۵ سال تحت سیطره حزب بعث قرار داشت. به نظر شما چه بنیان‌های فکری باعث می‌شود حشدالشعبی پیوند عمیقی بین خودش با الگوی بسیجی که در ایران شکل گرفته است احساس کند؟

در درجه اول اندیشه‌ها و آرمان‌های الهی حضرت امام(ره) و نقش روحانیت پیشرو و مبارز است که در بسیج به ظهور رسیده و تأثیر زیادی در جذب افراد دارد. سپس نیت و فرماندهی هوشمندانه مقام معظم رهبری و اخلاصی که در مجموعه بسیج حاکم است از مهم‌ترین ذخیره‌های معنوی و جذابیت‌های آن به

شمار می‌رود. این موضوع باعث شده که اثرات بسیج در داخل کشور بسیار فراگیر باشد و در آن سو مورد پذیرش دیگر کشورها هم قرار بگیرد. مردم عراق و خصوصاً جوانانشان ارزش‌های نهفته در بسیج را درک می‌کنند و با توجه به تشابهات فرهنگی و مذهبی که در دو کشور وجود دارد، جذب بسیج می‌شوند. به طور طبیعی وقتی مردم بستر مناسبی برای فعالیت در راستای فطرت خودشان ببینند به آن روی می‌آورند و این از نقاط مثبتی است که باعث شده توجه به بسیج و مقاومت و تشکل برای حفاظت از منافع مردم و اصول و عقاید آنها مورد توجه باشد. ناگفته نماند همان ابتدای انقلاب اسلامی توطئه‌ها و لبه تیز تبلیغات و تهاجم دشمن متوجه بسیج و سپاه بود. قطعاً این تهاجمات در کشورهای دیگری مثل عراق مشاهده هم می‌شود که باید با آن مقابله کرد.

دفاع وطنی در سوریه مقارن حشدالشعبی در عراق تشکیل شد، برای دفاع وطنی می‌توانیم آینده‌ای همچون حزب‌الله لبنان یا حشدالشعبی عراق متصور شویم یا بسیج مردمی در سوریه راه دیگری در پیش می‌گیرد؟

بستگی دارد مدیریتتی که بر این گروه‌ها هست چگونه عمل کند. قطعاً با روندی که الان مشاهده می‌کنیم، تأثیر بسیج و حشدالشعبی مورد پذیرش مردم بیشتری قرار بگیرد. همانطور که شما هم اشاره کردید، دفاع وطنی در سوریه تقریباً با همان هدف حشدالشعبی در عراق شکل گرفت. ساختار هر کشوری با کشور دیگر متفاوت است. ساختار سوریه متفاوت از ساختار عراق است ولی مهم گردآوردن نیروهای پراکنده در یک مجموعه با اهداف مشترک است. در سوریه در چارچوب دفاع از این کشور، نیروهای مردمی توانسته‌اند در برابر توطئه گروه‌هایی مثل جبهه النصره، داعش و... مقاومت کنند و آنها را به عقب برانند. حزب‌الله در

لبنان در بستر ناتوانی دولت شکل گرفت؛ چراکه دولت لبنان قادر به دفاع از سرزمین‌های خودش نبود و این را حزب‌الله بر عهده گرفت و تا الان هم ادامه دارد. در سوریه هم ارتشی متعلق به دولت بود که توانست دفاع وطنی را در درون ارتش ایجاد کند. حشدالشعبی در عراق نه به ناپیوستگی لبنان و نه همانند سوریه که پیوستگی زیادی به ارتش دارد، شکل گرفت. الان دولت عراق تلاش می‌کند حشدالشعبی را جزئی از ارتش عراق قرار بدهد.

شما پیروزی‌های عظیم شکل گرفته در یمن را ناشی از چه نیرویی می‌دانید؟ آیا ترویج روحیه بسیجی در بین رزمندگان یمنی نظیر آنچه در سوریه و عراق شاهد بودیم توانسته است در کسب این پیروزی‌ها سهیم باشد؟

ماهیت آنچه چیزی که به عنوان مقاومت در ایران، لبنان، عراق، سوریه و یمن شکل گرفته یکی است. اما یمن صحنه متفاوتی از آن چیزی که ما بسیج می‌خوانیم، دارد. در یمن سلاح‌های زیادی در دست مردم به صورت پراکنده وجود دارد که همسو کردن این نیروها باهم مهم است و انصارالله توانسته این کار را انجام دهد و نیروها را در مقابل توطئه و تهاجم سعودی‌ها منسجم (بسیج) کند که می‌بینیم پیروزی‌های مهمی نصیب یمن شده است. هر کشوری شرایط خودش را دارد و هنر این است افراد از هر شرایطی بتوانند اهداف مشروع خودشان را برآورد کنند. ارتش و نیروهای مردمی به عنوان دو گروه مجزا در یمن شناخته می‌شوند. در یمن ارتش نیروهای مردمی داریم، در عراق ارتش و حشدالشعبی داریم، در لبنان حزب‌الله داریم و ارتش منسجم و فعالی وجود نداشته است. در سوریه ارتش قوی هست و تمامی کارهای نظامی در چارچوب ارتش انجام می‌شود. اینها همه بستگی به شرایط مختلف هر کشور دارد و هنر این بوده که در تمام این شرایط الگوی بسیج تعمیم داده شده است.

امسال گرامیداشت چهلمین سال تأسیس بسیج را پیش رو داریم، به تعبیر حضرت آقا ۴۰ سالگی، سن پختگی و تجربه است، به نظر شما بسیج اکنون در شاخصه‌های قدرت ایران اسلامی چه جایگاهی دارد؟

بالاخره بسیج مجموعه‌ای بوده که از کوران تجارب مختلف درآمده و توانسته است خودش را اثبات کند. نکته مهم این است که بتواند با همان اهداف و اصول اولیه شکل خودش را حفظ کند و نیروهایش را آموزش بدهد و عنصر تقوا و علم را در آنها تقویت کند.

اندیشکده‌های غربی در مؤلفه‌های قدرت ایران چه جایگاهی را برای بسیج قائل هستند؟

اصولاً بسیج را در رده‌بندی‌های نظامی در نظر نمی‌گیرند حتی گاهی سپاه را هم در چنین رده‌بندی‌هایی قرار نمی‌دهند. البته در این زمانه نباید به ارزیابی و آمارهای برخی مؤسسات توجه کرد. آنچه از لحاظ عملی اهمیت دارد این است که با وجود ارتش، سپاه و بسیج کسی جرئت حمله یا توطئه علیه ایران را پیدا نمی‌کند و این نکته مهمی است که فوق همه ارزیابی و آمارها از قدرت نظامی کشورها ارائه می‌شود. ■



شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

کشورهای اسلامی و الگوگیری از بسیج مستضعفین
در گفت‌وگو با هادی محمدی، کارشناس مسائل بین‌الملل

بیداری منطقه تبلور گفتمان انقلاب در بسیج است

آرمان شریف



یمن، عراق، لبنان و سوریه کشورهایی هستند که با اتکا و الگو گرفتن از روحیه بسیج مردم ایران توانسته‌اند بر دشمنان شان فائق آیند و به اهداف شان برسند. گفتمان انقلاب اسلامی با ارائه شعارهای استکبار ستیزانه، مردم کشورهای منطقه را نسبت به وضعیت شان آگاه کرده و موجب بیداری شان شده است. هادی محمدی از کارشناسان مسائل بین‌الملل که وضعیت کشورهای عربی منطقه را زیر نظر دارد، بر نقش مؤثر گروه‌های مردمی صحنه می‌گذارد. محمدی در گفت‌وگوی پیش‌رو نگاهی بر وضعیت گروه‌های بسیج مردمی در کشورهای منطقه دارد و از تاثیر الگوی مستضعفین بر این گروه‌ها می‌گوید.



بسیج مستضعفین که در سال ۱۳۵۸ تشکیل شد، آیا نمونه‌های مشابهی در کشورهای دیگر داشت؟

اگر مفهوم بسیج را به عنوان تشکل‌های مردمی پیش‌برنده یکسری سیاست‌ها و ارزش‌ها بدانیم، می‌بینیم در تشکل‌های چپ دنیا و جریان دولت‌های سوسیالیستی این تشکل بخشی از سازمان سیاسی و اجتماعی آنها بوده است. در دولت‌های منطقه مثل سوریه و عراق نیز تشکل پیشاهنگی یا تشکل مشابهی با مفهوم بسیج داشته‌ایم؛ تشکل‌های مردمی که از ظرفیت‌هایشان در عرصه‌های مختلف استفاده می‌شد، وجود داشتند. در کشورهای چپ دنیا این یک پدیده ساختاری است. در دولت‌های غربی و لیبرال هم به شکل دیگری در جهت منافع دولت‌ها این تشکل‌ها را با اسامی دیگر مشاهده می‌کنیم. اینگونه نیست که آنها هم ظرفیت‌های خودشان را فقط به ظرفیت‌های رسمی محدود کنند. آنها هم با عناوین و اسامی دیگری سعی کرده‌اند از تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی شان استفاده کنند. حتی در زمان شاه سازمان جوانان برای اقصاء مختلف تلاش می‌کرد از ظرفیت‌های اجتماعی در خدمت یک سازوکار و منافع کلان کشور استفاده کند هر کسی بر اساس سیاست و استراتژی‌هایش برایش ابزار تعریف می‌کند.

انقلاب اسلامی در ایران پیروز شده و این انقلاب شعار ابتدایی‌اش نه شرقی و نه غربی است. آن زمان جهان به دو بلوک غرب و شرق تقسیم می‌شد و چیزی به نام دولت مستقل وجود نداشت. عملاً انقلاب اسلامی یک راه سوم در گفتمان جهانی محسوب می‌شد. دولت جمهوری اسلامی برای پیش بردن اهداف و استراتژی‌هایش نیاز به ابزار

داشت تا ظرفیت‌های مختلف را بسنجد و از طریق این ابزارها برنامه‌هایش را پیش ببرد. ظرفیت‌های رسمی و دولتی تقریباً نزدیک به صفر است. دلیلش هم نوع ارتباطات، وابستگی‌ها و پیوندهایی است که دولت‌های زبردست و بالادست در جهان با هم داشتند. مهم‌ترین ابزار گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی در سطح منطقه نگاه به مردم و تشکل‌های مردمی محسوب می‌شود. مخاطب انقلاب اسلامی مردم بودند و انقلاب هر جا ورود می‌کند سعی دارد بیشتر با مردم حرف بزند تا دولت‌ها. مردم را حول یکسری محورها جمع و تشویق می‌کند. این مسیر از ابتدای انقلاب آغاز شد. هر ظرفیت پذیرش بیشتری دیده شده کار در آن بخش با سرعت بیشتری جلو رفته است. تمرکز و ثقل اصلی کار برون‌مرزی جمهوری اسلامی در خصوص ظرفیت‌های اجتماعی و غیردولتی در دو بخش دسته‌بندی می‌شود. نخست درباره سازمان‌های انقلابی و مبارزی است که نظام حاکم در کشور خودشان را نمی‌پذیرفتند. می‌بینیم کنفرانس همه گروه‌های انقلابی در تهران تأسیس می‌شود. بخشی خود مردم هستند که جمهوری اسلامی آنها را متناسب با ایده‌ها و استانداردهای خودش سازماندهی می‌کرد تا گفتمان راه سوم جهانی از طریق آنها دنبال شود. البته در سازمان‌های انقلابی دنیا جریان‌هایی بودند که ما به صورت صددرد نمی‌توانستیم آنها را بپذیریم. در بخش بزرگی با آنها فصل مشترک داشتیم، ولی در بخش‌هایی نمی‌توانستیم با آنها انطباق کامل داشته باشیم. در نتیجه الگو و استانداردهای خودمان را در تشکل‌سازی‌هایی که از سوی جمهوری اسلامی دنبال می‌شد نتوانستیم به اجرا بگذاریم. این استراتژی از ابتدای انقلاب به این سو دنبال و اجرا شده است.

نخستین تجربه‌هایی که از الگوی انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین الگو برداری کردند چه کشورهایی بودند؟

اولین جایی که جوانه‌های اجتماعی متناسب با الگوی فکری ایران مشاهده شد، لبنان بود. اگر چه در جاهای دیگری همین پذیرش و استقبال مطالبه از سوی مجامع مختلف کشور اسلامی و غیراسلامی دیده شد، اما لبنان بهترین و مستعدترین جا برای زدن اولین جوانه‌ها بود. این به این معنا نبود که کشورهای دیگر بستری برای پذیرش گفتمان انقلاب اسلامی نداشتند. ما در اثنای انقلاب شاهد بودیم که نظامیان پاکستانی و ژنرال‌های عالی رتبه این کشور که به مراسم حج رفتند در بازگشت به ایران می‌آیند و خدمت امام می‌رسند و چیزی شبیه به بیعت را به اجرا می‌گذارند. در لبنان یک شرایط مستعدی توسط شیعیانش وجود داشت که آمادگی بیشتری برای دنبال کردن الگوهای فکری انقلاب اسلامی را داشتند، لذا اولین سازمان‌ها در آنجا شکل گرفت. در عراق و کشورهای دیگر این زمینه‌ها و ارتباطات وجود داشت، ولی تبلورش در لبنان از همان سال‌های اول انقلاب در قالب تشکلی به نام حزب‌الله شکل گرفت. حزب‌الله تشکلی مردمی بود که با فرهنگ بسیج مردمی برای مبارزه انقلابی در مقابل ظالم و متجاوز تشکیل شد.

دلیل تمایز بسیج مستضعفین در ایران با نمونه‌های مشابه دیگر در کشورهای دیگر چیست که آنقدر شاخص و کاربردی است؟

وجه تمایز در ویژگی‌ها و کارکردهایشان است. آن تشکل‌ها قبل از آنکه در خدمت مردم باشند در خدمت یک نظام حاکم هستند، اما بسیج خودش را در خدمت مردم و انقلاب تعریف کرده است. در کارنامه تشکل‌های وابسته به دو بلوک شرق و غرب جهان این نقش بزرگ مردمی را نمی‌بینید. مثلاً در زمان شاه سپاه دانش را تحت عنوان تشکل مردمی داشتیم، ولی آن افراد وظیفه‌ای در قالب یک شغل یا سربازی برعهده‌شان بود که باید انجام می‌دادند. در حالی که بسیج خدمت خالصانه و بدون چشمداشت به مردم دارد. اینطور نیست که یک بسیجی برای گذراندن خدمت سربازی به یک روستا برود و کار



اولین جایی که جوانه‌های اجتماعی متناسب با الگوی فکری ایران مشاهده شد، لبنان بود. اگر چه در جاهای دیگری همین پذیرش و استقبال مطالبه از سوی مجامع مختلف کشور اسلامی و غیراسلامی دیده شد، اما لبنان بهترین و مستعدترین جا برای زدن اولین جوانه‌ها بوده است

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد



کند، بلکه خدمت را خدمت خالصانه برای مردم می‌داند. آن نظام‌ها یک سازمان تعریف شده رسمی دارند که جایگاه، حقوق و منافعی برای اعضایش تعریف می‌شود. در صورتی که در جریان خودجوش بسیج، شرط اول، اخلاص و خدمت بدون چشمداشت است. در بسیج اوج بروز و ظهور حرکت‌های انسانی و ایجاد الفت را می‌بینید. در کشورهایی که با هم منافع مشترک دارند یا با هم همسو هستند، می‌بینیم که آنها مطیع یکدیگر می‌شوند. در حالی که در کشورهای همسو با ایران چنین چیزی دیده نمی‌شود و ما نمی‌خواهیم که آنها مطیع و فرمانبر باشند. ما احساس می‌کنیم اگر یک جریان همسو در کشوری وجود دارد پس آنها شریک ما هستند. آنها را مثل خودمان می‌بینیم و تابع خودمان تصور نمی‌کنیم. یکسان بودن اندیشه و معیارها موجب می‌شود ما یک همبستگی گسترده بین خودمان و دیگران ببینیم. اینگونه نیست که حزب‌الله لبنان مثل یک شاخه نظامی و امنیتی برای جمهوری اسلامی فرمانبری کند. خودش باورهایی دارد و بدون دستوری خودش و ایران را در یک تراز می‌بیند. به همین دلیل تهدید ایران تهدید حزب‌الله تلقی می‌شود. نه اینکه فرمانی از ایران برود، بلکه خودش می‌فهمد تهدید جمهوری اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام یعنی تهدید کبان یک جریان اجتماعی و یک بسیج مردمی بزرگ. این جریان به دلیل ویژگی‌های خاص خودش دارای کارنامه و کارکرد غیرقابل فهم برای دشمن است. نمی‌توانند بفهمند که یک بسیجی چگونه جانش را فدا می‌کند. چون نظامشان منفعتی است و همه چیز را در سود و زیان می‌بینند درک نمی‌کنند چگونه یک بسیجی بدون چشمداشت کار می‌کند. در صورتی که در ایران ملاک اینگونه نیست، این چیزی است که این تشکلات مردمی را از هم جدا می‌کند و باعث می‌شود از تشکلات مردمی کارنامه فوق‌العاده‌ای مشاهده کنید. مثل یمن که یک نفر بدون امکانات دست به اقداماتی می‌زند که برای دشمن شان غیر قابل باور است. قدرت یمنی‌ها با دست خالی برابری می‌کند با قدرت جبهه مقابل که از همه چیز بهره‌مند است. سرباز سعودی چون بنا به دستور آمده معادله قدرت را فقط بر پایه امکانات و تسلیحات نظامی می‌بیند و شکست می‌خورد. مصداق بزرگ‌ترش را در سال ۲۰۰۶ دیدیم که یک تشکلات مردمی به اسم حزب‌الله در برابر رژیم‌ی که ششمین ارتش دنیا را در اختیار دارد در یک جنگ ۳۳ روزه طرف مقابل را شکست می‌دهد. این در حالی است که طرف شکست خورده رژیم‌ی است که از ابزار و امکانات مادی بسیاری برخوردار است. در اظهارات فرماندهان و افسران رژیم صهیونیستی با صراحت بیان شده که ما نمی‌توانیم پدیده از خود گذشتگی و انگیزه دفاع را در طرف مقابل بفهمیم. نکته مهم دیگر تا سال ۲۰۰۶ برآوردهای استراتژیک روی عنصر انسانی کمترین ضربه محاسباتی را داشت و اغلب بر آوردها روی امکانات مادی و غیر انسانی استوار بود. بعد از جنگ ۲۰۰۶ این معادله به هم ریخت و احساس کردند عنصر انسانی می‌تواند با کمترین ابزار، رخدادهایی را پدید آورد که ابزارهای پیشرفته تکنولوژیک در مقابلش کارآمدی ندارد. تکرار سال ۲۰۰۶ را در یمن می‌بینید. دشمنان مردم یمن مجموعه‌ای از ابزارهای مادی و تسلیحاتی و انواع امکانات و پول را در اختیار دارند و یمنی‌ها بدون امکانات خاصی با تکیه بر عنصر انسانی با اراده، مخلص و با انگیزه دشمنان شان را مغلوب می‌کنند.

آیا شیوه فعالیت مردم یمن از بسیج مستضعفین نشئت گرفته است؟

در همه کشورهای منطقه از عراق تا لبنان، سوریه و یمن این الگوبرداری را دارند که برگرفته از فرهنگ تبعیت نیست و از فطرت آدمی می‌آید. ما به آنها تنها شعار مبارزه با ظلم و مخلصانه جنگیدن و مقاومت کردن را دادیم و هیچ وقت نگفتیم از ایران فرمان بگیرند. نیروی بسیج مردمی یمن با تکیه بر همین شعارها در نبرد با دشمنان پیروز شد. همانطوری که انقلاب اسلامی مرحله جدیدی از تحولات و معادلات قدرت را رقم زد، همانطوری که حزب‌الله در لبنان معادلات جدیدی را در یک سیر زمانی در مقابل رژیم صهیونیستی پدید آورد و به عنوان یک مدرسه پیروزمند گفتمان خودش را ثبت کرد، امروز یمن این نقش را در تحول بزرگ منطقه‌ای ثبت کرده است. امروز بزرگ‌ترین کشور مقتدر مالی و حمایت شده از کشورهای استعماری در مقابل یک ملت دست خالی و پا برهنه شکست خورده و نظام منطقه‌ای

د

در همه کشورهای منطقه از عراق تا لبنان، سوریه و یمن این الگوبرداری را دارند که برگرفته از فرهنگ تبعیت نیست و از فطرت آدمی می‌آید. ما به آنها تنها شعار مبارزه با ظلم و مخلصانه جنگیدن و مقاومت کردن را دادیم و هیچ وقت نگفتیم از ایران فرمان بگیرند. نیروی بسیج مردمی یمن با تکیه بر همین شعارها در نبرد با دشمنان پیروز شد

را با فروپاشی مواجه کرده است. عربستان و امارات با وحشیانه‌ترین ابزار مردم یمن را سرکوب کردند، ولی نتوانستند غلبه کنند. این تحول در معادلات قدرت بر مبنای گفتمان انقلابی که در گفتمان دینی و اعتقادی ریشه دارد، نشئت گرفته و فطری است. در پیاده‌روی اربعین انسان‌های مختلفی از سراسر دنیا را می‌بینید که جذب قدرت این پیاده‌روی می‌شوند. کسی که مسلمان نیست بنا به فطرتش در آنجا حاضر می‌شود. راهپیمایی اربعین یک رویداد منطبق با شاخص‌های فطری و انسانی است که مردم از نقاط دور دست دنیا در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنند. شاید کسی دین نداشته باشد، ولی چون شاخص‌ها انسانی است و در نهضت امام حسین ریشه دارد، همه را جذب می‌کند. شعار و جوهره انقلاب اسامی نیز یک گفتمان انسانی است. به همین خاطر مخاطب انقلاب اسلامی فقط شیعه نیست و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در مخاطب قرار دادن مردم خارج ایران تنها بر پایه گفتمان شیعه نبوده و مخاطبش ذات و فطرت آدم‌ها بوده است. این جهت‌گیری به پیکره درونی وجدان انسان‌ها در سراسر دنیا تلنگر می‌زند. امریکایی‌ها در عراق با هزاران نیروی نظامی مبارزه با داعش را یک پدیده دشوار تعریف می‌کنند (اگر این را نمایش تلقی نکنیم، چرا که داعش ساخته خودشان است) اما در سوریه و عراق بسیج و تشکلات انقلابی متکی به گفتمان انقلاب اسلامی با سرعت و قدرت وحشی‌ترین پدیده تروریستی قرن را در کوتاه‌ترین زمان از بین می‌برد.

آیا کشورهای منطقه یا کشورهای غربی واژه مقاومت و ایستادگی مردمی

را درک می‌کنند؟

بستگی به ریشه‌های فرهنگی‌شان دارد و ضریب ادراک در هر کشور متفاوت است. کشوری که از نظر فرهنگی و اجتماعی مثل لبنان پیشرفته‌تر از بقیه جوامع عربی است، ضریب درک و پذیرشش از گفتمان انقلاب اسلامی را در آن گسترده می‌بینید. حتی این پذیرش را در لبنان فراتر از شیعیان می‌بینید و اهل سنت این کشور نیز از اول انقلاب تحت تأثیر این گفتمان قرار گرفته است. حتی مارونی‌ها که دست‌نشانده فرهنگ استعماری فرانسه هستند را تحت تأثیر قرار داده و یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های حزبی هم‌پیمان با حزب‌الله کرده است. بخش بزرگی از مسیحیت لبنان تحت تأثیر این فرهنگ است. در جریان جنگ ۲۰۰۶ سخنی از زبان حسن نصرالله جان یک خواننده مسیحی لبنانی را چنان تکان می‌دهد که احساس می‌کند بوسیدن عبا و نعلین سید حسن برایش افتخار است. در حالی که آنها مدینه فاضله‌شان را باید جای دیگری دنبال کنند. در جوامع مختلف بسته به میزان رشد یافتگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این پذیرش ضریب متفاوتی دارد و در همه کشورها یکسان درک نمی‌شود. یکسری پارامترها در این مسئله دخیل است و در لبنان، سوریه، عراق، ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس ضرایب متفاوتی دارد. در لبنان تحصیلکرده‌ها شهید می‌شوند و جانشان را برای فرهنگ مقاومت می‌دهند. حتی در جمهوری اسلامی هنوز برخی ریشه‌ها و عمق مقاومت را نمی‌فهمند ولی ۲ هزار کیلومتر آن طرف‌تر سیدحسین نصرالله می‌گوید خانه‌ام را می‌فروشم و خرج مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی و استکبار امریکا می‌کنم. این ربطی به سواد آکادمیک ندارد. در پاکستان و افغانستان که ضریب سوادآموزی در سطح بالایی نیست می‌بینید عشق و پیوند فرهنگی عمیق بالایی نسبت به جبهه مقاومت وجود دارد. رزمندگان افغانستانی در جنگ با تروریست‌های وهابی و القاعده مظلومانه و مستحکم کنار بقیه رزمندگان حضور و نقش پررنگی داشتند، اما در کشورهای جنوب شرق آسیا با وجود اینکه مسلمان هستند، ولی در کشان از مقاومت چیز دیگری است که به ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی‌شان برمی‌گردد.

غربی‌ها چه مؤلفه‌هایی برای نقش بسیج قائل هستند؟

آنها تجربه و ارزیابی استراتژیک‌شان را از جنگ هشت ساله در خصوص بسیج به عنوان تشکلات انقلاب اسلامی انجام داده‌اند. آنها می‌دانند در جنگ تحمیلی که تمام جبهه شرق و غرب مقابل مان ایستاده بود، اگر نیروی مردمی و بسیج وجود نداشت این جنگ هشت سال طول نمی‌کشید. یکی از دلایلی که از دهه ۷۰ تا امروز در اغلب استراتژی‌های غربی جای جنگ سخت بر جنگ نرم متمرکز شده این است که باید مردم را از مسیرشان خارج کرد، چرا که مردم پشتوانه انقلاب هستند و با جنگ سخت خارج نمی‌شوند. تنها امیدشان این است از طریق جنگ نرم، فریب، انحراف و ناامیدی مردم، انقلاب اسلامی را شکست دهند. سعی می‌کنند در عراق جلوی این پدیده را بگیرند و نگذارند حشد الشعبی در این کشور قوام و استحکام بگیرد. در لبنان نیز همه ابزارهای فشار به حزب‌الله را اجرا می‌کنند چون می‌دانند اگر این روحیه مقاومت گسترش و استحکام یابد، سایه روحیه حزب‌الله بر بقیه گروه‌های مردمی منطقه گسترانده می‌شود. ■



شهید محمد جنتی



شهید عقید(مالک)



شهید ثاقب حیدر



شهید اکبر نظری



شهید مطهر حسین



شهید علیرضا جیلان بروجنی



“

روحیه بسیجی و
جهادی ارزنده ترین
سلاح و رمز پیروزی
در جبهه مقاومت بود.
به جرئت می توان گفت
که تمام موفقیت های
کسب شده در لشکر
زنبیون در سایه
تفکر و روحیه بسیجی
بوده است. در حقیقت
روحیه بسیجی
شاخصه محور مقاومت
است



شهید حسین علیخانی



شهید بهرام مهرداد

چیستی و چرایی لشکر زنبیون در گفت و گو با سردار میثمی، فرمانده لشکر

شاخصه مقاومت زنبیون روحیه بسیجی است

صغری خیل فرهنگ



در بحران ها و حضور در صحنه های پیش رو از جمله تشابهات رزمندگان زنبیون با بسیجیان کشور است.

چطور می شود یک جوان پاکستانی که در فرهنگ دیگری تربیت یافته است، اینقدر زود در فضای جبهه مقاومت اسلامی حل می شود و با روحیه بسیجی انس می گیرد؟

مسئله جبهه مقاومت و پیوستگی جوانان شیعه به آن و رسیدن به جانبازی و شهادت طلبی یک امر اتفاقی نیست، بلکه روح مبارزه و جهاد باعث ماندگاری در جبهه مقاومت شد. درست است که آنها در فرهنگ دیگری تربیت شده و رشد یافته اند اما این نکته بسیار حائز اهمیت است که رزمندگان زنبیون همان جوانان پاکستانی هستند که در کشور خودشان در مبارزه با وهابیت و با کسانی که با ارزش های شیعیان عناد داشتند و دارند در حال مبارزه بودند و گاه جانباز شده یا شهید داده اند. رزمندگان امروز زنبیون از خانواده همان جانبازان و شهدایی هستند که وقتی خبر جنگ سوریه و محاصره حرم حضرت زینب(س) حضور مدافعان حرم در جبهه مقاومت به گوششان رسید، راهی سوریه شدند. آنها با فرهنگ جهاد و مبارزه علیه ظلم مأنوس بودند. حفظ حرم اهل بیت علیهم السلام مهم ترین عامل حضورشان بود.

بیشتر دشمن، توانایی هایشان را افزایش دادند. اعتقادات زنبیون، روحیه جهادی و شجاعت رزمندگان جایگاه خاصی در محور مقاومت اسلامی و در منظر بین المللی برایشان به ارمغان آورده است. زنبیون در روند آزادسازی حلب، شهرهای نبل و الزهرا و فتوحات بوکمال نقش داشتند و با شکست داعشی ها توانمندی و شجاعتشان را به رخ کشیدند تا آنجا که زبائزد فرماندهان میدانی محور مقاومت شدند. زنبیون از مؤثر ترین لشکرها در نابودی داعش و پیروزی جبهه مقاومت محسوب می شوند.

شما با بسیجی های ایرانی آشناییت دارید. چه تشابهی بین یک رزمنده پاکستانی و یک رزمنده بسیجی ایرانی می بینید؟

ما اشتراکات فرهنگی زیادی با هم داریم که عمده آن به مسئله اعتقادی بازمی گردد. از طرفی دیگر آموزه های انقلاب اسلامی در پاکستان به وسیله منادیان خط و راه امام خمینی (ره) تبیین شد و همه اینها زمینه ای را فراهم کرد تا رفتار و منش بسیجی به عنوان یک سبک زندگی و مبارزه در جمع جوانان آن خطه مورد توجه و الگو قرار گیرد. این آمیختگی و همسویی باعث بروز برکاتی در کشورشان شد و تأثیر زیادی در ایستادگی و مبارزه با وهابیت و استکبار جهانی برایشان داشت. حرکت در مدار ولایت، درک ضرورت کار و فعالیت

بسیجی می داند همکلام شدیم تا لشکر زنبیون را بیشتر بشناسیم. سردار حسن میثمی از نوجوانان انقلابی و از فرماندهان جانباز دوران دفاع مقدس است.

لشکر زنبیون چگونه تشکیل شد و هسته اولیه آن از کجا شکل گرفت؟

به رغم مشکلاتی که برای حضور جوانان پاکستانی در محور مقاومت وجود داشت، در سال ۱۳۹۲ و اوایل جنگ در سوریه نیروهای داوطلب پاکستانی به دنبال یارگیری و برنامه ریزی برای حضور در محور مقاومت بودند. حتی عده معدودی به صورت شخصی خودشان را به حرم بی بی(س) و دفاع از آن رساندند تا اینکه در اوایل سال ۱۳۹۳ مجموعه ای از رزمندگان مجاهد، هسته اولیه لشکر زنبیون را تشکیل دادند. بحمدالله با روحیه خوب و جنگنده ای که داشتند، توانستند به عنوان نیروی ثابت و دارای قابلیت در محور مقاومت ماندگار شوند.

نقش و جایگاه زنبیون در محور مقاومت را چگونه ارزیابی می کنید؟

رزمندگان لشکر زنبیون در آغازین روزهای حضورشان در منطقه حلب و اطراف آن در مبارزه با دشمن تکفیری، حماسه های بی شماری از خود خلق کردند. آنها با کسب تجربه و شناخت

بدون شک هدف عمده و اصلی استکبار و صهیونیسم در منطقه در ۴۰ سال اخیر، ضربه به جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ هدفی که گروه های تکفیری و تروریستی دستپورده استکبار دست به آن می زنند. آنها بارها با جنگ، تحریم و کودتا شانس خود را علیه جمهوری اسلامی امتحان کرده اند، اما نتیجه معکوس گرفتند و جمهوری اسلامی به عنوان کانون مقاومت اسلامی حکیمانه ترین تصمیمات را اتخاذ کرد، توطئه ها را خنثی و مرزهای نظام اسلامی و مقاومت اسلامی را ایمن تر کرد و عراق و سوریه را از دسیسه های استکبار بیرون کشید. در این مسیر نیروهای مقاومت که تشکیل دهنده بسیج جهانی اسلام هستند نقش ارزنده ای ایفا کردند. یکی از این نیروها مدافعان حرم پاکستانی تحت عنوان لشکر زنبیون هستند که مخلصانه و با همه وجود قدم در میدان مبارزه گذاشتند. روحیه جهادی و بسیجی که از سال ها پیش آنها را به مصاف تکفیر و تروریست برده بود این بار در جبهه مقاومت اسلامی رخ نشان داد. با سردار میثمی، فرمانده لشکر زنبیون که شاخصه محور مقاومت را داشتن روحیه

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان



**بسیجیان و رزمندگان
محور مقاومت چه
زینیون و حیدریون
بابی آلاشی، توقعات
کم و انگیزه دینی و
روحیه شهادت طلبی
تحت زعامت ولی امر
مسلمین حضرت
آیت الله العظمی امام
خامنه‌ای توانستند در
مقابل دشمن متحد و
بی حیا که حمایتگری
غرب و کشورهای
منطقه را به همراه
داشت ایستادگی کنند
و شکست را به کام
آنان بچشانند**

سوریه را می‌توان نماد امت واحده دانست و هر کسی از این دایره خارج مانده خود را محروم کرده است. ریخته شدن خون شهدای زینیون در کنار شهدای دیگر جبهه مقاومت نظیر فاطمیون، حشدالشعبی، سپاه پاسداران و حزب الله لبنان نشان دهنده این وحدت است.

**بسیجی‌ها در جبهه‌های دفاع
مقدس منادی ابتکار، شجاعت،**

**رشادت و معنویت بودند، این موارد را
در بین رزمنده‌های پاکستانی دیدید؟**

بله همه این شاخصه‌ها را در وجود آنها دیدیم. همانطور که ما سابقه هشت سال دفاع مقدس را داریم، جوانان شیعه پاکستان سابقه مبارزه با وهابیت را در کشور خودشان دارند و برای حفظ حریم دین و ارزش‌های اسلامی تا مرز شهادت پیش رفتند.

شجاعت، روحیه مبارزه و فداکاری در میان آنان حکمفرماست و به همین جهت با حضورشان در محور مقاومت، سلحشوری خودشان را به‌طور رسا نشانده‌اند. به‌طوری‌که مورد توجه فرماندهان عالی‌رتبه محور مقاومت در منطقه قرار گرفتند.

معتقدم با گذشت زمان هرگز روحیه شجاعت و سلحشوری‌شان کم نخواهد شد بلکه بیش از قبل این مجموعه خود را وارد عرصه و پیکار خواهد کرد. در بُعد معنوی، به تعصبات دینی و ولایت‌مداری

اولین فرمانده شهید لشکر زینیون، شهید نوروز علی درویش



شهید زین‌علی جعفری



ما با وجود فرماندهان لایق، روحانیون تبلیغی و بهره‌گیری از استعدادهای نهفته در این جوانان توانستیم بهترین بهره‌وری را در رزم، عملیات‌ها و کسب روحیه بسیجی ببریم. اگرچه جنگ اتفاق خوبی نیست، اما توانستیم در سایه برنامه‌های فرهنگی در جبهه مقاومت، چهره واقعی دشمن را آشکار و دست‌های پنهان را رو کنیم و روحیه ممتاز بسیجی را به رخ جهانیان بکشیم.

**برخی جانبازان و رزمندگان دفاع
مقدس از فرماندهان و رزمندگان
لشکر زینیون بودند، چقدر توانستید از
تجربیات و روحیات بسیجی این عزیزان
به رزمندگان زینیون منتقل کنید؟**

فرماندهان زینیون از بین خود رزمندگان پاکستانی انتخاب می‌شدند. فرماندهان شهیدی چون شهیدان نوروز علی درویش، مطهر، مالک، زین‌علی جعفری که نقش مهمی را در هدایت و آموزش نیروها بر عهده داشتند که در کنار این عزیزان، فرماندهان ایرانی به عنوان مستشار لشکر زینیون را همراهی می‌کردند و از مشورت دادن و انتقال تجربیات به زینیون دریغ نمی‌کردند. فرماندهان ایرانی پرورش یافته مکتب امام حسین (ع) هستند و با برخورداری از تجربیات بسیار ارزشمند در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس آمده بودند تا همراه با نیروهای زینیون در این کار بزرگ مشارکت داشته باشند.

تکیه کرده‌اند به طوری که جوان پاکستانی حاضر است برای امامان معصوم (ع) و ارزش‌های دینی هر کاری انجام دهد.

آنها در این مسیر شهادتی را تقدیم کردند.

**داشتن روحیه بسیجی تا چه حد در
پیروزی مقاومت مؤثر بود؟**

چه در دفاع مقدس و چه در محور مقاومت، اتکای اصلی ما به سلاح و امکانات نیست. به قول شهید میثمی «قدرت ما نه به مقدار امکانات ماست بلکه به میزان اتکای ما به خدای باری تعالی است». لذا بسیجیان و رزمندگان محور مقاومت چه زینیون و چه فاطمیون و حیدریون بای آلاشی، توقعات کم و انگیزه دینی و روحیه شهادت طلبی تحت زعامت ولی امر مسلمین حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای توانستند در مقابل دشمن متحدوبی حیا که حمایتگری غرب و کشورهای منطقه را به همراه داشت ایستادگی کنند و شکست را به کام آنان بچشانند. روحیه بسیجی و جهادی ارزنده‌ترین سلاح و رمز پیروزی در جبهه مقاومت بود. به جرئت می‌توان گفت که تمام موفقیت‌های کسب شده در لشکر زینیون در سایه تفکر و روحیه بسیجی بوده است. در حقیقت روحیه بسیجی شاخصه محور مقاومت است.

**شما چه برنامه‌هایی را برای
گسترش معنویت و روحیه بسیجی
در بین رزمندگان زینیون اجرا
کرده‌اید؟**

به جهت اشتراکات اساسی و معنوی و داشتن روحیه جهادی و بسیجی توانستند ارتباط خوبی با رزمندگان پاکستانی برقرار و تجربیات دفاع مقدس و روحیه جهادی را بهتر در میان این عزیزان نهادینه کنند. تعدادی از فرماندهان ایرانی لشکر زینیون چون شهید ابوالفضل راه چمنی، شهید محمد جنتی (حاج حیدر)، شهید بهرام مهرداد، اکبر نظری، محمد رضاعلیخانی، علیرضا جیلان، قنادپور، ضیایی و مصطفی زاهدی به شهادت رسیدند. شهادتی که توانستند در مدت حضور و همراهی‌شان در لشکر زینیون تجربیات جنگی و الگوهای رفتاری خوبی را بر جای بگذارند.

**تعریف شما از روحیه بسیجی
چیست؟**

بسیج یادگار امام خمینی در قرن حاضر است و همچنین علاج مشکلات کشور در زمینه‌های مختلف داشتن روحیه بسیجی است. بسیجی بودن یک شغل نیست بلکه یک نوع سبک زندگی و حرکت در فضای اسلام و انقلاب اسلامی است که هر کس باید برای کسب آن تلاش کند و از خود اخلاص نشان دهد. ما در این برهه از زمان که طرح‌های دشمن، به ویژه امریکا و صهیونیست بین‌المللی را علیه ارزش‌های انسانی و دینی می‌بینیم، باید در مدار دفاع از دین و ارزش‌های اسلامی گام برداریم. لشکر زینیون هم بسیجی‌های پاکستانی هستند که همیشه پا در رکاب ولایت خواهند بود. ■

د اولین کسانی که مردم و جوانان پاکستان را با انقلاب اسلامی و بسیج آشنا کردند، شهید قائد علامه عارف حسین الحسینی و دکتر شهید محمد علی نقوی بودند



فرهنگ و روحیه بسیجی در گفت و گو با یک رزمنده پاکستانی

سرباز ولایت فقیه نزد شیعیان پاکستان یک بسیجی است

سارا نیکویی

تشکیل بسیج جهانی اسلام آرمانی بود که حضرت امام آن را مطرح کرد. آرمانی که اکنون در قالب مدافعان حرم به منصفه ظهور رسیده است. اینکه یک جوان پاکستانی با همان خصوصیات بسیجی های دفاع مقدس اسلحه به دست بگیرد و در میدان جهاد شرکت کند، مسئله ای است که اکنون در لشکر زینبیون به عینه مشاهده می شود. تأثیر روحیه بسیجی در میان رزمندگان پاکستانی زینبیون موضوع گفت و گوی ما با یکی از این رزمندگان است که به دلایل امنیتی از ذکر نام ایشان معذوریم.



“

ما بسیجی را سرباز امام زمان (عج) و سرباز امام خامنه ای می دانیم. کسی که تابع امر ولایت باشد در تعریف ما یک بسیجی است. کسی که تفکر و روحیه جهادی و حق طلبی داشته باشد را باید بسیجی خواند. بسیجی مؤمن به خدا و با روحیه انقلابی است. بسیجی همیشه در صحنه حاضر است خواه این حضور رزمی باشد یا فرهنگی



شجاعت و فداکاری و غیرت از شاخصه‌های رفتاری رزمندگان زینبیون بود. سخت می‌جنگیدند و پیروز میدان می‌شدند. همه اینها باعث شد که امام خامنه‌ای در مورد زینبیون اینگونه بفرمایند که: سلام من را به مدافعین حرم پاکستانی برسانید

خامنه‌ای و بسیجیان مخلص انقلابی است. در این سازمان جوانان را با الگوگیری از «تفکر و فرهنگ بسیجی» تربیت و پرورش می‌دهند. من هم عضو این سازمان بودم و از همانجا با بسیج آشنا شدم. بعد از آن هم که به ایران آمدم بیشتر با بسیج و کارکردهای این نهاد انقلابی آشنا شدم و سعی کردم در رفتار و کردارم مفهوم بسیج را نشان بدهم و از سربازان امام خامنه‌ای باشم.

شما در فرهنگ خودتان به لفظ بسیج چه چیزی اطلاق می‌کنید؟

ما بسیجی را سرباز امام زمان (عج) و سرباز امام خامنه‌ای می‌دانیم. کسی که تابع امر ولایت باشد در تعریف ما یک بسیجی است.

کسی که تفکر و روحیه جهادی و حق طلبی داشته باشد را باید بسیجی خواند. بسیجی مؤمن به خدا و با روحیه انقلابی است. بسیجی همیشه در صحنه حاضر است خواه این حضور رزمی باشد یا فرهنگی.

در میان صحبت فرماندهان و خاطرات رزمندگان اینگونه نقل شده که وقتی زینبیون وارد منطقه‌ای می‌شدند، خیال مسئولان و فرماندهانشان بابت فتح و پیروزی این عملیات راحت بود. به نظر شما چرا اینگونه است؟

در جبهه مقاومت زینبیون نیروهای خط‌شکن هستند. تا وقتی که خط را نشکنند و به اهداف از پیش تعیین شده که مدنظر فرماندهان و منطقه مورد نظرشان است دست نیابند و از فتح مطمئن نشوند، عقب نمی‌نشینند. رزمندگان زینبیون با نعره‌های حیدری‌شان وارد میدان معرکه می‌شوند و همین غریوهای حیدری چنان رعب و وحشت در دل داعشی‌ها و تروریست‌ها می‌انداخت، بارها و بارها خودشان به این امر اعتراف می‌کردند. نعره‌های حیدری زینبیون رمز سراسری عملیات‌ها بود و به مدد امام علی (ع) چنان قوت می‌گرفتند که کسی جلو دارشان نبود.

شجاعت و فداکاری و غیرت از شاخصه‌های رفتاری رزمندگان زینبیون بود. سخت می‌جنگیدند و پیروز میدان می‌شدند. همه اینها باعث شد که امام خامنه‌ای در مورد زینبیون اینگونه بفرمایند که: «سلام من را به مدافعین حرم پاکستانی برسانید. زینبیون خیلی خوب می‌جنگند. خیلی خوب مجاهدت می‌کنند. سلام من را به پدرها و مادرها و خانواده‌هایشان برسانید.»

با توجه به شناختی که از فرهنگ انقلابی، بسیج و دفاع مقدس ما دارید، چقدر شهدای جنگ تحمیلی ما را می‌شناسید؟

من شهیدان باکری، حسن باقری، صیاد شیرازی، دکتر چمران، شهید برونسی و تعدادی دیگر از این شهدای بسیجی و سپاهی را می‌شناسم و در مورد سبک زندگی دینی و منش جهادی‌شان تحقیق کرده‌ام. حتی عکس این شهدا را کنار شهدای مدافع حرم لشکر زینبیون نصب کرده‌ام تا با اقتدا بر آنها از مسیر حق منحرف نشده و ان شاءالله با بصیر و درایت بتوانم راهشان را ادامه بدهم.

خاطره‌ای از رفتار بسیجی رزمندگان پاکستانی برایتان تعریف کنید؟

می‌خواهم خاطره‌ای از دل‌آوری رزمندگان زینبیون و رفتار بسیجی‌شان برایتان تعریف کنم. من و چند نفر از بچه‌ها در یکی از عملیات‌ها مجروح شدیم. از دو طرف در تیررس خمپاره‌اندازها و تک‌تیراندازهای داعشی بودیم. با توجه به سختی و شرایط موجود، تعدادی از هم‌زمان من و بچه‌های مجروح دیگر را به دوش گرفته و سعی کردند به عقب بیاورند. شاید برای خودشان هم خطرات زیادی داشت، اما روحیه جهادی و بسیجی که در وجودشان بود، باعث شد تا ما را به عقب بکشند. چندیابی‌شان هم مجروح شدند، اما خودشان را وقف بچه‌ها کرده بودند و توجه‌ای به جراحات‌های‌شان نمی‌کردند. اینها تنها نمونه‌هایی کوچک از منش بسیجی رزمندگان غیور لشکر زینبیون بود.

با در مورد دیگری داوطلبان اعزام به جبهه مقاومت به دلیل تمرین‌های سختی که در دوره آموزشی انجام می‌دهند، شب‌ها خسته برای خواب می‌رفتند و من معمولاً بعد از همه به خواب می‌رفتم. یک شب دیدم بعد از خوابیدن همه، یک نفر از خواب بیدار شد و لباس بچه‌ها که پر از گرد و خاک بود را جمع کرد و به بیرون رفت. تعجب کردم، به دنبال وی بیرون رفتم. دیدم به سمت حمام رفت، لباس رزمنده‌ها را شست و آویزان کرد. وقتی صبح آنها می‌خواستند لباسشان را به تن کنند، دیدند لباس‌هایشان تمیز است. با تعجب از همدیگر پرسیدند که چه کسی این کار را انجام داده است که هیچ کس آن را نپذیرفت. من هم چیزی نگفتم و این کار بارها و بارها تکرار شد. آن شخص کسی نبود جز شهید علی شیخ. زینبیون چنین بودند و بسیجی گونه خدمت می‌کردند. ■



اهل کجا هستید و چه زمانی به ایران آمدید؟

من اهل کراچی پاکستان هستم و حدود شش سال پیش یعنی در ۲۰۱۳/۰۲/۲۵ برای تحصیل در حوزه علمیه به ایران آمدم. کراچی یکی از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای پاکستان است. مردم کراچی همواره با وهابیون درگیر بودند. حوادث تروریستی و بمب‌گذاری‌های گاه و بیگاه عوامل تکفیری و تروریستی در منطقه ما باعث شد که مردم همیشه برای نبرد آماده باشند. اهالی کراچی همچون اهالی پاراچنار و پنجاب دلیر و شجاع هستند. در کراچی انسان‌های بصیر و آگاه به مسائل زمان وجود دارد. مدت‌هاست که پیام انقلاب اسلامی به شهر ما رسیده و به شکل جدی در مجامع فرهنگی طرح می‌شود.

چه شد که عزم جهاد در جبهه مقاومت اسلامی سوریه کردید؟

تقریباً ۱۰ روز قبل از جنگ سوریه، برای زیارت بی‌بی زینب (س) به سوریه رفته بودم. همانجا بودم که زمزمه آغاز جنگ را شنیدم. به ناگاه غم بزرگی بر دلم نشست. به حرم حضرت زینب (س) فکر می‌کردم و با خودم می‌گفتم، نکنند دست‌آیادی کفر به حرم آل‌الله نزدیک شود. من ندای هل من معین حضرت زینب (س) را با گوش جان شنیدم و برای همین ماندم تا از حرم عمه جان دفاع کنم و همین ماندن مدت‌ها طول کشید و من مدافع حرم شدم و همراه با لشکر زینبیون در منطقه حضور پیدا کردم. در حقیقت روحیه انقلابی و بسیجی زینبیون آنها را روانه جبهه مقاومت اسلامی کرد.

چه مسئولیت‌هایی در منطقه بر عهده داشتید؟

یک‌بار جانشین فرمانده انتخاب شدم و از آنجایی که طلبه بودم، در امر تبلیغ هم انجام وظیفه می‌کردم.

از زبان فرماندهان بسیج مقاومت شنیده‌ایم که رزمندگان زینبیون بالفطره اهل جهاد هستند و روحیه بسیجی بالایی دارند، نظر شما چیست؟

دقیقاً همین‌طور است. علت داشتن این روحیه جهادی را باید در پیشینه و سرگذشت حق طلبی و ظلم‌ستیزی مردم پاکستان جست‌وجو کرد. مردمی که سال‌ها در مقابل کفر و وهابیت قد علم کرده و در این مسیر هزینه‌های جانی و مالی زیادی هم داده‌اند. ما سال‌هاست که در مقابل عناصر وهابی ایستاده و در پیکار هستیم. مردم پاکستان همیشه آماده نبرد با تروریست‌ها بوده و هستند. ما هم از همین نسل هستیم. پیش از حضور در جبهه مقاومت اسلامی اسلحه به دست گرفته و از سرزمین خودمان در مقابل تروریست‌های تکفیری دفاع کردیم. چون اعتقاد بر این فرموده امام خمینی (ره) داریم که: «اسلام مرز نمی‌شناسد» از این رو در جبهه مقاومت اسلامی سوریه و عراق، در قالب لشکر زینبیون به مصاف تکفیر رفتیم.

چقدر با «بسیج» ما آشنا هستید؟ سعی کردید از روحیه بسیجی و انقلابی

رزمندگان ایرانی الگو بگیرید؟

اولین کسانی که مردم و جوانان پاکستان را با انقلاب اسلامی و بسیج آشنا کردند، شهید قائد علامه عارف حسین الحسینی و دکتر شهید محمد علی نقوی بودند. ما از طریق این دو بزرگوار از همان دوران کودکی و نوجوانی در مدارس دینی و مجالس حسینی با انقلاب اسلامی ایران و مفهوم بسیج و سپاه پاسداران آشنا شدیم.

عارف حسین الحسینی مجاهد انقلابی از یکپارچگی مردم ایران و خلق حماسه انقلاب اسلامی با بسیج مردمی صحبت می‌کرد. ایشان پیام‌آور اندیشه امام خمینی و انقلاب اسلامی در پاکستان بود. بعد از شهادت عارف حسین الحسینی، امام خمینی (ره) فرمودند که: «ملت شریف و مسلمان پاکستان که به حق ملتی انقلابی و وفادار به ارزش‌های اسلامی بوده‌اند و با ما رابطه دیرینه گرم انقلابی، عقیدتی و فرهنگی دارند، باید تفکر این شخصیت شهید را زنده نگه دارند و نگذارند شیطان زادگان جلوی رشد اسلام ناب محمدی را بگیرند...»

ما فرمایشات امام خمینی را با جان و قلبمان حس کرده‌ایم و سعی کردیم که از این رویش و ثمره انقلاب الگو بپذیریم.

در پاکستان سازمانی به نام «دانشجویان امامیه پاکستان» است که الگوی‌شان حضرت امام خمینی (ره)، امام

نبرد نهایی با گروه تروریستی داعش که با وعده و فرماندهی سردار سرافراز جهان اسلام حاج قاسم سلیمانی انجام و به پایان حیات این سیه‌روzan عالم ختم شد قطعاً یکی از افتخارات بزرگ فاطمیون است و باید رزمندگان افغانستان را از اساسی‌ترین عناصر به خاک مالیده شدن روی تروریست‌های تکفیری-وهابی دانست. حلب، تدمر، دیر الزور، بادیه، نبل و الزهرا و جای جای خاک سوریه نشان از رشادت‌های فاطمیون دارد

“

حضور صرفاً داوطلبانه و برخاسته از عمق فهم، درک و شناخت از وضعیت روز بشریت و به‌ویژه مسلمانان و شیعیان در نقاط مختلف جهان بهانه حضور فاطمیون را در جبهه مقاومت اسلامی ایجاد کرده است. با نگاهی به ترکیب رزمندگان حاضر در جبهه مقاومت اسلامی، به‌خوبی متوجه می‌شویم که ریشه حضور این رزمنده‌ها، با الگوگیری از حضور داوطلبانه بسیجیان در جبهه‌های دفاع مقدس صورت گرفته است



گفت‌وگو با فرمانده لشکر فاطمیون پیرامون تأثیر روحیه بسیجی بر رزمندگان این لشکر

نخستین پایگاه بسیج غیر ایرانی را فاطمیون تأسیس کردند

صغری خیل فرهنگ



لشکر فاطمیون یکی از قوای حاضر در جبهه مقاومت بود که با شناخت تفکرات امام‌راحل و مقام معظم رهبری، در جهت تشکیل امت واحده اسلامی و پیاده‌سازی اسلام ناب محمدی قدم‌های شایانی برداشت. رزمندگان این لشکر یکی از شبیه‌ترین رزمنده‌ها به بسیجی‌های دوران دفاع مقدس بوده و هستند که با انگیزه‌های قوی خود ضربات کاری را به دشمن وارد کردند؛ چراکه فرهنگ افغانستانی‌ها نزدیک به فرهنگ ایران اسلامی است و از طرف دیگر بسیاری از مجاهدان افغانستانی سابقه حضور در جبهه‌های دفاع مقدس را داشتند. در گفت‌وگویی که با فرمانده لشکر فاطمیون انجام دادیم گذری بر مجاهدت‌های بسیج‌گونه رزمندگان فاطمی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

فاطمیون چه زمانی تشکیل و از چه زمانی وارد جبهه مقاومت اسلامی شد؟

نکته‌ای که در رابطه با فاطمیون و چگونگی حضور این عزیزان در جبهه مقاومت و دفاع از حریم اسلام وجود دارد، بحق نکته مهم و قابل توجهی است.

از ولایت‌مداری و محبت به خاندان اهل بیت (ع) و داشتن درد مشترک با مردم مظلوم سوریه نمی‌تواند این خیل عظیم از بسیجیان افغانستانی را در صف اول جبهه مقاومت قرار دهد. در جبهه مقاومت اسلامی بار دیگر جهان استکبار به مصاف استضعاف آمد و گروه‌های تکفیری صهیونیستی در قالب مهاجمان حرم، به ظلم و تعدی در کشورهای اسلامی پرداختند. حضور نیروهای مبارز و بسیج جهان اسلام در جبهه مقاومت اجازه نداد تا آنها به نیات شوم خودشان دست پیدا کنند.

برخی از جانبازان و رزمندگان دفاع مقدس از فرماندهان و رزمندگان لشکر فاطمیون بودند، چقدر توانستید از تجربیات و روحیات بسیجی این عزیزان در لشکر فاطمیون بهره ببرید؟

همانطور که شما گفتید یکی از پایه‌های اصلی

د

فاطمیون قطعاً با یک تفکر بسیجی، اقدام بسیجی و نگاه بسیجی تشکیل یافت، به‌راه خود ادامه می‌دهد و اکنون برای آینده خود برنامه‌ریزی می‌کند

حضور افغانستانی‌ها در جبهه مقاومت عزیزی بودند که در سال‌های دفاع مقدس در جبهه نبرد علیه بعثی‌ها حضور داشتند. این عزیزان علاوه بر اینکه با جنگ و فنون نظامی و رزم آشنایی داشتند یک ویژگی بارز هم داشتند و آن هم آشنایی و شناخت از تفکرات امام‌راحل و مقام معظم رهبری بود. این دو بال در کنار هم باعث شده بود تا آنها با شور، شعور و دلبستگی خاصی وارد جبهه مقاومت شوند. تعداد این عزیزان هم کم نیست. ویژگی‌های مذکور در این عزیزان باعث شد تا فاطمیون زودتر از آن چیزی که تصور می‌شد به رشد و بالندگی هم در حوزه نظامی و هم در حوزه عقیدتی برسند.

جالب اینجاست که افغانستانی‌ها و همراهان فاطمیون در داخل ایران با اصرار خودشان نخستین پایگاه بسیج غیر ایرانی را راه‌اندازی کردند و اکنون صدها مهاجر افغانستانی با الگوا از رزمندگان فاطمی به عضویت بسیج درآمده و در حال خدمت هستند. در برخی مواقع از جمله سیل ابتدای سال و اربعین حسینی همین بسیجیان فاطمی پیش‌قراول خدمت و یاری به هم‌نوعان ایرانی بودند. حضور بسیجی‌وار و با روحیه جهادی این عزیزان همواره در کسب موفقیت‌ها و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده مؤثر بوده است.

چه تشابهی بین رزمندگان بسیجی امروز و دیروز افغانستان می‌بینید؟ تشابهات زیادی بین رزمندگان دیروز و امروز در



جبهه مقاومت و به ویژه فاطمیون دیده می شود. عدم وابستگی حزبی، گروهی و جناحی و تبعیت صرف از ولایت و حرکت در مسیر حکومت جهانی مهدی موعود تمام و کمال بر خاسته از همان تفکر بسیجی امام راحل (ره) است که امروز در میان رزمندگان، خانواده شهدا و ایثارگران، جانبازان و خدمتگزاران فاطمیون وجود دارد و با همین تفکر مسیر خودشان را ادامه می دهند.

به نظر می رسد بخشی از جاتحادن روحیه بسیجی در میدان فاطمیون به جهت تشابه فرهنگ بین کشورهای ایران و افغانستان می باشد؟

بله، در مورد افغانستانی ها و به خصوص شیعیان این کشور باید گفت گرچه آنها در کشور دیگری رشد یافته اند اما مسائل مختلف در اشتراکات دینی، فرهنگی، زبانی و تاریخی باعث شده است تا آنها علاوه بر آشنایی با کشور ایران، علاقه گسترده ای به انقلاب اسلامی و آرمان های امام راحل و مقام معظم رهبری داشته باشند.

وصف دلدادگی افغانستانی ها به انقلاب اسلامی ایران و تلاش آنها برای یاری این انقلاب گسترده است و اکنون به لطف کارهای رسانه ای که در سال های اخیر انجام پذیرفته بر همگان روشن شده است. افغانستانی ها با توجه به شرایط سخت برای دین مداری در این کشور در سال های حکومت های کمونیستی و پیش و پس از آن از یک سو و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سوی دیگر، ایران و تفکرات امام راحل را پناهگاه و ملجأ امنی برای زندگی دین مدارانه برگزیدند و خیل عظیم مهاجران افغانستانی نه برای یک زندگی در رفاه که برای زندگی در محیط امن اسلامی راهی کشورمان شدند و همین ارتباط باعث شد تا آنها با تفکرات ناب انقلاب اسلامی، تفکرات و روحیه بسیجی و تفکرات ولایت مدارانه آشنا و با این روحیه و تفکرات انس بگیرند. فاطمیون قطعاً با یک تفکر بسیجی، اقدام بسیجی و نگاه بسیجی تشکیل یافت، به راه خود ادامه می دهد و اکنون برای آینده خود برنامه ریزی می کند.

به نظر شما روحیه بسیجی تا چه میزان در پیروزی های جبهه مقاومت اسلامی نقش داشته است؟

دفاع مقدس و حضور بی سابقه افغانستانی ها در دفاع از حریم ولایت و اسلام نمونه بی نظیری از حضور بسیجی گونه آنهاست که این تفکر بسیجی و ولایت مدارانه در دفاع از حرم به اوج خود رسید. اکنون فاطمیون که بحق می توان آنها را بسیجیان افغانستانی نامید، نگینی در جبهه مقاومت و عصاره تفکر بسیجی در جهان اسلام هستند. از خود گذشتگی، قناعت، ترجیح دیگران و خواسته هایشان بر خود و تمایلات خود، ولایت مداری و اطاعت پذیری، سخت کوشی، رعایت حقوق افراد، توجه خاص به اموال مردم و بیت المال، رعایت حلال و حرام حتی در جزئی ترین امور، شجاعت، رشادت، ابتکار در اوج مواجهه با کمبودها و دهها خصلت دیگر وجود دارد که همه آنها عصاره داش و تکمیل شده اش را می توان تفکر و عمل بسیجی نامید. بی شک همه بزرگوارانی که در جبهه مقاومت با عزیزان فاطمیون کار کرده یا مراوده داشته اند به وضوح این خصائل

نیک اخلاقی و عملی را در آنها دیده و حس کرده اند. روحیه بسیجی چه تأثیری بر رزم فاطمیون در جبهه های جنگ گذاشته بود؟

با توجه به امکانات واقعاً کم جبهه مقاومت در عراق و سوریه در برابر امکانات گسترده جبهه باطل که همراهی و پشتیبانی استکبار جهانی و برخی کشورهای مرتجع منطقه را داشتند، چیزی جز داشتن روحیه و تفکر بسیجی و عمل بر اساس و پایه همین تفکر و روحیه نمی توانست عامل پیروزی شود. نمونه های زیادی از این دست وجود دارد که پرداختن به آن خارج از حوصله خوانندگان است و هر گوشه جبهه مقاومت چیزی جز عمل به همین تفکر و اقدام بر اساس روحیه بسیجی نیست.

نقش و جایگاه فاطمیون یا همان رزمندگان افغانستانی مدافع حرم در فتوحات به دست آمده در جبهه مقاومت اسلامی را چگونه ارزیابی می کنید؟

همه گروه هایی که راهی مبارزه با تروریست های وابسته به استکبار جهانی و صهیونیسم شدند، به سهم خود نقش جدی و بی بدیلی در پیروزی نهایی جبهه مقاومت در عراق و سوریه داشتند و باید دست تک تک آنها را بوسید اما بحق نقش فاطمیون نقشی پررنگ و قابل توجه و اعتنا در این پیروزی ها بوده است.

بررسی عملکرد و عملیات های فاطمیون نشان از آن دارد که رزمندگان افغانستانی فاتح سخت ترین بخش های این نبرد جهانی بودند. از سال ۱۳۹۲ به بعد کمتر عملیات و فتوحاتی در جبهه مقاومت وجود دارد که نام فاطمیون بر آن حک نشده باشد و بتوان نقش فاطمیون را در آنها نادیده گرفت. نبرد نهایی با گروه تروریستی داعش که با وعده و فرماندهی سردار سرافراز جهان اسلام حاج قاسم سلیمانی انجام و به پایان حیات این سیه روزان عالم ختم شد، قطعاً یکی از افتخارات بزرگ فاطمیون است و باید رزمندگان افغانستانی را از اساسی ترین عناصر به خاک مالیده شدن روی تروریست های

درس گرفت، گزاف نگفته ایم. بدون شک روحانیون افغانستانی یکی از پیشقراولان حضور در فاطمیون از همان ابتدای حضور افغانستانی ها در جبهه مقاومت بودند و حضور این عزیزان خود هم نشانگر روحیه معنوی افغانستانی ها بود و هم کمک بسزایی به سایرین می کرد تا این روحیه را در خود تقویت کنند. شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) و برخی دیگر از عزیزان افغانستانی که اولین های حضور در جبهه مقاومت بودند خود دارای تحصیلات حوزوی بوده و روحیه مذهبی و معنوی عجیبی داشتند. امروز عرض ارادت و عزاداری های فاطمیون در حرم عمه سادات و حرم حضرت رقیه زبازد خاص و عام شده است و دیگران این روحیه و خلوص را بجد تحسین می کنند و باید گفت فاطمیون محل تبلور روحیه معنوی و بسیجی در جریان جدید مقاومت شده است. لشکر فاطمیون جانبازان و شهدای زیادی را در تحقق اهداف جبهه مقاومت تقدیم کرده است. امیدواریم که جبهه مقاومت اسلامی زمینه ساز ظهور امام زمان (عج) شود. ■

تکفیری - وهابی دانست. حلب، تدمر، دیرالزور، بادیه، نبل و الزهرا و جای جای خاک سوریه نشان از رشادت های فاطمیون دارد.

اگر می شود فضای حاکم در بین رزمندگان فاطمیون را از بعد معنوی بر ایمان شرح بدهید؟ خود شما چه برنامه هایی را برای گسترش معنویت و روحیه بسیجی در بین رزمندگان اجرا کرده اید؟



اگر کسی با مردم افغانستان و تفکرات و روحیه آنها آشنایی داشته باشد بر این امر صحه می گذارد که افغانستانی ها مردمی دین مدار هستند و روحیه معنوی عجیبی دارند. اگر همین روحیه معنوی نبود، مطمئن باشید امروز گروهی در جبهه مقاومت به نام فاطمیون وجود نداشت. معنویت جزو لاینفک زندگی افغانستانی ها است و اگر بگوییم در روحیه معنوی و زندگی اسلامی باید از شیعیان افغانستان

شجره چهل ساله و ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

گفت و گو با یکی از فرماندهان لشکر فاطمیون پیرامون تأثیر روحیه بسیجی در رزمندگان افغانستانی مدافع حرم

فاطمی مثل بسیجی در رکاب حسین^(ع) می جنگد



فاطمه بیضایی



با حمله تکفیری‌ها به سوریه و در خطر قرار گرفتن حرم حضرت زینب (س)، افغانستانی‌هایی که در سوریه بودند، از حرم اهل بیت (ع) دفاع کردند. بسیاری دیگر نیز از کشورشان افغانستان و سایر نقاط به سوریه رفتند. با حضور گسترده آنها، لشکر فاطمیون تشکیل شد که کمک شایانی به جبهه مقاومت و شکست تروریست‌ها کرد. امروز هر چند پایان حکومت داعش در سوریه اعلام شده است و به غیر از چند گروهک محدود از جمله جبهه النصره، تروریست‌ها قدرت چندانی در شهرهای سوریه ندارند اما رزمندگان فاطمیون همچنان برای امنیت حریم اهل بیت (ع) در جبهه مقاومت اسلامی حضور دارند. با یکی از فرماندهان و مجاهدان افغانستانی سپاه محمد (ص) که در خط مقدم جنگ قرار داشت، همکلام شدیم تا از تأثیر روحیه بسیجی در جوانان لشکر فاطمیون بیشتر بدانیم. (به دلایل امنیتی از بردن اسم ایشان معذوریم.)

از خودتان بگویید. شما اولین مجاهد خانواده‌تان هستید؟

من اهل افغانستان هستم. پدرم اولین مجاهد خانواده بود. ایشان به خاطر اشغالگری شوروی به صفوف مجاهدین ملحق شد و پس از ماه‌ها مبارزه با اشغالگران و مزدوران شوروی به خانه آمد و چندی بعد به رحمت خدا رفت. بعد از آن شراپلی به وجود آمد که مجبور شدم همراه با خانواده (مادر و دو برادرم) به ایران مهاجرت کنیم. شش سال داشتم، سال ۱۳۶۰ بود و مادر جوار امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) ساکن شدیم. من دوران دبستان را تا اخذ مدرک دیپلم در مشهد سپری کردم.

شما در یک فرهنگ دیگر متولد شده و رشد کردید، چطور با روحیه بسیجی آشنا و همراه شدید؟

ورود ما به ایران همزمان شده بود با جنگ تحمیلی و من سن و سال زیادی نداشتم اما آن دوران را خوب به خاطر دارم. دورانی که مهاجران افغانستانی، دوشادوش رزمندگان و بسیجیان ایرانی، حماسه آفریدند و ۲ هزار شهید تقدیم کردند آنها از عمق وجودشان باور داشتند که امام خمینی (ره) نایب امام زمان (عج) است و انقلاب اسلامی در امتداد خط سرخ مکتب امام حسین (ع) قرار دارد. دوران نوجوانی و جوانی‌ام متأثر از فضای انقلاب و بسیج و هشت سال دفاع مقدس شکل گرفت. دیدن جانبازان جنگ تحمیلی افغانستانی و شنیدن روایات حضورشان و روزهایی که در این دوران همراه با رزمندگان ایرانی

گذرانده بودند، برایم جالب بود. همین‌ها در ذهن من ماندگار شد و علاقه من را به بسیج و دفاع از اسلام از همان دوران در وجودم حاکم کرد.

از چه زمانی اسلحه به دست گرفتید؟

از سال ۱۳۷۵ به عضویت سپاه حضرت محمد (ص) درآمدم و بعد از طی آموزش‌های اولیه نظامی، در برابر فتنه اول صهیونیسم و وهابیت، در کنار جبهه متحد، در تخر و شمال شرقی افغانستان (که در آن زمان تنها ۵ درصد از خاک افغانستان باقی مانده بود) مشغول مبارزه شدم. حدود ۱۰ سال در سپاه حضرت محمد (ص) فعالیت کردم. پس از ۱۱ سپتامبر و تشکیل دولت افغانستان و ادغام الباقی نیروهای سپاه با اردوی ملی، به سمت «دگرمن» که معادل سرهنگ تمام است، منصوب شدم. تا سال ۸۴ مشغول انجام وظیفه بودم و از آنجایی که خانواده در مشهد ساکن بودند، سالی چند بار به ایران می‌آمدم و به آنها سر می‌زدم اما به خاطر فعالیت‌هایم در لیست سپاه امریکایی‌ها قرار گرفتم و مجبور شدم از ارتش کناره بگیرم و چند سالی مشغول کارگری و کارهای آزاد شدم.

چه شد که خودتان را به جبهه مقاومت رساندید؟

من مشغول گذر زندگی بودم. سال ۱۳۹۱ بود که من قصد مهاجرت به آفریقای جنوبی را داشتم و به خاطر

به جرئت می توان گفت رزمندگان فاطمیون بالفطره اهل جهاد و دارای روحیه بسیجی بالایی هستند. روحیه سلحشوری مجاهدین فاطمیون متأثر از شهدای کربلاست



جهادی ایشان در نیمه های شب بودم. ایشان با لباس مبدل و چکمه و ماسک، شروع به تمیز کردن حمام ها و توالت ها می کرد بدون اینکه کسی ایشان را بشناسد و متوجه مقام و مسئولیت شان بشود. همین حرکت ایشان تأثیر زیادی روی شخص من داشت و باعث شد خیلی از منیت ها اصلاح شود.

تعریف شما از تأثیر روحیه بسیجی بر رزمندگان فاطمی چیست؟

تفکر بسیجی را باید جزء جدانشدنی تفکر جهادی فاطمیون دانست. در واقع نمی توان این دو را از هم جدا کرد، چون آرمان ها و اهداف بلند مشترکی دارند و مقتدای شان حسین بن علی (ع) است. تفکر بسیج و تفکر فاطمی در امتداد هم هستند. در فرهنگ عاشورا، بسیج طلایه دار است و مجاهدین فاطمیون متأثر از تجارب گرانمای بسیج به آن واقف هستند. در اینجا باید به داشتن روحیه جهادی و بسیجی گونه بچه های فاطمیون اشاره کنم. بچه های فاطمیون هنگام عملیات و سختی هایی که در طول اجرای عملیات حادث می شد نام اباعبدالله (ع) و قمر بنی هاشم (ع) را می بردند و با ذکر حماسه عاشورا و نبرد جانشوز قافله کربلا جوانمردانه به خط مقدم می زدند. خودشان را در رکاب حضرت اباعبدالله الحسین (ع) تجسم می کردند. شاخصه دیگر لشکر فاطمیون این است که از معرفت بالایی نسبت به خاندان اهل بیت (ع) برخوردار هستند و از این رو برای اهل بیت جان شان را در طبق اخلاص می گذارند. همه این ویژگی ها در وجود رزمندگان غیور فاطمیون، آنها را به بازوان مستحکم جهان اسلام تبدیل کرده است. بسیجی هایی که گوش به فرمان امام خامنه ای و مالک اشتر زمان سردار حاج قاسم سلیمانی هستند.

خاطره ای از روزهای حضورتان در جبهه مقاومت برایمان تعریف کنید.

خاطره ای را از منطقه عملیاتی تدمر سوریه برایتان بازگو می کنم. ماه رمضان سال ۹۴ بود و هوا گرم. دقیقاً روز ۲۱ ماه مبارک رمضان بود، صبح زود من همراه با یکی از فرماندهان فاطمیون برای هماهنگی امور و جنگ راهی منطقه شدیم. قرار شد سه فروند تانک به عنوان خط شکن در یک فاصله سه کیلومتری حرکت کرده و در بلندی مشخص مستقر شوند. دستور از فرماندهی صادر شد و تانک ها حرکت کردند. فرمانده و خدمه تانک ها از رزمندگان فاطمیون بودند، ارتباط رادیویی و بیسیم برقرار بود تا اینکه حدود ۱۵۰۰ متر به سمت هدف حرکت کردند، در بین راه تپه ماهور بود و عملاً از دید ما خارج شد و ارتباط بیسیم هم قطع شد، خدا رحمت کند یکی از فرماندهان زرهی (که بعد از ظهر همان روز ماشین شان روی مین رفت و به درجه شهادت نائل آمد)، کنار ما بود و خیلی تلاش می کرد تا ارتباط بیسیم با تانک ها برقرار شود. در این حین از سمت راست ما یک دود سیاه بلند شد و فرمانده با ناراحتی گفت فکر کنم بچه ها روی مین رفتند، همه سکوت کردیم، تا اینکه ارتباط رادیویی و بیسیم برقرار شد و صدای فرمانده تانک را که بالهجه محلی افغانستانی پیام می داد، به خوبی می شنیدیم: «زدیم، زدیم، اربابانشان را به عزایشان نشاندیم.» فریادهای لبیک یا حسین (ع)، لبیک یا زینب (س) شان از پشت بیسیم شنیده می شد. فرماندهان سر به سجده، شکر خدا را به جا می آورد و گفت الهی شکر، الهی شکر. اینجا من فرماندهی نمی کنم، کسی دیگر فرماندهی می کند. ■



به جرئت می توان گفت رزمندگان فاطمیون بالفطره اهل جهاد و دارای روحیه بسیجی بالایی هستند. روحیه سلحشوری مجاهدین فاطمیون متأثر از شهدای کربلاست و رزمندگان فاطمیون از بهترین و ناب ترین باورهای مذهبی برخوردار هستند. داشتن شجاعت در میدان مبارزه و معرکه جنگ، مستلزم داشتن باورهای ناب دینی است؛ باوری که در سخت ترین لحظات عملیات، مقاومت کند و در هر صورت خود را پیروز میدان می داند، چه شهید شود، چه زنده بماند. حفظ همین روحیه بسیجی و جهادی بود که باعث پیروزی های مکرر و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده در محور مقاومت می شد. ما در جبهه از تجربیات رزمندگان ایرانی بسیجی که تجربه حضور در جبهه های جنگ هشت ساله را داشتند استفاده کردیم و شاهد روحیه ایثارگری و شهادت شان بودیم. داشتن اخلاص و تواضع در عمل و رفتار بسیجیان دیده می شد و همه اینها نشان از تفکر بسیجی شان داشت به عنوان نمونه باید خدمتتان عرض کنم که مسئولی در سپاه حضرت محمد (ص) داشتیم که شخصاً بارها شاهد کارهای



در اینجا باید به داشتن روحیه جهادی و بسیجی گونه بچه های فاطمیون اشاره کنم. بچه های فاطمیون هنگام عملیات و سختی هایی که در طول اجرای عملیات حادث می شد نام اباعبدالله (ع) و قمر بنی هاشم (ع) را می بردند و با ذکر حماسه عاشورا و نبرد جانشوز قافله کربلا جوانمردانه به خط مقدم می زدند و خودشان را در رکاب حضرت اباعبدالله الحسین (ع) تجسم می کردند

همین موضوع، حتی خانه، کارگاه و ماشینی که در مشهد داشتم را فروختم و ویزای آفریقای جنوبی را هم اخذ کرده بودم اما فتنه دوم صهیونیسم جهانی در سرزمین شامات، (سوریه) آغاز شد. این خطر بزرگ که اسلام را تهدید می کرد را حس کردم. در همین اثنا دوست و همزم شهیدم توسلی (ابوحامد) از پیشگامان مبارزه و جهاد با من تماس گرفت و با هم صحبت هایی در مورد جبهه مقاومت کردیم. البته ما همراه تعدادی از دوستانی که در مبارزات با هم بودیم دیدارهای هفتگی داشتیم. آغاز جنگ در سوریه باعث شد تا به دنبال راهی باشیم که خودمان را به صفوف مدافعان حرم حضرت زینب (س) برسانیم. جمله امام خامنه ای در مورد جبهه مقاومت دائم در ذهنم تداعی می شد که: «سوریه نقطه تقابل حق و باطل است.» من این ایام را تجربه کرده بودم و سال ها قبل شاهد بی رحمی و قساوت تکفیری ها و وهابیت در افغانستان بودم. از این رو خطر فتنه داعش و گروه های تکفیری را درک می کردم. همه اینها دست به دست هم داد تا من لباس رزم بپوشم. خیلی تلاش کردم و به رغم مشکلات اداری و قوانین اقامتی که پیش رویم بود به لطف خدا توانستم ندای بی زینب (س) را لبیک بگویم و در کنار رزمندگان فاطمیون راهی جبهه مقاومت شوم. خودم را به سوریه رساندم تا در کنار همزمان این نطفه شوم صهیونیسم در منطقه جان نگیرد و اسلام و قرآن به انزوا نرود.

چه مسئولیت هایی در جبهه داشتید؟ گویا جانباز هم شدید.

از ابتدای حضور نیروهای فاطمیون در جبهه مقاومت در کنار دیگر رزمندگان حضور داشتم. حدود شش، هفت سالی در مسئولیت های مختلف فعالیت کردم. چند بار تا مرز شهادت پیش رفتم اما لیاقت شهادت نداشتم. بارها مجروح شدم و به افتخار جانبازی نائل شدم. امروز به عنوان یکی از فرماندهان گردان های حاضر در لشکر فاطمیون در کنار دیگر عزیزان دلاور همچنان مشغول جهاد هستم.

روحیه بسیجی را در جبهه مقاومت اسلامی چگونه دیدید؟





شما جوان‌های عزیز هم‌ان شاءالله در میدان علم، در میدان فعالیت، در میدان
تحرک اقتصادی، در میدان کارآفرینی، در میدان کار و تلاش فردی و جمعی
در میدان شبکه‌سازی‌های اجتماعی و فرهنگی، در میدان حرکت‌های لازم آتش
به اختیار در هر جایی که احساس بشود، ان شاءالله پیروز و موفق خواهید بود

همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» | ورزشگاه آزادی | ۱۲ مهر ۹۷ |



گفت‌و‌گوی «جوان» با سید عبدالله جلاعم، عضو هیئت امنای جنبش مستقبل عدالت یمن

«بسیج» در فرهنگ یمن یعنی مردی و مردانگی



“

برای ما بسیج مثل دیگر احزاب سیاسی نیست شناخت ما نسبت به این نهاد، معرفتی است. بسیج در قلب و روح ما طنین‌انداز شده است. همین روحیه بسیجی زمینه حرکت‌های انقلابی را در یمن فراهم نموده و باعث آشنایی ما با ولایت فقیه، انقلاب اسلامی و مقاومت در برابر ظلم شد

صغری خیل فرهنگ



راهپیمایی‌های خیابانی شروع شد، اما دولت خواسته‌های ما را نپذیرفت، برای همین ما به پشت بام‌ها رفته و شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سر دادیم. به نظر من این شعار آغاز حرکت انقلابی مردم مان شد و پشتوانه محکمی که ثمراتش را امروز در یمن شاهد هستید.

شيوه معرفي بسیج به مردم یمن چگونه بوده است؟ چه طور این مفهوم را منتقل کردید و چطور مردم یمن با برکات بسیج مردمی آشنا شدند؟

شناخت و آشنایی ما با بسیج تنها مربوط به امروز نیست، بلکه به نسل‌های قبل از ما یعنی نسل پدران ما بر می‌گردد. قبلاً در فرهنگ عمومی ما اینگونه جا افتاده بود که نباید در مقابل امریکا ایستاد و حرفی زد، اما بعد از انقلاب اسلامی ایران و تشعشع نور انقلاب به کشورهای دیگر به ویژه کشور یمن، جوانان آن زمان یعنی پدران مان وارث روح انقلاب شدند و در برابر امریکا ایستادند و مقاومت کردند. آنها در قول و عمل به امریکا «نه» گفتند و بعد از آن نسل‌های بعدی با الگو گرفتن و عبرت از روحیه بسیجی و انقلابی مردم ایران این مسیر را ادامه دادند. ایران به برکت همین روحیه و انقلاب به پیشرفت‌های زیادی در عرصه فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی دست پیدا کرد. که با این وجود ایران نقطه توجه و نگاه همگان شده است.

به نظر شما بسیج مستضعفین که مد نظر امام بود می‌توانست محدود به

کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آنها علیه ایران تبلیغات گسترده‌ای راه انداختند. همه امکانات از قبیل: رسانه، مدرسه و دانشگاه هم در دست عربستان بود که علیه شیعیان دوازده امامی تبلیغ می‌کردند، اما ما توانستیم فاصله بین علمای خودمان و علمای اهل سنت و دیگر شاخه‌های شیعه و نیز با مشایخ یمن را کم کنیم. احزاب و گروه‌های مختلفی در یمن وجود دارد که ما با ایجاد این جنبش سعی در اجتماع آنها تحت رهبری واحد سید عبدالملک الحوثی رهبر انقلاب یمن داریم. ان شاء الله به عدالت واقعی در جهان دست پیدا کنیم.

از چه طریقی با انقلاب، بسیج و دفاع مقدس ما آشنا شدید؟ چه تعریف و چه شناختی از بسیج دارید؟

برای ما بسیج مثل دیگر احزاب سیاسی نیست شناخت مانسبت به این نهاد، معرفتی است. بسیج در قلب و روح ما طنین‌انداز شده است. همین روحیه بسیجی زمینه حرکت‌های انقلابی را در یمن فراهم نموده و باعث آشنایی ما با ولایت فقیه، انقلاب اسلامی و مقاومت در برابر ظلم شد.

چقدر مقاومت مردمی یمن را الگو گرفته‌از بسیج مردمی ایران می‌دانید؟

انقلاب یمن الهام گرفته از انقلاب اسلامی و بسیج ایران است. به عبارت دیگر انقلاب یمن برکتی از برکات انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (قدس سره) است. انقلاب مردم در یمن همچون انقلاب ایران ابتدا از تظاهرات و

به وجود آمد. از اعتراضات میدانی ۲۰۱۱ شروع شد و در انقلاب سال ۲۰۱۴ تحقق یافت. این جنبش برای شیعیانی که متفرق بودند، همانند یک چادری بود که همه را در زیر لوی خود جمع کرد. البته در این حزب اعم از شیعه، سنی، شمالی و جنوبی حضور دارند. این جنبش نه تبلیغی است، نه رقابتی، بلکه حرکتی است برای انجام تکلیفی که در محضر خدا و در محضر اهل بیت (ع) و امام زمان (عج) بر عهده داریم. این جنبش توانست راه درمان بیماری جهل و فقر را بشناسد. دلیل جنگ‌های طاغیه‌ای در مناطق مختلف یمن، جهل و فقر مردم بود که این جنبش در نظر دارد با ارائه برنامه و اقدامات با این جهل مقابله کند و با اجرای فعالیت‌های اقتصادی با فقر موجود بجنگد. هر مصیبتی در یمن اتفاق می‌افتد بر اثر همین دو عامل است. ما جهل را با علم و فقر را با عمل درمان خواهیم کرد. همه به دنبال عدالت هستیم و این عدالت جز در سایه سار رفیع فقر و جهل برطرف نخواهد شد. با آغاز بیداری اسلامی در یمن مؤسسه شیعیان دوازده امامی در سال ۲۰۱۱ در میدان ساحه‌التغییر خیمه‌ای بر پا کرد که انقلابیون دست در دست انصار الله اولین گام خود را در این مسیر برداشتند. همه هم پیشگام شدند. مشکل فاصله زیادی بود که بین شیعیان دوازده امامی و علمای یمن و علمای اسماعیلی و اهل تسنن و شیوخ یمنی و نخبگان سیاسی وجود داشت. یمن در دست عربستان بود و در مدت ۴۰ سال علیه مردم یمن عمل کردند و علیه شیعیان دوازده امامی تبلیغ

پیروزی‌هایی که مردم یمن در مواجهه با ائتلاف سعودی به دست آورده‌اند، اذهان را یاد معجزاتی می‌اندازد که در دفاع مقدس خلق می‌شد. گویی همان روحیه بسیجی که مردم ایران را در مقابل ارتش مجهز بعثی و حمایت‌های همه جانبه‌ای که از آن می‌شد، به نصرت و پیروزی رساند، حالا در دل توده‌های مردم یمن جوانه زده و متجاوزان سعودی و اماراتی را به شکست می‌کشاند. حمله بی‌سابقه به تأسیسات آرامکو و همچنین عملیات نصر من الله که باعث اسارت صدها مزدور متجاوز شد، تنها بخشی از پیروزی‌های مردم یمن است. که سید عبدالله جلاعم عضو هیئت امنای جنبش مستقبل عدالت یمن معتقد است با الگو برداری از قیام ابا عبدالله (ع) و شاخصه‌های نهفته در نهضت اسلامی حضرت امام نظیر تأثیر از بسیج مردمی ایران نشئت گرفته است. جنبش المستقبل از جمله جنبش‌های مقاومت مردم یمن است. گفت‌و‌گوی ما را با عضو هیئت امنای این جنبش پیش رو دارید.

شاید برخی خوانندگان ما از جنبش تنظیم مستقبل العداله اطلاعاتی نداشته باشند؛ ماهیت این جنبش چیست؟

جنبش تنظیم مستقبل العداله از دل رنج‌های ملت یمن

شهید صالح از شهدایی بود که برای همیشه تاریخ یمن الگو شد. مجاهدی نستوه که اهل علم و عمل بود. نه فقط کار نظامی و جهادی می کرد بلکه یک سیاستمدار و عالم بود. شعار شهید صماد این بود باید با یک دست یمن را ساخت و با دستی دیگر از یمن دفاع کرد



جغرافیای ایران باشد؟

خیر، انقلاب اسلامی و بسیج تنها محدود به جغرافیای ایران نیست. دلیل اول اینکه، بررسی هانشان داده است که جرقه و آغاز رویدادهای سیاسی و دگرگونی ضد استکباری برخی کشورها الهام گرفته از بیداری اسلامی و انقلابی ایران است. دلیل دیگر اینکه بسیج وجه خود را در لبنان، عراق و سوریه نشان داد. ما در جبهه مقاومت شاهد تشکیل یک بسیج اسلامی در مناطقی بودیم که تروریست ها و استکبار، قصد نفوذ به آنجا و بهره‌وری سیاسی و نظامی را داشتند.

تشکیل نیروهای مردمی بسیج در یمن چقدر می‌تواند به پیشبرد اهداف مسلمانان مظلوم این کشور در مبارزه با دشمنان شان کمک کند؟

امام علی فرمودند: «بنیت البلدان بحب الاوطان» «ساختن کشورها به دوستی وطن‌ها است.» تشکیل بسیج می‌تواند به ساخت یمن کمک کند. مردم یمن برای مقابله با دشمن و مقاومت از هر امکان ارزشمند و قدرتمندی استفاده می‌کند و امیدشان به خدا است. بسیجی شدن و با هم شدن نیروهای مردمی از این حرکات است. نکته بسیار مهم اینکه آنها امیدشان را از دست نمی‌دهند. «و ان تنصروا الله ینصرکم و یتب علیکم» اگر خدا بخواهد می‌تواند یمن را در برابر دشمنانش پیروز گرداند.

جو حاکم بر مردم انقلابی یمن چیست؟ امکانات موجود در یمن، صفا و حال و هوای نیروها چطور است؟

جو عامه مردم یمن همان روح ایستادگی است که در وجودشان دیده می‌شود. ایستادگی همچون جرقه‌ای است که اگر آتش بگیرد هیچ عاملی نمی‌تواند مانع شعله‌ور شدنش بشود و آن را خاموش کند. به فرموده امام خامنه‌ای، آتش به اختیار عمل می‌کند. در مورد حال و هوای نیروها هم باید بگویم که آنها از لحاظ معنوی غنی هستند. در جاتی خدایی والهی دارند. هیچ ترسی در وجودشان دیده نمی‌شود.

انقلابیون یمنی از لحاظ امکانات و تجهیزات جنگی لباس، خوراک، پوشاک خود و خانواده‌هایشان در تنگنا هستند و سخت‌زندی می‌کنند. مجاهدان در جبهه‌ها همانطور که در تصاویر و فیلم‌ها مشاهده می‌کنید در مضیقه هستند در سرما و گرمای هوا و در شرایط سخت دست از ایستادگی و جهاد در نمی‌دارند. برخی‌شان در قله کوه‌ها زندگی و جهاد می‌کنند. اما همگی صفایی درونی دارند، روحیه بالایی دارند. با هم شوخی می‌کنند، می‌رقصند، چون مؤمن هستند و آنقدر به خدا ایمان و اعتقاد دارند که خلی در اراده‌شان وارد نمی‌کند.

شمارد جبهه‌های تان «سامانه فندک» دارید این اصطلاح از کجا آمده است؟

سامانه فندک فقط و فقط متعلق به یمنی‌ها است و در یمن به وجود آمده است. در هیچ جنگ دیگری استفاده نشده است. سامانه فندک، ابزاری بسیار عادی و معمولی است که هر کسی دارد و می‌تواند با کمترین قیمت و آسان‌ترین راه به دستش بیاورد در عملیات بزرگ «نصر من الله» که بزرگ‌ترین عملیات ارتش و انصارالله یمن علیه عربستان است رزمندگان انصارالله وعده و تهدید عبدالملک بدرالدین را محقق کردند. چندسال پیش عبدالملک الحوثی رهبر جنبش انصارالله یمن، هنگام سخنرانی به مناسبت روز شهید، سعودی‌ها را با یک فندک تهدید کرد. رهبر انصارالله با نشان دادن این

فندک، با اعصاب و روان متجاوزان به یمن بازی کرد. آنها میلیون‌ها دلار هزینه می‌کنند و تانک و زره پوش می‌خرند و به یمن حمله می‌کنند، اما مبارزان انصارالله، تنها با تکیه بر شجاعت خود، این تانک‌ها و زره‌پوش‌ها را در اختیار می‌گیرند و تنها با یک ابزار ساده، یعنی فندک، آن را به آتش می‌کشند. نیروهای یمنی از هیچ بمب یا موشکی برای هدف گرفتن تانک‌ها استفاده نمی‌کنند، بلکه عمداً آنها را با فندک، آتش می‌زنند. در حقیقت این به تمسخر گرفتن امریکایی‌ها است چرا که ما با یک فندک ساده بهترین و پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی‌شان را نابود می‌کنیم.

فعالیت زنان و عموم مردم در امداد رسانی و کمک‌های پشت جبهه چه شکلی است؟

بارها در تاریخ اسلام خوانده‌ایم که زنان در بعضی از جنگ‌ها سبب شکست ارتش خود و نیروهای نظامی کشور خود شده‌اند چرا که زنان می‌توانند روی وابستگی‌شان در جنگ تأثیر گذاشته و آنها را از راه صحیح منحرف نمایند و از معنویات آنها کم کنند. بارور تاریخ اسلام متوجه این صحبت خواهید شد. شما

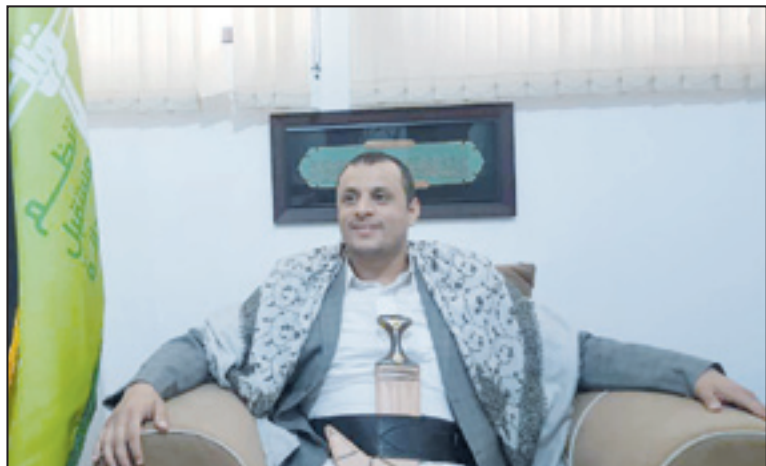
هذا القربان» و مراسم عروسی فرزند شهیدشان را به جای عزابری می‌کنند. از طرفی دیگر همین مادران و خواهران و همسران شهدادر پشت جبهه و میدان جهاد کمک‌های مادی و معنوی‌شان را نثار رزمندگان و جبهه می‌کنند، آنها غذا آماده می‌کنند، لباس و پوشاک تهیه می‌کنند، در صورت نیاز دارو به جبهه می‌فرستند. زنان مبارز یمنی حتی شهرهایشان را خرج مجاهدان راه حق می‌کنند. ایستادگی مجاهدان یمنی بعد از توفیق الهی و نصرت و تأیید الهی به برکت مشارکت زنان یمنی است.

شمارد فرهنگ خودتان به لفظ بسیجی چه چیزی اطلاق می‌کنید؟

در فرهنگ و زبان ما، لفظ بسیجی به «مرد و مردانگی» تعبیر می‌شود. واقعاً آنها اهل مردانگی هستند.

قدمت فرهنگ مقاومت در نزد مردم یمن چه میزان است؟

مقاومت در یمن سابقه تاریخی دارد و از سال‌ها قبل وجود داشته است. ما از زمان بعثت یمانی مقاومت را شروع کردیم. بعثت یمانی از تشریف آوردن امیرالمؤمنین به یمن و مقاومت یمن علیه خالد ابن ولید بعد از انتصاب ابوبکر خلیفه اول آغاز شد. یعنی از زمانی که خالد



د

تشکیل بسیج می‌تواند به ساخت یمن کمک کند. مردم یمن برای مقابله با دشمن و مقاومت از هر امکان ارزشمند و قدرتمندی استفاده می‌کند و امیدشان به خدا است

به داستان مسلم بن عقیل (ع) که امام حسین (ع) ایشان را به عنوان سفیر خود فرستاد نگاه کنید. چه عاملی باعث شد تا فرستاده امام حسین (ع) تنها بماند؟ این زنان سست ایمان بودند که اجازه ندادند مردان‌شان مسلم را همراهی کنند و شهادت مسلم آنگونه در تنهایی و مظلومیت رقم خورد اما در یمن، دقتی به ایستادگی و حضور مردان یمنی در مبارزه و جهاد نگاهی می‌اندازیم. توجه‌مان به سمت زنانی می‌رود که مردانه در کنار رزمندگان مبارز خانه‌شان ایستاده‌اند. به حق باید گفت که زنان یمنی دلیل این ایستادگی هستند. اگر فیلم‌های شهدای یمنی را نگاه کنید می‌بینید که مادر شهید، خواهر شهید یا همسرش گریه و زاری نمی‌کند بلکه قرآن خوانده و با صدای بلند می‌گوید: «اللهم تقبل منا

امام همواره باید قائم بالسیف باشد، یعنی امام باید حتماً قیام کند. خنجر که زیدی‌های یمن همواره بر پر شال یا کمر بند خود دارند، اشاره به همین مفهوم اعتقادی دارد که امام باید همیشه شمشیر را ز رو ببندد. امام شمشیر را از رو بسته است و ما آماده جهاد هستیم. به این مفهوم که شمشیر از سوی ولایت فقیه ما، برای دشمن از رو بسته شده است.

نظر عموم مردم عامی یمن، نسبت به انقلاب اسلامی و امام خمینی چیست؟

نکته جالب این است که هر فرد انقلابی در یمن قطعاً امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی را شناخته است. انقلاب یمن را باید از برکات شناخت امام و انقلاب اسلامی ایران دانست. شما ببینید جنگ‌ها و حملاتی که علیه یمن در عرصه‌های سیاسی، نظامی و حتی رسانه‌ای صورت می‌گیرد، ماحصل بیداری مردم یمن و آگاهی از نیت متجاوزان و ظالمان زمان است. به جرئت می‌توان گفت این هجمه‌ها علیه یمن، به خاطر این است که دیگر کشورها و جوامع شخصیت امام و انقلاب اسلامی را نشناختند و بیداری اسلامی همه‌گیر نشود.

مردم چقدر به حمایت‌های معنوی ایران آگاهی داشته و چه نظری در این مورد دارند؟

دشمن امریکایی و سعودی و طرفداران‌شان سعی کرده و می‌کنند تفکرات عامه مردم یمن را با تزریق شبهات نسبت به چهره جمهوری اسلامی تخریب کنند. آنها برای تحقق این خواسته‌شان از افتراء تحریف و تبیین غلط صحبت‌های امام خامنه‌ای و بدنام کردن ایران هم فروگذار نکردند. این در حالی است که نمی‌دانند این حیل‌ها و حقه‌ها در مورد مردم یمن کار ساز نخواهد بود و به اهداف‌شان نخواهند رسید، چرا که مردمی که در خط مقاومت هستند، عاقل بوده و حمایت‌های معنوی جمهوری اسلامی ایران را درک می‌کنند، به طوری که رهبر انقلاب سید عبدالملک الحوثی علناً در رسانه‌های رسمی از حمایت‌های ایران تشکر و قدردانی کرد.

گویا شما دیداری با امام خامنه‌ای داشتید، باز تاب این دیدار در یمن چطور بود؟

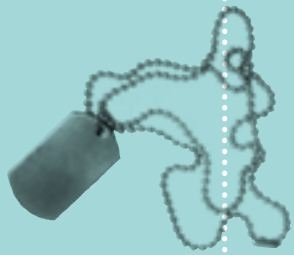
بله چندی پیش هیئتی از جنبش انصارالله یمن با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند و نامه سید عبدالملک بدرالدین رهبر جنبش انصارالله تقدیم ایشان شد. در ادامه محمد عبدالسلام سخنگوی جنبش انصارالله یمن ضمن ابلاغ سلام‌های گرم آقای سید عبدالملک بدرالدین رهبر جنبش انصارالله و همه مجاهدان و رزمندگان یمنی خطاب به رهبر انقلاب اسلامی گفت: ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیرالمؤمنین (ع) می‌دانیم و مواضع حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی (ره) و مایه برکت و بسیار روحیه‌بخش می‌دانیم. رهبر معظم انقلاب در این دیدار فرمود مردم یمن با تمدن عمیق و تاریخی خود و با روحیه مجاهدت و ایستادگی که در این پنج سال از خود نشان داده‌اند، آینده خوبی را در پیش دارند و به لطف خداوند، دولتی قوی را تشکیل خواهند داد و در چارچوب آن دولت، به پیشرفت خواهند رسید. ما یمنی‌ها هر صحبتی که امام خامنه‌ای می‌فرمایند را دنبال کرده و با گوش جان می‌شنویم. خود ما هم در جنبش مستقبل العدا له سعی‌مان بر این است که اولین کسی باشیم که حرف امام خامنه‌ای را شنیده و عمل کنیم. در آن دیدار رهبر

برای گرفتن بیعت از مردم یمن رفت و مردم یمن هم نپذیرفتند و جنگیدند و مقاومت کردند و تا امروز از آن روستای کوچک یمن تا مرزهای یمن در حال مقاومت هستند. دشمن از همان دوران تا به امروز نگاهش به یمن بوده و نمی‌خواهد یمن مستقل و مقاوم باشد.

در پوشش یمنی‌ها، خنجر زیر شال دیده می‌شود. این نماد چیست؟

خنجر یمانی به نام «یمن جنبیه» است. این لباس از لباس‌های سنتی یمن است و همه یمنی‌ها این لباس را می‌پوشند. یمنی‌ها با این نماد و این لباس می‌خواهند نکته‌ای را منتقل کنند که یمنی‌ها خصلت‌هایی دارند که تعدادی از کشورهای دیگر ندارند. یمنی‌ها «ولو قوه وولو باس شدید» هستند. یعنی هم قوی هستند و هم اینکه اهل رحمتند، همان طور که پیامبر فرمود: «ارقی قلوب والین افئده» هستند. این دو خصلت در یمنی‌ها جمع شده است. هم قوی و اهل جنگ هستند و هم رحیمند و اهل دوستی. خنجر همیشگی نماد قیام و مردان‌قبیله است که قدمتی ۳ هزار ساله دارد. این خنجر همچنین نشانه مردانگی، وجهه و قدرت است. خنجر که به تعبیر برخی منابع تاریخی به معنای این است که امام باید شمشیر را ز رو ببندد. این تفکر ریشه زیدی دارد.

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان



یمنی‌ها سعی کردند در همه ابعاد از بسیجیان و عملکرد آنها الگو بگیرند. ساخت پلاک‌های هویتی نظیر پلاک رزمنده‌ها و بسیجیان دوران جنگ ایران، تجلیل از شهدای یمن و تکریم خانواده‌های‌شان در دستور کارشان قرار دارد

د

مهم‌ترین درس‌های عاشورا و قیام حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مقاومت در برابر ظلم و زیاده‌خواهان است. **دورنمای مقاومت و جنگ یمن را چگونه می‌بینید؟**

برای پاسخ به این سؤال باید مقاومت یمن را به سه دوره تقسیم کنیم. بخش گذشته، حال و آینده. قسمت گذشته بحث یمانی است که پیامبر (ص) در مورد آن صحبت کرد. پیامبر فرمود: «من هم یمنی هستم». بعد هم که پیامبر امام علی (ع) را به یمن فرستاد برای دعوت به اسلام و مردم یمن مسلمان شده و بیعت کردند. بعد از سسقیفه و رحلت پیامبر ارتش خلیفه به فرماندهی خالد بن ولید به یمن آمدند و گفتند باید با خلیفه بیعت کنند یمنی‌ها گفتند ما با علی (ع) در غدیر بیعت کردیم. خلیفه ما بعد از پیامبر، علی (ع) است و اینگونه بود که جنگ شد و بسیاری به دست خالد بن ولید کشته شدند. مقاومت مردم یمن ضد ظلم و زور و ضد دروغ و استکبار و تجاوز از آن روزها شروع شد. اما امروز نیز

بصیرت چندان هم عجیب و غریب نیست. امام خامنه‌ای در همان اولین روزهای تجاوز نظامی عربستان علیه یمن طی فرمایشاتی تأکید کردند: «قطعا بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد» و همین‌طور سید حسن نصرالله فرمودند: «یمن پیروز می‌شود». فرمایشاتی که هر چه از تجاوز عربستان و هم‌پیمانانش علیه یمن می‌گذرد، صحت و درستی آن به اثبات می‌رسد. برای ما یمنی‌ها، صحبت‌های امام خامنه‌ای حجت است و محقق خواهد شد. ما به آن اعتقاد داریم چرا که هر چه گفته‌اند به عینه دیده‌ایم که محقق شده است. آرامکو و عملیات نصر من الله از اقدامات اخیر مقاومت یمن، نمونه‌ای از این وعده‌های الهی بود که محقق شد. ما با مجاهدت و صبر یمنی پیروز خواهیم شد، چرا که در همان ابتدای مبارزه، رهبر یمن گفت که ما صبر استراتژیکی داریم و این صبر به پیروزی منجر خواهد شد چرا که اگر مؤمن صبور باشد، پیروز می‌شود.

سعودی‌ها و مستکبران اتفاقات آرامکو

ایرانی به جوانان یمنی منتقل شده و از آنها الگو برداری می‌شود. اگر چه همه شهدای محور مقاومت جایگاه رفیع و والایی دارند اما در اینجا می‌خواهم نام سه شهید محور مقاومت را به شما بگویم که سعی کردیم از منش و سیره این شهدا برای جوانان یمنی صحبت کرده و آنها را با این الگوهای مبارز آشنا کنیم. شهید ایرانی مصطفی چمران، شهید الحاج عماد مغنیه و شهید یمنی صالح الصمداین سه شهید اهل علم و عمل بودند یعنی هم اهل مدنیت اسلامی بودند و هم اهل جهاد اسلامی. این شهدا علم و جهاد را با هم در آمیخته بودند و مجاهدانی عالم بودند.

خود شما در جنبش مستقبل العداله

برای شناساندن شهدای بسیج مردمی

یمن به جامعه جهانی، بانسل‌های جوان چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

یکی از اولویت‌های ما در جنبش مستقبل العداله، تجلیل از خانواده شهدا است. در دو سال گذشته ۶۴۵ نفر از دختران و پسران خانواده شهدا و مجروحان را در دانشگاه یمن ثبت نام کردیم تا علوم تطبیقی،

انقلاب اسلامی گفتند: حفظ یکپارچگی یمن با توجه به عقاید دینی و قومیت‌های مختلف این کشور نیازمند گفت‌وگوهای یمنی- یمنی است. آن دیدار باز تاب گسترده‌ای در میان سیاستمداران و فعالان جنبش‌های اسلامی و سران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای داشت.

اگر می‌شود تعدادی از چهره‌های

شاخص مقاومت مردمی یمن را نام

ببرید.

همان‌طور که در فیلم‌ها و تصاویر رسانه‌های یمنی، یمن هر روز با یک میدان نبرد جدید روبه‌رو می‌شود و ما هر روز با یک مجاهد بزرگ آشنا می‌شویم. این مجاهدان آن قدر زیاد هستند که نمی‌توان نام تک‌تک‌شان را برد و نبرد نام دیگران شاید ظلم به آنها باشد اما نماد و الگوی مبارزان و مجاهدان رهبر انقلاب یمنی سید عبدالملک الجوتی است. یمن در مسیر مقاومت شهدای زیادی را تقدیم کرده است، از شهید صالح گرفته تا شهدای دیگر یمن. مادر یمن هر چند روز شهدایی داریم که به سوی خدا عروج می‌کنند.



یمنی‌ها سر نیزه، مقاومت و دفاع از ظلم شده‌اند و کل کشورهای عربی و استکباری به یمن حمله کردند و نمی‌خواهند یمن مستقل شود. نمی‌خواهند یمن بلند شده و بایستد. آنها نمی‌خواهند یمن اهل علم و عمل باشد، آنها می‌خواهند یمن در جهل و فقر بماند و نگاهی به آینده روشن نداشته باشد. اما ما دفاع می‌کنیم چون می‌خواهیم اهل علم و قوت بمانیم. می‌خواهیم بی‌سواد و ذلیل نباشیم. مقاومت می‌کنیم چه مقاومت فکری و علمی ضد جهل و چه مقاومت جهادی علیه دشمن. یمن در آینده نقش بزرگی را ایفا خواهد کرد. امام صادق (ع) فرمود: با هدایت‌ترین رعیت یمنی‌ها از عوامل ظهور مهدی (عج) هستند. دشمن به خاطر گذشته و حال و آینده نمی‌خواهد یمن بلند شده و قوی شود اما وعده خدا محقق خواهد شد و یمن پیروز شده و آن‌شاءالله زیر لای امام مهدی (عج) خواهد بود. ما یمنی‌ها ناصر و یاری‌دهنده ایشان خواهیم شد. **آن‌شاءالله.**

را به گردن ایران می‌اندازند، نظر شما در این مورد چیست؟

سید حسن نصرالله پاسخ این ادعای‌شان را داد که عربستان نمی‌خواهد باور کند یمنی‌ها این کار را کردند. عربستان در ذهنش یمنی‌ها را حقیر و ذلیل می‌داند که هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. آنها نمی‌توانند بپذیرند که امروز یمن مقتدر است و می‌تواند موشک بسازد اما آنها اقتدار و توان ما را باور ندارند.

در تصاویر منتشر شده از رزمندگان یمن شاهد حضور افرادی بودیم که مجروحیت داشتند یا سن و سالشان زیاد بود. این تصاویر برای ما آشناسست و یادآور حضور بسیجیان در جنگ تجمیلی است.

بله، همان‌طور که قبلاً گفتم یمنی‌ها اهل ایستادگی‌اند، ضد ظلم و ضد ذلت هستند و اهل قوت هستند. حضور آن افراد در جبهه به خاطر کرامت و قوت خودشان است. سن زیاد یا مجروحیت‌هایی که به آن اشاره کردید نمی‌تواند مانع حضورشان در جبهه شود آنها نمی‌خواهند ذلیل باشند. آنها از مکتب عاشورا و بسیج الگو گرفته‌اند. از

مهارتی و فنی را یاد بگیرند تا بتوانند عقیف زندگی کرده و خرج خودشان را در بیاورند. یکی از کارهایی که ما برای خانواده شهدا انجام دادیم برگزاری کلاس‌های آموزشی خیاطی است. ما در این مسیر توانستیم کارآفرینی کرده و اشتغال‌زایی کنیم تا بتوانند زندگی‌شان را اداره کنند. برای کمک به مجاهدین، توانستیم چند کاروان غذا و خوراک و پوشاک آماده کنیم. یکی دیگر از کارهایی که انجام دادیم برگزاری نمایشگاهی از مقاومت مردم یمن و شهدای‌مان در لانه جاسوسی سابق بود. با این اقدام سعی کردیم که مجاهدان و شهدای‌مان را به جهانیان معرفی کنیم.

شاهد هستیم که مقاومت یمن در یکی

دو سال اخیر پیروزی‌های شگفتی به

دست آورده است. علت این اوج‌گیری

چیست و چقدر از این پیروزی‌ها را به خاطر

عوامل معنوی و الگو‌گیری از انقلاب و

بسیج می‌دانید؟

البته باید بگویم این پیروزی‌های دو سال اخیر برای اهل

شهید صالح از شهدایی بود که برای همیشه تاریخ یمن الگو شد. مجاهدی نستوه که اهل علم و عمل بود. نه فقط کار نظامی و جهادی می‌کرد بلکه یک سیاستمدار و عالم بود. شعار شهید صمداین بود باید با یک دست یمن را ساخت و با دستی دیگر از یمن دفاع کرد. برای درک معنای این سخن، باید هوشیار بود. ایشان معتقد بود ما باید اهل علم و عمل باشیم یعنی هم علم بیاموزیم و هم جهاد کنیم و از علم خود در میدان جهاد بهره ببریم.

برای الگو برداری از مقاومت مردم ایران

در دفاع مقدس به جوانان یمنی اقدامی

انجام داده‌اید؟

یمنی‌ها سعی کردند در همه ابعاد از بسیجیان و عملکرد آنها الگو بگیرند. ساخت پلاک‌های هویتی نظیر پلاک رزمنده‌ها و بسیجیان دوران جنگ ایران، تجلیل از شهدای یمن و تکریم خانواده‌های‌شان در دستور کارشان قرار دارد. فیلم‌های ایرانی در دوره‌های فرهنگی بین مجاهدان پخش می‌شود. فیلم «خدا حافظ رفیق» تأثیر زیادی روی مجاهدان داشت. مجاهدت و ایثار شهدای



روحیه بسیجی و اقلیت‌های دینی
در گفت‌وگو با کارن خانلری
نماینده ارامنه در تهران و شمال ایران

ارامنه سوریه سردار سلیمانی را رابین هود خود می‌دانند

خیلی از ارمنی‌های سوریه دوشادوش مدافعان حرم جنگیدند
و بخشی از محور مقاومت به رهبری ایران شدند

علیرضا محمدی

اقلیت‌های مذهبی در مقاطع مختلف و حساس تاریخ کشورمان، در کنار هموطنان ایرانی‌شان حاضر بوده و هستند. در این میان ارامنه شاید بیشترین همدلی و همراهی را از خود نشان داده‌اند. حدود ۱۰۰ شهید ارمنی در دفاع مقدس، بهترین دلیل بر این مدعاست. دکتر کارن خانلری نماینده ارامنه تهران و شمال کشور در مجلس معتقد است حفظ نظام اسلامی در موضوع دفاع مقدس با حفظ کیان ایران و ایرانیان به هم گره خورده بود. بنابراین ارامنه به خوبی می‌دانستند دارند از چه چیزی دفاع می‌کنند و در این دفاع مقدس، با دیگر اقشار مردم ایران همراه شدند. در میان گفت‌وگوی مان با خانلری بحثی پیرامون روحیه بسیجی پیش کشیدیم، او می‌گوید بسیج قبل از هر چیز یک ایدئولوژی و اعتقاد است؛ فراتر از رنگ‌ها و نژادها و ادیان. ما حاصل گفت‌وگوی ما با نماینده ارامنه شمال کشور که خود را یک بسیجی می‌داند پیش رو دارید.

تعریف شما از مفهوم بسیج چیست؟

بسیج قبل از هر چیز یک ایدئولوژی و اعتقاد است. اعتقاد به ارزش‌های والای انسانی و الهی. در واقع بسیجی‌وار عمل کردن، راه رسیدن به این ارزش‌ها و عملیاتی کردن این ارزش‌هاست. لذا بسیج قبل از اینکه یک تشکل و سازمان باشد، در وهله اول یک اعتقاد و یک روحیه بر خاسته از ارزش‌های الهی و انسانی است. یعنی وقتی مثلاً می‌گوییم «مدیریت بسیجی» منظور این نیست که یک مدیر حتماً باید عضو بسیج باشد، منظور این است که روحیه بسیجی داشته باشد، ایده‌آلیست و آرمانگرا باشد. حالا می‌خواهد هر سمتی داشته باشد، فرقی ندارد. وزیر باشد یا وکیل یا نماینده مجلس یا... مهم این است که روحیه بسیجی داشته باشد. دنبال اهداف والا باشد. برای رسیدن به همان ارزش‌های الهی و انسانی. من مجموعه‌ای از چنین انگیزه‌های معنوی و ارزشی را روحیه بسیجی می‌دانم. خوشبختانه ما در کشورمان بر اساس همین روحیه و اعتقاد یک سازمان متولی به نام سازمان بسیج مستضعفین هم داریم که سعی می‌کند در این مسیر قدم بردارد.

پس با تعریفی که شما داشتید، بسیج

آقای خانلری خود شما کی با بسیج و بسیجی‌ها آشنا شدید؟ منظورم صرفاً مفهوم بسیج نیست، معادل و مصداق بیرونی آن است؟

زمان جنگ من دانشجوی بودم. خیلی از همکلاسی‌ها یا هم‌دوره‌هایم در دانشگاه از رزمندگان بسیجی بودند. آنها دوره‌های شش ماهه‌ای داشتند که در آن مقاطع به جبهه می‌رفتند و می‌جنگیدند. با هم انس داشتیم و در مدتی که نبودند، دلپهره می‌گرفتیم که چه اتفاقی برای‌شان می‌افتد. می‌توانم بگویم به شکل مصداقی بسیج را با این دوستان و روحیه خاصی که داشتند شناختم. من دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران بودم. قبل یا بعد از دانشگاه به نمایشگاه‌های کتابی می‌رفتیم که بسیجی‌ها در خیابان انقلاب دایر می‌کردند. (نمی‌دانم چرا الان از این نمایشگاه‌ها کمتر دایر می‌شود). نمای این نمایشگاه‌ها با برزنت و گونی‌های کفی تزئین می‌شد. حال و هوایی داشت برای خودش. آن فضا و کتاب‌های خوبی که عرضه می‌کردند آدم را جذب می‌کرد. من یک دوره پنج جلدی از نشریه مطالعات راهبردی و استراتژیک سپاه را خریداری کردم که هنوز هم به یادگار نگه داشته‌ام.

مردم با روحیه بسیجی کار کنند و گر نه مشکلات و دشمنی‌ها آن قدر است که نمی‌شود با غیر مدیریت و کار جهادی و تفکر بسیجی با آنها روبه‌رو شد.

حضور اقلیت‌ها و خصوصاً ارامنه در دفاع مقدس حضور نسبتاً پرننگی بود. بیشتر دوست داریم از خودتان و خاطرات‌تان استفاده کنیم، از نزدیکان‌تان کسانی هم به جبهه رفتند؟

خیلی سراغ دارم. مثلاً یکی از اقوام ما به نام سوریک خانلری در دفاع مقدس به شهادت رسیده است. یا خیلی از دوستان ارمنی‌ام به جبهه می‌رفتند، می‌جنگیدند و برخی به شهادت می‌رسیدند. یکی از دوستان خوبم گایک طومانیان بود. با او انس و الفت زیادی داشتم. الان میدان شعاع در خیابان قائم‌مقام‌فراهانی به نام این شهید بزرگوار نامگذاری شده است. تا همین چند وقت پیش هم تندپیش در این میدان بود که الان نمی‌دانم چرا برداشته‌اند. به هر حال دوستان زیادی را می‌شناسم که به جبهه می‌رفتند و برخی به شهادت رسیدند.

این شهدا همگی سرباز بودند؟ شده است که یک ارمنی در قالب بسیجی

منحصر به یک قومیت یا دین و مذهب نیست؟

مسئلاً همین طور است. مفهوم بسیج فراتر از این حرف‌هاست.

کارن خانلری هم یک بسیجی است؟

بله، اگر بتوانم خودم را به آن معیارها برسانم چرا که نه؟ البته من سعی می‌کنم همیشه با روحیه بسیجی کارهایم را پیش ببرم. خیلی از افراد از فرد عادی گرفته یا یک مدیر و یک مسئول فکر می‌کنند در مدیریت یک مجموعه باید همان کارهایی را انجام بدهند که مدیر قبلی انجام می‌داد. اما روحیه بسیجی می‌گوید اگر به کارت ایمان و اعتقاد داشته باشی، باید جلو بروی و از سختی‌ها نترسی. مثلاً در بحث اقتصادی، روحیه بسیجی عملکرد جهادی را پیشنهاد می‌دهد. اقتصاد مقاومتی را مطرح می‌کند. خلاقیت و نوآوری نشان می‌دهد و همین خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها و نترسیدن از سختی‌ها و قدم برداشتن در یک مسیر متعالی اگر در یک مدیر باشد، او یک بسیجی است. این را هم اضافه کنم که اصلاً در کشورمان باید چنین نگاهی حاکم بشود تا بر مشکلات فائق بیاییم. باید همه مسئولان و

وقتی صحبت از ایران و تمامیت ارضی می‌کنیم این مسئله خواهی، نخواهی با نوع حکومت یا سیستم یا نظام سیاسی حاکم در این کشور ارتباط پیدا می‌کند. یک اعتقادی در جوامع ارمنی به خوبی جا افتاده که جمهوری اسلامی برای صیانت از تمامیت ارضی کشور جایگزین ندارد

به جبهه برود و به شهادت برسد؟

ببینید حضور یک اقلیت در قالب بسیج که از طرف سپاه به جبهه اعزام می‌شدند شاید در آن زمان نمی‌توانست به راحتی صورت بپذیرد اما اگر منظور از حضور بسیجی در جبهه حضور داوطلبانه باشد، خیلی از ارمنی‌ها برای اموری چون لجستیک و پشتیبانی به جبهه می‌رفتند و حتی برخی در همین کسوت به شهادت می‌رسیدند. اصلاً خوب است پاسخ شما را از زبان حضرت آقا پاسخ بدهم. یک بار که خدمت ایشان رسیده بودیم، مقام معظم رهبری خاطره جالبی را از دوران دفاع مقدس تعریف کردند. ایشان گفتند اوایل جنگ وقتی به اهواز می‌روند، در فرودگاه این شهر عده‌ای از ارمنه را می‌بینند که آمده بودند به صورت داوطلبانه به شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم کمک کنند. آنها همگی غیر نظامی بودند و اصلاً بحث خدمت وظیفه و اینها مطرح نبود. خیلی خودجوش و داوطلبانه قدم به جبهه گذاشته بودند. حالا اسم‌شان هر چه بود، ماهیت کارشان بسیجی بود. شکل کارشان بسیجی بود. داوطلبانه و مردمی و خودجوش می‌رفتند و برخی به شهادت می‌رسیدند.

آمار از تعداد شهدای ارمنی در دفاع مقدس دارید؟

حدود ۱۰۰ شهید ارمنی داریم که فقط مزار حدود ۷۲ الی ۷۵ نفرشان در آرامگاه ارمنه تهران در جاده خراسان است. تعداد خیلی بیشتری هم رزمندگان آزاد و جانباز داریم.

اصلانگاه ارمنه به مقوله جنگ و دفاع مقدس چگونه بود؟

برای پاسخ به این سؤال باید به بستر تاریخی آن اشاره کنیم. نه فقط ارمنه که ادیان الهی در ایران یک زندگی پویایی داشتند. نمی‌گویم یک زندگی خوب، چون خوب بودن در ویژگی‌های پویایی جا می‌گیرد و مطرح می‌شود. جوامع الهی پویا بودند و البته مشکلاتی هم داشتند. در میان اقلیت‌ها،

ارمنه یکی از جوان‌ترین اقلیت‌های ایران هستند. آشوری‌ها و یهودی‌ها و زرتشتی‌ها قدمت بیشتری دارند. ارمنه از حدود یک هزار سال پیش در جامعه ایران پا گرفته‌اند. به هر حال آنها یک زندگی پویایی در این جامعه داشتند اما دلیل این پویایی چه بود؟ اینجا من سه مؤلفه را ارزیابی می‌کنم. یکی بحث فرهنگی در ایران زمین است که ریشه در هزاران سال پیش دارد. کوروش کبیر یکی از اولین دولتمردان یا شاید هم اولین نفر آنها باشد که آزادی‌نپایش را در سرزمین ایران و تصرفاتش اعلام کرد. لذا ایرانی‌ها نسبت به اقلیت‌های دینی یک نگاه تلورانسی داشتند.

مورد دوم ریشه‌های توحیدی است. اشتراکات توحیدی بین ادیان الهی همواره باعث شده تا در این سرزمین ادیان همزیستی قابل قبولی با هم داشته باشند. اکثریت، اقلیت را بپذیرد و اقلیت هم اکثریت را درک کند و کنار هم زندگی کنند ولی مهم‌ترین مؤلفه در این خصوص، آموزش‌ها و آموزه‌های امامان شیعه است. خاندان نبوت، ایدئولوژی و آموزه‌ها و علوم که از طریق ائمه مخصوصاً در بین مردم ایران به وجود آمده شاید در کشورهای دیگر به این شکل و فرم دیده نشود ولی در ایران به جهت غلبه مذهب تشیع و ارتباط قلبی ایرانی‌ها با ائمه اطهار، اثرات آموزه‌های آنها به خوبی نمایان است. ائمه اطهار همیشه در آموزه‌های خود به تعامل با ادیان الهی اشاره کرده‌اند. عهدنامه‌ای وجود دارد که بین امیرالمؤمنین (ع) با نصارا در کوفه بسته شده است. وقتی شما این عهدنامه را می‌خوانید به درک بالای این شخصیت بزرگوار نسبت به ادیان دیگر پی می‌برید. بعدها امام جعفر صادق (ع) باز این دیدگاه‌ها و آموزه‌ها را ترویج می‌دهند و امام رضا (ع) به همین شکل و... در مجموع آموزه‌های ائمه شیعیان در نگاه مردم ایران در این خصوص تأثیر زیادی گذاشته است.

این مؤلفه سوم که از دو مؤلفه دیگر تأثیر گذارتر

است باعث شده تا جوامع اقلیت دینی به سطحی از پویایی برسند که این سرزمین (ایران) برایش تبدیل به یک ارزش ماندگار بشود. ارمنه برای زادگاه‌شان نه فقط در جنگ تحمیلی که در مقاطع حساس دیگر از جان مایه گذاشته‌اند اما این تلاش و ارزش‌گذاری به سرزمین مادری در زمان جنگ یک نمود خاص و ویژه‌ای پیدا کرد.

البته که ایران سرزمین همه ماست و چه ارمنی یا شیعه و سنی و ترک و عرب و... که در این سرزمین زندگی می‌کنیم نسبت به آن عرق داریم، اما شاید این سؤال مطرح شود که یک رزمنده ارمنی با چه انگیزه‌ای زیر پرچم نظام اسلامی به جبهه می‌رفت؟

من فکر می‌کنم وقتی صحبت از ایران و تمامیت ارضی می‌کنیم این مسئله خواهی، نخواهی با نوع حکومت یا سیستم یا نظام سیاسی حاکم در این کشور ارتباط پیدا می‌کند. سیستم سیاسی که می‌تواند این تمامیت ارضی را تضمین و صیانت کند. یک اعتقادی در جوامع ارمنی به خوبی جا افتاده که جمهوری اسلامی برای صیانت از تمامیت ارضی کشور جایگزین ندارد. در همان دوران جنگ هر نظام سیاسی چه رژیم شاه یا حکومت کمونیستی و... هر سیستم سیاسی که بود، نمی‌توانست از اصل و کبان این کشور همانند نظام اسلامی دفاع کند. در واقع بحث تمامیت ارضی کشور با صیانت از نظام سیاسی آن، مترادف شده بود. وقتی ما صحبت از دفاع از سرزمین ایران می‌کنیم، دفاع از نظام و ارزش‌های انقلاب هم مطرح می‌شود. الان هم همین طور است و زمان جنگ هم همین طور بود. زمان جنگ خیلی از ضدانقلاب‌ها و جدایی‌طلب‌ها بودند که پیش و بعد از شروع جنگ سعی می‌کردند تکه‌ای از این کشور را جدا کنند. لذا دفاع از انقلاب یعنی ایستادن در برابر ضدانقلابی که اصل و ریشه ایران را قبول نداشت و می‌خواست تمامیت ارضی این کشور را

تهدید کند.

بحث شهدا که پیش می‌آید دل‌مان نمی‌آید حرف خانواده‌ها را پیش نکشیم، به عنوان نماینده ارمنه با خانواده شهدای ارمنی ارتباط دارید؟ با اصلا ساز و کار ارمنه در برخورد با خانواده ایتارگران‌شان چطور است؟

ما در ایران سه شورای خلیفه‌گری داریم. یکی در آذربایجان که قدمت ۷۵۰ ساله دارد و دفتر آن در شهر تبریز قرار دارد. دیگری در اصفهان است که قدمت ۳۵۰ ساله دارد و آن هم دفترش در مرکز استان یعنی شهر اصفهان قرار دارد. شورای خلیفه‌گری تهران هم با ۶۰ سال سابقه فعالیت می‌کند. این سه تا خلیفه‌گری‌ها در واقع امور جامعه ارمنه را مدیریت می‌کنند. از ادواج گرفته تا آرامگاه ارمنه و مدارس و انجمن‌ها و مسائل فرهنگی و ورزشی و... را مدیریت می‌کنند. شورای خلیفه‌گری ارمنه به شکل مشخص هیئت‌های مختلفی دارند که یکی از آنها هیئت شهدا و جانبازان و ایتارگران است. این هیئت به خانواده شهدا و ایتارگان سرکشی می‌کند. اتفاقاً در تهران فعالیت‌های متنوع و جالبی دارند و مراسم مختلف برگزار می‌کنند. جالب است بدانید تعدادی از اعضای هیئت شهدای تهران خودشان از رزمندگان و جانبازان و آزادگان دفاع مقدس هستند. من هم در مراسم آنها حضور پیدا می‌کنم و تا حد وسعیم دوست دارم که با خانواده ایتارگران ارتباط داشته باشم. به عنوان نماینده مجلس هم اگر مراجعه‌ای به من داشته باشند، سعی می‌کنم در رفع آن مشکل کمک حال‌شان باشم.

شما به عنوان یک ارمنی که سمت رسمی دارید یا در کل همان شورای خلیفه‌گری که گفتید؛ سعی می‌کنید از حیث فعالیت‌های فرهنگی به معرفی شهدای ارمنی بپردازید؟

کتاب‌هایی در این خصوص منتشر شده که برخی



شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

در سوریه و عراق خیلی از اقلیت‌ها و پیروان ادیان مثل ارمنی‌ها و آشوری‌ها و ایزدی‌ها و... آسیب دیدند، در واقع مدافعان حرم علاوه بر اینکه اجازه ندادند جبهه استبکار کار خودش را انجام بدهد، به داد خیلی از این اقلیت‌ها هم رسیدند و آنها را از شر تروریست‌ها نجات دادند



از آنها را آرامنه و برخی را دیگر هموطنان مان نوشته‌اند. اتفاقاً یک کتاب جالب و نسبتاً جامع در خصوص حضور آرامنه در دفاع مقدس وجود دارد که با همت مرحوم اسکندر اسکندریان و تألیف و تدوین نورهایر شاه‌نظریان نوشته شده است. این کتاب به بررسی حضور آرامنه در دفاع مقدس می‌پردازد. هم حضور ارمنی‌ها در جنگ و هم کمک‌هایی که آرامنه به جبهه‌ها ارسال می‌کردند با عدد و آمار ذکر شده است. من به جوان‌ها توصیه می‌کنم این کتاب را مطالعه کنند تا بهتر بتوانند وجود روحیه بسیجی در آرامنه ایران به عنوان بخشی از جامعه ایران را درک کنند.

شنیدن واژه بسیجی شما را یاد چه کسی می‌اندازد؟ کدام یک از شهدای شاخص دفاع مقدس را می‌شناسید؟

در پاسخ به بخش اول سؤال تان باید بگویم وقتی نام بسیج را می‌شنوم، یاد مجموعه‌ای از عزیزانی می‌افتم که با نثار خون‌شان ایران عزیزمان را از خطر تسلط دشمن در امان نگه داشتند. از رزمنده‌های ارمنی گرفته تا مسلمان و... اما اینکه کدام شهید شاخص را می‌شناسم؟ پاسخ جالبی دارم. یکی از دوستانم در زمان جنگ سرباز بود. ایشان وقتی به مرخصی می‌آمد از شخصی به نام مهدی باکری حرف می‌زد. گویا با شهید باکری در جبهه آشنایی یافته و با او صحبت کرده بود. خیلی از این بزرگوار تعریف می‌کرد و می‌گفت از نظر او مهدی باکری از شجاع‌ترین رزمندگان حاضر در دفاع مقدس است. از همان زمان من علاقه‌مند به شخصیت شهید باکری شدم. خودم هم بعدها در خصوص شهید باقری تحقیق کردم. هر وقت حرفی از ابتکار و خلاقیت در جبهه‌ها پیش می‌آید، ناخودآگاه به یاد شهید باقری می‌افتم که آدم باهوش و توانمندی بود.

روحیه بسیجی چه در دفاع مقدس و چه در موضوع دفاع از حرم نشان داد که چقدر قابلیت دارد، دوست داریم بدانیم نظر شما به عنوان یک اقلیت دینی در خصوص جبهه مقاومت چیست؟

این یک سؤال خیلی خوب است. راستش را بخواهید من خودم سال گذشته به سوریه رفتم و با جوان‌هایی که موصوف به مدافع حرم هستند از نزدیک صحبت کردم. آنها را یک بسیجی واقعی یافتم. کسانی که بصیرت لازم را دارند و داوطلبانه برای کمک به نوع بشر و باورها و اعتقادات والای‌شان به دل خطر می‌روند و می‌جنگند. اصلاً بگذارید موضوع را این‌طور برای شما طرح کنم که موضوع سوریه تنها مربوط به این کشور نیست. سوریه خط مقدم جبهه مقاومت است. جبهه مقاومت در برابر چه جبهه‌ای؟ یعنی در مقابل این رزمنده‌ها چه کسانی قرار دارند؟ آن طرف مگر اسرائیل و عربستان و چه و چه از تروریست‌ها حمایت نمی‌کردند؟ اگر آنها حامی تروریست‌ها بودند پس می‌خواستند راه نفوذ و استیلای استبکار را به منطقه باز کنند و اگر سنگر سوریه فرومی‌ریخت، به حتم نوبت به تک‌تک کشورهای منطقه می‌رسید. در برابر چنین جبهه‌ای باید یک جبهه از نیروهای مقاومت ایجاد می‌شد تا با روحیه بسیجی به مصاف

می‌آمد. یا در سایر آوردگاه‌ها به همین ترتیب. روحیه بسیجی در واقع رمز موفقیت رزمندگان در جبهه مقاومت است.

وقتی شما که از اقلیت‌های دینی هستید این‌طور در خصوص مدافعان حرم حرف می‌زنید، آدم یاد عده‌ای می‌افتد که ارزش کار مدافعان حرم را درک نمی‌کنند. شما چه پاسخی برای آنها دارید؟

بگذارید این سؤال را از قول آرامنه سوریه پاسخ بدهم. آنها حرف جالبی در خصوص سردار سلیمانی می‌زدند. می‌گفتند ایشان برای آنها حکم رابین هود را دارند! رابین هود چه کار می‌کرد؟ کسی بود که از ظالمان می‌گرفت و به مستمندان می‌داد. حالا سردار سلیمانی چه چیزی از تروریست‌ها و مهاجمان می‌گیرد؟ به تعبیر امروزی ایشان همان نامنی که ستمگران می‌خواستند به مردم سوریه چه ارمنی و چه علوی و... تحمیل کنند را از آنها می‌گیرند و امنیت را به مردم تحویل می‌دهند.

یک جایی از شما خواندم که گفتید آرامنه با مجموعه بسیج ارتباط و همکاری دارند. این همکاری‌ها در چه بخش‌هایی است؟

هم‌اکنون تعداد زیادی از صنعتگران ارمنی را می‌شناسم که با سپاه و وزارت دفاع و بسیج در مورد ساخت و تولید یک‌سری از دستگاه‌ها و تجهیزات و مسائلی از این دست همکاری دارند. خالصانه هم کار می‌کنند و تعدادشان هم زیاد است. از سایر جوامع هم می‌شناسم که کار می‌کنند. بسیج و سپاه از دل همین مردم برآمده‌اند و برای همین مردم کار می‌کنند. اگر ما ماهیت آنها را بشناسیم و خوب به جوان‌ها معرفی کنیم، آن وقت است که مردم و جوان‌ها اسیر شیطنت‌های رسانه‌ای بیگانه‌ها و رسانه‌های معاند نمی‌شوند. بار دیگر می‌گویم بسیج از بطن مردم است و هر کس این روحیه را داشته باشد یک بسیجی است. ■

دارم که طی چند سال اخیر، نیروهای مقاومت اعم از رزمندگان کشورمان و دیگر نیروهای این جبهه، چطور در کنار ارمنی‌ها و علوی‌ها و دیگر ادیان و مذاهب جنگیدند و اجازه ندادند سلفی‌ها به آن مردم بیگانه تعدی کنند. مدافعان حرم در حفظ حلب و آزادسازی بخش‌هایی از حمص و دیگر موارد برای نجات بشریت و ارمنی و آشوری‌ها جنگیدند و خون دادند.

پس آرامنه و اقلیت‌ها در سوریه جزوی از همان بسیج جهانی شده بودند که جبهه مقاومت نام داشت؟

قطعاً همین‌طور است. آرامنه و دیگر اقلیت‌ها در سوریه به نقش مدافعان حرم واقف بودند و در کنار آنها می‌جنگیدند و خودشان هم با همان روحیه بسیجی که مدافعان حرم را به سوریه کشانده بود، با دشمن روبه‌رو می‌شدند.

و به نظر شما اگر این روحیه بسیجی نبود، چه اتفاقی برای آنها می‌افتاد؟

اگر روحیه بسیجی نبود این مقاومت در هم می‌شکست و از بین می‌رفت. این سؤال را می‌توان با مثال‌های دیگر هم پاسخ داد. مثلاً اگر روحیه بسیجی نبود چه بلایی سر کشور ما در دفاع مقدس





“

امروز نیاز است که
ما بسیج بین‌المللی
داشته باشیم. زمینه
تشکیل آن تقریباً
فراهم است. می‌بینیم
جوانان در برخی
کشورها همین روحیه
بسیجیان ایران را
دارند. البته به نوعی
الان در این کشورها
بسیج را داریم

گفت‌وگو با مرضیه هاشمی خبرنگار «پرس تی‌وی» درباره روحیه بسیجی و اوضاع جهانی اسلام

زمینه‌های تشکیل بسیج جهانی اسلام فراهم است

مبینا شانلو



ملانی فرانکلین (Melanie Franklin)، سال ۱۳۳۹ در ایالت لویزیانای آمریکا به دنیا آمد. او یکی از شش فرزند خانواده‌ای سیاهپوست با اصالت و معتقد مسیحی بود. با وجود جو شدید نژادپرستی در مدارس آمریکا، والدین ملانی او را به مدرسه سفیدپوستان فرستادند تا به بهترین امکانات آموزشی دسترسی داشته باشد. در آنجا به عنوان یکی از تنها دو دانش آموز سیاهپوست مدرسه، نژادپرستی ساختاریافته آمریکا را تجربه کرد. سپس از آنجا که همیشه درباره تحولات جهان و تأثیر آن بر زندگی مردم کنجکاو بود، برای تحصیل در رشته خبرنگاری به دانشگاه لویزیانا رفت. ملانی در دانشگاه لویزیانا استیت با دانشجویانی از ملیت‌های مختلف از جمله دانشجویان ایرانی آشنا شد. از آنجا که در آن زمان در ایران، انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته بود، دانشجویان ایرانی که ملانی با ایشان آشنا شد جهت گیری‌های مختلفی درباره تحولات ایران داشتند، برخی طرفدار شاه و دیگران طرفدار آیت‌الله خمینی بودند. ملانی که پیش از آن درباره انقلاب‌های گوناگون و جنبش‌های مردمی از جمله مردم امریکای لاتین تحقیق کرده بود، آغاز به تحقیق درباره انقلاب اسلامی ایران کرد و جذب شخصیت امام خمینی شد. اینکه امام خمینی چگونه توانسته در این سن با حمایت جمع کثیری از جوانان را به دست آورد، برای ملانی جالب بود. سپس به توصیه یک دانشجوی ایرانی، برای درک بهتر انقلاب و شخصیت امام آغاز به مطالعه قرآن کرد.

ملانی پس از مطالعه قرآن و دو سال نیم تحقیق درباره اسلام، مسلمان شد و نام خود را به مرضیه تغییر داد. او که در آن زمان خبرنگار یک شبکه تلویزیونی بود، به خاطر پذیرش دین اسلام و پوشش اسلامی، از ادامه فعالیت در شبکه محروم شد. چندی بعد، مرضیه با یکی از دانشجویان ایرانی و انقلابی دانشگاه به نام احسان هاشمی ازدواج کرد. مرضیه هاشمی اکنون ۱۱ سال است که در ایران زندگی می‌کند. در طول سال‌های زندگی در ایران مرضیه هاشمی در زمینه مسائل جهان اسلام و وضعیت زندگی سیاهپوستان آمریکا فعالیت داشته و هم‌اکنون گوینده خبر و مستندساز شبکه انگلیسی زبان پرس تی‌وی است. مرضیه هاشمی نیاسری، سه فرزند و سه نوه دختر دارد و بزرگ‌ترین افتخار خود را مادر بودن و پرورش یک خانواده موفق و معتقد می‌داند. با وی درباره وضعیت جامعه آمریکا، انقلاب اسلامی، چگونگی انتخاب اسلام، وضع جهانی اسلام و روحیه بسیجی به گفت‌وگو نشستیم. این خبرنگار شبکه پرس تی‌وی معتقد است که زمینه تشکیل بسیج بین‌المللی در جهان اسلام فراهم است.

اولین سؤالان درباره دلایل تغییر دین و انتخاب اسلام از سوی شما است. چگونه به این انتخاب رسیدید؟

رشته دانشگاهی من خبرنگاری بود. بر همین اساس شناخت جریان‌های مختلف دنیا برای من اهمیت داشت. من با برخی جریان‌ها ضد ظلم آشنا بودم و در این زمینه فعالیت می‌کردم. وقتی انقلاب در ایران پیروز شد، به عنوان یک ژورنالیست می‌خواستم دیدگاه دقیق‌تری در مورد انقلاب و حوادث پیرامون آن داشته باشم. در آن دوران با دانشجویان ایرانی در دانشگاه خودمان ارتباط داشتم و از آنها درباره انقلاب ایران پرسش می‌کردم. سؤال می‌کردم که چرا انقلاب می‌کنند، اهداف آنها چیست و چرا علیه شاه به پا خاسته‌اند. در این

مورد تحقیق کردم اتفاقاً برخی دانشجویان مخالف شاه و برخی موافق شاه بودند. یعنی از هر دو طرف سؤال می‌کردم. این را هم بگویم که آن زمان ۱۹ سال داشتم. قبل از اینکه در ایران انقلاب شود اطلاعات زیادی از ایران نداشتم. اما پیروزی انقلاب موجب شد درباره ایران سؤال و تحقیق کنم. برای خودم بسیار جالب بود که بدانم چرا این مردم به‌ویژه جوانان به دنبال یک پیرمرد راه افتاده‌اند و رژیم حاکم را سرنگون کردند. در همین رابطه یک روز وقتی با یک دانشجوی ایرانی صحبت می‌کردم، گفت اگر می‌خواهی خوب متوجه زمینه‌های پیروزی انقلاب ایران شوی و اینکه میانی این انقلاب چیست، باید با قرآن آشنا شوی و آن را بخوانی. چون ریشه این انقلاب قرآن ما است و نکته مهم انقلاب هم آموزه‌های قرآن در خصوص استکبارستیزی و مبارزه با ظالم و زیر بار ظلم نرفتن است. همین باعث شد من شروع به مطالعه قرآن کنم تا بتوانم اطلاعات بیشتری کسب کنم.

قرآن را چگونه تهیه کردید؟

اول از خود بچه‌های ایرانی گرفتم اما بعد خودم یک جلد قرآن با ترجمه انگلیسی خریدم. شروع به خواندن قرآن کردم تا راه امام خمینی و انقلاب ایران را بهتر بشناسم. هر چه بیشتر قرآن می‌خواندم بیشتر به دنبال تحقیق می‌رفتم. این حرکت دو سال و نیم طول کشید. قرآن را با انجیل خودمان مقایسه می‌کردم. دیدم قرآن بسیار منطقی است. از پدر و مادر و فعالان در کلیسا هم سؤال می‌کردم. در پایان این تحقیق دو سال و نیمه مسلمان و شیعه شدم.

خانواده مخالفتی با این اقدام شما نداشت؟

من با والدینم در یک شهر نبودم اما با مادرم در ارتباط بودم. به مادر می‌گفتم که در حال این تحقیق هستم و قرآن را مطالعه و آن را با انجیل مقایسه می‌کنم. در مورد دین خودمان مسیحیت هم از ایشان سؤال می‌کردم. خلاصه اینکه مادرم در جریان بود. وقتی به مادر گفتم که من مسلمان شدم، گفت هر طور فکر می‌کنی که حق هست همان را



اولین بار که مادرم مرا با حجاب اسلامی دید، برایش سخت بود و گفت: شما هیچ وقت نمی‌توانید پیشرفت کنید. در پاسخ مادرم گفتم: این راه که من انتخاب کرده‌ام، حق است و من تسلیم فرمان و تقدیر خدا هستم

انتخاب کن. اولین بار هم که مرا با حجاب اسلامی دید، مقداری برایش سخت بود و گفت شما هیچ وقت نمی‌توانید پیشرفت کنید در حالی که آینده شما در رشته خبرنگاری و در تلویزیون خیلی روشن بود اما دیگر با حجاب از تو استقبال نخواهند کرد. در پاسخ مادرم گفتم اگر این راه که من انتخاب کرده‌ام، حق است، پس دستور خدا را عمل کردم و چیزی بهتر و بالاتر از این نیست و من تسلیم فرمان و تقدیر خدا هستم.

بعد هم با یک ایرانی از دواج کردید؟

بله، چند ماه بعد از اینکه مسلمان شدم با ایشان ازدواج کردم. ایشان از افراد فعال محل تحصیل ما بود و هم دانشگاهی من بود. وقتی می‌خواست با من ازدواج کند ابتدا با خانواده خودش در این مورد مشورت کرد. تلفنی با مادر و پدرش صحبت کرد و در مورد من هم گفت که تازه مسلمان شده است و می‌خواهد که با من ازدواج کند. خانواده ایشان که مؤمن و مذهبی بودند گفتند که صبر کن تا ما از قم استخاره بگیریم. آنها استخاره کردند و جواب استخاره اینگونه آمده بود که خیلی عالی است، عجله کنید. اینطور هم شد خیلی سریع مقدمات ازدواج ما فراهم شد. ازدواج خیلی موفقی هم داشتیم. سه فرزند و چهار نوه دارم. البته ایشان بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک از دنیا رفت.

اولین بار کی به ایران آمدید؟

اواخر دوران جنگ عراق علیه ایران در زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به ایران آمدم. دو سال هم ماندم و دوباره به امریکا برگشتم.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چقدر پیگیر وقایع ایران بودید. پیروزی انقلاب و رهبری حضرت امام خمینی (ره) و اندیشه‌ها و آرمان‌های ایشان چقدر در گرایش شما به دین اسلام مؤثر بود؟

من همان زمان که حوادث در ایران اوج گرفت و منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، پیگیر وقایع انقلاب بودم. همان دوران با اندیشه و آرمان‌های امام خمینی (ره) نیز آشنا شدم. می‌توانم بگویم همین آشنایی نقش مهمی در گرایش من به اسلام داشت. البته همان‌طور که قبلاً گفتم تحقیق هم کردم، قرآن را مطالعه کردم و دین اسلام را با دین خودم مقایسه کردم و نتیجه همه آنها این شد که مسلمان شوم. یک نکته دیگر این است که من در مسائل سیاسی و اجتماعی هم فعال بودم اما بیشتر کسانی که در محیط دانشگاه با آنها آشنا بودم و ارتباط داشتم سوسیالیست یا کمونیست بودند و من با آنها فعالیت می‌کردم مثل برگزاری تظاهرات امپریالیستی. البته معمولاً اینها در آن زمان در همه جا فعالیت بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها داشتند و فعال‌تر بودند. من ریشه مسیحی و مذهبی داشتم وقتی آنها وجود خدا را نفی می‌کردند، من واقعاً بر خود می‌لرزیدم. من وجود خدا را حس می‌کردم و قبول داشتم لذا شنیدن حرف آنها برای من سخت بود. تا اینکه با قرآن و انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) آشنا شدم و در انتخاب خود مصمم‌تر شدم. سخنرانی‌های مختلف امام را گوش می‌کردم. من ابتدا فارسی بلد نبودم اما همسر برای من ترجمه

می‌کرد. سخنرانی‌های ایشان از نظر من کاملاً منطقی بود. امام با اقتدار و شجاعانه علیه استکبار صحبت می‌کردند و ترسی به دل نداشتند و توکل به خدا داشتند.

شما فعالیت سیاسی و اجتماعی داشتید و به اقتضای رشته تحصیلی خود وقایع جهان را هم دنبال می‌کردید. چقدر با واژه‌هایی مثل مبارزه و شهادت که در ایران رواج داشت، آشنا بودید و چه تصویری از آن داشتید؟

من خبرنگاری می‌خواندم وقایع جهان را دنبال می‌کردم. خبر واقعه میدان ژاله (شهلا) ایران و حوادث مشابه را شنیده بودم. حتی وقایع لبنان و فلسطین را دنبال می‌کردم اما در جریان انقلاب اسلامی بود که با واژه شهادت آشنا شدم. شهادت برای من مفهوم کاملاً روشنی داشت. این را هم بگویم که در امریکا هم وقایع مشابه رخ می‌داد مثلاً مبارزات سیاه پوستان مطرح بود. موضوع نژادپرستی وجود داشت. وجود تبعیض در مدرسه و دانشگاه را لمس می‌کردم. مادرم با توجه به وجود همین تبعیض‌ها همیشه می‌گفت شما باید بیشتر تلاش کنید تا بهترین باشید. می‌گفت باید شما تلاش تان را مضاعف کنید تا در همه موارد نسبت به سفیدپوست‌ها عالی باشید. من هم درسم خوب بود و این نصیحت مادر را گوش کردم. کلاس اول در مدرسه سیاه پوست‌ها بودم اما از کلاس دوم ابتدایی به مدرسه سفید پوست‌ها رفتم تا از بهترین امکانات تحصیلی استفاده کنم. اما نژادپرستی آنها را می‌دیدم که فرق‌ها می‌گذاشتند. همین تبعیض‌ها و اتفاقات زمینه‌ساز برخی دگرگونی‌ها شد و عده‌ای مخالف ظلم و تبعیض بودند و برای رفع آن مبارزه می‌کردند. خیلی‌ها هم در این راه جانشان را از دست می‌دادند، در دست است که مسلمان نبودند حتی برخی مذهبی هم نبودند اما جان باختن آنها موجب شد که حرکت آنها زنده بماند. می‌خواهم بگویم در جامعه امریکا هم شاهد مبارزه و مقابله با جریان‌هایی مثل نژادپرستی بودم. اما در جریان انقلاب اسلامی بود که با واژه شهادت آشنا شدم.

آیا مرصیه هاشمی خودش را یک بسیجی می‌داند، چه تعریفی از روحیه بسیجی دارید؟

ان شاء الله. تلاش و امید من این است که برای

خدا و با خلوص نیت کار کنم. فکر می‌کنم این فعالیت‌هایی که من انجام می‌دهم واقعاً یک نیاز است. لازمه سستی‌ها به جان خریدن و در این راه قدم برداشتن و داشتن روحیه بسیجی است. مادر وسط میدان جنگ نرم هستیم و شما می‌بینید که چقدر حضرت آقا در این مورد صحبت می‌کنند. آنچه بر عهده ما است سخت است اما یک نیاز ضروری است. همه ما باید به این فکر کنیم که در این مسیر چه باید کرد و وظیفه ما چیست. اگر بتوانم باید قدمی بردارم. این بر من واجب است. ان شاء الله با روحیه بسیجی کار کنم و بسیجی بشوم.

روحیه بسیجی و مفاهیم انقلابی چقدر می‌تواند برای جوانان دیگر به‌ویژه کشورهای حاضر در جبهه مقاومت اسلامی جذاب باشد؟

امروز نیاز است که ما بسیج بین‌المللی داشته باشیم. زمینه تشکیل آن تقریباً فراهم است. می‌بینیم جوانان در برخی کشورها همین روحیه بسیجیان ایران را دارند. البته به نوعی الان در این کشورها بسیج را داریم. مثلاً حزب‌الله در لبنان و حشدالشعبی در عراق و فاطمیون در افغانستان، زینبیون در پاکستان و جاهای مختلف مصداق همین بسیج ایران هستند. جوانان این کشورها حاضرند برای پیشرفت اسلام و بیداری اسلامی و کمک به ظهور امام زمان (عج) خدمت کنند. بسیج باید ارتباطات بین‌المللی داشته باشد. امیدوارم این ارتباطات در امریکا، یمن، سوریه، نیجریه و نقاط دیگر بین بسیج ایران و جوانان این کشورها به وجود آید. تا شاهد تشکیل بسیج بین‌المللی باشیم. به عنوان کسی که اهل رسانه است و با کارکرد رسانه در جهان معاصر آشنا است می‌گویم باید کار رسانه‌ای قوی انجام بگیرد تا بسیج به عنوان یک گلو در همه کشورها معرفی و تشکیل شود. بعد هم همه این‌ها به نوعی به یکدیگر وصل شوند و ارتباط داشته باشند.

وقتی به امریکا می‌رفتید احتمالاً از شماردباره ایران سؤال می‌کردند. آنها چه تصویری از ایران داشتند و شما چه تصویری از ایران برای آنها ترسیم کردید. آیا از صحبت‌های شما قانع می‌شدند؟

من وقتی به امریکا می‌رفتم تشکلهای دانشجویان از مسلمان و اقلیت‌ها از من برای صحبت درباره



ایران، اسلام و نژادپرستی دعوت می‌کردند. من هم می‌رفتم. حتی در مورد ساخت مستند در مورد ایران تلاش کردم. سعی می‌کردم که واقعیت‌ها را بگویم. آنها هم خیلی کنجکاو بودند واز من می‌پرسیدند که در مورد ایران چه می‌دانید. معمولاً من مستند سخن می‌گفتم. مواردی را به صورت پاور پوینت آماده و ارائه می‌کردم و حتی از نقاط مختلف کشور عکس‌هایی تهیه کرده بودم که نشان می‌دادم و درباره ایران صحبت می‌کردم. به آنها می‌گفتم که ایران دشمنان زیادی دارد و لذا حفظ امنیت و داشتن قدرت بازدارندگی برای ایران بسیار مهم است.

ماجرای دستگیری شما هم در امریکا باز تاب زیادی داشت. آنها که شعار آزادی بیان می‌دهند چگونه بازداشت شما را توجیه می‌کردند؟

به نظرم همه می‌دانند که شعار حقوق بشر و آزادی از سوی مقامات امریکایی یک ادعا و ادا است. فقط شعارش را می‌دهند و نقض حقوق بشر و آزادی در امریکا هر روز آشکارتر می‌شود. دستگیری من نمونه کوچکی از این واقعیت بود. من امریکایی هستم وقتی با من اینطور برخورد می‌کنند، رفتار با دیگران را خودتان می‌توانید قضاوت کنید. اگر این اتفاق در ایران پیش می‌آمد و آن‌طور با یک زن خبرنگار برخورد می‌کردند در حالی که محکومیتی هم نداشت، چه سر و صداها که راه نمی‌انداختند. امروز دانشمندان ایرانی ما استاد سلیمانی یک سالی است که در بند امریکایی‌ها است. این نمونه دیگر نقض آزادی در امریکا است. آنها خودشان دعوتش کردند برای همکاری و اصرار کردند که بیاید، بعد که آمد دستگیرش کردند. چون نمی‌خواهند پیشرفت ایران را ببینند. فقط هم دستگیری آقای سلیمانی نیست، دیگران هم بازداشت کردند. می‌خواهند جلوی پیشرفت ایران را بگیرند. دیدیم که نخبه‌های هسته‌ای ایران را از طریق اسرائیل به شهادت رساندند. اینها دشمن جمهوری اسلامی هستند.

با رهبر انقلاب دیدار داشتید؟

من خیلی مشتاق هستم که با ایشان یک دیدار از نزدیک داشته باشم که تاکنون میسر نشد. البته قبلاً من در دیدار دسته جمعی با ایشان حضور داشتم. مثل دیداری که با شرکت‌کنندگان در کنفرانس بیداری اسلامی داشتند. اما دیدار خصوصی نداشتم که ان شاء الله سعادت داشته باشم و قسمت بشود. البته هر روز برای ایشان دعا می‌کنم. خدا ایشان را برای همه ما حفظ کند و کمکش کند. وقتی من روز اول از زندان بیرون آمدم، دخترم یک کلیپ از ایشان برای من فرستاد و من گوش کردم و گفتم ایشان امید جوامع مختلف دنیا هستند. محکم و با بصیرت حرکت می‌کنند و در مورد مواضع جمهوری اسلامی یا صلابت صحبت می‌کنند. ایشان بسیار نترس و شجاع هستند و توکل زیادی به خداوند دارند و به نظرم وجود ایشان برای ما نعمتی است که باید قدرش را بیشتر بدانیم. خدا حفظش کند و ما را موفق کند تا زیر سایه ایشان گام برداریم و گوش به فرمان ایشان باشیم و به همان راهی برویم که ایشان مشخص می‌کنند. ان شاء الله ولایت‌پذیر باشیم. ■



گفت و گو با عیسی شباهت، جانباز بسیجی اهل کشور ترکیه

بسیجی‌ها شبیه‌ترین افراد به اصحاب پیامبر (ص) هستند

من عیسی شباهت معروف به «مهدوی» هنوز خودم را یک بسیجی می‌دانم و به آن افتخار می‌کنم



سال‌ها فترت در جهان اسلام، قرار است بار دیگر حکومت عدل اسلامی در کشور همسایه‌مان ایران مستقر شود. انقلاب که پیروز شد همچنان هجمه رسانه‌ای علیه آن بود. سعی می‌کردند وقایعی مثل ترور شخصیت‌های نظام، آشوب‌های داخلی و اوضاع کردستان ایران را بزرگ جلوه دهند. قلیمان می‌تپید برای ایران و دوست داشتیم کاری انجام بدهیم تا اینکه بحث جنگ تحمیلی پیش آمد. رسانه‌ها می‌گفتند ارتش ایران بعد از انقلاب لطمه خورده و خیلی طول نمی‌کشد عراق پیروز می‌شود. من آن زمان به تازگی درسم را تمام کرده بودم و در یک رستوران کار می‌کردم. دیگر نمی‌توانستم دست روی دست بگذارم. تصمیم گرفتم به ایران بیایم و در جنگ شرکت کنم.

نظر خانواده‌تان چه بود؟ قاعدتاً رفتن به یک کشوری که در آتش جنگ قرار داشت، کار راحتی نبود.

من اول پاسپورتم را گرفتم و بعضی از مقدمات سفر را مهیا کردم، بعد موضوع را به پدر و مادرم گفتم. بندگان خدا در عمل انجام شده قرار گرفته بودند. البته آنها هم دلشان با امام و انقلاب بود، ولی دلواپسی‌های خودشان را داشتند. مشکل اینجا بود که اگر می‌گفتم برای جنگ به ایران می‌روم، مسئولان اجازه نمی‌دادند. قرار شد بگویم برای درس طلبگی می‌روم. یک نفر هم بود که به افرادی مثل من کمک می‌کرد به ایران سفر کنند. خلاصه ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ به ایران آمدم. آغاز سفری بود که فکر نمی‌کردم ۲۲ سال طول بکشد.

یعنی سال ۸۲ به ترکیه برگشتید، چرا! اینقدر طول کشید؟ در تمام این مدت با خانواده‌تان ارتباط داشتید؟

فقط ۱۴ ماه طول کشید تا توانستم در اولین عملیات دفاع مقدس شرکت کنم. بعد هم که در گیر جبهه و سپس جانبازی و... شدم. از طرفی سنم در مقطع سربازی بود و اگر بر می‌گشتم، ممنوع‌الخروج می‌کردند. بعد از اتمام دفاع مقدس چون هر دو پایم را در جنگ از دست داده بودم، در ترکیه نه کاری داشتم و نه زندگی و

غلامحسین بهبودی



زمستان سال ۶۰ که عیسی شباهت به ایران آمد، نوجوانی ۱۸-۱۷ ساله بود. یک سال و نیم قبل جنگی ناخواسته به ایران تحمیل شده بود و او می‌خواست به نبردی ورود کند که ظاهراً هیچ ارتباطی به یک جوان ترک نداشت. قبل از سفر به ایران، شباهت یک زندگی آرام در شهر توزلوی ترکیه داشت. در سش را تازه تمام کرده و در یک رستوران مشغول به کار بود، اما اخبار ناگواری که از حمله غافلگیرکننده بعثی‌ها به ایران می‌شنید، خواب از چشم‌هایش ربوده می‌شد. او نمی‌توانست نسبت به سرنوشت کشوری که با وقوع انقلاب اسلامی، پرچم‌دار اسلام ناب محمدی در جهان بود، بی تفاوت باشد. به همین خاطر پدر و مادرش را راضی کرد تا برای جهاد به ایران سفر کند. با آغاز این سفر پر فراز و نشیب، شباهت دیگر نتوانست روی پاهای خودش به ترکیه بازگردد. هر دو پایش را در عملیات بدر از دست داد و ۲۲ سال بعد با پاهای مصنوعی به ترکیه بازگشت. گفت و گوی ما با این جانباز ترکیه‌ای که بسیجیان را شبیه‌ترین آدم‌ها به اصحاب پیامبر می‌داند، پیش رو دارید.

متولد چه سالی هستید آقای شباهت، چطور شد که در بحبوحه جنگ تحمیلی به ایران آمدید؟

من متولد سال ۱۳۴۳ در شهر توزلوی از استان اقدیر ترکیه هستم. ما از خانواده‌های شیعه منطقه بودیم و علاقه زیادی به اهل بیت و مراجع عظام داشتیم. زمانی که در ایران بحث انقلاب داغ شد، رسانه‌های آن زمان ترکیه علیه انقلاب بودند. در تحلیل‌هایشان می‌گفتند حکومتی که به دست روحانیون باشد، دوام نمی‌آورد و دوست داشتند شاه همچنان در قدرت باقی بماند، اما ما خوشحال بودیم که پس از

“

نهضت حضرت امام، منادی اسلام ناب محمدی بود. ما مسلمان‌ها سال‌ها از غرب و شرق توسری خورده بودیم و حالا انقلابی اسلامی رخ داده بود که می‌خواست احیاکننده حکومت عدل پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) باشد. پس ما باید برای دفاع از نظام اسلامی تلاش می‌کردیم. جهاد همین است؛ راهی شدن در مسیری که مورد رضای خداست، اگر چه سخت و پر مخاطره باشد

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان |

بسیج جمعی از عجایب بود، یکی از روستا، دیگری از شهر، یکی استاد دانشگاه، آن یکی کشاورز ساده، از انواع کسوت‌ها و حتی ملیت‌ها در قالب بسیج جمع شده بودند و هیچ فرقی بین یک فرمانده و یک بسیجی ساده نبود. همه با هم برادر بودند



نه هدف مشخصی. بنابراین ماندگار شدم و تا سال ۸۲ به ترکیه برگشتم. البته خانواده‌ام می‌آمدند و می‌رفتند و این طور نبود که با هم هیچ ارتباطی نداشته باشیم.

این چه نیرویی بود که یک جوان ترکیه‌ای را به چنین سفر طولانی و پر مخاطره‌ای کشاند؟

نهضت حضرت امام، منادی اسلام ناب محمدی بود. ما مسلمان‌ها سال‌ها از غرب و شرق توستی خورده بودیم و حالا انقلابی اسلامی رخ داده بود که می‌خواست احیای حکومت عدل پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) باشد. پس ما باید برای دفاع از نظام اسلامی تلاش می‌کردیم. جهاد همین است؛ راهی شدن در مسیری که مورد رضای خداست، اگر چه سخت و پر مخاطره باشد.

در صحبت‌هایتان گفتید که ۱۴ ماه طول کشید تا در اولین عملیات دفاع مقدس شرکت کنید، در ایران چه اتفاقی برایتان افتاد؟

نام و مفهوم بسیج آشنا شدید؟

موقع حضور ما در بنباب، اوایل جنگ بود. به مسجد می‌رفتیم و آنجا با افرادی آشنا می‌شدیم که داوطلبانه به جبهه می‌رفتند. به آنها بسیجی می‌گفتند. یکی خیاط بود و آن یکی نانوا و هر کسی شغل و حرفه‌ای برای خودش داشت، با وجود اینکه نظامی نبودند، کاملاً داوطلبانه به جبهه می‌رفتند. ما هم که قرار بود بسیجی وار به جبهه برویم، برای همین موضوع بسیج و آشنایی با بسیجی‌ها برای مان جذابیت خاصی داشت. از طرفی هر گاه تشییع پیکر شهدا برگزار می‌شد، در آن شرکت می‌کردیم و شوق پوشیدن لباس بسیجی‌ها و حضور جبهه در دل مان تازه می‌شد.

اولین عملیاتی که در آن شرکت کردید چه بود؟

عملیات والفجر یک بود. موقع اعزام که رسید، به مرند رفتیم و آنجا یک سری آموزش نظامی را پشت سر گذاشتیم. سپس به مراغه و نهایتاً به تبریز رفتیم. در خیابان حافظ تبریز یک پادگان بزرگ

از انواع کسوت‌ها و حتی ملیت‌ها در قالب بسیج جمع شده بودند و هیچ فرقی بین یک فرمانده و یک بسیجی ساده نبود. همه با هم برادر بودند. آنجا ایثارگری‌هایی را دیدم که هیچ کجای دنیا نظیرش دیده نمی‌شد. فرمانده گروه‌های داشتیم که بی‌نهایت خاکی بود. یک بار دیدم غذای بچه‌ها را روی دوشش انداخته و می‌آورد. گفتم شما مگر فرمانده نیستید! شما چرا آذوغه بچه‌ها را می‌آورد؟ خندید و گفت: اینجا همه برادر هستیم، هیچ فرقی بین من و دیگران نیست! این‌که مسئولیت من بیشتر است و هر کسی هر کاری می‌تواند باید انجام بدهد.

وقتی واژه بسیجی را می‌شنوید یاد کدام یک از هم‌زمانان می‌افتید؟

یکی دو تا نیستند، خیلی‌ها یادشان در ذهنم ماندگار است. در فضای جبهه، خیلی‌ها مسیر تکامل را طی می‌کردند و وقتی به اوج می‌رسیدند، شهید می‌شدند. یکی‌شان شهید اکبر جواد، فرمانده گردان تخریب لشکر ۳۱ عاشورا بود.



عیسی شهبخت بعد از مجروحیت در عملیات بدر

یک آدم متدین و خاکی بود که نورانیت خاصی از چهره‌اش ساطع می‌شد. من سعادت داشتم که به همراه شهید میکائیل صادقی به گردان تخریب بروم و در معیت شهید جواد باشم. خود میکائیل روحیات عجیبی داشت. اوایل من در مهندسی رزمی بودم و در همین واحد وارد عملیات والفجر یک شدم. بعدها میکائیل به گردان ما آمد و آشنایی مان شروع شد. جذب شخصیت او شدم و همراهش به گردان تخریب رفتم. در عملیات بدر چون منطقه آبگرفتگی داشت، بچه‌های تخریب را به گردان‌های مختلف تقسیم کردند. من و میکائیل به گردان حضرت ابوالفضل (ع) رفتیم، بدر برایم خاطره‌انگیز است. در همین عملیات میکائیل صادقی و اکبر جواد به شهادت رسیدند و من هم

بود، آنجا تقسیم شدیم و به دزفول اعزامان کردند. باز یک ماه در دزفول ماندیم و آموزش دیدیم. نهایتاً فروردین سال ۶۲ برای شرکت در عملیات والفجر یک به خط مقدم رفتیم.

برخی می‌گویند جمع بسیجی‌ها دفاع مقدس تکرار ناشدنی است، شما این جمع را چطور دیدید؟

قابل گفتن نیست! یک چیزهایی را باید ببینید، نمی‌شود با زبان تعریف کرد. همین قدر بگویم که احساس می‌کردم به ۱۴۰۰ سال پیش برگشته‌ام و با اصحاب پیامبر و ائمه اطهار (ع) رو به رو شده‌ام. من ابودر و سلمان و مقداد را در جبهه دیدم. بسیج جمعی از عجایب بود، یکی از روستا، دیگری از شهر، یکی استاد دانشگاه، آن یکی کشاورز ساده،

پس از ورود به ایران به تبریز رفتم. آنجا قبل از من پنج نفر از جوان‌های ترکیه‌ای آمده بودند. راهنمایی‌ام کردند و گفتند، اول باید زبان فارسی یاد بگیریم و آموزش نظامی ببینیم. بنابراین رفتیم بنباب، آنجا در خوابگاهی که بعدها تبدیل به مدرسه شد و زیر نظر دفتر امام جمعه بود، مستقر شدیم. درس طلبگی می‌خواندیم و به مرور هم زبان یاد می‌گرفتیم و هم به صورت جزئی آموزش نظامی می‌دیدیم، ۱۶ نفر بودیم. دو نفر هم بعدها به جمع ما اضافه شدند. همین‌طور ۱۴ ماه گذشت و ما هم بیشتر با محیط آشنا شدیم و خودمان را آماده حضور در جبهه کردیم.

قرار بود شما به عنوان یک بسیجی وارد جبهه‌ها بشوید، اولین بار کی با

هر دو پام را از دست دادم.

پاهایتان را در خنثی‌سازی مین از دست دادید؟

نه، عرض کردم که منطقه عملیاتی بدر آبگرفتگی هور بود و نیروهای تخریب در مراحل اول عملیات موفقیت چندانی پیش رو نداشتند، بنابراین ما به عنوان آرپی‌جی زن وارد عملیات شدیم. قرار بود بعد عبور از آب، پل‌های آن طرف را منهدم کنیم که در دومین روز عملیات یک گلوله خمپاره کنارم اصابت کرد و هر دو پام را از دست دادم. یکی از زیر زانو و آن یکی هم در بیمارستان عفونت کرد و از بالای زانو قطع کردند.

رزمنده‌های ترکیه‌ای چند شهید در دفاع مقدس داده‌اند؟ آنها را می‌شناختید؟

سه نفر از هموطنانم در دفاع مقدس به شهادت رسیدند. با دو نفر از آنها آشنایی و رفاقت داشتم. کمال قزل‌کایا از منطقه خود ما بود، شیعه مذهب بود و پدرش هم چند بار به ایران آمده بود. برادرش هم به عنوان طلبه به ایران آمد و درس می‌خواند. کمال از طرف کمیته اعزام شده بود و سال ۶۴ در قصر شیرین به شهادت رسید. پدرش هم آدم مذهبی و معتقدی بود، بعد از شهادت کمال یک‌بار که به ایران آمده بود، مقارن با عملیات کربلای ۵، اصرار داشت در عملیات شرکت کند که به خاطر شرایط سنی‌اش اجازه ندادند. الان پیکر کمال در قطعه ۲۷ دفن است.

شهید دیگر دد درویش است که سنی مذهب بود، بعدها نام حسین بهشتی را برای خودش انتخاب کرد و با همین نام هم شناخته می‌شود. ایشان را زمان جنگ در تبریز دیدم، جوان تحصیلکرده‌ای بود و در آلمان زندگی می‌کرد، می‌گفت: «یک روز در آلمان یک خانم چادری را دیدم. اول فکر کردم شاید یک فرشته آسمانی است که جلوی چشمم ظاهر شده است. چون اصلاً فکرش را نمی‌کردم در آلمان با یک خانم چادری روبه‌رو بشوم. خلاصه جلورفتم و با آن خانم شروع به صحبت کردم. گفت: اهل تبریز است و برادرش جانباز شیمیایی و برای درمان به آلمان منتقل شده است. همراه آن خانم به بیمارستان رفتم و با برادرش آشنا شدم و همین آشنایی من را به ایران کشاند.» من در تبریز درویش را دیدم و راهنمایی‌اش کردم به قم بروم و تحصیل کند. همانجا در روز عاشورا شیعه و بعد هم به جبهه اعزام شد و سال ۶۵ به شهادت رسید. سومین شهید را متأسفانه نمی‌شناسم فقط خانواده‌اش را دیده‌ام. ایشان سنی مذهب بود، ولی به عنوان یک بسیجی ترکیه‌ای در دفاع مقدس به شهادت رسید.

راهی که آغاز کرده بودید، ارزش از دست دادن هر دو پایتان را داشت؟

هنوز هم معتقدم اگر طرف حق را شناختی، باید برای محافظت از آن تلاش کنی. شهدا نه تنها به خاطر ایران بلکه به خاطر اسلام رفتند. ما به آنها مدیونیم، هر کسی به خون شهدا خیانت کند بداند که به امام زمان (عج) خیانت کرده است. من عیسی شهبخت که در ایران اسم مستعار مهدوی دارم و به آن شناخته می‌شوم، هنوز هم خودم را یک بسیجی می‌دانم و به جانبازی‌ام در دفاع مقدس افتخار می‌کنم. ■



برادر شهید کمال کورسل از نحوه شیعه شدن خود و برادرش می گوید

«کمال» شهید دفاع مقدس بود و من می خواهم مدافع حرم شوم



احمد محمد تبریزی

کمال در همان سال ها نامه ای را به زبان عربی برای پدرم می فرستد و خانواده ام از اینکه او چطور در این مدت زمان کوتاه توانسته هم زبان عربی را یاد بگیرد و هم مسلمان شود، تعجب می کنند.

شهید کورسل در سخنان امام خمینی (ره) چه دید و چه نکته ای باعث تحولش شد؟

ایشان از قبل پیش زمینه ای از اسلام داشت، پذیرش این دین الهی برایش آسان تر بود. برادرم در سفرهای تابستانی به تونس تا حد کمی با اسلام آشنا شده بود. پدرم با او درباره دین اسلام صحبت می کرد و همچنین یک قرآن کوچک به او داده بود. همه اینها پیش زمینه کوچکی را در ذهن برادرم ایجاد کرده بود. مجموع این مسائل سبب می شود وقتی در پاریس اسم اسلام، انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) را می شنود، با کنجکاوی و علاقه به سمتش برود. اینها موجب کشیده شدن کمال به سمت سخنرانی های امام خمینی (ره) شده بود. پس از شنیدن صحبت های امام خمینی (ره)، کمال مجذوب ایشان و انقلاب مردم ایران می شود و به همین خاطر در یکی از تظاهرات دانشجویان خط امام علیه منافقین شرکت می کند و در کنار دیگر انقلابیون به فعالیت می پردازد.

خود شما چطور تصمیم گرفتید شیعه شوید؟

من حدود شش سال در آلمان بودم و آنجا با دوستانی از لبنان آشنا شدم و آنها زمینه آشنایی من با اهل بیت (ع) را مهیا کردند. پس از آن شروع به تحقیقات کردم و دین اسلام و مسیر اهل بیت (ع) را، راه سعادت دیدم. پس از پذیرفتن دین اسلام به زیارت امام رضا (ع) در مشهد رفتم و بعد از آن راهی حرم حضرت معصومه (س) در قم شدم. می خواستم به عنوان رزمنده مدافع حرم علیه تکفیری ها بجنگم که متأسفانه این اجازه را به من ندادند. به من گفتند جهاد شما فعلاً در حوزه و تحصیل است. به خاطر تسلط من به زبان های خارجی قرار شد در کارهای تبلیغ فعالیت داشته باشم تا به امید خدا در آزادی فلسطین شرکت کنم.

پس مسلمان شدن برادر تان در این بین نقشی نداشت؟

راستش را بخواهید من تا چندین سال اصلاً نمی دانستم چنین برادری

محبوبیت امام خمینی (ره) و جذابیت های انقلاب اسلامی دل عاشقان زیادی را در کشورهای دیگر به سوی خود جلب کرده است. شهید دفاع مقدس، کمال کورسل از جوانانی بود که پس از پیروزی انقلاب با اندیشه های امام خمینی (ره) آشنا شد و این آشنایی زمینه تشریف او به مذهب شیعه را فراهم کرد. کورسل کمی بعد از کشور فرانسه به ایران آمد تا به عنوان یک بسیجی در دفاع مقدس حضور پیدا کند. شهید کمال کورسل سال ۱۳۶۷ در جریان عملیات مرصاد به شهادت رسید و در قم به خاک سپرده شد. خانواده کورسل در طول این سال ها از پسرشان بی خبر بودند تا اینکه دو سال پیش برای زیارت مزار فرزندشان به ایران آمدند و برای اولین بار سر مزارش حاضر شدند. برادر شهید، سلیم کورسل نیز به دین اسلام و مذهب تشیع مشرف شده و اکنون یک سالی است که از آلمان به ایران آمده و دروس اسلامی را در قم فرا می گیرد. او در گفت و گو با ما می گوید، دوست دارد مثل برادرش سرباز خوبی برای اعتلای اسلام باشد. گفت و گو با وی را پیش رو دارید.

چه اتفاقی باعث شد شهید کورسل به دین اسلام و مذهب تشیع تشریف پیدا کند و عازم جبهه های دفاع مقدس شود؟

کمال در پاریس با دانشجویان پیرو خط امام آشنا شده بود و در تظاهراتی که آنجا انجام می دادند، شرکت می کرد و در صف جلو قرار داشت و عکس امام را در دست می گرفت. یک روز پلیس فرانسه جلوی او را می گیرد و می گوید شما که فرانسوی هستید، اینجا چه کار می کنید؟ کمال جواب می دهد: من با اینکه فرانسوی هستم، ولی مسلمانم و اصلیتم به کشور تونس برمی گردد. برادرم در آن زمان مجذوب دانشجویان خط امام و در همان ایام مسلمان شیعه شده بود.

«

به لطف خدا، من و برادرم هر دو در یک مسیر قرار گرفتیم. این نعمت شهید بود که شامل حال من هم شد و مرا به این سمت سوق داد. برادرم خیلی به من کمک کرد تا بهتر مسیرم را پیدا کنم و متوجه واقعیت شوم. من قبلاً مشکلات زیادی داشتم و راه حلی برای مشکلاتم پیدا نمی کردم. برادر شهیدم به من کمک کرد تا از مشکلاتم خارج شوم. ارتباطم با برادر شهیدم خوب است. من نزدیک مزار برادرم کار می کنم و در هفته پنج بار به زیارتش می روم.



اگر مشکلاتی داشته باشم به برادر شهیدم کمال می گویم و می دانم که او کمکم می کند. ارتباطم با برادرم و دیگر شهدای دفاع مقدس خیلی خوب است



روح و نفس خیلی خوب است. ایشان خیلی تفکر کرد و گفت: این دعا باید برای امیرالمؤمنین (ع) باشد و ایشان شاگرد پیامبر اعظم بوده است. می گفت کسی که این دعا از اوست اهل حق است و هر کسی که این دعا را می خواند از اهل حق است.

شما چگونه به مذهب شیعه علاقه مند شدید؟

داستان خیلی عجیبی دارد. متأسفانه مردم کشورهای عربی احساس خوبی از شیعیان ندارند. زمان جنگ ایران و عراق ما فکر کردیم صدام یک قهرمان است. من یک عکس از صدام در اتاقم داشتم تا اینکه یک روز دوست لبنانی ام این عکس را دید و گفت: شما از کشور تونس چرا عکس صدام ملعون را به دیوار زده اید؟ من گفتم: ایشان قهرمان مردم عرب است. او گفت: صدام یک جنایتکار است و باقر صدر و خواهرش را به قتل رسانده است. من بعداً در اینترنت درباره شهید صدر و شیوه حکومتداری صدام تحقیق کردم و بلافاصله عکس از صدام را از دیوار کتم و به زباله انداختم. من چند روزی در فکر بودم و در آخر با تحقیقات بیشتر فهمیدم تشیع راه حق است.

سر مزار آقا کمال می روید چه چیزهایی به او می گوید؟

یک بار با زبان فارسی می گویم سلام برادر، دیدی من هم مثل شما در ایران هستم و فارسی صحبت می کنم، ولی شما باهوش تر از من بودی و بهتر فارسی صحبت می کردی. یک بار با زبان فرانسوی با برادرم صحبت و درد دل می کنم. من الان در اینترنت و در شبکه های اجتماعی با زبان فرانسوی و عربی از برادر شهید می نویسم. اگر مشکلاتی داشته باشم به برادرم می گویم و می دانم که او کمکم می کند. ارتباطم با برادرم و دیگر شهدای دفاع مقدس خیلی خوب است.

از شهدای دفاع مقدس و دفاع از حرم چه کسانی را می شناسید؟

با شهید لطفی نیاسر ارتباط معنوی خوبی دارم. این شهید در راه مبارزه با اسرائیل به شهادت رسید و من در مراسم تشییع پیکرشان بودم. هر هفته با ایشان صحبت می کنم و سر مزارش می روم. با خانواده شهید حجت الاسلام قاسم رزاقی که در هواپیمای شهید محلاتی حضور داشتند، دوست هستم و اگر مشکلی داشته باشم سر مزار شهید می روم و می گویم. خیلی به شهید قاسم رزاقی علاقه دارم.

شما می خواهید راه برادر تان را چگونه ادامه دهید؟

الان جهاد اکبر خیلی مهم است. جهاد اکبر یعنی خانواده خوب برای تبلیغ مذهب شیعه و راه اهل بیت (ع) و سخنان رهبر تربیت کنیم. بعد کم کم تا مرز فلسطین خواهیم رفت و آنجا ان شاء الله شهید می شوم. من تازه از دواج کرده ام و همسری از اهواز گرفته ام. من و همسرم هر دو در فلسطین شهید می شویم.

بعد از پایان تحصیلات در ایران می مانید؟

یک سال و هشت ماه است که در ایران هستم و تا زمان شهادتم در ایران می مانم. از ولایت تا شهادت شعار من است. ان شاء الله به عنوان شهید گمنام در گلزار شهدای قم دفن خواهم شد. ■

زودی از کربلا تا قدس را خواهیم رفت. من در آلمان مشغول تحصیل در رشته فیزیوتراپی بودم و الان علوم اسلامی را در قم می خوانم.

از برادر تان دیگر چه چیزهایی می دانید؟

دوستانی در قم به من گفته اند کمال استاد زبان عربی بود و خیلی باهوش بوده است. او خیلی انقلابی بود به امام خمینی (ره) علاقه داشت. اخلاق خوب و مهربانی داشت و خیلی به دنبال علم و تحصیل بود.

یک جایی خواندم که برادر تان تحت تأثیر دعای کمیل به تشیع علاقه مند شده، درست است؟

هر شخصی که مسلمان و شیعه می شود، داستان خودش را دارد. برادرم در پاریس مقلدین امام خمینی (ره) را می بیند و با آنها آشنا می شود، بعد در یک حسینیه کنارشان دعای کمیل می خواند و از فرازهای این دعا متحیر می شود. او به دوستان اهل سنتش از سوریه و مصر می گوید، ما اهل سنت چنین دعاهایی را نداریم و خواندن این دعاها برای

حد می دانستم مادر کمال فرانسوی بود و جدا از پدرم زندگی می کرد. مادر من تونسوی و الان دیگر احساس می کنم که هر دو از یک مادر هستیم. چون هر دو اهل تشیع و محب اهل بیت (ع) هستیم. همه بنده خدا و فرزند معنوی حضرت زهرا (س) هستیم. حضرت زهرا (س) مادر تمام شیعیان و انسان هاست. این برای من تا الان مثل خواب بوده است و الان دیگر می دانم این خواب نیست و من مادری به نام سیده زهرا (س) دارم. به لطف خدا من و برادرم هر دو در یک مسیر قرار گرفتیم. این نعمت شهید بود که شامل حال من هم شد و مرا به این سمت سوق داد. برادرم خیلی به من کمک کرد تا بهتر مسیرم را پیدا کنم و متوجه واقعیت شوم. من قبلاً مشکلات زیادی داشتم و راه حلی برای مشکلاتم پیدا نمی کردم. برادر شهیدم به من کمک کرد تا از مشکلاتم خارج شوم. ارتباطم با برادر شهیدم خوب است. من نزدیک مزار برادرم کار می کنم و در هفته پنج بار به زیارتش می روم.

دارم! بعدها متوجه شدم که کمال برادرم قبل از تولد من به شهادت رسیده است. نمی دانم چرا پدر و مادرم از او چیزی به من نگفته بودند.

خانواده شما به مدت ۲۰ سال از وضعیت برادر تان خبر نداشتند. خود شما چگونه متوجه وجود کمال شدید؟

پدر و مادرم دو سال پیش می خواستند به ایران بیایند و قبل از سفرشان درباره وضعیت ایران از من سؤال می پرسیدند. من خیلی اطلاع زیادی ندارم چون فقط در شهرهای مشهد و قم بوده ام. بعد پرسیدم برای چه می خواهید به ایران بیایید که گفتند فقط برای تفریح می آییم. من بعداً در اینترنت و فیس بوک عکس پدرم را در گلزار شهدا دیدم که در حال گریه کردن است. در پستی به زبان عربی نوشته شده بود: پدر شهید کورسل پس از ۳۰ سال به دیدار فرزندش رفته است. من تعجب کردم. گفتم چرا پدرم این موضوع را به من نگفته است؟ من نمی دانستم چنین برادری دارم. بعد با



اینکه برادر تان شیعه شده و برای تشیع تحصیل می کرده برای شما چه احساسی دارد؟

اینکه مادر راه حق و اهل بیت (ع) قدم گذاشته ایم، احساس خیلی خوبی به من می دهد. راه اهل بیت (ع) راه حق است. امام رضا (ع) ولی نعمت ماست. من خیلی افتخار می کنم از اینکه چنین برادری داشته ام. من متوجه شده ام ما مسلمانان شیعه، سر باز امام مهدی (عج) هستند و شیعیان ملت عصر ظهور هستند. وقتی که تحقیقاتم از دین اسلام کامل شد از کشور آلمان خداحافظی کردم و به جمهوری اسلامی ایران آمدم و ان شاء الله به

مادرم صحبت کردم و او از اینکه من فهمیده ام در گلزار شهدای ایران بوده اند، تعجب کرد. گفت از کجا فهمیدی مادر گلزار شهدا بوده ایم؟ گفتم: در اینترنت عکس های تان را دیدم. بعد مادرم ماجرای برادر شهیدم را برایم تعریف کرد و گفت کمال برادر شماست. من از اینکه یک برادر شهید داشتم، خیلی تعجب کردم.

چگونه شد که تا آن موقع به شما حرفی از کمال نزنده بودند؟

نمی دانم چرا نگفته بودند. من فقط می دانستم که پدرم قبلاً با زنی فرانسوی (مادر کمال) ازدواج کرده و یک پسر داشته است. من فقط در این

رابطه جهاد و سردار سلیمانی به قدری تنگاتنگ بود که بسیاری از نزدیکان، حاج قاسم را پدر معنوی جهاد می دانستند. کما اینکه اولین بار نیز افکار عمومی با چهره جهاد مغنیه در زمانی آشنا شد که او در مراسم ختم مادر سردار سلیمانی شرکت کرده بود

د



جهاد عماد مغنیه، شهید شاخص بسیج
در عرصه بین الملل و جهان اسلام

جای پدر گذاشت حتی در شهادت



غلامحسین بهبودی

جولان و نظارت و فرماندهی او بر نیروهای حزب الله در آنجا بود. در واقع نام جهاد مغنیه، صهیونیست ها را به یاد حاج رضوان می انداخت و آنها نمی خواستند بار دیگر کابوس مغنیه برایشان تکرار شود.

طرح ترور جهاد مغنیه روز ۲۸ دی ماه ۱۳۹۳ به اجرا درآمد. در آن روز شهید مغنیه به همراه تعدادی از همزمان و از جمله سردار محمدعلی الله دادی از رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس، در حال بازدید از نواحی مرزی جولان اشغالی بودند که یک فروند بالگرد تهاجمی اسرائیل به خودروی آنها حمله کرد و با شلیک دو موشک، جهاد مغنیه، سردار الله دادی و پنج نفر از همراهانشان را به شهادت رساندند.

هفت سال پس از شهادت حاج رضوان، فرزندش «جهاد» که تنها ۲۳ سال داشت با بال های شهادت پر کشید و خود را به پدر رساند. پیکر جهاد مغنیه در کنار مزار پدرش آرام گرفت تا این پدر و پسر در منزل آخرت نیز همنشین و قرین یکدیگر باشند.

جهاد در یکی از سخنرانی هایش که در ۱۷ سالگی ایراد کرده بود، می گوید: «ما در مواجهه با مرگ، رسیدن به شهادت و بزرگی را انتخاب کرده ایم؛ ما فرزندان کسانی هستیم که مرگ راه آنها را نمی شناسد؛ چرا که آنها به وسیله مرگ در مسیر خدا صعود کرده اند و به زندگی و نشاط دست یافته اند. جز کسی که ابرها از دیدگانش کنار رفتند را احساس نمی کنند، از این رو آنچه را که کسی ندیده می بیند و آنچه به قلب کسی خطور نکرده، به قلب وی خطور می کند. ما فرزندان کسانی هستیم که در راه دفاع از مرزهای وطن جز زیبایی چیزی ندیدند. وطنی که ما شرم داریم آن را رها کنیم هر قدر تهدید هم باشد؛ ما سربلندی هستیم و افتخار می کنیم که در راه دفاع از مرزهای وطن جز زیبایی چیزی ندیدیم. ما سربلندی هستیم و افتخار می کنیم که میوه های سال ها جهاد با چشمانی باز هستیم...» ■



توانایی های خود را نشان دهند. در طول سال هایی که کشور سوریه گرفتار فتنه عبری - عربی شد و توسط گروه های تروریستی مورد حمله قرار گرفت، حزب الله لبنان سعی کرد به کمک ایران و دولت سوریه، زیر ساخت های جولان را به دست گیرد و پایگاه مهمی در آنجا دایر کند. مسئول این پایگاه کسی نبود جز جهاد مغنیه که در آن زمان جوانی ۲۰ ساله بود.

منطقه جولان برای دوطرف درگیری بسیار حائز اهمیت بود، چرا که بسیاری از تروریست های حاضر در سوریه، از آنجا خود را به لبنان می رساندند و در پی ایجاد فتنه ای دیگر در لبنان بودند. وقتی که حزب الله توانست پایگاه خود را در جولان استحکام بخشد، گفته می شد ارتش آزاد به اطلاعاتی دست یافته که نشان می دهد جهاد مسئول این پایگاه و در کل موضوع استقرار حزب الله در جولان است.

از همین زمان بود که رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت جهاد را ترور کند. برخی می گفتند این تصمیم از سوی شخص نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل گرفته شده است. یکی از عمده ترین دلایل این تصمیم همان موضوع حضور عماد مغنیه در بخش اشغال نشده

مطرح شد تا نهایتاً وی در روز سه شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۶ (۱۲ فوریه ۲۰۰۸) در شب شهادت حضرت رقیه (س) توسط سرویس جاسوسی اسرائیل در دمشق به شهادت رسید.

در زمان شهادت عماد، فرزندش جهاد تنها ۱۶ سال داشت. جهاد نام یکی دیگر از برادران حاج رضوان بود که برای زنده نگه داشتن یاد وی، این نام را برای فرزندش انتخاب کرد. در زمان شهادت عماد مغنیه هیچ کدام از دشمنان حزب الله و عماد مغنیه تصور نمی کردند که این نوجوان ۱۶ ساله به زودی پا جای پای پدر خود بگذارد. جهاد که به واسطه پدرش تا حدی در فضای مقاومت قرار گرفته بود، پس از شهادت عماد، رابطه بسیار نزدیکی با سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب الله و همچنین سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه برقرار کرد. در این بین رابطه جهاد و سردار سلیمانی به قدری تنگاتنگ بود که بسیاری از نزدیکان، حاج قاسم را پدر معنوی جهاد می دانستند. کما اینکه اولین بار نیز افکار عمومی با چهره جهاد مغنیه در زمانی آشنا شد که او در مراسم ختم مادر سردار سلیمانی شرکت کرده بود. در آن مراسم، یک جوان با چهره ای که نشان می داد ایرانی نیست، پشت سر سردار سلیمانی ایستاده و به مهمان ها خوشامد می گفت. در ایران کمتر کسی او را می شناخت، ولی در بین نیروهای حزب الله لبنان، خصوصاً آنها که سابقه زیادی در این گروه داشتند، جهاد مغنیه چهره های شناخته شده بود، چرا که با کلام فصیحی که داشت، بارها در مراسم مختلف سخنرانی می کرد و با آنکه سن کمی داشت، حرف های پر مغزی بر زبان جاری می کرد.

فعالیت های جهادی «جهاد مغنیه» در جبهه دفاع از حرم رخ نشان داد. گویی این عرصه و میدان محکی بود تا رزمندگان جوان جبهه مقاومت اسلامی از ایران گرفته تا افغانستان، عراق و لبنان،

زاده ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ در طبرایای لبنان، از همان جوانان دهه هفتادی بود که پس از گشایش جبهه مقاومت اسلامی، به خوبی نشان دادند اگر میدانی به دست بیآورند، خلف شایسته ای برای پدران رزمنده شان خواهند بود. «شهید جهاد عماد مغنیه» نیز فرزند برومند یکی از فرماندهان حزب الله لبنان به نام عماد مغنیه بود که دستگاه های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و غرب مدت ها به دنبال دستگیری یا ترور وی بودند. عماد مغنیه با نام جهادی حاج رضوان، همان کسی است که سردار سلیمانی از او به عنوان مالک اکثر محور مقاومت یاد کرده است. نام عماد مغنیه برای اولین بار در سال ۱۳۶۱ شمسی، ۹ سال قبل از آنکه جهاد به دنیا بیاید، مطرح شد. در پی اشغال لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲ میلادی (۶۱ شمسی) حاج رضوان با تعدادی از جوانان همپیمان خود در مدخل ورودی بیروت در منطقه خلد، با اشغالگران اسرائیلی جنگید و ضرب شصت خوبی به آنها نشان داد. از همین آورده بود که او و یارانش به نیروهای «المخنیون» معروف شدند.

شهید عماد مغنیه پس از تأسیس حزب الله لبنان از فرماندهان محوری آن شد. اوج رشادت های او در جنگ ۳۳ روزه بود که باعث شد نام مستعار «حاج رضوان» در سراسر جهان بازتاب داشته باشد و بسیاری از سرویس های جاسوسی به دنبال شبیهی بگردند که به دلیل اطلاعات کم از وی تا مدت ها فکر می کردند اصلاً وجود خارجی نداشته باشد. هر چند طرح ترور حاج رضوان از سال ۱۹۹۶ به صورت جدی مطرح شده بود و در این سال یکی از برادرانش به نام فواد مغنیه به شهادت رسید، اما پس از جنگ ۳۳ روزه و شکست خفت بار رژیم صهیونیستی بود که طرح ترور عماد مغنیه دوباره با جدیت بیشتری

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

بسیجی بودن مختص برادران شیعه نیست. ما اهل تسنن با دادن ۵ هزار و ۴۰۰ شهید بسیج در استان کردستان ثابت کردیم که پیرو ولایت فقیه و انقلاب اسلامی هستیم. همه ما ایرانی هستیم و باید به فرمان رهبری جامه عمل بپوشانیم. بسیج نهادی است که پاک‌ترین انسان‌ها با روحیه جهادی در آن فعالیت می‌کنند

گفت‌وگو با یک بسیجی اهل سنت

جاذبه بسیج عشق است و قوم و مذهب نمی‌شناسد

محمدرضا محمدی



بسیج مستضعفین از همان زمان تشکیل در پنجم آذرماه ۱۳۵۸، در میان اقشار و قومیت‌های مختلف ایرانی گسترش یافت. جنگ تحمیلی آوردگاهی بود که شیعه و سنی، عرب و لر و آذری و... دوشادوش هم در قالب نیروهای بسیجی در جبهه‌ها شرکت و حماسه‌های بسیاری خلق کردند. بعد از اتمام دفاع مقدس نیز تفکر بسیجی همواره اذهان حقیقت‌جور متوجه خود می‌ساخت و صرف نظر از قومیت و مذهب، سبب جذب جوانان به این نهاد انقلابی می‌شد. رضا رستمی از اهالی مریوان، یکی از بسیجی‌های اهل سنت خطه کردستان است که تاکنون کتاب‌های متعددی در خصوص شهدای دفاع مقدس به انتشار رسانده است. گفت و گو با وی را پیش رو دارید.

همین طور شهدای حوادث گوناگون انقلاب انجام می‌دهید. از فعالیت‌های تان بگوئید.

من هم برای شهدای شیعه، هم برای اهل تسنن کتاب نوشتم و هیچ فرقی ندارد که این شهید چه قومیت یا مذهبی دارد. یکی از کتاب‌های من حلقه وصل زندگی شهید مدافع حرم منوچهر سعیدی است که ایشان شیعه مذهب بودند یا همین طور کتاب‌هایی در خصوص شهدای اهل تسنن دارم. مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۸ با سفر تاریخی که به استان کردستان داشتند، فرمودند، شهدای استان کردستان مظلومند، این شهدا را از گمنامی و مظلومیت در بیاورید. در همین راستا بنده به عنوان چراغ راه، خادم و خدمتگزار شهدا شدم و توانستم ۱۰۴۱ شهید از شهدای شهرستان سرآباد و مریوان را از گمنامی و مظلومیت درآوردم. اینجانب مؤلف ۸۰ عنوان کتاب در عرصه دفاع مقدس و شهدای مریوان و سرآباد هستم. همین طور توانستم به جمع آوری ۱۸ هزار عکس دفاع مقدس بپردازم و طراحی یادمان‌های شهرستان مریوان و سرآباد از دیگر فعالیت‌های بنده است. ساخت ۱۸۵ فیلم مستند از شهدای سپاه مریوان و پخش آن در شبکه استانی، برگزاری یادواره‌های شهدا و... از دیگر خدماتی است که توفیق انجام داشتم. در کل سعی کردم هر جا سخن از شهدا باشد پای کار بیایم و خالصانه در یادواره شهدا فعالیت کنم. همچنین در تربیت هنرمندان و فرزندان شهدا هم گام‌هایی برداشته‌ایم. همه این فعالیت‌ها را مدیون همان انگیزه و روحیه‌ای می‌دانم که حضور در بسیج به بنده منتقل کرده است. بسیجی کاری به نتیجه ندارد بلکه تکلیفش را انجام می‌دهد و در این راه سختی‌ها برایش معنی ندارد. ■

همراه است. در منطقه ما مریوان با توجه به اینکه نزدیک مرز است، بسیج بودن منجر به تهدید از طرف ضدانقلاب هم برای خود فرد و هم برای خانواده‌اش می‌شود. خود من به شخصه با چنین تهدیدهایی روبه‌رو بوده و هستم. خیلی وقت‌ها کانال‌های مجازی که مرتبط با شهدا و مفاهیم ارزشی ایجاد می‌کنم، مورد حمله ضدانقلاب قرار می‌گیرد و مرتب مجبور می‌شوم آنها را تغییر بدهم. ممکن است این سؤال برای شما که سال هاست بسیجی هستید موضوعیت نداشته باشد، اما شاید برای برخی از جوان‌های کشورهای چین سؤال‌اتی پیش بیاید که چطور می‌شود یک فرد اهل سنت جذب انقلاب و بسیجی می‌شود که رهبری آن را یک روحانی شیعه برعهده دارد؟

بسیجی بودن مختص برادران شیعه نیست. ما اهل تسنن با دادن ۵ هزار و ۴۰۰ شهید بسیج در استان کردستان ثابت کردیم که پیرو ولایت فقیه و انقلاب اسلامی هستیم. همه ما ایرانی هستیم و باید به فرمان رهبری جامه عمل بپوشانیم. بسیج نهادی است که پاک‌ترین انسان‌ها با روحیه جهادی در آن فعالیت می‌کنند و به امنیت، رشد و توسعه کشورمان می‌پردازند. حالا من که اهل سنت هستم چرا نباید در چنین نهادی که حاکی از عشق و اخلاص و ایثار است حضور داشته باشم؟

اگر بخواهیم یک نفر را به عنوان بسیجی معرفی کنید، آن شخص کیست؟

بسیجی یعنی سیدعلی خامنه‌ای که تمام زندگی‌اش را وقف اسلام کرده است.

شما فعالیت‌های زیادی در خصوص شناساندن شهدای دفاع مقدس و

فرمودند: «جوان پیشمرگ مسلمان کرد در این نقطه و به خصوص در مناطق نزدیک مرز، در حالی که خود حافظ امنیت کوچه، بازار، شهر و بیابان بود، دشمنان از او انتقام می‌گرفتند، گروه‌های مسلح مزدور دشمن، به انتقام رشادت‌های این جوانان، حتی گاهی خانواده‌های آنها را از دم تیغ بی‌رحمانه جنایت خودشان گذرانده...» بسیجی بودن در مناطق مرزی با سختی‌های بسیاری



د

من هم برای شهدای شیعه، هم برای اهل تسنن کتاب نوشتم و هیچ فرقی ندارد که این شهید چه قومیت یا مذهبی دارد. مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۸ با سفر تاریخی که به استان کردستان داشتند، فرمودند، شهدای استان کردستان مظلومند...

خانواده‌هایی از شهدای مدافع حرم پیش من آمدند که در بینشان چند خانواده سنی بودند. خب، این برادر اهل سنت که برای دفاع از حرم حضرت زینب یا حرم امیرالمؤمنین یا حرم سیدالشهدا جوان خودش را راهی می‌کند به جبهه، بعد هم که پیش ما می‌آید، به جای اظهار تأسف و به جای اظهار غم و اندوه یا گلایه و شکایت، ابراز افتخار می‌کند که پسر من در این راه شهید شده است

دفاع از اسلام، شیعه و سنی ندارد

بسیجیان اهل سنت دوشادوش مدافعان حرم می‌جنگیدند

روزی به صبور



و چراغ پدر بود، با دیدن جنایت‌های تروریست‌های تکفیری تصمیم به رفتن گرفت. او که از نوجوانی سابقه عضویت در بسیج را داشت به صورت داوطلبانه عازم سوریه شد. پدر سلمان از رزمندگان دفاع مقدس نیز تصمیم به رفتن گرفته بود و اینگونه پدر و پسر، در کنار هم در جبهه مقاومت حاضر شدند.

پدر شهید، پندوک بر جسته درباره حضورشان در جبهه مقاومت می‌گوید: در شهرداری بنت مشغول به کار بودم که خبر شدم می‌شود، داوطلبانه به سوریه برای دفاع از اسلام رفت، بنابراین از شهرداری استعفا داده و به عشق اسلام وارد دسته‌های رزمی شدم و در آنجا به همراه فرزندم تک‌تیرانداز بودم. پندوک بر جسته در ادامه می‌افزاید: هفت نفر از همزمان اهل سنت که با ما بودند در عملیات‌های مختلف شهید شدند همه آنها برای رضای خدا آمده بودند و به امید خدا شهید شدند، پسر من نیز به عشق شهادت در راه اسلام آمد و اکنون نیز به آرزویش رسیده است. داغ فرزند سخت است، اما اینکه دین خود را انجام داده باشی باعث خوشحالی می‌شود؛ من فرزندم را در راه خدا و اسلام دادم برای همین خوشحالم.

شهید سلمان بر جسته در اوج جوانی و در ۲۲ سالگی ردای زیبای شهادت را به تن کرد و آسمانی شد. ابراهیم در زاده، فرمانده پایگاه بسیج شهید بر جسته درباره شهید چنین می‌گوید: سلمان پسر خاله و بسیجی پایگاهی بود که من فرمانده‌اش هستم. ایشان در پایگاه سرگروه حلقه‌های صالحین بود. همیشه در کلاس‌های حلقه‌های صالحین حاضر بود و پای ثابت کارها. همیشه در هر زمان و هر وقتی من به سلمان زنگ می‌زدم و با او کاری داشتم او سریع حاضر می‌شد و خودش را به ما می‌رساند.

دز زاده درباره ویژگی‌های اخلاقی شهید می‌گوید: شهید اخلاق بسیار خوبی داشت. با مردم بسیار خوب صحبت می‌کرد و کاری که به او محول می‌شد را به موقع و درست انجام می‌داد. بسیار رو راست و صادق بود. در بحث اعزام به سوریه موقع رفتن به من گفت من دارم می‌روم، اگر برگشتم که همدیگر را خواهیم دید و اگر برگشتم حلالم کنید. صبح خداحافظی کرد و رفت. بچه بسیار خوبی بود و یکی از نیروهای فعال و پای کارم بود. سابقه فعالیتش در بسیج خیلی خوب بود.

این خویشتاوند شهید با تأکید بر آگاهی و هدف‌والای شهید بر جسته بیان می‌کند: سلمان بسیجی‌ای بود که می‌دانست برای چه به سوریه می‌رود. علاقه‌اش از روی انسانیت بود. می‌دانست به کجا و برای چه می‌رود. می‌گفت رفتنم با خودم و برگشتم با خداست. ایشان می‌دانست چه کار می‌کند. سلمان اراده‌اش خیلی قوی بود. در استان سیستان و بلوچستان اهل تسنن و تشیع هیچ مشکلی با هم ندارند. شیعیان و سنی‌ها به راحتی و به خوبی در کنار هم زندگی می‌کنند و هیچ مشکلی با هم نداریم. ■



شهید سلمان بر جسته در کنار پدرش



من به فرزندم عمر تبریک می‌گویم که مردانه جنگیده و به شهادت رسیده است. جوانان نیکشهر را به جهاد تشویق می‌کنم تا بروند در سوریه بجنگند و از خون مسلمانان دفاع کنند.

رهبر معظم انقلاب در دیداری که با پدر شهید ملازهی داشتند، روحیه ایشان را چنین توصیف کردند: «خانواده‌هایی از شهدای مدافع حرم پیش من آمدند که در بینشان چند خانواده سنی بودند. خب، این برادر اهل سنت که برای دفاع از حرم حضرت زینب یا حرم امیرالمؤمنین یا حرم سیدالشهدا جوان خودش را راهی می‌کند به جبهه، بعد هم که پیش ما می‌آید، به جای اظهار تأسف و به جای اظهار غم و اندوه یا گلایه و شکایت، ابراز افتخار می‌کند که پسر من در این راه شهید شده است.»

■ شهید سلمان بر جسته

شهید سلمان بر جسته، پسر بزرگ خانواده و چشم



یک سال پس از شهادت عمر ملازهی، پدر این شهید بزرگوار در بیمارستانی در زاهدان دارفانی را وداع گفت تا یکی از چهره‌های ماندگار جبهه مقاومت به فرزند شهیدش پیوندد

برابرند و در جنگی شهید شده‌اند که بیرون از خاک ایران بوده و همین نشان می‌دهد مردم سیستان و بلوچستان کاملاً با نظام هستند. این دیدار خیلی باعث دلگرمی مان شد.

یک سال پس از شهادت عمر ملازهی، پدر این شهید بزرگوار در بیمارستانی در زاهدان دارفانی را وداع گفت تا یکی از چهره‌های ماندگار جبهه مقاومت به فرزند شهیدش پیوندد. حرف‌های امیدوارکننده و الهام‌بخش پدر شهید ملازهی جبهه تازه‌ای در شرق کشور گشود. اسماعیل ملازهی در روز تشییع فرزندش با دلی قرص و اراده‌ای محکم بیان کرد: راضی هستم به رضای خدا. شهادت دست خداوند است. خداوند از نیت‌های انسان‌ها آگاه است. خوشحالم که حالا من هم پدر شهید هستم. مسلمان‌ها با هم برادرند. شیعه و سنی برادرند و هر دو مورد ظلم داعش هستند. کسی که نظری خلاف این داشته باشد، باعث تفرقه می‌شود.

وقتی دفتر شهدای مدافع حرم را ورق می‌زنیم، نام چندین شهید اهل سنت در میان این شهدا دیده می‌شود. شهدایی از دیار سیستان و بلوچستان که به صورت داوطلبانه و بسیجی‌وار به جنگ با تروریست‌های تکفیری شتافتند و با شهادتشان بر پیوند محکم شیعه و سنی در ایران صحنه گذاشتند. دشمنی که در موضوع عراق و سوریه به دنبال تفرقه میان شیعیان و اهل سنت بود، با مطرح کردن مسائل عقیدتی می‌خواست تخم تفرقه و نفاق را میان مردم ایران بکارد که آگاهی و درک بالای اهل سنت کشورمان طرح و نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب کرد. عضویت اهل سنت کشورمان در بسیج نشان می‌دهد که این شجره طیبه انقلاب اسلامی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و قلوب هر آزاده‌ای در هر کجای جهان و با هر ملیتی را تسخیر می‌کند. مروری کوتاه بر زندگی این دو شهید مدافع حرم اهل سنت را پیش رو دارید.

■ شهید عمر ملازهی

«شهید عمر ملازهی»، اولین شهید اهل سنت است که آذر سال ۹۴ در سوریه در حال دفاع از اسلام ناب محمدی و مبارزه با تروریست‌های تکفیری به شهادت رسید. وی از اهالی شهرستان نیکشهر استان سیستان و بلوچستان بود که چهار فرزند به نام‌های محمدرضا، فائزه، مریم و بتول از خود به یادگار گذاشته است.

شهر نیکشهر کوچک‌ترین شهید را در کشور دارد که در ۱۱ سالگی شهید می‌شود. اولین شهید بلوچ استان در هشت سال دفاع مقدس شهید فتوحی در سیستان و بلوچستان از نیکشهر است. اولین شهید اهل تسنن خارج از مرز ایران هم عمر ملازهی است که در این شهر به دنیا آمده است.

علی ملازهی درباره دلایل رفتن برادرش به سوریه می‌گوید: عمر و سایر شهیدان اهل تسنن مسائلی را دیدند و درک کردند تا به هموعان، وطن و دینشان کمک کنند. قبل از اینکه برادرم به سوریه اعزام شود ما کلاً از جنایات داعش و گروه‌های تکفیری، سلفی و وهابی به شدت بیزار بودیم و آن را محکوم می‌کردیم، چون این گروه‌ها فقط در حال خراب کردن وجهه اسلام هستند. بسیاری از اهل تسنن مخالف عقاید سلفی و وهابی هستند و متأسفانه آنها با نام اهل تسنن جنایاتشان را انجام می‌دهند.

برادر شهید خاطره دیدارشان با رهبر انقلاب را چنین بیان می‌کند: رهبر انقلاب در این دیدار به پدر و مادرم و همسر شهید دل‌داری می‌دهند و به خاطر اینکه فرزندشان در این راه شهید شده تبریک می‌گویند. بیشتر در رابطه با وحدت شیعه و سنی صحبت می‌کنند و می‌گویند شیعه و سنی با هم



شهید «سبیل اخلاقی» هم راه بود، هم منش!

شهید اخلاقی با ۱۱ سال سن کم‌سال‌ترین شهید جنگ تحمیلی از یک خانواده اهل تسنن نیک‌شهر بود که نامش را در تاریخ بزرگان دیباچه دفاع مقدس ثبت کرد

نرگس انصاری

■ بسیجی منضبط

شهید اخلاقی در دوران نوجوانی وارد بسیج شد. فعالیت‌هایش در بسیج چشمگیر بود و همه از او به عنوان یک بسیجی منظم و دارای روحیه ایثار و گذشت یاد می‌کردند. با وجود اینکه محرومیت‌ها و شرایط سخت زندگی را می‌چشید، اما نوجوانی خوش‌بین و امیدوار، آرمانگرا و انقلابی بود. به انقلاب و نظام و رهبرش عشق می‌ورزید و پیروی از ولی‌فقیه را لازم می‌دانست. به همین دلیل وقتی از زبان امام (ره) شنید که هر کس توانایی دارد به جبهه برود، خود را آماده اعزام کرد.

وقتی مادر به او گفته بود چرا می‌خواهی با این سن کم به جبهه بروی، در پاسخ گفته بود: «وقتی یک گرگ به گله حمله کرد باید چکار کنیم؟ الان هم یک گرگ به کشورمان حمله کرده‌است و کوچک و بزرگ باید از کشورمان دفاع کنیم.»

■ رزمنده کوچک

رزمنده کوچک بعد از حضور در جبهه‌ها، دو نامه به مادر نوشت و از او التماس دعای مادرانه کرد و خواست در صورت شهادتش، گریه و ناله نکند. مادر می‌گوید «سبیل خوب می‌دانست چه می‌کند و چرا به جبهه رفته‌است. سنش کم بود، اما بصیرت زیادی داشت.»

سبیل اخلاقی بعد از مدتی حضور در جبهه‌های جنگ، عاقبت در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۶۴ زمانی که تنها ۱۱ سال و هشت ماه داشت در منطقه هور العظیم با اصابت ترکش به قلبش به شهادت رسید. پیکر او کمی بعد از شهادت به زادگاهش برگشت و در روستای گالینک نیک‌شهر به خاک سپرده شد. شهید سبیل اخلاقی نمونه‌ای از نوجوانان این مرز و بوم بود که ۳۶ هزار نفر از آنها در کسوت نوجوانان دانش‌آموز در جبهه‌های دفاع مقدس به شهادت رسیدند. او کوچک‌ترین شهید دانش‌آموز بود که در میدان نبرد به شهادت رسید. سبیل هم راه بود، هم منش! ■

شهید سبیل اخلاقی متولد ۱۳۵۳ در یکی از روستاهای نیک‌شهر سیستان و بلوچستان بود که در سن ۱۱ سالگی در تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه هوار العظیم به شهادت رسید. از سبیل اخلاقی به عنوان جوان‌ترین رزمنده شهید دفاع مقدس یاد می‌شود. نوجوانی از یک خانواده اهل تسنن که از روستای گالینک نیک‌شهر خوش درخشید و نامش را در تاریخ بزرگان دفاع مقدس به ثبت رساند.

■ بزرگمردی کوچک

سبیل اخلاقی از خانواده‌ای سطح پایین به لحاظ اقتصادی بود که پدرش برای امرار معاش و تأمین هزینه‌های زندگی به شهرهای اطراف سفر می‌کرد. در نبود بابا، سبیل مادر و سه خواهرش را سرپرستی می‌کرد و همراه مادر به کار کشاورزی می‌پرداخت. از این رو فقط توانست تحصیل در دوره ابتدایی را به پایان برساند.

در وصف همیاری او با خانواده در کتاب زندگی‌اش که با عنوان «میقات در نخلستان» منتشر شده، می‌خوانیم: «پیرمرد سر چاه خم شده بود و سطل آبی را بالا می‌کشید. آفتاب گرم و سوزان به سرش می‌تابید و دانه‌های درشت عرق از پشت گردنش راه افتاده بود؛ سطل را با قدرت تمام، بالا کشید و روی زمین گذاشت. نفس عمیقی کشید و دست چپ و کیده‌اش را به پشت گردنش برد و بادستمالی که دور گردنش بود، عرقش را پاک کرد. سبیل از میان درختان نخل دوان دوان بیرون آمد و نفس زنان به پدر بزرگ رسید. پدر بزرگ متوجه آمدن سبیل نشد، مدت‌ها بود گوش‌هایش سنگین شده بود و صداها را خوب تشخیص نمی‌داد. سبیل به پدر بزرگ نزدیک شد و از پشت او را بغل کرد. پدر بزرگ برگشت و تا سبیل را دید خندید، به اندازه قد سبیل خم شد و دستان کوچک او را گرفت و بوسه‌ای بر پیشانی‌اش زد و گفت: نوه عزیزم، اومدی به پدر بزرگ کمک کنی؟»

با وجود اینکه محرومیت‌ها و شرایط سخت زندگی را می‌چشید، اما نوجوانی خوش‌بین و امیدوار، آرمانگرا و انقلابی بود. به انقلاب و نظام و رهبرش عشق می‌ورزید و پیروی از ولی‌فقیه را لازم می‌دانست. به همین دلیل وقتی از زبان امام (ره) شنید که هر کس توانایی دارد به جبهه برود، با اینکه ۱۱ سال داشت، خود را آماده اعزام کرد



گفت و گو با حسین اسماعیلی جهادگر دامپزشک و عضو هیئت علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران

شیوه اردوهای جهادی باید بازنگری شود

فاطمه بیضایی

گروه جهادی ما هر ساله حداقل دو اردوی جهادی به شکل همراهی با دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران برگزار می‌کند. البته در مقاطع خاص مثل سیل یا زلزله هم به مناطق اعزام و فعالیت مضاعف داریم. در حال حاضر در گروه جهادی بسیج دانشکده دامپزشکی تهران که متشکل از جمعی از فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دکتری دامپزشکی دانشگاه تهران است به مناطق محروم و کم‌برخوردار می‌رویم.

گروه جهادی ما متشکل از اعضای هیئت علمی، دانشجویان دوره تخصصی و دکتری عمومی است که هر ساله تعدادی از دانشجویان سال‌های پایین‌تر نیز به جهت تجربه‌آموزی برای مدیریت سال‌های بعدی در اردو شرکت می‌کنند. بدین شکل همیشه اردو متشکل از افراد باتجربه و جدید است. همواره فردی به عنوان سر تیم حضور دارد که حتماً دامپزشک یا یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده دامپزشکی است.

فعالیت جهادی گروه ما در مناطق مورد نظر به صورت پروژه‌ای نیست. به طور مثال هدف اصلاح تمام گله‌های آن استان یا منطقه نیست، بلکه هدف ما جلب اعتماد دامدار و ارتباط مستمر با ایشان برای پیاده‌سازی توصیه‌ها و مشاوره‌های علمی و تخصصی و به روز در گله دامداران است، تا هم تولید بهتر و بیشتری داشته باشند و هم بهداشت و سلامت گله‌شان تأمین شود. به عبارت دیگر بهره‌وری

توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی راه حل غلبه بر مشکلات کشور است، او پیشنهادی هم برای تحول در برپایی اردوهای جهادی دارد.

از چه زمانی وارد بسیج شدید؟
فعالیت‌های جهادی تان را از کجا آغاز کردید؟

من از ابتدای ورود به دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ وارد بسیج شدم. از سال ۸۴ همزمان با شکل‌گیری کانون خدمت‌رسانی بسیج دانشگاه تهران تاکنون به طور مستمر با فعالان جهادی و گروه‌های جهادی مثل گروه جهادی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه امام صادق، قرارگاه امام رضا و گروه شهید هدایت در مناطق زیادی از کشور نظیر شریف‌آباد کردستان، قوشخانه خراسان شمالی، سنقر کرمانشاه، دیشموک کهگیلویه و بویراحمد، سردشت آذربایجان غربی، زابل سیستان و بلوچستان، سرپل ذهاب کرمانشاه و خرمشهر و هویزه استان خوزستان حضور یافته‌ام.

من از سال ۸۴ به عضویت گروه‌های جهادی بسیج دانشگاه تهران درآمد. اولین اردوی جهادی‌مان در همان سال با بچه‌های بسیج دانشجویی به منطقه دیشموک شهرستان دهدشت استان کهگیلویه و بویراحمد بود که در عرصه دامپزشکی خدماتی را انجام دادیم.

هر سال چند نوبت به مناطق محروم می‌روید؟

یکی از خواست‌های رهبری معظم انقلاب تبدیل گفتمان جهادی به یک گفتمان عمومی در جامعه و حضور بیشتر جوانان در گروه‌های جهادی است. اکنون خدمات بیشمار توسط گروه‌های جهادی در نقاط گوناگون کشور و در حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد. یکی از این خدمات اعزام جهادگران بسیجی دامپزشکی به مناطق محروم است. گروه جهادی بسیج دانشکده دامپزشکی یکی از گروه‌های جهادی است که به صورت خودجوش و آتش به اختیار جمعی از فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دکتری دامپزشکی دانشگاه تهران را گرد هم آورده و به مناطق محروم و کم‌برخوردار اعزام می‌شوند.

این گروه جهادی دامپزشکی یکی از برجسته‌ترین گروه‌های دامپزشکی است که فعالیت‌ها و اقدامات زیادی را در امورات بهداشتی اصلاح دام و طیور در مناطق کم‌برخوردار اجرایی کرده است.

حسین اسماعیلی، جهادگر دامپزشک و عضو هیئت علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و مسئول این گروه جهادی در گفت‌وگو با ما می‌گوید: تکیه بر روحیه بسیجی و جهادی و

“

گروه جهادی ما متشکل از اعضای هیئت علمی، دانشجویان دوره تخصصی و دکتری عمومی است که هر ساله تعدادی از دانشجویان سال‌های پایین‌تر نیز به جهت تجربه‌آموزی برای مدیریت سال‌های بعدی در اردو شرکت می‌کنند. بدین شکل همیشه اردو متشکل از افراد باتجربه و جدید است. همواره فردی به عنوان سر تیم حضور دارد که حتماً دامپزشک یا یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده دامپزشکی است

حسین اسماعیلی:

به نظر من مهم‌ترین مطلب باور قلبی به نصرت الهی است. روحیه جهادی چیزی جز کار کردن برای خدا نیست و اگر به این موضوع باور قلبی داشته باشیم، همه موارد در این راه تسهیل خواهد شد



بیشتر شود.

گروه ما یکی از قدیمی‌ترین و تخصصی‌ترین گروه‌های دامپزشکی جهادی است. ما با یک کلینیک و آزمایشگاه سیار در مناطق مورد نظر حاضر می‌شویم و خدمات جراحی، مامایی، داخلی و آموزشی به دامداران روستایی و عشایری ارائه می‌دهیم. در حال حاضر در برخی مناطق در حال انجام طرح افزایش بهره‌وری گله‌های گوسفند و بز هستیم. بدین معنی که با ارائه آموزش‌ها و همراهی با دامداران کمک می‌کنیم تا تلفات دام‌ها و نوزادان آنها کمتر شده و تولید بهتری داشته باشند و در نتیجه بهره‌وری بهتر و درآمد بیشتری نصیب دامداران شود.

چه ویژگی‌هایی باعث شد تا گروه‌تان جزو گروه‌های برجسته جهادی باشد؟

ابتدا باید بگویم که گروه ما چند نقطه قوت دارد، اول حضور یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال‌های مختلف است که خود این امر موجب می‌شود، تازه‌های علمی در این حوزه متناسب با شرایط آن منطقه استخراج شود و در قالب کلاس‌های ترویجی مشاوره حضوری پر شور و دیوار نوشته در اختیار صاحبان گله قرار گیرد.

دیگری توجه به حضور افراد کم‌تجربه در کنار با تجربه هاست. تقریباً در همه برنامه‌های این گروه چند نفر از افراد تازه وارد و کم‌تجربه در کنار قدیمی‌های گروه قرار می‌گیرند تا زمان یادگیری آداب حضور در مناطق محروم و شناخت چگونگی خدمت‌رسانی دامپزشکی تربیت دامپزشک جهادگر برای سالیان آینده نیز صورت گیرد. البته یکرنگی و یکدستی و خلوص نیت اعضای گروه مهم‌ترین نقطه قوت هر گروه و تیم جهادی است و اگر نباشد هیچ توفیقی حاصل نمی‌شود.

همانطور که می‌دانید یکی از مهم‌ترین الزامات تحقق اقتصاد بسیجی و جهادی است. برای تحقق این امر چه باید کرد؟

اینکه هر ساله نیروهای جهادی جدید تازه نفس به مجموعه‌های جهادی کشور اضافه می‌شوند که نشان از تبیین فرهنگ و روحیه جهادی در میان نسل جدید دارد. البته کارهای انجام گرفته کافی نیست و نیاز است با جدیت بیشتر این تبیین در سطح جامعه خصوصاً دانشگاه‌ها صورت گیرد. رسانه ابزار بسیار قدرتمند است. ساخت و پخش کلیپ‌های کوتاه در خصوص فعالیت‌های گروه‌های جهادی و اثرات مثبت آن‌ها در مناطق محروم و انتشار آنها در صدا و سیما و فضای مجازی بسیار مؤثر است. همانطور که در چند سال اخیر این اتفاق افتاده و اثرات خوبی را داشته است.

در شرایط کنونی که دشمن در جنگ روانی و تشدید فشارهای اقتصادی به دنبال سخت کردن، معیشت مردم است می‌توانیم با تکیه بر روحیه بسیجی و جهادی و تکیه بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر مشکلات غلبه کنیم؟

اساساً پیشرفت و پیروزی با مقاومت به دست می‌آید. حضرت آقا امسال در باب مقاومت فرمودند: «معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را حق و درست می‌دانند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتوانند او را از حرکت در این راه منصرف کند.»

اگر ما پذیرفته‌ایم که اقتصاد مقاومتی و کار کردن با روحیه جهادی چاره‌ساز مشکلات و رفع کننده دردهای کشور است، از این رو هیچ مانعی نباید بتواند

ما را سرد کند. اگر این راه را ادامه بدهیم تحریم، فشار اقتصادی بالاخره شکسته خواهد خورد.

حضرت آقا در ادامه بیانات‌شان در خصوص عرصه‌هایی که باید در آنها مقاومت کرد و ابزارهایی که باید از آنها استفاده کرد و علل شکستن مقاومت و همچنین برنامه‌های دشمن بیاناتی دارند که توصیه می‌شود دوباره آنها را مطالعه کنیم و در امور جهادی مورد توجه قرار دهیم.

چه کنیم که زمینه فعالیت بهتر و مناسب‌تر در عرصه‌های پیشرو و نظیر دامپزشکی فراهم شود؟

دستگاه‌ها و ارگان‌های مسئول امکانات و تجهیزات خود را در اختیار گروه‌های جهادی قرار بدهند و از این حرکت حمایت کنند. حمایت بدین معنا که موانع پیشروی گروه‌ها را بردارند و کمک کنند تا موانع برطرف شود. یکی از این موانع آشنا نبودن یا آشنایی کم گروه‌ها با مناطق و نفوذ کم آنها در اولین برخوردها است. در حالی که ادارات دولتی میدان جهاد سازندگی افراد معتمد و آشنا به منطقه را می‌شناسند که می‌تواند بسیار کمک کننده به گروه‌های جهادی باشد یا اینکه اطلاعات موجود مربوط به منطقه را در اختیار گروه‌ها قرار دهند تا گروه‌ها مجبور نباشند برای به دست آوردن همان اطلاعات و شناسایی منطقه وقت و نیروی خود را صرف کنند. اینها زمینه فعالیت بهتر و کیفی‌تر را در امور جهادی فراهم می‌کند، اما نکته‌ای که هم دستگاه‌های مسئول و هم گروه‌های جهادی باید به آن توجه کنند این است که کار گروه‌های جهادی و آن دستگاه مورد نظر موازی هم نیست و تزامنی وجود ندارد و دخالت در کار یکدیگر نیست، بلکه پروژه‌ها و فعالیت‌ها در جهت و در راستای هم هستند. البته گروه‌های جهادی باید با دستگاه‌های مسئول مشورت‌های لازم را داشته و ایشان نیز به

گروه‌های جهادی اعتماد کافی داشته باشند. مورد دیگر تشکیل هسته‌های جهادی در تمام کشور است. در هر دانشگاهی افراد متخصص و جهادی حضور دارند که می‌توانند یک گروه جهادی کوچک تشکیل بدهند و به خدمت‌رسانی مشغول شوند.

من بر این باور هستم که تشکیل و راه‌اندازی گروه‌های بومی بسیار می‌تواند مؤثر باشد. افراد بومی در مناطق دلسوزی و عملکرد بهتری می‌توانند داشته باشند و از طرفی هم از پتانسیل متخصصان استفاده کنند. به نظر من مهم‌ترین مطلب باور همه قلبی به نصرت الهی است روحیه جهادی چیزی جز کار کردن برای خدا نیست و اگر به این موضوع باور قلبی داشته باشیم، همه موارد در این راه تسهیل خواهد شد. ما باید روحیه بسیجی و جهادی‌مان را حفظ کنیم. حرکت در این راه نیز نصرت الهی را در پی دارد و در کاری که خداوند یاری کننده باشد تمامی مشکلات حل خواهد شد.

تا چه میزان تقویت روحیه بسیجی در بین جهادگران را لازم و ضروری می‌دانید؟

انجام چنین فعالیت‌های جز با روحیه بسیج قابل انجام نیست. بدون اخلاص در عمل، داشتن امید به اصلاح و تغییر گذشته و در نهایت تشکیلاتی کار کردن که از شاخصه‌های بسیج و بسیجی است، انجام این فعالیت‌ها غیر ممکن است. وجود همین روحیه بسیجی است که موجب می‌شود افراد از دانشجو تا استاد دانشگاه بدون چشم داشت مالی در کنار هم جمع شوند و دغدغه پیدا کرده و برای حل آنها چاره‌اندیشی کنند و در نهایت ایده‌های‌شان را عملیاتی کنند.

به نظر شما یک بسیجی جهادگر باید چه شاخصه‌هایی داشته باشد؟ در این امر الگویی مد نظر تان هست؟

خلوص نیت، ایثارگری، اخلاق تشکیلاتی و ولایت‌پذیری مهم‌ترین ویژگی‌های یک جهادگر و فعال در این عرصه است. شاید حاج عبدالله والی بهترین شخص برای معرفی و الگوپذیری جهادگران باشد و همین طور شهید بابایی. ایشان فردی بود که به رغم پست‌های فرماندهی مهمی که داشت همیشه حواشی به روستاهای اطراف بوده و سعی در انجام حرکت‌های جهادی و رفع محرومیت برای آنها داشت تا جایی که نام یکی از روستاها را به نام عباس‌آباد تغییر می‌دهند، ولی ایشان می‌گویند تا نام روستا را به اسم قبلی باز نگردانید ندهید، من دیگر به آنجا نمی‌آیم.

سخن پایانی؟

به نظر من در حال حاضر بعد از گذشت ۲۰ سال از شروع اردوهای جهادی باید شکل برگزاری‌ها عوض شود بدین شکل که حضور دوهفته‌ای در روستاها نمی‌تواند خیلی مشکل دائمی حل کند. لازم است تیم‌های قوی تخصصی با محوریت خبرگان هر رشته تشکیل شود و هر کدام یک منطقه را تحویل بگیرند و طی چند سال بر روی یکی از مشکلات اصلی آن منطقه کار کنند و همیشه در طول سال هم ارتباط داشته باشند. اینگونه می‌توانند بعد از چندسال به اهداف خود در منطقه برسند.





راهیان نور و خدمت رسانی به مردم
در گفت و گو با فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج

راهیان نور را وارد عرصه محرومیت زدایی کردیم

از ظرفیت خادمان راهیان نور برای کمک رسانی به سیل زدگان
و ایجاد تسهیلات برای زائران اربعین استفاده می شود



مصطفی قهرمانی

اردوهای راهیان نور یکی از سفرهایی است که باعث آشناسازی نسل جوان امروزی با سیره شهدا می شود و بسیج، خط مقدم برگزاری این اردوهای معنوی است. همانطور که در دوران دفاع مقدس شاهد حضور گروه های مردمی و بسیجی در خط مقدم جبهه ها برای ایستادگی در مقابل رژیم بعث عراق بودیم، امروز هم گروه های مردمی و بسیج، حضور فعالی در برگزاری اردوهای راهیان نور دارند. همه ساله تعداد زیادی از بسیجیان و مردم عزیز کشورمان با ثبت نام در سامانه خادمان شهدا، داوطلبانه و رایگان در یادمان های دفاع مقدس جهت خدمت به زائران راهیان نور حضور پیدا می کنند. در طول این چند سال، قریب به ۸۵ هزار خادم الشهدا داوطلبانه در سامانه ثبت نام خادمان شهدا نام نویسی کرده اند که همه ساله قریب به ۱۵ هزار نفر از این عزیزان در اردوگاه های راهیان نور و یادمان های دفاع مقدس به کارگیری می شوند.

آمار از حضور مردم در اردوهای راهیان نور دارید؟

این اردوها در هفت استان کشور انجام می شود که طبق آخرین آمار، سال گذشته بیش از ۷ میلیون نفر از یادمان ها و مناطق عملیاتی دفاع مقدس بازدید کرده اند و هر سال به کمیت و کیفیت این اردوها افزوده می شود. نباید از حق گذشت که حضور امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در مناطق عملیاتی دفاع مقدس و دیدارشان با زائران کاروان های راهیان نور و سخنرانی در خصوص اهمیت سفرهای راهیان نور نشان دهنده توجه ایشان به مقوله ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در میان جوانان است. امام خامنه ای، راهیان نور را بهترین فناوری در جهت استخراج گنجینه دفاع مقدس توصیف کرده اند. جوانان و نوجوانان عمده ترین گروه سنی شرکت کننده در اردوهای راهیان نور هستند. در طول این سفر معنوی، رزمایش های فرهنگی - بصیرتی با موضوع دفاع مقدس در استان های کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و خوزستان برگزار می شود که این نمایش ها اثرات خاصی در میان زائران راهیان نور داشته

اردوهای راهیان نور یکی از اثرگذارترین برنامه های فرهنگی کشور است که باعث ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و تجدید خاطرات دوران دفاع مقدس در میان نسل های امروز می شود. مردم و بسیجیان در برگزاری این اردوها نقش اثرگذاری ایفا می کنند. امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها با حضور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس، راهیان نور را سفر با برکتی برشمردند و تأکید کردند، از برگزاری این سفرها خرسند هستند. سال گذشته ۷ میلیون زائر راهیان نور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس در استان های خوزستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، بوشهر و هرمزگان شرکت داشتند اما مأموریت سازمان اردویی، راهیان نور و گردشگری بسیج فقط در برگزاری اردوهای راهیان نور خلاصه نمی شود. می توانیم به نقش این سازمان در حضور گسترده بسیجیان در اردوهای زیارتی و سیاحتی، کمک رسانی به مردم سیل زده کشور، محرومیت زدایی و ارائه خدمات اجتماعی به مردم محروم، برگزاری نمایش بازسازی غدیر خم، ارائه خدمات به زائران اربعین حسینی و... اشاره کنیم. با سردار یعقوب سلیمانی مسئول سازمان اردویی، راهیان نور و گردشگری بسیج و همچنین فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج همکلام شدیم تا از نقش آفرینی بسیجیان و عملیات فرهنگی راهیان نور در عرصه خدمت رسانی به مردم بیشتر بدانیم.

راهیان نور یک حرکت در سطح ملی است، در این بین بسیج چه نقشی در برگزاری این سفرهای معنوی و فرهنگی ایفا می کند؟

“

یکی دیگر از فعالیت های قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج را می توان در خدمات رسانی به مناطق محروم کشور دانست که عمدتاً توسط بسیجیان صورت می گیرد. در راستای عمل به فرمایشات رهبر معظم انقلاب و بیانیه گام دوم انقلاب، کاروان های راهیان نور را وارد عرصه های خدمت و محرومیت زدایی کردیم، چراکه یکی از انتظارات و مطالبه های معظم له نحوه تأثیر راهیان نور بر جغرافیای مناطق مورد هدف است



بسیجیان هم در برگزاری اردوهای راهیان نور نقش عمده‌ای دارند و هم به عنوان خادم‌الشهدا نقش ویژه‌ای در خدمات‌رسانی به زائران راهیان نور ایفا می‌نمایند

است. می‌توان گفت که بسیجیان هم در برگزاری اردوهای راهیان نور نقش عمده‌ای دارند و هم به عنوان خادم‌الشهدا نقش ویژه‌ای در خدمات‌رسانی به زائران راهیان نور ایفا می‌نمایند.

فعالیت‌های قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج فقط در موضوع اردوهای راهیان نور است؟

خیر، سالانه تعداد زیادی از بسیجی‌ها در برنامه‌های اردویی شرکت می‌کنند که شامل حضور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس در هفت استان میزبان راهیان نور، اردوهای زیارتی در شهر مقدس مشهد و قم، اردوهای تفریحی در استان‌های مازندران، همدان، گیلان و... است. اما یکی دیگر از فعالیت‌های قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج را می‌توان در خدمات‌رسانی به مناطق محروم کشور دانست که عمدتاً توسط بسیجیان صورت می‌گیرد. در راستای عمل به فرمایشات رهبر معظم انقلاب و بیانیه گام دوم انقلاب، کاروان‌های راهیان نور را وارد عرصه‌های خدمت و محرومیت‌زدایی کردیم، چرا که یکی از

است و بسیار امیدواریم با حضور هزاران بسیجی، دهها هزار جوان خادم و عازم در شبکه انسانی راهیان نور، علاوه بر ادامه این جهاد فرهنگی، در جهاد سازندگی نیز ادامه‌دهنده راه رزمندگان دفاع مقدس باشیم.

این خدمات اجتماعی و محرومیت‌زدایی توسط بسیجی‌ها صورت می‌گیرد؟

بله. در راستای صحبت‌های گوهر بار امام خامنه‌ای در راستای لزوم ارائه خدمات اجتماعی در راهیان نور و مناطق محروم استان‌های میزبان راهیان نور قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج با همکاری بسیج سازندگی و بنیاد برکت در تلاش است تا سفرهای راهیان نور که به منظور ترویج فرهنگ ایثار و شهادت صورت می‌گیرد را به سمت محرومیت‌زدایی هم سوق دهد. سالانه میلیون‌ها زائر راهیان نور و بسیجی با حضور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس، با شهدا عهد و پیمان مجدد می‌بندند و باید تلاش شود حرکت عظیم اردوهای راهیان نور باعث رونق اقتصادی در استان‌های میزبان گردد. در گام اول،

محروم، بازسازی و بهسازی دهها منزل مسکونی اقشار کم‌برخوردار روستاها و حاشیه شهرهای نزدیک اماکن راهیان نور که توسط خادمان جهادی راهیان نور و بسیجیان انجام شد، از جمله این فعالیت‌هاست. سال گذشته مسئولان اردویی بسیج استان‌های اصفهان و قم در ابتکاری جالب، تعدادی از مردم مناطق محروم استان خوزستان را به استان‌های خود جهت انجام سفر زیارتی و سیاحتی اعزام کردند. معتقدیم چنین حرکت‌هایی که خدمت به مردم محروم استان خوزستان است، باید گسترش یابد و باید گفت همه اقدامات و خدمات اجتماعی که در استان‌های میزبان راهیان نور صورت خواهد گرفت، به برکت برگزاری اردوهای راهیان نور است.

ما در راهیان نور به دنبال اصل تعالی هستیم، از این‌رو خدمت و محرومیت‌زدایی که سیره شهدا نیز بوده است، اشاعه یافته و این اتفاق مبارکی است که موجب زیارت با معرفت زائران راهیان نور خواهد شد. هدفگذاری خدمت در دو استان از هفت استان میزبان کاروان‌های راهیان نور صورت گرفته است و با مشارکت

اجتماعی در این فناوری‌ها منظور شده است. تلاش داریم راهیان نور به طور جدی در عرصه خدمت وارد شود و با ارائه خدمات پزشکی، سلامت، ساخت خانه محرومان توسط بسیجیان و خادمان شهدا بتوانیم خدمات بیشتری به مردم ارائه کنیم. در سیل اخیر کشورمان شاهد حضور بسیجی‌ها در کمک‌رسانی به مردم استان‌های گلستان، لرستان و خوزستان بودیم.

قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج چگونه توانست از ظرفیت بسیجی‌ها در این زمینه بهره‌برد؟

با توجه به وقوع سیل در استان‌های گلستان، لرستان و خوزستان در فروردین ۹۸، قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج طی اطلاعیه‌ای، از آمادگی کامل ستادهای راهیان نور سپاه‌های استانی و بسیجیان سراسر کشور برای امداد‌رسانی و کمک به کاهش پیامدها و آسیب‌های ناشی از حوادث پیش آمده خبر داد. در آن ایام، تمام ظرفیت‌ها، امکانات و شبکه بزرگ خادمان راهیان نور و بسیجی اعم از راویان، مبلغان، مدیران کاروان‌ها، بسیجیان و پاسداران مسئول در این عملیات بزرگ فرهنگی و تربیتی در سراسر کشور بر اساس هماهنگی و در اسرع وقت به صورت هدفمند و مجاهدانه دوشادوش همه خدمتگزاران صدیقی و شریف مردم به مناطق آسیب‌دیده اعزام شدند و به یاری هموطنان عزیزمان شتافتند و از همه دست‌اندرکاران راهیان نور سپاه و بسیج نیز خواسته شد تا با فراخوان ظرفیت‌های بالقوه و تمهید مقدمات ضروری و رصد لحظه به لحظه اخبار و اطلاعات نیازمندی‌های کشور و مردم، اطلاعیه‌ها و ابلاغیه‌های بعدی را به سرعت و با دقت دریافت نمایند و به خصوص در استان‌هایی که بیشتر در معرض آسیب قرار دارند؛ از جمله خوزستان آماده خدمت‌رسانی و کمک به مسافران نوروزی و زائران راهیان نور و مردم بومی منطقه باشند.

۱۱ اردوگاه راهیان نور خوزستان، محل اسکان سیل‌زدگان بودند و ظرفیت ۱۵۰ هزار نفری اسکان مردم خوزستان و سیل‌زده را پیش‌بینی کردیم و امکانات راهیان نور را در اختیار سیل‌زدگان قرار دادیم و در این مراکز، روزانه ۱۰ تا ۱۵ هزار غذا تهیه و در میان سیل‌زدگان توزیع می‌شد و ما امکانات اسکان و تغذیه راهیان نور را نیز در اختیار سیل‌زدگان کشور قرار دادیم.

سپاه و بسیج در واقع خادم مردم هستند. هر جایی که برای مردم و کشور مشکلی ایجاد شود سپاه و بسیج پیشقدم و پیشگام هستند و برای کمک به مردم حضور پیدا می‌کنند. نخستین حضور ویژه مادر استان لرستان و شهر پلدختر بود که برادرانمان و بسیجیان غیور کشور، موکب راهیان نور را در این شهر راهاندازی و روند خدمت‌رسانی به مردم آسیب‌دیده را آغاز کردند. به عنوان مثال موضوعی که در این وضعیت بسیار مهم و حساس است، موضوع تأمین مواد غذایی و خوراک اولیه است. بر همین اساس، با توجه به میزان تردد در پلدختر و حضور مردم و همین‌طور نیروهای جهادی و کمک‌رسان، روزانه تا ۵ هزار پرس غذای گرم تهیه شد که با ساماندهی انجام شده، این میزان غذای گرم را به در منازل مردم آسیب‌دیده از سیل می‌بردند و علاوه بر این تعمیر و تمیز کردن خانه‌های سیل‌زده نیز جزو اولویت‌های خادمان شهدا و بسیجیان بود.

در خوزستان هم با توجه به ظرفیت‌هایی که سپاه، بسیج



همگانی خیران و توان مؤسسات مردم‌نهاد و بسیجیان به استان‌های خوزستان و ایلام به عنوان مناطق هدف برای خدمت انتخاب شده که در سال‌های آینده به سایر استان‌های میزبان تسری پیدا خواهد کرد. بهسازی و نوسازی منازل، تهیه سرپناه، بهینه‌سازی زیست محرومان، تهیه جهیزیه برای معسران و سایر خدمات اجتماعی هدفگذاری شده از جمله برنامه‌های مورد توجه است.

مقام معظم رهبری از راهیان نور به عنوان فناوری یاد کرده‌اند، از این جهت صرفاً زیارت یادمان‌ها مورد هدف نیست، بلکه تحول و نوآوری برای بهره‌گیری معنوی بیشتر و ایجاد آورده‌های فرهنگی، اقتصادی و

ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی در مناطق محروم استان خوزستان، تلاش برای محرومیت‌زدایی، بهسازی مدارس و مساجد فرسوده، ارائه خدمات بهداشتی به مردم مناطق محروم و... از جمله اقداماتی است که قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج توسط بسیجیان در راستای محرومیت‌زدایی در استان خوزستان انجام داده است.

اگر می‌شود کمی جزئی‌تر در خصوص خدمات محرومیت‌زدایی تان توضیح دهید.

اهدای جهیزیه به نوعر و سنان خوزستانی، ارسال بسته‌های امکانات ورزشی و توانبخشی به مناطق

انتظارها و مطالبه‌های معظم له نحوه تأثیر راهیان نور بر جغرافیای مناطق مورد هدف است؛ از این‌رو با برنامه‌ریزی و جلسات منظم تلاش شده است به این تدبیر از طریق خدمت‌رسانی به محرومان جامعه عمل پوشیده شود.

از چند سال گذشته، موضوع ارائه خدمات اجتماعی و محرومیت‌زدایی توسط بسیج در استان‌های میزبان راهیان نور در دست مطالعه بوده و از سال گذشته به صورت محدود آغاز شده است و در سال جاری نیز به فضل الهی و عنایت شهیدان عزیز شاهد توسعه کمی و کیفی آن بوده‌ایم و اعتقاد داریم هنوز از همه ظرفیت‌های راهیان نور در این راستا بهره‌برداری نشده

در مراسم عظیم اربعین حسینی، بسیج نقش عمده‌ای در برپایی موب‌های پذیرایی از زوار حسینی و همچنین ایجاد شرایط اسکان و تردد زائران حسینی در مرزهای چهارگانه خروجی کشورمان داشت

یک مراسم میلیونی و عظیم در روز اربعین حسینی در کربلا با ششم و بار دیگر به جهان نشان دهیم که اتحاد شیعیان زبانزد عام و خاص است. هماهنگی و ایجاد وحدت رویه، ساماندهی و بنا نهادن تسهیلات لازم در همه مقولات و مؤلفه‌ها برای حرکت زائران، ایجاد بستری لازم برای ساماندهی زائران برای عبور از مرزها و... از جمله اهداف شکل‌گیری این ستاد است.

بر این اساس و همچنین با توجه به قرار گرفتن یادمان‌های شهدا و مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس در مسیرهای منتهی به مرزهای کشور، شبکه مرکزی خادمان شهدا و بسیجیان نیز آماده خدمت‌رسانی به زوار حسینی بودند و به همین منظور موب‌هایی با همکاری آستان قدس رضوی برای رفاه حال زائران گرامی در مرزهای مهران، خسروی، شلمچه و چذابه راه‌اندازی شد و خادمان شهدا و بسیجیان برای ارائه خدمات در این مرز مستقر بودند و به پذیرایی و ارائه خدمات به زوار حسینی می‌پرداختند. ایستگاه‌های صلواتی زیادی در مرز خسروی راه‌اندازی شده‌اند تا پذیرایی از زائران حسینی را انجام دهند و از طرفی دیگر، ظرفیت ۷ هزار نفری جهت اسکان زائران اربعین حسینی در مرز خسروی توسط سپاه و بسیج مهیا شده بود.

بالغ بر ۶۳۰ دستگاه از خودروهای شرکت جوان سیر ایثار اعم از مینی بوس و اتوبوس، برای جابه‌جایی زائران اختصاص یافت و این خودروها به طور رایگان زائران را به عقبه مرزها انتقال می‌دادند که این حجم از انتقال در مرز مهران کثرت بیشتری داشت و علاوه بر آن، سپاه و بسیج تلاش کرد در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه و... شرایطی را برای اسکان زوار حسینی آماده کند. امسال کمیته مردمی استقبال از زائران غیرایرانی در مرزهای کشورمان حضور فعالی داشتند و شاهد حضور بیش از ۱۸۳ هزار زائر غیرایرانی در کشورمان بودیم که وارد کشور شدند و از چهار گانه خروجی در شلمچه، خسروی، چذابه و مهران وارد خاک عراق شدند.

به طور کلی نگاه بسیج به مقوله خدمت و توجه به محرومان و عموم مردم را چطور ارزیابی می‌کنید؟

هویت بسیج، مردمی است و در مواقع بحران‌ها نقش بسیج در ارائه خدمات به مردم برجسته‌تر می‌شود. مثلاً در زلزله کرمانشاه شاهد حضور گروه‌های بسیجی و مردمی برای کمک به مردم زلزله زده بودیم. همچنین در سیل اخیر کشورمان این بسیجیان و گروه‌های جهادی و مردمی بودند که با حضور در استان‌های گلستان، خوزستان و لرستان به مردم سیل‌زده در تمیز کردن گل و لای منازل و همچنین تعمیرات و بهسازی خانه‌هایشان کمک کردند. در مراسم عظیم اربعین حسینی، بسیج نقش عمده‌ای در برپایی موب‌های پذیرایی از زوار حسینی و همچنین ایجاد شرایط اسکان و تردد زائران حسینی در مرزهای چهارگانه خروجی کشورمان داشت. بسیج در دل مردم است و با وجود تهاجم فرهنگی دشمن، فرهنگ بسیج همچنان در میان مردم زنده است و یقیناً اگر بسیج نبود، امنیت فعلی در کشورمان حاکم نبود و نباید از حق گذشت که همین فرهنگ بسیج بود که باعث تقویت جبهه مقاومت در منطقه شد و در نهایت، نابودی داعش در عراق و سوریه را ممکن ساخت. ■

کشورمان برگزار شد که بسیجیان عزیز از جمله برگزارکنندگان این برنامه نمایشی بودند.

چند سالی است که شاهد حضور میلیونی مردم کشورمان در راهپیمایی اربعین حسینی هستیم. بسیاری از نهادها در این امر بزرگ شرکت می‌کنند. سازمان اردویی بسیج هم فعالیتی در این خصوص دارد؟

اتفاقاً چند سالی است که ستاد اربعین سپاه و بسیج در جهت خدمات‌رسانی به زائران اربعین حسینی و سهولت در رفت و آمد عاشقان سالار شهیدان (ع) فعالیت می‌کند. این ستاد اقدامات خوبی برای ارائه خدمات به زائران حسینی در مسیر راهپیمایی اربعین سالار شهیدان (ع) انجام داده است. ستاد

و بسیج، روزانه شاهد پخت غذا برای ۶ هزار نفر در هر وعده بودیم و تلاش کردیم اقلام و کالاهای ضروری مثل روغن، برنج، کنسرو، بیسکویت، قند، نبات، شیرینی و... را در میان خانواده‌های سیل‌زده این شهرستان توزیع کنیم. چندین تانکر آب در شهرستان پلدختر آماده کردیم و همچنین ساخت چندین حمام، ذبح‌دهها گوسفند برای تهیه گوشت و توزیع آن در میان سیل‌زدگان، تهیه غذای گروه‌های جهادی، خادمان شهدا، هلال احمر، ارتش، سپاه، بسیج و گروه‌های مردمی و ساکنان این شهرستان و... از جمله عملکرد ما در شهرستان پلدختر بوده است و سپاه و بسیج در کنار مردم سیل‌زده حضور پررنگی داشتند و تا آخرین توان، به مردم کمک‌رسانی کردند.



همه ساله شاهد برگزاری نمایش بازسازی غدیر خم در سراسر کشور هستیم که گویا شما متولی آن هستید و توسط بسیجی‌ها اجرا می‌شود. برگزاری این نمایش‌ها از چه سالی آغاز شده است؟

سال ۸۹ به دلیل مصادف شدن عید غدیر خم و روز بسیج سازمان اردویی، راهیان نور و گردشگری بسیج تصمیم به بهره‌گیری از ظرفیت بسیج برای برگزاری نمایش بازسازی غدیر خم در استان قم گرفتیم و این مراسم با شکوه خاصی در این استان برگزار گردید و از آن سال تا به امروز، هر سال شاهد برگزاری نمایش بازسازی غدیر خم در روز عید غدیر خم در سراسر کشور هستیم. سال گذشته شاهد اجرای نمایش بازسازی واقعه غدیر خم در ۱۰۰ نقطه از کشورمان بودیم و امسال با تلاش مسئولان ستاد بازسازی واقعه غدیر خم این برنامه نمایشی در روز عید غدیر خم در ۱۳۰ نقطه از

و سازمان اردویی راهیان نور دارد، تمام اردوگاه‌های راهیان نور در اختیار سیل‌زدگان این استان قرار گرفت که در این اردوگاه‌ها همه مسائل مربوط به این مردم عزیز در نظر گرفته شده بود که از آن جمله می‌توانیم به مسائل بهداشتی و درمانی تا مسائل مربوط به تهیه غذا و مایحتاج ضروری اشاره کنیم. در بازدیدهایی که انجام شده است و حتی اهالی رسانه هم در این بازدیدها حضور داشتند، حضور نیروهای جهادی و بسیجی در کنار مردم پررنگ بود. برادران ما، بسیجیان و خادمان شهدا در ستاد راهیان نور که خادمان مردم هستند، در استان‌های گلستان، لرستان و خوزستان به ارائه خدمات به مردم سیل‌زده کشور پرداختند.

خدمات شما به مردم سیل‌زده استان خوزستان که یکی از میزبانان قدیمی

راهیان نور هم است، در چه حوزه‌هایی بود؟ مردم خوزستان که در زمان وقوع سیلاب با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کردند، پس از فروکش کردن سیلاب با مشکل گل و لای موجود در منازل و کمبود مواد غذایی مواجه بودند و برخی روستاها همچنان با مشکل سیلاب دست به گریبان بودند و قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج به یاری سیل‌زدگان شتافت و در اردیبهشت ماه، شاهد توزیع ۱۴ هزار بسته غذایی و اقلام مصرفی و ضروری زندگی در میان مردم سیل‌زده این استان از سوی این قرارگاه بودیم. بیش از ۲۰۰ نیسان در استان خوزستان، ۱۴ هزار بسته اقلام غذایی و ضروری را در میان مردم این استان توزیع نمودند.

در استان لرستان چطور؟

از ۱۶ فروردین ماه به کمک سیل‌زدگان شهرستان پلدختر شتافتیم و تلاش کردیم خدمات ارزنده‌ای برای سیل‌زدگان این شهرستان انجام دهیم. به همت قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه

از اردوی جهادی خیلی خوشم می آید. به نظرم اردوی جهادی مصداق ضرب المثل علف باید به دهن بزی شیرین بیاد هست، اردوی جهادی هم همین طور است. افرادی که در اردوی جهادی شرکت می کنند، کار فرهنگی، عمرانی، هنری یا هر کار دیگری که انجام می دهند، بحث کار نیست بحث خدمت هست که به اهالی روستا انجام می دهیم

روایتی از ۳ شهید جهادگر

جهاد در مناطق محروم و شهادت در حرم



شهید حججی با لباس جهادگران در اردوهای جهادی



شهید بلباسی به عنوان یک جهادگر چهره آشنایی برای اصحاب رسانه بود



حضور در بین جهادگران تأثیر زیادی روی روحیه شهید زیر جلدی داشت

فرزندان کوچک دیروز، امروز در بستری که شهدا برای آنها فراهم کردند در زمینه های مختلف مشغول فعالیت هستند. جهادی که دیروز در دفاع از کشور معنا پیدا می کرد، امروز در جهاد برای از بین بردن فقر و محرومیت خود را نشان داده است. جوانان جهادگر نمونه بی نظیری از رهروان مکتب شهدا هستند که اگر چه در میدان جنگ حضور ندارند، اما حضورشان در عرصه علمی و فرهنگی و محرومیت زدایی کشور کمتر از جهاد در میدان جنگ نیست. همان بچه های جهادگر که جهاد را در کوه های صعب العبور کردستان و خوزستان و دشت های خاکی سیستان و خراسان جست و جو کردند، امروز در سوریه جبهه هایی از مقاومت را تشکیل دادند و مدافع حرم شدند. تعدادی از شهدایی که امروز نامشان در دفتر مدافعان حرم حضرت زینب(س) نوشته شده است از همان جهادگران بسیجی هستند.

■ جهادگر شهید محمد بلباسی

■ مؤسس قرارگاه جهادی علمدار کربلا

شهید محمد بلباسی از شهدای مدافع حرم است که در منطقه «خان طومان» سوریه به همراه چند تن از همزمانش به درجه رفیع شهادت نائل آمد. پیکر مطهر او همچنان جاویدالائز است. شهید مدافع حرم بلباسی پیش از آنکه لباس جهاد با تکفیری ها را به تن کند و وارد جبهه مقاومت شود، در کسوت یک جهادگر خدمت می کرد.

محمد بلباسی، متولد سال ۱۳۵۸ در قائم شهر مازندران بود. از او چهار فرزند به یادگار مانده است. شهید بلباسی بخشی از عمرش را در راه خدمت جهادی و در اردوهای جهادی صرف کرد و قرارگاه علمدار کربلا مازندران را بنیان گذاشت، مدتی هم در راهبان نور خدمت کرد و اواخر عمرش به عنوان مدافع حرم به جبهه سوریه رفت. ایشان مسئول اردوی سپاه کربلا مازندران بود.

همسر شهید خوابی را که دیده بود، اینگونه روایت می کند: «دیشب خواب محمد را دیدم، پرسیدم حال و روزت چطور است؟ گفت حالم خیلی خوب است و شرایطم عالی است. هر جا به مشکلی برمی خورم به دو نکته اشاره می کنم و رد می شوم. یکی خبریه صاحب الزمان که در مازندران تأسیس کردم و دیگری فعالیت های جهادی که انجام دادم.»

جهادگر بسیجی محمد بلباسی زمانی که تعدی تروریست های تکفیری را در خاک سوریه دید، تاب نیابور و راهی میدان جهاد شد تا این بار در جبهه نظامی به مصاف دشمن برود. شهید بلباسی در اولین روزهای فروردین سال ۱۳۹۵ اعزام شد و بعد از مدتی حضور و مجاهدت، نهایتاً در منطقه «خان طومان» سوریه و حین مبارزه با تروریست های تکفیری به همراه تعدادی از همزمانش در ۱۷ اردیبهشت ماه ۹۵ به شهادت رسید.

■ جهادگر شهید سجاد زیر جلدی

■ گروه جهادی سجاد به یاد سجاد

سجاد سال ۱۳۸۱ وقتی که نوجوان بود، جذب برنامه های بسیج دانش آموزی شد. نوجوانی محبوب و کم حرف اما سرشار از انرژی و بسیار با محبت بود. از آنجایی که فرد بسیار فعالی بود و برای حضور در مسجد، پایگاه و هیئت وقت می گذاشت، در قسمت های مختلف پایگاه بسیج مشغول کار شد. از همه کارهایش می زد تا به موقع به مسجد و هیئت و پایگاه کمیل مسجد حضرت ابوالفضل(ع) خانی آبادن برسد. در بخش های اردویی و فرهنگی کار می کرد و همچنین در برگزاری اردوهای راهبان نور مشارکت داشت.

سجاد جوان مخلص بود که زود بارش را بست و آسمانی شد. ارادت خاصی به حضرت مهدی(عج) داشت به نحوی که وقتی پیامی هم می گذاشت حتی اگر این پیام کوتاه بود، آخرش عدد ۵۹ را می نوشت که به ابجد «مهدی» می شود.

ارادت وی به آقا صاحب الزمان(عج) در وصیت نامه اش نیز بروز یافته است، آنجا که می نویسد: برادران و خواهران من، اگر مادر راه امام زمان(عج) باشیم بهتر است هلاک شویم و اگر در راه امام زمانمان استوار بمانیم، بهتر است آرزوی شهادت کنیم، زیرا شهادت زندگی ابدی است. برادران و خواهران من، امام زمان(عج) غریب است. نباید آقا را فراموش کنیم، زیرا آقا هیچ وقت ما را فراموش نمی کند و مدام در رحمت دعای خیرش هستیم. از شما بزرگواران خواهشی دارم، بعد از نمازهای یومیه دعای فرج فراموش نشود و تا قرائت نکردید از جای خود بلند نشوید زیرا امام منتظر دعای خیر شماست.»

خواهر شهید می گوید: «سجاد تا وقتی که وارد بسیج نشده بود کمی بازگوش بود. سالی که دانش آموز اول راهنمایی بود، برای حضور در جشن عید غدیر به مسجد رفت و همان مراسم موجب جذب وی به پایگاه بسیج مسجد شد. یکی از فرماندهان پایگاه

خیلی روی سجاد تأثیر گذاشت و همین باعث شد تا از شیطنتهای نوجوانی اش کم شود. سه بار به سوریه رفت، یکبار به ما گفت به کردستان رفته است. دفعه بعد گفت به اصفهان می روم. آخرین باری که می خواست به سوریه برود خیلی مهربان شده بود. با مادرم که خداحافظی می کرد چندبار برگشت و مادر را نگاه کرد.»

هفتم مهر ماه ۹۵ سجاد زیر جلدی در دفاع از حرم و حریم اهل بیت (ع) به دست تروریست ها در سوریه به شهادت رسید. او یک بسیجی جهادگر بود و اکنون نیز یک گروه جهادی به نامش در ورآمین تشکیل شده است تا به مناطق کم بر خوردار خدمات ارائه کند.

■ جهادگر شهید محسن حججی

■ عاشق جهاد و اردوهای جهادی

«محسن حججی» از جهادگران و اعضای فعال مؤسسه شهید احمد کاظمی و از فعالان ترویج و تبلیغ کتاب بود. اقدامات جهادی را با شرکت در اردوهای سازندگی در قالب کمک به محرومان انجام می داد. وی همچنین از خادمین راهبان نور در مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس بود. یکی از دوستانش می گوید: «می خواستیم به یک اردوی جهادی برویم، اما مشکلات مالی وجود داشت و برخی پیشنهاد دادند تا به دلیل این مشکلات اردو لغو شود. جلسه ای برگزار شد تا در خصوص لغو اردو تصمیم گیری شود. محسن در آن جلسه اصرار به برگزاری اردو داشت و گفت حتی اگر یک نفر از شما هم نیایید، به تنهایی خواهیم رفت. با جدیت و سماجت او بود که آن اردو برگزار شد. باید بگویم که محسن عاشق جهاد و اردوهای جهادی بود.»

شهید حججی همواره از درس هایی که در فعالیت های جهادی آموخته بود، یاد می کرد. او می گفت: «درس های مهم زیادی از اردوهای جهادی یاد گرفتم. یکی اینکه نباید در مورد دیگران زود قضاوت کنیم. بعضی ها به ظاهر کم کار می کردند ولی کارهایی می کردند که امثال من پر ادا

نمی توانستیم انجام بدهیم. کار دیگری که خیلی به دلم می نشست این بود که وقتی بین مردم روستا می رفتیم و می گفتیم که بیایید کمک کنید و کار کنید، می خواهیم برای شما مسجد بسازیم، حالامنت هم می گذاشتیم که ما از شهر آمدیم تا به شما کمک کنیم، آنها طوری به ما نگاه می کردند که انگار ما از طرف خداوند آمده ایم تا فرشته نجات آنها باشیم. اصلاً خداوند ما را فقط برای کمک به آنها فرستاده است و ما پیش خود می گفتیم اینها چطور در مورد ما فکر می کنند؟ ما خیلی خودمان را دست پایین گرفتیم یا اینها ما را خیلی بزرگ فرض می کنند! هر چه بود به جهادی ها می گفتم قدر خودتان را خیلی بدانید، جای خیلی خوبی آمدیم. یکی از دوستانم می گفت خدانشناسی در انزوا هنر نیست، فضای مناطق محروم به دلان نشست است، خدا را اینجا پیدا کردیم. ما اینجا از شهر دوریم اما به خدا نزدیک هستیم، اگر بتوانیم در همان شهرمان هم خدا را داشته باشیم، بالاترین جهاد را کرده ایم.

از اردوی جهادی خیلی خوشم می آید. به نظرم اردوی جهادی مصداق ضرب المثل علف باید به دهن بزی شیرین بیاد است، اردوی جهادی هم همین طور است. افرادی که در اردوی جهادی شرکت می کنند، کار فرهنگی، عمرانی، هنری یا هر کار دیگری که انجام می دهند، بحث کار نیست بحث خدمت است که به اهالی روستا انجام می دهیم. به قول شاعر، آسمان فرصت پرواز بلند نیست ولی / قصه این است چه اندازه کبوتر باشیم. محسن حججی سرانجام به جبهه مقاومت در سوریه رفت و در مرز سوریه با عراق به اسارت گروهک تروریستی داعش درآمد. عکس لحظه اسارت او که چهره مصممش را به هنگام اسارت نشان می داد، جهانی شد. جنایتکاران تکفیری پس از دو روز سر از تنش جدا کردند و او را مظلومانه به شهادت رساندند. شهید محسن حججی ۲۵ ساله اصالتاً اهل نجف آباد اصفهان بود که مزارش امروز زیارتگاه مردم و عاشقان راه جهاد و شهادت است. ■

بسیج، سازندگی و محرومیت زدایی
در گفت و گو با سرهنگ محمد زهرایی
مسئول بسیج سازندگی کشور

۱۲ هزار گروه جهادی فعال داریم

صغری خیل فرهنگ



بسیج سازندگی بستر مناسبی برای انتقال روحیه جهاد و ایثار به نسل جوان است. تقویت و توسعه روحیه جهادی و تلاش در زمینه محرومیت زدایی همواره یکی از مهم ترین مطالبات و خواسته های مقام عظمای ولایت بوده که به لطف الهی پس از تشکیل سازمان بسیج سازندگی تا به امروز در این راستا اقدامات تحول گراییانه و ارزشمندی در سراسر کشور صورت گرفته است.

روحیه جهادی بر این باور است که حل مشکلات کشور در سایه اعتقاد و باور عمیق و جدی به روحیه و کار جهادی امکانپذیر است، در حالی که دشمن امروز با راه اندازی جنگ اقتصادی به دنبال تشدید فشارها بر ملت و نظام اسلامی ایران است، ما باید بتوانیم ضمن رفع نقاط ضعف و سوءمدیریت ها، به فعالیت های جهادی بیشتر اعتماد کنیم و روز به روز در مسیر تقویت اینگونه حرکت ها تلاش بیشتری انجام بدهیم. سازمان بسیج سازندگی که در سال ۷۹ به نوعی جانشین جهاد سازندگی شد، اکنون به آن میزان از قابلیت دست یافته که هزاران گروه جهادی را ساماندهی و مدیریت می کند. گفت و گوی ما با سرهنگ زهرایی مسئول بسیج سازندگی کشور سعی دارد تا مروری بر فعالیت های جهادی بسیجیان داشته باشد.

است که رفتند و شبانه روز سر از پا نشناختند. یک مقداری متفاوت است و چهارم اینکه اختیاراتی که جهاد سازندگی ابتدای انقلاب داشت، امروز بسیج سازندگی ندارد.

در حال حاضر خیلی از نهادها متولی امور هستند. مثلاً جهاد سازندگی ابتدای انقلاب از راه روستایی، از حمام، آب روستایی، کشاورزی و همه چیز را دست گرفته بود. اما در حال حاضر دستگاه های مختلفی دخیل هستند و نمی شود گفت که بسیج سازندگی همه کارها را می تواند انجام دهد. مضاف بر اینکه ما دولتی صرف هم نیستیم. ولی ماهیت و هویت بسیج سازندگی در نیروهای مسلح، سپاه و بسیج معنا می شود و مأموریت های متعددی علاوه بر محرومیت زدایی دارد اما بحق باید گفت رویشی از نسل جدید جهادگران به وجود آمده است؛ نسلی که هشت سال دفاع مقدس را تجربه نکرد، خدمت رسانی و محرومیت زدایی جهاد سازندگی ابتدای انقلاب را ندید، ولی آنقدر اعتقاد و باور دارد که هنوز هم با همه تنگناهای معیشتی، اقتصادی و تهاجم فرهنگی باز پای کار است و به امر رهبری وارد میدان شده است. به نظر من در گام دوم انقلاب که مقام عظمای ولایت هم به آن اشاره کردند، صف های طولانی جهادگران در جهاد سازندگی قدیم و بسیج سازندگی امروز که به عنوان دستاورد و ظرفیتی برای انقلاب است، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و برایش نقشه راه و برنامه طراحی کنیم که ان شاء الله این جوانان گام

بسیج سازندگی در سال ۱۳۷۹ در پی
ادغام جهاد سازندگی در وزارت
کشاورزی به فرمان امام خامنه ای
تشکیل شد. آیا بسیج سازندگی توانسته
جایگزین مناسبی برای این نهاد انقلابی
باشد؟

افتخار جهادگران و ما به عنوان خادمان مردم در بسیج سازندگی این است که این نهاد انقلابی به دستور شخص رهبری تشکیل و راه اندازی شد و جوهره و ماهیت آن هم جهادگران و گروه های جهادی بودند. این دو شاخصه همواره برای ما باعث افتخار است. در پاسخ به این سؤال که آیا بسیج سازندگی توانسته جهاد سازندگی ابتدای انقلاب باشد یا نه؟ باید بگویم که در برخی از ابعاد که مقایسه می کنیم، می بینیم نشده است. ولی در پیچه های جدیدی از فرصت و ظرفیت گشوده شده که در جهاد سازندگی این در پیچه ها باز نبود.

جهاد سازندگی با بسیج سازندگی تفاوت هایی دارد. نکته اول اینکه جهاد سازندگی در ابتدای انقلاب بود و هیجانات، شور و نشاط مردم و باورها و عقاید با امروز خیلی متفاوت است. نکته دوم آن عقب افتادگی که در زمان طاغوت بوده و محرومیتی که در روستاها و مناطق روستایی اتفاق افتاده بود لزوم محرومیت زدایی را برای همگان، به یک ضرورت تبدیل کرده بود و این باعث شد که جهاد سازندگی بیشتر به چشم بیاید. سوم انگیزه افرادی

محمد مهدی صالحی / جوان



دوم انقلاب را به دست بگیرند.

سال گذشته مقام عظمای ولایت در دیدار با بسیجیان در ورزشگاه آزادی، از ۱۰ هزار گروه جهادی صحبت کردند. اینکه این گروه ها باعث مباحثات رهبری شده بودند، جای بسی تأمل دارد. لطفاً بفرمایید ما چند گروه جهادی داریم و در چه عرصه هایی فعال هستند؟

۱۲ مهر سال گذشته اجتماعی از بسیجیان تشکیل شد. جمعی از عاشوراییان و جهادگران در آن شرکت داشتند. مقام عظمای ولایت در آنجا اشاره فرمودند که تصویر واقعی کشور همین جهادگران هستند که صدها هزار پروژه محرومیت زدایی را در مناطق محروم انجام داده و می دهند. اینها مجری آینده کشور هستند. ما در حال حاضر ۱۲ هزار و ۱۰۴ گروه جهادی داریم که دو نوع گروه جهادی محسوب می شوند. یک گروه جهادی که جغرافیامحور و مهاجر است. این گروه توان دارد که از نقطه استقرار خود و مکان خود به نقطه دیگر برود و یک جغرافیایی را بپذیرد و چند سالی آنجا مستقر باشد و کار جهادی و محرومیت زدایی انجام بدهد.

گروه جهادی دیگر آن گروهی است که محله محور است؛ گروهایی که هجرت نمی کنند و جغرافیا نمی پذیرند و در محله خودشان خدمات کوچک ارائه می دهند. برنامه محور نیستند و پروژه محورند. پروسه کاری دارند، اما در محله خودشان هستند. این دو تا

با هم تفاوت دارند. از میان ۱۲ هزار گروه جهادی عده ای پیشرو هستند که همیشه توانستند به بقیه خط بدهند و مانند لکومونیو عمل می کنند. اینها جهادگران دانشجویی هستند. نزدیک هزار و ۵۰۰ گروه جهادی دانشجویی داریم.

گروه های جهادی به سه بخش و سطح تقسیم می شود: عادی، فعال و ویژه. گروه های جهادی دانشجویی پر تلاش، جوان، ایده پرور و دارای علم و اهل مطالبه گری هستند. گروه های جهادی محلات بیشترین تعداد را از آن خود کرده اند. از ۱۲ هزار گروه جهادی، ۷ هزار گروه جهادی متعلق به محلات است. این گروه ها در محلات شکل گرفتند اما مهاجرت هم می کنند و در سه سطح تعریف شده اند: عادی، فعال و ویژه، که ۷۴۷ گروه جهادی ویژه در کل کشور از گروه های محلات هستند.

گروه جهادی ویژه منابع مالی را از خیرین و منطقه جغرافیایی تأمین می کند. گروه جهادی فعال با حداقل حمایت ها می رود و هجرت می کند و تلاشمان این است که گروه های جهادی هایمان توانمند شده و از عادی به فعال و از فعال به ویژه سوق پیدا کنند.

در میان این گروه های جهادی برخی از گروه ها خیلی خوب کار می کنند؛ مانند گروه های پزشکی، خدماتشان ملموس است و هم به چشم می آید. گروه های جهادی بسیج مهندسين کشاورزی هم

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان |



اقتصاد مقاومتی باید سیاست و اولویت دولت باشد. اقتصاد مقاومتی یعنی درون‌زا کردن و برون‌نگر کردن، یعنی استفاده از ظرفیت‌های داخل، اعتماد به تک‌تک مردم، مردم‌پایه کردن اقتصاد. اگر به مردم نقش بدهید، انگیزه پیدا می‌کنند و چرخ اقتصاد توسط خود مردم جلو می‌رود

فعالیت‌های خوبی دارند. از دیگر گروه‌های جهادی فعال، گروه‌های هادی طلاب است که بسیار خوب کار می‌کنند.

مقام عظمای ولایت امسال شعار رونق تولید را مطرح کردند و با توجه به اینکه بسیج همواره در اجرایی کردن منویات رهبری پیشرو است، بسیج سازندگی در این زمینه چه اقداماتی انجام داده است؟

مزیت بسیج به شبکه عظیم نیروی انسانی‌اش است. اعتمادی زیادی بین مردم و بسیج وجود دارد. این شبکه عظیم نیروی انسانی از اقشار مختلف و متخصص تشکیل شده‌اند. به خدمت گرفتن و سمت و سو دادن و هم‌جهت کردن اولوی‌ترین است که بسیج سازندگی باید به آن بپردازد. در چند سال گذشته که شعار «اقتصاد مقاومتی» توسط مقام عظمای ولایت مطرح می‌شد، ما به دنبال این بودیم که کارگاه‌های اقتصاد مقاومتی، کسب و کار خرد و مشاغل خانگی راه‌اندازی کنیم و در یک پروسه اجرایی و مطالعات میدانی که انجام شد، در کنار کار علمی که از دوستان دانشگاه امام حسین (ع) و نخبانان کمک گرفتیم، به این نتیجه رسیدیم که باید مدیریت زنجیره ارزش کنیم.

مدیریت زنجیره ارزش یعنی اینکه شما تصدی‌گری نکنید و خودتان مستقیم وارد کار تولید و بازاریابی نشوید و سرمایه‌گذاری را انجام ندهید، بلکه همه این کارها به دست خود مردم انجام شود. یعنی مردم را توانمند کنیم تا بتوانند در خوشه‌ها و رشته‌های شغلی کار کنند.

از سال گذشته قطب‌های صنایع تبدیلی رونق بیشتر گرفته است. ۴۳۵ قطب در کشور شناسایی شده است که نقطه مداخله رده‌های بسیج و سپاه برای تهریف خواهد شد.

ما یک تیم راهبری مشخص کردیم که این تیم می‌رود و با کمک سپاه و بسیج تمام خلأها و گلوگاه‌های هر رشته شغلی را درمی‌آورد. به عنوان مثل اینکه، پنیر طالقان در تأمین، تولید و صنایع بسته‌بندی و بازار چه مشکلی دارد؟ کجا خلأ وجود دارد؟ و چه رده‌ای از سپاه و بسیج باید نقش ایفا کند و بعد گروه‌های جهادی اقتصاد مقاومتی تعیین می‌شود که در همان منطقه مدیریت زنجیره ارزش بکنند. این مدل جدیدی است که ان‌شاءالله در این عرصه وارد عمل خواهیم شد. ما به کمک مردم ۱۷۰ هزار کارگاه اقتصاد مقاومتی در دو عرصه توانمندسازی و مهارت‌آموزی راه‌اندازی کردیم و هم‌برایشان گواهی‌نامه صادر و هم کارگاه راه‌اندازی کرده‌ایم و تلاش‌مان بر این بوده برای آنها بازاری فراهم شود. اینها در صنایع تبدیلی اتفاق می‌افتد که نقطه مداخله ما هم مشخص شود که ان‌شاءالله ما بهتر بتوانیم خدمت کنیم.

در بحث کار آفرینی چه اقداماتی را انجام داده‌اید؟

قبلاً شبکه‌ای از کارآفرینان در خوشه‌های صنایع خرد، مشاغل خانگی و کارگاه‌های اقتصاد مقاومتی شکل گرفته است. ما یک شبکه ۲ هزار و ۵۰۰ نفری از کارآفرینان داریم.

۱۵۰۰ نفر شبکه تسهیل‌گران ما هستند که توسط سازمان بسیج مستضعفین آموزش دیده و توانمند شده‌اند که به مردم کمک می‌کنند تا سرمایه اجتماعی بالا ببرد. مثلاً صندوق خرد و خانگی برای

خودشان تشکیل بدهند و کارگاه و رشته‌های شغلی ایجاد کنند. اینها در کنار کار آفرینان کار می‌کنند و تقریباً حکم مربی و رابط را دارند، مشکلات را حل می‌کنند و به مردم راهنمایی و مشاوره می‌دهند البته بدون نگاه تصدی‌گری.

بعد از زلزله‌ای که سال ۱۳۹۱ در سه شهر آذربایجان شرقی اتفاق افتاد، بسیج به شکل سازمان‌یافته وارد حوادث غیرمترقبه‌ای از این دست شد. این حرکت در حوادث دیگر هم تکرار شد. سازمان بسیج سازندگی چه برنامه منسجمی در این زمینه دارد؟

در زلزله سال ۱۳۹۱ ورزقان سازمان بسیج سازندگی در ساخت ۲ هزار واحد کمک کرد و در حداقل زمان آن واحدها را تحویل داد، اما در زلزله کرمانشاه و سر پل‌ذهاب یک اتفاق جدید و خوبی افتاد و آن این بود که فرمانده وقت سپاه پاسداران قرارگاهی را در آنجا تشکیل داد و به سپاه‌های استانی به صورت قرارگاهی

سیل مناطق مختلف مثلاً در پنج استان مازندران، هفت استان گلستان، هشت استان خوزستان، هفت استان لرستان و در دو استان ایلام عملیاتی و در همان دو مرحله امداد و نجات اولیه و ساخت منازل به اجرا درآمد. نتیجه کار امداد رسانی برگ‌زینی بر تارک افتخارات سپاه و بسیج شد. در حوزه بسیج سازندگی ۶۲۰۰ گروه جهادی و نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر راهی شدند بدون اینکه ما اعتباری برای آنها در نظر بگیریم. نزدیک به ۲۰ هزار خانه و ۲۵۰۰ کوچه از گل‌ولای خارج شد و ۱۴۰۰ تا سیل‌بند احداث شد؛ همه اینها با مشارکت مردم عزیزمان بود که صحنه‌های بسیار خوبی خلق شد.

در راستای اجرای مرحله دوم حضور یعنی ساخت منازل، تفاهنامه‌ای با عنوان «طرح جهاد همبستگی» با بنیاد مسکن به نمایندگی از دولت مطرح و بسته شد. برای تأمین اعتبار این بخش ۴۰ میلیون تسهیلات دولتی و ۱۰ میلیون هم وام بلاعوض به مددجویان و نیازمندان بهزیستی داده

داریم. با هر وزارتخانه متناسب با مأموریتی که دارد در حال انجام کار هستیم. یکی از مأموریت‌های ما کمک به دولت در انجام پروژه‌های کوچک و زودبازده و محرومیت‌زدایی است. از دیگر زمینه‌های همکاری‌مان با دولت باید به مردم‌پایه کردن اقتصاد اشاره کنم.

ما سعی کردیم کمک دولت و بازوی اجرایی دولت باشیم و موازی کاری انجام ندهیم و الحمدالله تعاملات خوبی هم با وزارت کشور داریم و داعیه این را نداریم که حتماً پرچمی بالا ببریم بلکه آن خدمت را در راستای مأموریت‌مان انجام می‌دهیم تا یک لیخندی بر لبان مقام عظمای ولایت بنشانیم. امیدواریم که ان‌شاءالله هم رضایت مردم جلب شود و هم کمکی به کارآمدی نظام و دولت کنیم.

بسیج سازندگی برای هم‌افزایی دستگاه‌ونهادهای مختلف مثل کمیته امداد چه کرده است؟ بسیج برنامه‌ای دارد برای تعامل نزدیک با این نهادها؟



در بخش جمع‌آوری منابع و کمک‌های مالی دخالته نداریم. ولی در حوزه مأموریتی خودمان در احداث منازل مددجویان کمیته امداد و بهزیستی خوب کمک می‌کنیم، همه را حمایت می‌کنیم، ولی نمی‌پذیریم که تصدی‌گری گروه‌های جهادی را کسی انجام بدهد. این کار برای صیانت از بسیج است و اینکه در سیطره گروه‌های ذینفع سیاسی و اقتصادی نیفتد و پاک و زلال بمانند. عقبه گروه‌های جهادی در بسیج تعریف شده است.

اخیراً من با ۵۰ نهاد انقلابی و دستگاه اجرایی در خصوص اینکه همگرا شویم و از ظرفیت‌های جهادی استفاده کنیم مکاتبه کرده‌ام. با تک‌تکشان تشکیل جلسه می‌دهیم تا یک تعریف مشترک و نسبتی بین خودمان و آنها و گروه‌های جهادی ایجاد کنیم که ان‌شاءالله هم‌افزایی کنیم. برخی استقبال کردند و برخی هم هنوز پاسخی ندادند، ولی ما پیگیر هستیم؛ چراکه کار جهادی با مطالبه‌گری و روحیه بسیجی و سختکوشی همراه است.

روحه بسیجی و جهادی در تحقق مباحث اقتصاد مقاومتی چقدر می‌تواند تأثیرگذار باشد؟

شد. ساخت ۸۵۰۰ خانه شروع شد که ۶ هزار واحد تعمیری به اتمام رسیده و ۲۶۰۰ واحد در حال ساخت با پیشرفت ۵۰ درصد می‌باشد که ان‌شاءالله تا دهه فجر آنها را تحویل خواهیم داد.

چه تعاملی با نهادهای دولتی دارید؟
بسیج سازندگی جزو دستگاه‌های اجرایی کشور محسوب می‌شود و در سال ۱۳۸۶ مجلس محترم قانون اختیارات بسیج سازندگی را ابلاغ کرد و سال ۱۹۵۰ بین‌نامه اختیارات بسیج سازندگی در دولت و هیئت وزیران ابلاغ شد. به نوعی بسیج سازندگی ویرترین و نوک پیکان تعامل با دولت است. این تعامل در سه حوزه جهادی، محرومیت‌زدایی و اقتصاد مقاومتی بین بسیج و دولت انجام می‌شود. در این راستا ما با سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف تفاهنامه داریم و کارهای مشترکی را انجام می‌دهیم.

با وزارت جهاد کشاورزی بحث قنات و استخرهای ذخیره آب و موضوعات مختلف را دنبال می‌کنیم. با سازمان بهزیستی و کمیته امداد در ساخت منازلشان و مرمت و بازسازی منازلشان همکاری

تشکیل بسیج می‌تواند به ساخت یمن کمک کند. مردم یمن برای مقابله با دشمن و مقاومت از هر امکان ارزشمند و قدرتمندی استفاده می‌کند و امیدشان به خدا است

مأموریت داد؛ یعنی ۳۳۰ روستایی که برای کار خدماتی به سپاه محول شده بود، بین ۳۲ سپاه استانی تقسیم کار شد و هر کدام چند روستا را برای انجام امور جهادی و خدمت‌رسانی در دست گرفتند و در دو مرحله وارد کار شدند؛ یکی خدمت‌رسانی اولیه بود. یعنی امداد، نجات و اسکان موقت. مرحله دوم ساخت خانه با اولویت نیازمندان بهزیستی بود که حدود ۱۷۰۰ مورد توسط سازمان بسیج و چند سپاه استانی با محوریت بسیج سازندگی استان‌ها احداث و تحویل مردم شد.

کار قرارگاهی تجربه‌ای بود که بعدها در زلزله و

برای تقویت بسیج سازندگی باید گروه‌های جهادی‌مان هویت قانونی پیدا کنند. ما خودمان به جهادگران کد ثبت می‌دهیم، اما توسط دولت اینها شناخته شده نیستند و قابل حمایت هم نیستند

هم به آن اشاره شده است و برای خودمان تعریف کرده‌ایم (البته هنوز تدوین و ابلاغ نشده است) ۲۳ نفر از این عزیزان جانشان را از دست داده‌اند که جزو شهدای جهادی محسوب می‌شوند. تعدادی از این عزیزان که جهادگر بودند، بعد از حضورشان در جبهه مقاومت اسلامی و در جبهه نظامی و در لباس رزم به شهادت رسیدند. شهدایی چون حججی، بلباسی و شهید سجاد زیر جدی.

چند وقت پیش خبر افتتاح پروژه‌های ملی شنیده شد؛ چقدر از این پروژه‌ها سهم بسیج سازندگی بود؟

۱۳ بهمن ۹۷ عملیات اجرای ۴۰ هزار پروژه کوچک زودبازده عام‌المنفعه کلید خورد که جامعه هدف این پروژه‌ها ۱۳ هزار روستاست. اسم این عملیات «طرح بزرگ خدمت‌رسانی همزمان» است. ابتدا این نکته حائز اهمیت است که اغلب این پروژه‌ها انجام می‌شد اما پراکنده بود و ما در این طرح قصد داشتیم که همه اینها در یک جا متمرکز شده و به مردم معرفی شود.

نکته دوم اینکه کارآمدی نظام، دولت و سپاه و بسیج دیده شود و سوم طرح بزرگ خدمت‌رسانی همزمان یعنی اینکه همگرایی و اتفاق نظر بین ما، دولت و سایر نهادها را در خودش نشان می‌دهد. یعنی اینکه ما جزیره‌ای عمل نکرده باشیم، برخی از این منابع مالی را سپاه، برخی را قرارگاه محرومیت‌زدایی، قرارگاه پیشرفت و آبادانی و بخشی هم آستان قدس، بنیاد برکت و مستضعفان و ستاد اجرایی امام خمینی تقبل کرده‌اند و بخشی هم در تفاهنامه‌هایی که با بهزیستی داشتیم توسط دولت تأمین اعتبار شده است. همه اینها کمک کرده‌اند که باز هم جای تشکر دارد.

این پروژه‌ها حاصل زحمات همه است نه فقط بسیج سازندگی. خروجی‌اش این است که مردم می‌بینند و نشاط و روحیه می‌گیرند و منابع مالی جدید به سمتشان سوق پیدا می‌کند. حضور سرلشکر سلامی، سردار سلیمانی و سردار حزنی و باقی مسئولان در استان‌ها به بهانه افتتاح هم نوعی از بازدید و سرکشی از مناطق محروم است و هم تعریف پروژه‌های جدید که خودش یک فتح باب شده است.

از ۴۰ هزار پروژه ۱۵ هزار تا پروژه تمام شده و به بهره‌برداری رسیده است که برخی با حضور سردار سلیمانی ریاست سازمان بسیج مستضعفین و برخی با حضور سرلشکر سلامی فرمانده کل سپاه به صورت استانی افتتاح شده است. مابقی در دست اجراست که ۲۸ هزار پروژه در حال حاضر پیشرفت فیزیکی دارد. مادر هفته بسیج و در ۴۰ سالگی بسیج شاهد افتتاح پروژه‌های مختلف خواهیم بود. ما باید به مردم امید بدهیم. متأسفانه جبهه استکبار در مردم یأس و ناامیدی ایجاد می‌کند و یک راه برای مقابله این است که این خدمات را نشان دهیم. به فکر دغدغه مردم باشیم.

شاید افتتاح یک درمانگاه و هتل به اندازه راه‌اندازی یک قنات برای کشاورز روستایی مهم نباشد؛ چراکه دغدغه آن روستایی آب کشاورزی است و اثر بخشی آن قنات یا آن بند خاکی برای ایشان بیشتر باشد. باید پروژه‌ها برای مردم و دغدغه آنها را در نظر داشته باشیم. جنس پروژه‌ها با دغدغه مردم هماهنگ باشد و از طرفی دستگاه‌ها و مردم کنار هم باشند. البته این بدان معناست که همه کنار هم هستند و فاصله‌ای وجود ندارد. ■

مختلف کارآفرینی و اقتصاد مقاومتی و مشاغل خانگی در دست نداریم. مثلاً اگر بپرسید چند خواهر در مشاغل خانگی خواهران مشغول هستند یا اینکه چند گروه جهادی خواهر در حال فعالیت هستند؟ نمی‌دانم. در این زمینه کار مستقل انجام ندادیم. از این رو ضرورت دارد که در بسیج سازندگی واحدی برای خواهران داشته باشیم. بحث دیگری که ما را به این فکر واداشت این بود که در بلایای طبیعی ما جایی برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی و مشارکت مردمی نیاز داریم. مثل مجمع خیرین یک جایی که شماره حساب داشته باشیم کمک‌ها را جمع کنیم و بعد هدفمند هزینه کنیم. اینها عرصه‌هایی است که مغفول مانده است و بسیج سازندگی هم بهترین جا است که اتفاق بیفتد. ما یک بنه تدارکاتی نیاز داریم.

برای تقویت بسیج سازندگی باید گروه‌های جهادی‌مان هویت قانونی پیدا کنند. ما خودمان به جهادگران کد ثبت می‌دهیم، اما توسط دولت اینها شناخته شده نیستند و قابل حمایت هم نیستند. در قانون اختیارات آمده است که دولت حمایت کند

نشده باشد اما از بیرون بیشتر قدر انقلاب اسلامی را می‌دانند. دوستی می‌گفت در انقلاب یمن ما در خانه‌ای را زدیم که آقا شما هم بیایید، گفته بود باشد. آمده بود و بعد متوجه شدیم نیم ساعت قبل از اینکه ما به دنبالش برویم، فرزندش از گرسنگی جان خود را از دست داده بود. به ما هم نگفت. ما از جایی دیگر متوجه شدیم. ما باید دنبال این روحیات جهادی باشیم. باید در گام دوم انقلاب و ۴۰ سالگی بسیج، لشکر منتظر امام زمان (عج) را تربیت و آماده کنیم. این تفکر جهادی نباید فقط در جهادی‌ها بماند. در ۴۰ سالگی بسیج، آقا هم به جوانان دل بسته‌اند. جهادگران می‌توانند نقش بسزایی در این امر داشته باشند. باید سعی کنیم همه جوانان گفت‌وگو جهادی پیدا کنند و تصمیم‌گیرندگان نظام تفکر جهادی داشته باشند.

در صحبت‌های قبلی تان به تقویت بسیج سازندگی و تشکیل واحد بانوان اشاره داشتید. در این مورد می‌توانید بر ایمن توضیح بدهید؟

ما برای تقویت بسیج سازندگی چند درخواست



داده‌ایم؛ یکی اینکه سند نوسازی حرکت‌های جهادی را در دو جنبه محتوایی و ساختاری تهیه می‌کنیم. یعنی حرکت‌های جهادی که در سال ۸۹ رونمایی شد الان احتیاج به یک بازنگری بر اساس گام دوم انقلاب و منویات امام خامنه‌ای دارد که در تقویت بسیج سازندگی اولین اولویت ما تقویت جریان جهادی است. یعنی هم تفکر جهادی، هم زیرساخت و ساختار و هم محتوایی و گفت‌وگو سازی آن تقویت شود.

نکته دیگر اینکه ساختار خود بسیج سازندگی معیوب است. مثلاً ما در ساختار بسیج سازندگی در همان عرصه اقتصاد مقاومتی که اشاره کردید نزدیک به ۵۰ درصد از فعالیت‌های ما در عرصه اقتصاد مقاومتی توسط جهادگران خواهر اجرا می‌شود.

اما ما برای رصد، پایش، سازماندهی جایی نداریم. ما اطلاعاتی از فعالیت‌های خواهران در عرصه‌های

ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که سیر تفکر جهادی از روزی که بسیج سازندگی راه‌اندازی شده برای پر کردن اوقات فراغت بود و بعد سفیران کار و تلاش و کادر سازی و بحث مجریان آینده کشور مطرح شد. از فرمایشات مقام عظمای ولایت در گام دوم انقلاب اینطور می‌شود استنباط کرد که اگر روزی جهادگران ما تصمیم‌ساز بودند و به محرومیت‌زدایی کمک کردند، الان باید در بدنه اجرایی کشور قرار بگیرند، مسئولیت بپذیرند، مسائل را حل کنند و باید تصمیم‌گیرنده باشند. به نظر من در گام دوم انقلاب جهادگران باید به سمتی بروند که نه تنها تفکر جهادی در همه نهادینه و عمومی شود بلکه جهادگرانمان پرچمدار مسئولیت‌های کشور بشوند. اگر در بدنه، هزار تفکر و روحیه جهادی هم وارد کنید اما متولی و مسئولیت با یک تفکر غیر جهادی باشد، اتفاق خاصی نمی‌افتد. چون خط مشی‌ها و سیاستگذاری‌ها خیلی مهم هستند.

اقتصاد مقاومتی باید سیاست و اولویت دولت باشد. اقتصاد مقاومتی یعنی درون‌زا کردن و برون‌نگر کردن، یعنی استفاده از ظرفیت‌های داخل، اعتماد به تک‌تک مردم، مردم‌پایه کردن اقتصاد. اگر به مردم نقش بدهید، انگیزه پیدا می‌کنند و چرخ اقتصاد توسط خود مردم جلو می‌رود.

اما اگر نگاه دولت به بیرون باشد، نگاه به این باشد که سرمایه‌گذار از بیرون بیاید و واردات انجام بگیرد و نگاه بر جامی بر اقتصاد حاکم بشود، آن وقت چه کاری باید انجام داد؟

اولین مطلب این است که جهادگران ما تفکر جهادی را هم خودشان و هم در بدنه اجرایی به تصمیم‌گیرندگان و به آنها می‌دهد که در رأس هستند برسانند. مطلب دوم اینکه خود جهادگران باید تصمیم‌گیر بشوند و مسئولیت‌ها را بپذیرند و این هم باید سازوکارش تعریف شود؛ هم در نیروهای مسلح و هم در دستگاه‌های اجرایی.

سوم اینکه شما در گام دوم انقلاب وقتی ۴۰ سالگی انقلاب و بسیج را در پیش دارید، به بلوغ رسیدید. دیگر یک جوان ناپخته ناشی نیستید که بگوییم حالا آزمون و خطا داریم. از یک انقلاب ۴۰ ساله این انتظار می‌رود که پخته عمل کنند. پس به همان خاطر همه باید دارای تفکر جهادی بشوند. ما دیگر نباید توقف داشته باشیم. انقلاب باید پیوسته هم‌پطور زایش داشته باشد. باید رویش داشته باشد و رو به جلو حرکت کند. به همین خاطر ما باید از این حالت خمودی و افسردگی که در برخی مسئولان است فاصله بگیریم و تفکر جهادی که همیشه در میدان بودن، همیشه آماده بودن، همیشه فداکار بودن. همیشه بقیه را بر خود ترجیح دادن، همیشه منافع و مصالح کشور و نظام و انقلاب را بر خود ترجیح دادن را مد نظر قرار بدهیم. باید دید چه کسی تفکر جهادی دارد و پای انقلاب ایستاده است. الحمدلله انقلاب و نظام ما استقرار پیدا کرده است. الان که می‌خواهیم دولت‌سازی کنیم باید دولت‌سازی اسلامی کنیم. اگر می‌خواهیم امت‌سازی کنیم باید مردان را پیدا کنیم. یک مرد جنگی به از صد هزار. باید در گام دوم دنبال مرد جنگی‌ها باشیم و سپاهی لشکر دیگر به کارمان نمی‌آید. باید الگوسازی کنیم. در بیرون از کشور انقلاب بیشتر درک می‌شود، یعنی صادرات انقلاب. شاید در درون برای برخی هنوز انقلاب درک



بسیج از منظر امام
خامنه‌ای یعنی متن
مردم و نمی‌توان
بین مردم و بسیج
خط فاصلی ایجاد
کرد، عموم مردم و
انسان‌هایی که عشق
به ایران، انقلاب
اسلامی و جمهوری
اسلامی دارند، بسیجی
هستند

گفت و گو با مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین
به مناسبت ۴۰ سالگی بسیج

دولت‌ها هیچ‌گاه نگاه جامعی به بسیج نداشته‌اند

بسیج در انتخابات به صورت مصداقی وارد نمی‌شود

علی شیرین



مطلع این مصاحبه را با این سؤال آغاز می‌کنم که با عنایت به اینکه رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم راهبردها و مأموریت‌های مهمی را برای دستگاه‌ها و نهادها تبیین فرمودند، بسیج در این عرصه چه مسئولیت‌هایی دارد و برای تحقق آن چه برنامه‌هایی خواهد داشت؟

در متن بیانیه گام دوم امام خامنه‌ای می‌فرمایند: در گام دوم وارد مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی می‌شویم. در حقیقت آرمان‌های گام دوم در سه مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تعریف شده است. مخاطب گام دوم نسل جوان هستند، به‌طور طبیعی بهترین مجموعه‌ای که ظرفیت جذب، سازمان‌دهی و به‌کارگیری جوانان و توانایی انجام مأموریت‌های موردنظر مقام معظم رهبری را دارد، بسیج است. بسیج یک حرکت گسترده مردمی است که در تمامی بخش‌ها و قشرها حضور فعال دارد.

بسیج در حقیقت موج عظیمی است که دارای پهنه وسیع و مسئولیت‌های متنوع است، در حقیقت بهترین مجموعه‌ای که می‌تواند اهداف گام دوم انقلاب را طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی و اجرایی کند، بسیج است.

به نظر شما چگونه این راهبردها و مأموریت‌ها عملیاتی و محقق خواهد شد و نیازمند چه برنامه‌هایی هستیم که در سطح شعار باقی‌نمانیم؟

اگر بسیج بخواهد مأموریت‌های مندرج در گام دوم را محقق کند باید دچار یک اعتدالی مناسب با محتوای بیانیه گام دوم شود. بنابراین در اینجا موضوع اعتدالی بسیج مطرح می‌شود، اعتدالی بسیج یعنی رشد، تعالی و ارتقا برای ایجاد ظرفیت‌های متنوع و در جهت انجام مأموریت‌های مطالبه‌شده توسط

فرارسیدن ۴۰ سالگی بسیج، بهانه مناسبی است تا ضمن آسیب‌شناسی و بررسی اهم دستاوردها و عملکرد یک نهاد منسجم و مقبول مردمی و شبکه‌ای از عناصر فعال و پویای اجتماعی، نقیبی به رفتارها و کنش دولت‌های مستقر در جمهوری اسلامی بزنیم و میزان بهره‌گیری از ظرفیت‌های این نهاد و موانع فرارو در برابر بهره‌مندی از این پتانسیل عظیم را ارزیابی کنیم. حجت‌الاسلام محمد رضا تویسرکانی که در شهریور سال ۹۱ با حکم حجت‌الاسلام علی سعیدی نماینده وقت ولی فقیه در سپاه پاسداران به سمت مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج منصوب شده بر این باور است که عدم بهره‌مندی مسئولان از نیروی عظیم بسیج به عدم شناخت درست از این نهاد برمی‌گردد و یک موضوع جناحی و سیاسی است، چرا که برخی از جناح‌ها و گروه‌ها حضور بسیج را یک مانع و مزاحم تلقی کرده‌اند، به غلط و به اشتباه؛ در حالی که حضور بسیج، حضور یک مجموعه متشکل از بهترین عناصر پویا و کوشای کشور است که می‌توان از این عناصر انگیزه بخش و مستعد و توانمند استفاده بهینه داشت و برای حل مشکلات کشور و برداشتن گام‌های بلند به آن تکیه کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین تویسرکانی ضمن آسیب‌شناسی و انتقاد از عملکردها در حوزه اقتصاد مقاومتی، امر به معروف و نهی از منکر و همکاری مشترک در مساجد از تشکیل مرکزی راهبردی برای برنامه‌ریزی و آسیب‌شناسی فعالیت‌ها در نمایندگی ولی فقیه در سپاه و بسیج خبر می‌دهد. مشروح این گفت‌وگو پیش‌روی شماست.



مخاطب گام دوم
نسل جوان هستند،
به‌طور طبیعی بهترین
مجموعه‌ای که ظرفیت
جذب، سازمان‌دهی
و به‌کارگیری جوانان
و توانایی انجام
مأموریت‌های موردنظر
مقام معظم رهبری را
دارد، بسیج است

امام خامنه‌ای در گام دوم .

در حقیقت ما نیازمند یک نقشه راه برای اعتلای بسیج هستیم تا بتوانیم به مأموریت‌های خود عمل کنیم، نقشه راهی که بتواند ظرفیت‌های جدیدی ایجاد کند و مأموریت‌های نوین را متناسب با نوآوری‌های روز عملی سازد.

اگر در مقام مقایسه قرار بگیریم سازمان بسیج در میان سایر نهادها چه جایگاهی دارد، ارتباطش چگونه است و برای تعمیق و توسعه این جایگاه چه برنامه‌هایی لازم است؟

بسیج از منظر امام خامنه‌ای یعنی متن مردم و نمی‌توان بین مردم و بسیج خط فاصلی ایجاد کرد، عموم مردم و انسان‌هایی که عشق به ایران، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دارند، بسیجی هستند.

امام خامنه‌ای می‌فرمایند: ملت ایران نمادش بسیج است و همه ملت ایران اجزای بسیج هستند. دامنه بسیج بسیار وسیع است، لذا بسیج محبوب‌ترین نهاد در میان ملت ایران است. تمام اعضای این نهاد مقدس از متن مردم برخاسته‌اند، لذا در میان نهادها بسیج چنین جایگاهی دارد.

نهادهای انقلابی، وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی، قوای سه‌گانه و...، همگان برای بسیج ارزش خاصی قایلند. هرچند شاید به برخی موضع‌گیری‌ها و رفتارهای اعضای بسیج انتقادها و نظرات خاصی داشته باشند، ولی برای نهاد بسیج هم مردم و همه دستگاه‌ها، قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح و... ارزش والایی قایل هستند؛ لذا این احترام و جایگاه در ارتباطات و تعمیق پیوندها و همکاری‌ها هم تأثیرگذار بوده و روابط را همواره حسنه و مستحکم نگه داشته است که نمونه‌اش را در همکاری تنگاتنگ در زمان دفاع مقدس، حوادث غیر مترقبه و... شاهد بوده ایم.

به نظر شما میزان بهره‌گیری دولت‌ها در طول سال‌های قبل و حال از بسیج و توان این نیرو چگونه بوده؟ چه آسیب‌هایی را شاهد بوده‌ایم و تبعات عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های بسیج برای کشور چیست؟

حقیقت مطلب این است که دولت‌ها بعد از پایان جنگ و دوران دفاع مقدس نتوانستند به‌طور شایسته‌ای از توان نیروهای عظیم مردمی بسیج که نیروهای زنده، شاداب و بانشاط کشور هستند و همه آنها نیروهای مؤمن، متعهد، پرانگیزه و با توان در جامعه اسلامی هستند به نحو مطلوب استفاده کنند.

عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های عظیم بسیج به دلیل عدم شناخت درست این مجموعه عظیم و دلایل فرهنگی و سیاسی دارد. منظور از دلایل فرهنگی این است که باید بررسی شود دولت‌ها با چه عینکی به بسیج می‌نگرند؟ آیا دولت‌ها، وزرا و مدیران و مسئولان دستگاه‌ها، بسیج را صرفاً یک نیروی نظامی و امنیتی می‌بینند، یا اینکه بسیج را یک نیروی عظیم پرتوان و کم‌نظیر مردمی می‌دانند که در همه قشرها و تخصص‌های مورد نیاز جامعه حضور فعال و پویا داشته باشد.

لذا یکی از اقدامات اساسی تصحیح و اصلاح نگاه‌های

نادرست و ناقص به بسیج است، شاید تنها کسی که بیشترین تلاش را در راه تصحیح این نگاه داشته، امام خامنه‌ای است که بسیج را در پنج لایه مختلف تعریف و برای بسیج سطوح مختلف قایل است.

هم نیروی نظامی، هم فرهنگی، هم اقتصادی، رسانه‌ای و هم نیروی جهادی در حقیقت در نگاه مقام معظم رهبری جای دارند. نگاه ایشان این است که کشور به یک نیروی عظیم مردمی در همه میدان‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... نیاز دارد، در بعد نظامی هم نیاز دارد.

در حقیقت ابعاد نظامی، امنیتی و دفاعی بسیج یک‌بخشی از این نیروی عظیم و گسترده است، لذا هویت بسیج یک هویت نظامی صرف نیست، یک هویت گسترده‌ای است که نماد هویت ملت ایران است. متأسفانه تاکنون چنین نگاه کامل و جامعی

را محقق کند، بسیج است ولی متأسفانه انگیزه لازم برای استفاده از بسیج در اقتصاد مقاومتی وجود ندارد.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: بسیج معنایش این است که دستگاه‌های مسئول کشور برای باز کردن گره‌های بزرگ قدم‌های بزرگ و بلند و استوار بردارند و فقط به سازمان‌های رسمی و دولتی تکیه نکنند. معنای درست بسیج سازمان‌ها و اقشار این است که مکمل دستگاه‌های مسئول باشند و آنجا مردم را به عرصه وارد کنند. بسیج این توانایی را خواهد داشت در اصلی‌ترین عرصه و صحنه‌های مورد نیاز جامعه پر قدرت وارد شود و اثر بگذارد هم در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و خدمت‌رسانی و هم در عرصه‌های اجتماعی و غیره، بسیج می‌تواند دستگاه‌های

سابقاً در این حوزه با برخورداری از قرارگاه‌های امر به معروف فعالیت‌های گسترده‌ای را در این زمینه داشت، آیا تصور ورود دوباره این نهاد به این عرصه وجود دارد، چه سلبی و چه ایجابی؟

یکی از کارکردهای بسیج ایجاد زمینه‌های استقرار معنویت در جامعه است، بسیج می‌تواند به عنوان یک ملجا و پناهگاه مردم را در استقرار معنویت و زدودن آلودگی‌های اخلاقی از جامعه کمک کند. در مقوله امر به معروف و نهی از منکر متأسفانه دستگاه‌های مسئول از جمله بسیج عملکرد مطلوبی ندارند.

همه دستگاه‌های مسئول کشور در مقوله امر به معروف و نهی از منکر نتوانسته‌اند به طور شایسته جایگاه این اصل سرنوشت‌ساز را در جامعه تبیین و



مسئول را در جهت‌دهی و در هدف‌گذاری و در عمل یاری رساند.

مقوله امر به معروف امروز در جامعه رهاست، چه در بعد نظری و چه عملی برنامه خاصی را نمی‌بینیم، نهاد بسیج



یکی از کارکردهای بسیج ایجاد زمینه‌های استقرار معنویت در جامعه است، بسیج می‌تواند به عنوان یک ملجا و پناهگاه مردم را در استقرار معنویت و زدودن آلودگی‌های اخلاقی از جامعه کمک کند. در مقوله امر به معروف و نهی از منکر متأسفانه دستگاه‌های مسئول از جمله بسیج عملکرد مطلوبی ندارند

پیاده کنند. گاهی اوقات در مقوله امر به معروف و نهی از منکر دچار افراط و اکنون هم دچار تفریط هستیم. سوگمندانه باید گفت مقوله امر به معرف و نهی از منکر در ریل شایسته خود قرار ندارد. احیای امر به معروف و نهی از منکر یک امر مهم و سرنوشت‌ساز است که همه قوا و دستگاه‌ها و همه مسئولان در آن نقش دارند، متأسفانه سازمان بسیج هم در سال‌های گذشته نتوانسته است در مأموریت‌های خود در این زمینه به نحو احسن عمل کند.

در خصوص فعالیت قرارگاه‌ها در گذشته ارزیابی شما چیست؟

آن قرارگاه‌ها عمدتاً تلاشش در مقوله بدحجابی و مسائل ضداخلاقی و مزاحمت‌های خیابانی و رابطه دختر و پسر و از این قبیل خلاصه می‌شد، در حالی که موضوع امر به معروف، تمام معروف‌های نظام حکمرانی و تمام منکرات نظام حکمرانی را در بر می‌گیرد.



سپاه و بسیج در رابطه با انتخابات مجلس سه نوع موضعگیری می تواند داشته باشد که دو موضعگیری از این سه تا غلط و اشتباه است. بی تفاوت بودن نسبت به انتخابات و دخالت مصداقی و جناحی و طرفداری از جناح های خاص در انتخابات دو نگاه غلط است



را کنترل و مهار کنند، بسیج می تواند کلید حل مشکلات باشد.

انتخابات مجلس یازدهم در پیش است، به نظر شما بسیج در این انتخابات چه موضعی خواهد داشت و رویکردهای انتخاباتی بسیج را چگونه می بینید؟

سپاه و بسیج در رابطه با انتخابات مجلس سه نوع موضعگیری می تواند داشته باشد که دو موضعگیری از این سه تا غلط و اشتباه است. بی تفاوت بودن نسبت به انتخابات و دخالت مصداقی و جناحی و طرفداری از جناح های خاص در انتخابات دو نگاه غلط است. این دو نوع موضع گیری غلط با مبانی و فلسفه وجودی بسیج در تناقض است. موضع گیری سوم که صحیح و منطقی می باشد، مبتنی بر ایجاد بصیرت انقلابی در میان مردم و روشنگری و هدایت سیاسی بر اساس گفتار امام خامنه ای در موضع انتخابات مجلس است تا نیروهای بسیجی بتوانند با در نظر گرفتن شاخص های مقام معظم رهبری، انتخاب احسن و اصلح را انجام دهند.

در حقیقت بسیج وارد بحث های مصداقی و طرفداری از یک جناح و تبلیغ برای یک جناح دیگر نخواهد شد. به همین دلیل عناصر کادر بسیج نمی توانند در انتخابات به نفع یا علیه کاندیدا یا حضور در ستادهای انتخاباتی کاندیداها وارد عمل شوند. مهم ترین رسالت بسیج در انتخابات بصیرت افزایی بر اساس گفتار امام مقام معظم رهبری است. اتهام موضع گیری ها و جانبداری های یکسویه به بسیج وارد نیست.

ارزیابی شما از عملکرد چهار ساله نمایندگی ولی فقیه چیست و آیا آسیب شناسی هم در روند فعالیت ها صورت گرفته است؟

تعمیق معنویت در میان بسیج، گسترش تفکر انقلابی، صیانت از عقاید اسلامی و انقلابی در میان بسیجیان و جلوگیری از نفوذ افکار انحرافی و افراد منحرف در میان بسیجیان، ایجاد زمینه های اخوت و برادری در میان بسیجیان، ارتقای روحیه جهادی و انقلابی و خدمتگزاری به مردم حضور گسترده روحانیون در همه عرصه های بسیج ملت از جمله دستاوردهای فعالیت های نمایندگی در سطح کشور و در بسیج است.

تلاش های فرهنگی و هنری گسترده برای تحقق آرمان های انقلاب در میان بسیجیان، استفاده از علما و مراجع و حوزه ها برای تحقق اهداف بسیج از دیگر دستاوردهای نمایندگی است.

در خصوص آسیب شناسی هم قطعاً لازمه پیشرفت و ارتقا و تضمین سلامت اداری است. نمایندگی برای ایفای درست نقش خود در وضعیت کنونی با توجه به بیانیه گام دوم نیازمند یک تحول و تعالی متناسب با این دوران است. با توجه به انتصاب نماینده ولی فقیه در سپاه جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج صادقی ایشان یک مرکز راهبردی را تأسیس کردند که وظیفه اش آن رصد آسیب ها و نواقص موجود نمایندگی و ارائه راهکارها و راه حل های مناسب برای تحقق مطالبات امام خامنه ای از نمایندگی خودشان در سپاه است، این مرکز راهبردی می تواند زمینه ایجاد یک تحول گسترده را در نمایندگی ولی فقیه در سپاه و بسیج ایجاد کند. ■



در یکی از مصاحبه ها از رصد جریان های ضد ارزشی و منحرف در بسیج خبر داده بودید، این اقدام چگونه و با چه هدفی صورت می گیرد؟

در مجموعه سازمان بسیج معاونتی هست که امور اطلاعاتی و امنیتی را انجام می دهد. یکی از مأموریت های معاونت اطلاعات بسیج رصد جریان های ضد فرهنگی و ضد ارزشی در کشور است در حقیقت شبکه های اطلاعاتی بسیج در سطح کشور توانسته اند این جریان ها را رصد و برنامه های آن را زیر نظر بگیرند.

البته مجموعه اطلاعات و نتایج این رصد باید به معاونت فرهنگی بسیج ارائه شود تا آنها با اشراف اطلاعاتی بتوانند برنامه های ایجابی برای خنثی کردن این جریان ها را طرح ریزی و اجرا نمایند.

در این رابطه هم بسیج نتوانسته به طور جامع و مانع به خاطر محدودیت های مالی و اجرایی انجام وظیفه کند. اگر مسئولان کشور بخواهند به طور جدی جریان های ضد فرهنگی و ضد ارزشی

یکی از مشکلات موجود و مزمن در سطح مساجد ارتباط میان امامان جماعت مساجد و پایگاه های بسیج و حضور فعال و پویایی اینها در مساجد است، برای رفع این موانع و آسیب ها و تقویت و توسعه این ارتباطات چه باید کرد؟

پایگاه اصلی بسیج مساجد است و بدون مسجد مانند گل بدون عطر می باشد. عطر بسیج مسجد است. در دوران دفاع مقدس پیوند بسیج و مساجد مستحکم بود و گره گشاهم بود و زمینه حضور مردم را در جبهه ها فراهم کرد.

متأسفانه بعد از دوران دفاع مقدس آن رابطه مطلوب فی مابین مسئولین بسیج و ائمه جماعات و هیئت امناء و نخبگان محلات به وجود نیامد.

بسیج و مساجد باید دو نهاد مکمل هم باشند، نه دو نهاد مقابل هم! متأسفانه در کشور ما برای مساجد کشور و ائمه جماعت سازمان مناسب و گسترده ای که بتواند مساجد کشور را سازماندهی کند و در درون آنها شبکه گسترده ای را به وجود بیاورد، موجود نیست.

اگر مسئولان برای اداره مساجد در سطح کشور سرمایه گذاری مناسب و عقلانی متناسب با جایگاه مساجد انجام دهند در چنین وضعیتی بسیج به طور طبیعی می تواند مؤثرتر عمل کند، در حالی که امروز اینگونه نیست هر مسجد و هیئت امنایی و امام جماعتی شیوه های مخصوص به خود را دارند و برخی از مساجد توقع تبعیت از خود و شیوه خود را دارند. رابطه امروز بسیج و مساجد آن رابطه جامع و مانع مورد نظر امام خامنه ای نیست، در این رابطه هم مسئولان بسیج و هم مسئولان رسیدگی به امور مساجد باید با جدیت بیشتری با هم تعامل داشته باشند.

اگر امر به معروف به طور جامع و شایسته و کامل پیاده می شد ما این همه شاهد فساد و زد و بند در دستگاه های اجرایی نبودیم، در مدت کوتاه حضور رئیس جدید قوه قضاییه، بیش از ۴۹ هزار میلیارد تومان اموال به بیت المال برگردانده شده است، قطعاً و حتماً این سطح گسترده فساد مالی و اقتصادی محصول بی اعتنائی به امر معروف و نهی از منکر بوده است.

وجود فقر، فساد و تبعیض شاخص های عدم توجه ما و مسئولان دستگاه ها به مسئله امر به معروف در کشور است، متأسفانه در گذشته امر به معروف و نهی از منکر را به مسائل اخلاقی و بدحجابی خلاصه کرده ایم، هر چند این مسائل هم از منکرات مهم است، اما همه منکرات اینها نیست و از معروف ها و منکرات دیگر غفلت کرده ایم.

آیا در حوزه سیاست و اجرا و حکمرانی هم معروف هایی داریم که غیر از موارد فوق غفلت از آنها کرده ایم؟

بله فراوان داریم! مهمترین معروف در جامعه عدالت و مهمترین دیگر سپردن مسئولیت به نیروهای انقلابی و مؤمن و پیاده کردن مدیریت جهادی و مبارزه جدی با فساد در جامعه و میان مسئولان است. ما در این زمینه ها کوتاهی کردیم و دچار غفلت شدیم و همگان باید یک توبه عملی و انقلابی کنیم تا زمینه تحقق ارزش های اسلامی در جامعه فراهم و نظام صاحب یک اقتدار درونی گردد. قدرت درونی نظام اگر مبتنی بر اقتدار ذاتی آن نباشد روز به روز آن قدرت ضعیف تر می شود، اقتدار هر نظامی بسته به نابودی منکرات و رشد معروف ها است.

گفت‌و‌گو با حاج‌امیر والی از پیشکسوتان فعالیت‌های جهادی

آبادانی بشاگرد فقط از روحیه بسیجی برمی‌آمد

امیر والی در جمع مردم منطقه بشاگرد



مرحوم حاج عبدالله والی

داود جعفری

دولاب تهران کمک گرفتیم و کم‌کم افراد دیگر اضافه شدند.

آن زمان وضعیت منطقه چطور بود؟

اینطور بگویم که ما از تهران تا میناب، مسیر حدوداً ۱۶۰۰ کیلومتری را ۱۴ ساعته می‌رانیدیم، اما از میناب تا اولین روستای بشاگرد که روستای ربیدون بود، (حدود ۲۰۰ کیلومتر) ۱۸ ساعت در راه بودیم. مسیر دسترسی به منطقه بسیار سخت بود. پر از پستی و بلندی و تپه و دره و... حتی یک خانه در بشاگرد وجود نداشت. یا بهتر بگویم حتی دو سنگ روی هم جفت‌وجور نشده بود. اهالی همگی در کپر زندگی می‌کردند. آثار سوء تغذیه در مردم بشاگرد دیده می‌شد و در محرومیت عجیبی زندگی می‌کردند. کردستان اوایل انقلاب با همه محرومیت‌هایش در برابر بشاگرد بهشت به نظر می‌رسید. خلاصه که منطقه هیچ امکاناتی اعم از بهداشتی و عمرانی نداشت.

سال ۶۱ چند سالتان بود؟ متأهل بودید؟

من متولد سال ۱۳۳۷ هستم، اخوی‌مان محمود متولد سال ۱۳۲۲ است و حاج عبدالله هم متولد ۲۷ بود. من و محمود مجرد بودیم. ولی حاجی متأهل بود. ما چندین سال در بشاگرد ماندگار شدیم و در همین اثنا ازدواج کردیم، اما به‌رغم وجود خانواده، مرتب در منطقه حضور داشتیم و فعالیت می‌کردیم.

چطور با منطقه بشاگرد آشنا شدید؟

اوایل جنگ من مسئول دفتر عمران حضرت امام در استان کردستان بودم. در این دفتر همه کاری انجام می‌دادیم. از کارهای جهادی گرفته تا کمک به جبهه‌ها و رفع محرومیت روستاها خلاصه هر چیزی که باعث کمک به مردم آن منطقه و همچنین رزمندگان می‌شد، مضایقه نداشتیم. آن زمان تفکر بسیجی یا بسیجی‌وار کار کردن در اغلب جوان‌های انقلابی موج می‌زد. بنابراین ما قائل به وظایف سازمانی و این چیزها نبودیم. هر کسی هر کاری از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد. مرحوم برادرم حاج عبدالله والی هم با اینکه کارمند بانک بود، کار جهادی می‌کرد و در کردستان حضور یافته بود. همانطور آنجا بودیم تا اینکه اواخر سال ۶۰ آقای ملک‌شاهی از دوستانمان در مورد محرومیت‌های منطقه‌ای به نام بشاگرد به حاج عبدالله خبر داد. اسفند سال ۶۰ حاجی به بشاگرد رفت و فروردین ۶۱ درحالی که بیماری مالاریا گرفته بود برگشت. (حاج عبدالله تا زمان فوتش در سال ۱۳۸۴ بار دیگر هم به بیماری مالاریا مبتلا شد). اردیبهشت همان سال ۶۱ من با دو ماشین راهی بشاگرد شدم. رفتم که بمانم و اولین خیمه جهادی را هم همان‌جا بنا کردم. حاج عبدالله هم آمد و چند ماه بعد برادر دیگرمان حاج محمود به ما ملحق شد و سپس از بچه‌محل‌هایمان در محله

عبدالله، محمود و امیر والی، سه برادری بودند که از اواخر سال ۱۳۶۰ و اوایل سال ۱۳۶۱ به منطقه فراموش شده بشاگرد رفتند و بدون اینکه وظیفه سازمانی در این خصوص داشته باشند، به عمران و سازندگی پرداختند. این سه برادر پیش از آنکه به بشاگرد بروند، در کوران حوادث جنگ تحمیلی در کردستان آشوب‌زده، فعالیت جهادی انجام می‌دادند. پس از آشنایی برادران والی با محرومیت‌های منطقه بشاگرد، همان روحیه بسیجی که آنها را به کردستان کشانده بود، هر سه را راهی هرمزگان کرد. آنها به منطقه‌ای می‌رفتند که به قول مرحوم عبدالله والی «آفریقای ایران» بود؛ جایی که سالیان سال در آن خدمت کردند و هنوز نیز ارتباط برادران والی با این منطقه قطع نشده است. گفت‌و‌گوی ما با حاج امیر والی حکایت از معجزات نهفته در روحیه بسیجی دارد که از دل یکی از محروم‌ترین مناطق ایران، صدها طلبه، دانشجو و جوان مستعد و تحصیلکرده را به منصفه ظهور رسانده است.

“

کار که برای رضای خدا باشد و روحیه بسیجی داشته باشی، زمان و مکان مهم نیست. همین بچه‌بسیجی‌هایی که در گروه‌های جهادی فعالیت می‌کنند خیلی‌هایشان زمان شروع کار ما در بشاگرد، دنیا نیامده بودند

شجره چهل‌ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
| آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان



اسفند سال ۶۰ حاج عبدالله به بشاگرد رفت و فروردین ۶۱ در حالی که بیماری مالاریا گرفته بود برگشت. (حاج عبدالله تا زمان فوتش در سال ۸۴، ۱۲ بار دیگر هم به بیماری مالاریا مبتلا شد)



برادران والی در دیدار با مقام معظم رهبری

آن موقع شما یک جوان ۲۴ ساله بودید؛ چطور می‌شود چند جوان به صورت خودجوش راهی منطقه‌ای می‌شوند که هیچ امکاناتی نداشت؟ با معیارهای زمانه ما این مسئله جور در نمی‌آید؟

خب «روحیه بسیجی» که می‌گویند همین است. یعنی شما دو دوتا چهارتا کردن‌ها را کنار می‌گذارید و برای رضای خدا آستین بالا می‌زنید و برای انجام تکلیف پا پیش می‌گذارید. حالا امکانات باشد که بهتر، نباشد باید خودت امکانات جور کنی و محرومین را هم پوشش بدهی. همان جوان‌هایی که در جبهه می‌جنگیدند با چنین روحیه‌ای خودشان را با ارتش مجهز دشمن درگیر می‌کردند. ما هم بچه‌بسیجی و رزمنده بودیم. من خودم فرمانده پایگاه بودم. در کردستان با چنین روحیه‌ای حضور یافته بودیم و بشاگرد دنباله همان کارهای جهادی و رزمندگی بود. از دوستان و آشنایان و آنهایی هم که درخواست می‌کردیم به منطقه بیایند و کمک کنند، هر کسی روحیه بسیجی و جهادی داشت می‌آمد و ماندگار می‌شد، وگرنه خیلی‌ها می‌آمدند اما وقتی سختی رسیدن به منطقه را می‌دیدند می‌گفتند خدا حافظ شما. اگر کمک مالی می‌خواهید در خدمت هستیم ولی دیگر این مسیر طولانی را طی نمی‌کنیم. کار به این راحتی‌ها نبود. با عقل عادی جور در نمی‌آمد که در چنین منطقه‌ای بدون هیچ‌گونه پشتیبانی بمانی و چندین سال کار کنی. ما حتی تا مدت‌ها حقوق دریافت نمی‌کردیم.

کار تان را چطور شروع کردید؟

بشاگرد متشکل از چند روستای پراکنده و دور از هم بود. خیلی گشتیم تا مکان مناسبی به عنوان مرکز فعالیتیمان پیدا کنیم. در این مسیر صبر و تحمل حاج عبدالله واقعاً بی‌نظیر بود. یک طرز فکر عمده برای سازندگی داشت و آن هم اینکه از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی باعث شویم این مردم روی پای خودشان بایستند. مثلاً وقتی یک محلی را برای یاد گرفتن یک فن مانند آهنگری نزد خودمان می‌آورد، به محض اینکه کار را یاد می‌گرفت، او را راهی می‌کرد. دلیل کارش را می‌پرسیدیم، می‌گفت او باید با هنری که آموخته یک شغل راه بیندازد و چند نفر از افراد محلی را دور خودش جمع کند. اکنون همان روش حاجی نتیجه داده است. به عنوان نمونه رئیس حوزه علمیه پندرباس از اهالی بشاگرد است یا جاسک و رودان و حاجی آباد هم رئیس حوزه علمیه‌شان بشاگردی هستند. الان سه حوزه علمیه در بشاگرد داریم. همچنین از فرماندار منطقه گرفته تا سایر مسئولان مثل بخشدار و رئیس شبکه درمان و شهردار همگی از بومی‌های منطقه هستند. این در حالی است که اوایل دهه ۶۰ سطح سواد در این منطقه تقریباً صفر بود. با تأسیس مدرسه و حوزه علمیه و کمک به تحصیل بچه‌های بشاگردی، خود آنها الان معلم و مدرس شده‌اند و به بچه‌های منطقه‌شان کمک می‌کنند.

چند سال پیش که مابه بشاگرد رفتیم، مرکز فعالیتتان خمینی شهر بود، گویا شما و برادرانتان مؤسس این شهر کوچک هستید؟

محلی که اکنون خمینی شهر نام دارد قبلاً خنمید نام داشت. هیچ سکنه‌ای هم نداشت. اما

تهران و سایر نقاط کشور مان ایجاد کند. به نظر من الان هم، نفس حضور بچه‌های جهادی در مناطق محروم بیشتر از آنکه سبب سازندگی مادی شود، به لحاظ فرهنگی و معنوی باعث جا افتادن فرهنگ و روحیه جهادی می‌شود. یک جوان یا جوانی که در تهران یا یک شهر بزرگ با امکانات متعددی زندگی می‌کند وقتی سختی‌ها و محدودیت‌های یک منطقه محروم را مشاهده کند، مسلماً در برگشت به خانه آن آدمی نیست که قبل از این بود.

الان با گروه‌های جهادی ارتباط دارید؟

من و حاج محمود هنوز هم به خمینی شهر می‌رویم و کارهای عمرانی انجام می‌دهیم. الان آنجا گروه‌های جهادی زیادی فعال هستند. مثل گروه جهادی صهبا، محبین‌الامه، شهید رجایی، شهید حججی، سلمان و... که فعالیت‌های خوبی هم دارند. کلاً فرهنگ جهادی خوب در جامعه جا افتاده و بسیج حمایت‌های زیادی انجام می‌دهد. یک مدتی ما با گروه‌های جهادی که می‌خواستند در منطقه فعالیت کنند هماهنگ می‌کردیم و الان آنقدر پیش رفته‌اند که خودشان با ما هماهنگ می‌کنند و به منطقه می‌روند. جالب است که جوان‌ها و بسیجی‌های بشاگردی خودشان فعالیت جهادی دارند. آقای جببازی و تیمشان که همه از طلاب بشاگرد هستند و از دبیرها و مسئولان منطقه هم کمک می‌گیرند یک مؤسسه جهادی به نام «فرهیختگان والی» راه انداخته‌اند و به روستاهای بشاگرد می‌روند و کارهای عمرانی و فرهنگی انجام می‌دهند.

حرکت‌های جهادی بسیجی‌های این دوره و زمانه را چطور می‌بینید؟

کار که برای رضای خدا باشد و روحیه بسیجی داشته باشی، زمان و مکان مهم نیست. همین بچه‌بسیجی‌هایی که در گروه‌های جهادی فعالیت می‌کنند خیلی‌هایشان زمان شروع کار ما در بشاگرد، دنیا نیامده بودند، اما خبر روحیه بسیجی دارند و می‌خواهند هر کدام به اندازه وسعشان خدمتی انجام بدهند. عرض کردم که فعالیت گروه‌های جهادی اگر آورده مادی نداشته باشد، فرهنگ‌سازی می‌کند.

گویا در دیداری که شما و خانواده والی با حضرت آقا داشتید ایشان از خدمات جهادی تان تقدیر کرده بودند؟

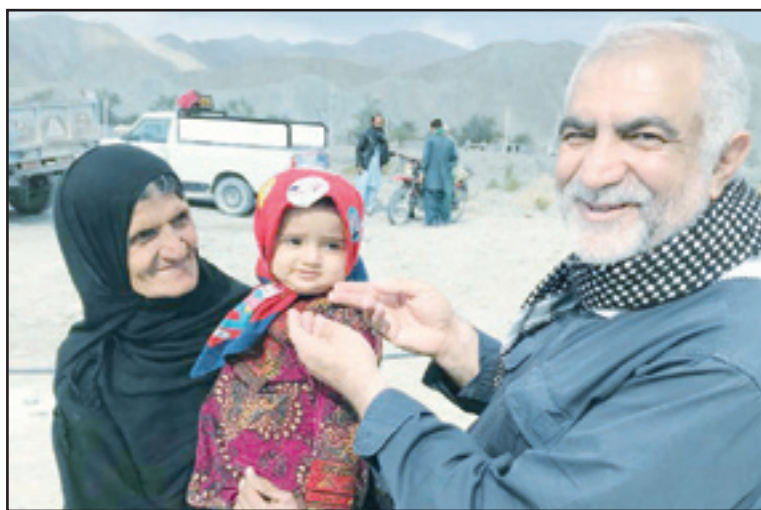
بله؛ حضرت آقا خلف شایسته حضرت امام هستند و مثل ایشان توجه زیادی به مناطق محروم و محرومیت‌زدایی دارند. در دیداری که داشتیم، ایشان از برادران والی به عنوان «اسطوره جهاد» یاد کردند. واقعاً برایمان افتخار بزرگی بود که آقا چنین نظری نسبت به کارهای ما دارند. اگر خدا قبول کند ما فقط وظیفه‌مان را انجام دادیم. حتم بدانید اگر در کشورمان روحیه بسیجی حاکم شود، خیلی از مشکلاتی که الان از بابت مسائل اقتصادی و فرهنگی و... داریم حل می‌شود. اگر الان بشاگرد به عنوان افتخار نظام اسلامی مطرح است، تنها به جهت روحیه جهادی و بسیجی است. ان‌شاءالله بتوانیم این روحیه را حفظ کنیم و به نسل‌های جوان انتقال بدهیم. ■

و دامداری و غیره است. بشاگرد الان واقعاً با آن چیزی که بیش از سه دهه پیش ما دیدیم زمین تا آسمان فرق دارد. از نظر فرهنگی مردم اینجا به اندازه‌ای رشد یافته‌اند که برخی از روستاها خودشان قوانینی حتی برای نکشیدن سیگار و نریختن کوچک‌ترین آشغال در سطح روستایشان وضع کرده‌اند و اگر به میانشان بروید واقعاً با مردم فهیم و در بسیاری از موارد تحصیلکرده‌ای روبه‌رو می‌شوید.

کار شما برادرهای والی مثل همان کاری است که الان گروه‌های جهادگر انجام می‌دهند؛ می‌توانیم بگوییم که سنگ بنای گروه‌های جهادی از موضوع بشاگرد رقم خورد؟

یک نکته‌ای را به شما بگویم که اصلاً راه‌اندازی گروه‌های جهادی کار خود حاج عبدالله والی بود. اخوی از اوایل دهه ۷۰ یک ابتکار جالبی به خرج داد. به مدارس تهران خصوصاً شمال تهران که بچه‌ها در ناز و نعمت بیشتری زندگی می‌کنند می‌رفت و دانش‌آموزان را برای اردوهای چند روزه به بشاگرد می‌آورد. نظیر همین کاری که الان گروه‌های جهادی انجام می‌دهند یا تعدادی از دانشجو‌ها را به منطقه می‌آورد. هدفش این بود که بچه‌های شهری را با مناطق محروم آشنا کند و به نوعی فرهنگ سازندگی و همدلی را بین بچه‌های

امروز بالای ۲ هزار نفر جمعیت دارد. فقط ۸۰۰ دانش‌آموز به صورت شبانه‌روزی در خمینی شهر مشغول تحصیل هستند. ما و سایر جهادگران آنجا یک مسجد به نام آقا صاحب‌الزمان (عج) ساختیم. بعد دو حوزه علمیه برادران و خواهران و بعد مدارس شبانه‌روزی و... ساختیم تا اینکه اکنون به این شکل و شمایل امروزی درآمده است. نام خمینی شهر را مرحوم برادرم به خاطر ارادتی که به امام (ره) داشت روی آنجا گذاشت. حتماً می‌دانید که توصیه‌های حضرت امام باعث شد ما به کارمان در بشاگرد دلگرم بشویم. اوایل حضورمان در بشاگرد یک بار که حاج عبدالله همراه با مرحوم عسکر اولادی و تعداد دیگری از افراد به خدمت حضرت امام می‌رسند، حاج عبدالله می‌گوید که با توجه به جنگ تحمیلی، مردد است به جبهه‌ها برگردد یا در بشاگرد بماند. حضرت امام حرفی می‌زنند به این مضمون که آیا گمان نمی‌کنید سربازانی برای امام زمان (عج) در میان همین بچه‌های محروم این منطقه وجود داشته باشند. حضور در بشاگرد هم جهاد محسوب می‌شود. فرمایش امام باعث می‌شود که اگر شک و شبهه‌ای در این خصوص وجود داشت، برطرف شود. بعد هم که با جدیت کارمان را ادامه دادیم تا اینکه اکنون بشاگرد صاحب جاده، روستاهای بزرگ و آباد، بهترین محصولات کشاورزی مثل مرکبات



فرهنگ سقوط فرهنگ صعود

یک بسیجی واقعی چه منافعی برای کشور دارد و یک جوان غرق مادیات و لابی‌بازی چه هزینه‌هایی؟!



زهرآچیزی

عرصه حضورشان هر جایی است که بتوانند خودنمایی کنند. از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بالاخص اینستاگرام گرفته تا خیابان‌ها و بزرگراه‌های شهر!

در برابر فرهنگ و نگاه لیبرالی حاکم بر تفکر بچه پولدارها و نوکیسه‌ها، عرصه حضور افراد مزین به فرهنگ بسیجی هر جایی است که بتوانند کاری انجام دهند و باری از دوش کشور یا مردم بردارند. اینها به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند، دیده شدن است. از سفره انقلاب سهمی نمی‌خواهند بلکه سهم خود را در ادای دین به میهن می‌دانند و اینکه چیزی به این سفره اضافه کنند. بسیجی‌ها آماده‌اند تا سود برسانند و هزینه‌ها را کاهش دهند و نوکیسه‌ها برای تأمین منافع خودشان حاضرند هزینه‌های هنگفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای مملکت ایجاد کنند. این دو گروه از دو تفکر متفاوتند؛ یکی سرچشمه‌اش به گفتمان ناب اسلام و انقلاب وصل است و دیگری در دنیای لیبرالی غرب آبشخور دارد.

دو نگاه دو تفکر و دو مرام که در تقابل یا یکدیگرند. یکی سراسر منفعت و مصلحت است و دیگر سر تا

پا زیان و هزینه! این نوشته در پی آن نیست که ادعا کند همه ثروتمندان برای کشور هزینه دارند و همه بسیجیان منفعت. ما می‌خواهیم در اینجا دو فرهنگ و دو طرز فکر را با هم مقایسه کنیم. دو مکتبی که هر کدام مؤلفه‌های خودش را دارد و هر کسی که مؤلفه‌های بسیجی را داشت زیر این پرچم قرار می‌گیرد؛ مانند سرمایه‌داری که سرمایه‌اش را در مسیر آبادانی کشور به کار می‌گیرد نه نوکیسه‌ای که از مسیر تاراج سرمایه‌های کشور به ثروتی باد آورده رسیده است.

■ فرهنگ سقوط!

بچه پولدارهای نوکیسه همه چیزشان برای مردم هزینه است؛ بزرگراه‌هایی که قرار است مسیر رسیدن را برای تسهیل در آمد و رفت مردم آسان‌تر کند، خیلی وقت‌ها می‌شود پیست اتومبیلرانی برای دور دور کردن بچه پولدارهای ماحصل نگاه‌های لیبرالیستی و نظام سرمایه‌داری و سوغات غرب! همین حکایت می‌شود که هر از چندگاه افراد عادی، آنهایی که به دنبال کار و زندگی‌شان هستند، قربانی جنون سرعت و شهوت قدرت این افراد می‌شوند و خبر تصادفات پورشه سواران و بی‌ام دبلو سواران رسانه‌ای می‌شود. جوانان مست از غرور ثروتی باد آورده که وقتی پشت خودروهای میلیاردی‌شان می‌نشینند، فراموش می‌کنند با آدم‌ها سر و کار دارند. ماحصل نگاه لیبرالی بچه پولدارها، نمونه‌اش

می‌شود اینکه وقتی در کورس گذاشتن‌ها و دور دور کردن‌های پورشه سوار اصفهانی جوان ۲۱ ساله پراید سوار قربانی بی‌قانونی پورشه سوار می‌شود، دختر مسافر پورشه با فریاد بر سر پلیس به خاطر اعمال قانون و انتقال خودروی میلیاردی‌اش به پارکینگ، در واکنش به مرگ یک انسان بالحنی زنده و لابی‌بازی بر سر پلیس فریاد می‌زند و می‌گوید «کشتیم که کشتیم! دیه‌اش را می‌دهیم!»

ماجرای تصادفات مرگبار خودروهای میلیاردی که خیابان‌های شهرها را پیست اتومبیلرانی خود می‌بینند هر از چندگاه درباره آسیب‌های طبقه نوکیسه‌های پورشه سوار را به چالش می‌کشد و به تیتیر نخست رسانه‌ها و محور گپ و گفت‌های مردمی در هر اجتماعی تبدیل می‌شود؛ از حقیقی تا مجازی و شبکه‌های اجتماعی.

اما شبکه‌های اجتماعی هم از جولان این طبقه در امان نبوده است و اصلاً انگار فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اصلی‌ترین جولانگاه بچه پولدارهایی است که تشنه خودنمایی‌اند. کافی است تا سری به اینستاگرام بزنید تا دستتان بیاید این شبکه اجتماعی برای نمایش ثروت و خودنمایی کسانی طراحی شده که به جز ثروت و ظاهری که به مدد همین ثروت‌های بادآورده با هزینه‌های گزاف برای خودشان درست کرده‌اند چیزی برای عرضه ندارند!

صفحات بچه پولدارها پر از تصاویر نمایش خانه‌های چندین میلیاردی، وسایل زندگی لاکچری و گرانیقیمت، خودروهای میلیاردی، سفرهای خارجی و عکس و فیلم و «بهویی»‌های برنامه‌ریزی شده با مکان‌های تاریخی مشهور دنیا همچون برج‌های ایفل و پیزا یا قرار گرفتن در کنار برخی سلبریتی‌ها اعم از داخلی و خارجی.

ورزش‌هایشان هم با ورزش‌های افراد عادی فرق می‌کند. به سراغ اسب سواری و اسکی می‌روند و با پاراگلایدر از فراز آسمان استوری می‌گذارند. هواپیمای تک نفره سوار می‌شوند و در سواحل داخلی یا خارجی موج سواری می‌کنند. همه چیزشان باید فریاد بزند با دیگران فرق دارند. اگر اهل نگهداری حیوانات هم باشند که خیلی‌هایشان هستند، به کمتر از سگ و گربه‌هایی از نژادهای گرانیقیمت راضی نمی‌شوند. به سراغ حیواناتی می‌روند که بیشتر و بهتر بتواند ثروتشان را به رخ دیگران بکشد، به همین خاطر است که دیگر سگ و گربه برای خیلی‌هایشان عادی شده و برای نمایش بهتر میزان ثروتشان باید حیواناتی را داشته باشند و در خانه چند صد متری‌شان نگهداری کنند که کمتر کسی قادر است چنین موجودی را تحت تملک خود در بیاورد. اینگونه است که تمساح، آفتاب پرست، مار پینگتون و حتی شیر و ببر می‌شود حیوان خانگی بچه پولدارها! هر قدر حیوان خانگی‌شان غیر معمول‌تر

اگر هزینه‌هایی که این افراد برای جامعه داشته‌اند و فایده‌هایی که به واسطه قدرت و روابطشان از کشور به تاراج برده‌اند را محاسبه کنیم، درمی‌یابیم بچه پولدارهای ماحصل فرهنگ نظام سرمایه‌داری، میلیاردها تومان برای کشور خسارت به بار آورده‌اند



نه نمایش خودشان و ثروت و مکتنت‌شان. عکس‌های «یهویی» نمی‌گیرند، چرا که نه فرصتش را دارند و نه اعتقادی به نمایش خود. گاه گاهی هم که تصاویری از حضورشان در مناطق محروم یا هر جایی که به کمک‌شان نیاز باشد بیرون می‌آید، سر و صورتشان گلی است و بیل و کلنگ به دست دارند و دور و برشان یا بیابان بی‌آب و علف است یا مخروبه‌های باقیمانده از سیل و زلزله.

در حوادث طبیعی و هنگامه قهر طبیعت که هر از چند گاهی در کشور رخ می‌دهد، هم همیشه پای اصلی کار بسیجی‌ها هستند. در سیل بهار امسال که بسیاری از استان‌های کشور را درگیر کرد، بسیج همچون همیشه به دل ماجرا زد و در تمامی مناطقی که به دلیل سیل اوضاع بحرانی بود حضوری مؤثر داشت. استان‌های لرستان، گلستان، فارس و خوزستان عرصه حضور نیروی مردمی بسیج بود.

هیچ کاری هم که از دستشان بر نمی‌آمد موکب‌هایشان را در مناطق سیل‌زده بر پا می‌کردند تا لاقل مردم سیل‌زده‌ای که از خانه و کاشانه‌شان آواره شده بودند، گرسنه نمانند. هجمه آب که فروکش کرد، اما استین همتشان را بالا زدند و بیل و کلنگ به دست گرفتند تا ویرانی‌های بر جای مانده از دست سیل را بازسازی کنند و مردم را به خانه و زندگی‌شان برگردانند.

فرهنگ و گفتمان بسیج حوزه عملکردش به همین منتهی نمی‌شود. در عرصه‌های علمی، فرهنگی هنری، سیاسی و هر عرصه‌ای که این فرهنگ ورود و تجلی داشته باشد، می‌توان در کمترین زمان به بهترین نتیجه رسید چرا که بسیج یک تفکر است؛ تفکری متعهد و با اخلاق و همین تعهد مزین به اخلاق است که موجب شده تا ایران در طول ۴۰ سال اخیر سرافراز و سربلند از بحران‌های پیش رویش عبور کند. فرهنگی که به داشتن کارت عضویت یا انداختن چغیه نیست؛ که شاید باشند آنهایی که کارت بسیج دارند، اما فرهنگ بسیجی را ندارند! فرهنگ و گفتمان بسیج در ضمیر بسیاری از مردم ما وجود دارد؛ همان مردمی که به وقت نیاز و اضطراب بادل و جان پای کار می‌آیند. باین اوصاف یک ایرانی متعهد به فرهنگ و اخلاق بسیجی چقدر به جامعه سود می‌رساند و یک بچه پولدار ماحصل نگاه لیبرالی و نظام سرمایه‌داری غرب چقدر ضرر؟ ■

به همین خاطر است که دوران دفاع مقدس بی‌هیچ ادعایی و با لباسی خاکی، بدون ستاره یا سردوشی یا هر نشانه دیگری فقط و فقط با یک نشانه و یک عکس به خطوط مقدم جبهه می‌رفتند. تنها افتخارشان این بود که سرباز خمینی‌اند. این گونه بود که دل به دریا می‌زدند و با علم به اینکه چه سرنوشتی در انتظارشان است وقت عملیات برای آنکه خط عبوری برای لشکر درست کنند، داوطلبانه خودشان را به میان میدان مین می‌افکندند. انگار اطمینان داشتند جایگاهشان کجاست و همین به آنها انگیزه می‌داد تا در ۱۳ سالگی قد عجلشان به پختگی مردان بزرگ روزگار برسد و با وجود صغر سنی، حماسه‌های کبیر بیافرینند.

جنگ تنها عرصه نمایش فرهنگ و سیره بسیجی نبود؛ با پایان جنگ، بسیج راهی میدان‌های سازندگی شد تا هر جا کاری بر زمین مانده و هر جا باری بر دوش مملکت سنگینی می‌کند، باری از دوش کشور بر دارد و کاری ناتمام را به اتمام برساند. به همین خاطر برخلاف بچه پولدارهای فرهنگ و نظام لیبرالی بچه بسیجی‌ها به سفرهای خارجی و زندگی‌های لاکچری فکر نمی‌کنند و مطلوبشان هم نیست. پاتوق بچه بسیجی‌ها به جای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، مناطق محرومی است که کمترین امکاناتی ندارند. بچه بسیجی‌ها اگر هم بخواهند در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی حضور داشته باشند این حضور برای نمایش چالش‌هایی است که مردم کشور مان به آن گرفتارند

بپردازند و در عوض در سخت‌ترین بزنگاه‌ها و پیچ‌های تاریخی، در هنگامه جنگ و تحریم و تهدید از مهلکه فرار کرده‌اند و حتی سربازی‌شان را می‌خرند یا به بهانه‌ای، با جور کردن مدرک پزشکی و تدابیری از این دست برای خودشان معافی جور می‌کنند. اگر هزینه‌هایی که این افراد برای جامعه داشته‌اند و فایده‌هایی که به واسطه قدرت و روابطشان از کشور به تاراج برده‌اند را محاسبه کنیم، درمی‌یابیم بچه پولدارهای ماحصل فرهنگ نظام سرمایه‌داری میلیاردها تومان برای کشور خسارت به بار آورده‌اند.

■ فرهنگ صعود

اما این کشور هیچ‌گاه به چنین فرهنگ و چنین طبقه‌ای متکی نبوده و در عوض یک فرهنگ و یک گفتمان متفاوت است که ۴۰ سال این سرزمین را در سخت‌ترین تندبادها و در تلخ‌ترین حوادث عزتمندانه سرپا نگه داشته و موجب شده تا ایران همیشه سرفراز باشد و بر قله‌های شرف و انسانیت فرهنگی ناب تکیه کند؛ فرهنگی ناب که ایده‌آل‌هایش با ایده‌آل‌های نظام سرمایه‌داری غربی زمین تا آسمان فرق می‌کند.

در این مرام و فرهنگ باید خاکی باشی تا به افلاک برسی؛ چهره‌ات، رنگ چشمانت، اندازه بینی است و تناسب ظاهری اندامت موضوعیت ندارد. در فرهنگ ناب بسیجی معیار سنجش آدم‌ها در جه خلوص انسانیت‌شان است و جولانگاهشان هر جایی که کاری روی زمین مانده و کسی نیست تا آن را بردارد.



باشد، هزینه‌های نگهداری‌اش هم بیشتر است و این یعنی صاحب حیوان متمول‌تر! لایوها، استوری‌ها و یهویی‌های بهتری هم از آن در می‌آید! بگذریم از اینکه هر از چند گاهی حیوانات بچه پولدارها هم حاشیه‌ساز می‌شوند. تنها طی یکی دو سال گذشته، سگ‌های با صاحب و نه سگ‌های ولگرد، نقش اول حوادثی تلخ را بازی کرده‌اند. نخستین بارش ماجرای حمله دو سگ به دختر بچه‌ای ۱۰ ساله در لواسان بود؛ سگ‌هایی با نژادهای پیتبول و ژرمن شیرد آن هم بدون قلاده؛ این در حالی است که در برخی کشورهای دنیا نگهداری از سگ پیتبول به خاطر خوی وحشی‌اش ممنوع است و در هیچ کجای دنیا حضور سگ‌ها در اماکن عمومی بدون قلاده و کنترل صاحبش بر آن پذیرفته نیست. این ماجرا چندین بار دیگر تکرار شد. آخرین دفعه هم همین چند روز پیش بود که سگی در دزاشیب به دو مرد حمله کرد.

برای آنکه آب در دلشان تکان نخورد، بخشی از سرمایه‌های کشور هم در اختیار آنهاست. کلینیک‌های شبانه‌روزی دامپزشکی به حیواناتشان خدمات ارائه می‌دهد و با ارز دولتی هم که شده برای حیوانات بچه پولدارها غذای ویژه و سایر ملزومات وارد می‌شود. حتی اگر شده از ارز دارو بزنند و با آن غذای سگ و گربه وارد کنند. بگذریم از اینکه لاقل بخشی از سگ‌های ولگردی که در کوچه و خیابان نگرانی‌هایی را به وجود می‌آورند و دولت و شهرداری‌ها برای جمع‌آوری آنها باید هزینه کنند، یک زمانی صاحب داشتند و صاحبان پولدارشان وقتی از حیوانات خسته شده‌اند و عکس‌ها و فیلم‌هایشان را گرفته‌اند، حیوان پیر را در خیابان رها کرده‌اند.

اما اختصاص بخشی از ارز دولتی برای واردات ملزومات بچه پولدارها به واردات غذای سگ و گربه با ارز دارو محدود نمی‌شود.

برای رفاه بیشتر بچه پولدارها هر آنچه که آنها فکرش را بکنند وارد می‌شود. اگر به سراغ فهرست واردات گمرک بروید متوجه خواهید شد. در این فهرست حتی کلاه گیس و ریش و سیبیل مصنوعی هم با ارز دولتی برای آقایان وارد می‌شود، همچنان که برای خانم‌ها پروتز سینه وارد می‌کنند. انسان فاتح و انسان مقبول در نظام سرمایه‌داری غرب کسی است که بر طبق مؤلفه‌های این نظام ثروتمند باشد و ویژگی‌های ظاهری خاص داشته باشد؛ پس برای مقبول بودن در این فرهنگ ایده‌آل‌ها فرق می‌کند؛ ایده‌آل‌هایی که هزینه‌های سنگینی را به فرد و جامعه تحمیل می‌کند و در نهایت بچه پولدارها را وارد آسیب‌های اجتماعی خاص این قشر می‌کند؛ افسردگی و اعتیاد به مخدرهای گرانبه‌قیمت و مشروبات الکلی و نارضایتی عمیقی که هیچ‌گاه و با هیچ یک ثروت و تفریحی به رضایت نمی‌رسد.

اینها تنها بخشی از هزینه‌های مادی است که بچه پولدارها به جامعه تحمیل می‌کنند و هزینه‌های فرهنگ لیبرالی غرب برای کشورمان تنها به همین منتهی نمی‌شود و بچه پولدارها و طبقات نوکیسه با نمایش ثروتشان هزینه‌های گسترده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی را به کشور تحمیل می‌کنند.

بچه پولدارهایی که در طول تاریخ این سرزمین کمتر پیش آمده سینه سپر کنند و به دفاع از این مرز و بوم



بسیج و دفاع مقدس

فرهنگ موسوم به فرهنگ دفاع مقدس، حاصل اخلاص و ایثار بسیجی‌هایی بود که بی‌هیچ چشمداشتی قدم در جبهه‌های جنگ می‌گذاشتند و گمنام اما جانانه از میهن و ارزش‌های نظام اسلامی شان دفاع می‌کردند

معجزه بسیج در آوردگاه دفاع مقدس

غلامحسین بهبودی



دی‌ماه ۱۳۵۹ بود که مسئولیت تأمین و رسیدگی به امور بسیج بر عهده سپاه قرار گرفت. در این زمان بیش از سه ماه از شروع دفاع مقدس می‌گذشت و در همین مدت، نیروهای مردمی تحت عناوین مختلف و در قالب گروه‌های متعدد در جبهه‌های جنگ حضور یافته بودند؛ گروه فدائیان اسلام، ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران، گردان‌های سپاه و حتی بخش‌هایی از ارتش، از نیروی مقاومت مردمی در جبهه‌ها بهره می‌بردند، اما با رسمیت یافتن تعلق بسیج به سپاه و ورود سازمان یافته بسیجی‌ها به یگان‌های سپاه، این نهاد انقلابی به چنان گستردگی دست یافت که اندکی بعد سازمان رزم خود را از گردان به تیپ و سپس لشکر ارتقا داد.

جنگ تحمیلی اولین و بزرگ‌ترین آوردگاهی بود که مقدر شد توان دفاعی بسیج را به بوته آزمایش بگذارد. شبکه ارتباطی بسیج با عموم مردم (که در واقع بسیج از بطن مردم بود) یک شبکه سنتی، تاریخی و آزمون پس داده بود؛ «مساجد» پایگاه‌های نام‌آشنایی بودند که انقلاب اسلامی از درون آنها نشست گرفت و به کل جامعه ایران تسری یافت. بعد از پیروزی انقلاب از همین پایگاه‌های امن و تاریخی برای تشکیل بسیج، جذب و آموزش افراد بهره‌برداری شد. با شروع جنگ تحمیلی، مساجد عمده‌ترین نقش را در ثبت نام، جذب و اعزام رزمندگان به جبهه‌های جنگ بر عهده گرفتند. در واقع همان جاذبه اعتقادی که طی تاریخ مردم را به مساجد می‌کشاند، این بار آنها را از سنگر مسجد روانه میدان جهاد می‌کرد.

پس از ورود سازمان یافته بسیج به جبهه‌ها، شکل جنگ تغییر یافت. کما اینکه در پایان نهمین ماه جنگ، بنی‌صدر از ایران فرار کرد و راه برای مردمی شدن دفاع مقدس بیش از پیش گشوده شد. بنی‌صدر تنها یک فرد نبود، طرز فکری بود که اعتقادی به مردمی شدن جنگ نداشت و با خروج این طرز فکر از جبهه‌ها، تاریخ دفاع مقدس خود را آماده ایجاد تحولاتی عمده کرد. عملیات نصر و توکل، دو نمونه از عملیات بزرگی بودند که در دوره فرمانده بنی‌صدر انجام شدند. هر دوی این عملیات با محوریت ارتش و به شکل کلاسیک انجام گرفتند. نیروهای ایرانی با تکیه بر قدرت یگان‌های زرهی، به

مناطق تصرف شده دشمن هجوم می‌بردند و اهداف بزرگی چون پاکسازی خاک کشورمان از مرکز خوزستان تا خرمشهر و حتی آن سوی مرزها را دنبال می‌کردند، اما رویه‌رو شدن با ارتش مجهز عراق که پیش از هر اقدامی از سوی ایران، جا پای خود را در مناطق اشغالی محکم کرده بود، از عهده یگان‌های زرهی کشورمان خارج بود، بنابراین باید شیوه‌های نویی در پیش گرفته می‌شد که با ورود نیروهای مردمی به جنگ، ابتکارها و خلاقیت‌ها رخ نشان دادند. انجام عملیات گسترده در تاریکی شب، یکی از همین خلاقیت‌ها بود که تقریباً تا پایان دفاع مقدس ادامه یافت و ضربات مهلکی به نیروهای دشمن وارد کرد.

انجام عملیات ثامن الائمه (ع)، طریق القدس، فتح‌المبین، الی بیت المقدس، والفجرها، خیبر، بدر و کربلاها همگی با تکیه بر نیروهایی بودند که بی‌هیچ ترسی به خطوط دشمن حمله می‌کردند و سخت‌ترین و قوی‌ترین یگان‌های زرهی ارتش بعث عراق را به شکست می‌کشاندند.

حالا دشمن با نیرویی طرف بود که قدم در هر منطقه و شرایطی می‌گذاشت خود را با آن وفق می‌داد. یکبار در کوهستان سخت کردستانات یگان ویژه‌ای چون لشکر شهدا را تشکیل می‌داد و بار دیگر در صحرای گرم جنوب، در قالب لشکرهای خط شکنی چون ۱۴ امام حسین (ع)، ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۳۱ عاشورا، ۲۵ کربلا و... ماهرترین ژنرال‌های بعثی را به وحشت

می‌انداخت.

تصرف جزایر مجنون در میان بمباران وحشیانه شیمیایی دشمن، عبور از اروند و تصرف فاو، شکست سخت‌ترین دژ دفاعی دشمن در شلمچه (که موانع نونی و مثلثی را در هم کوبید و خود را به حومه بصره رساند) همگی از قدرت معجزه واری نشئت می‌گرفت که بسیج در جبهه‌ها دمیده بود.

آنگاه که رد پای شیطان بزرگ در خلیج فارس نمایان شد، باز تفکر بسیجی بود که بدون پیش زمینه‌ای از آموزش‌های پیچیده، همان‌طور که با قدرت ایمان و تکلیف‌گرایی، زنده‌ترین یگان‌های غواصی را در عملیاتی چون والفجر ۸، کربلای ۴ و ۵ تشکیل داده بود، به آب‌های آزاد نیز ورود یافت و بزرگ‌ترین عملیات دریایی امریکایی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم را در خلیج فارس به این کشور تحمیل کرد.

گویی هیچ شرایطی نمی‌توانست بسیجی‌ها را وادار به توقف کند. آنها نه تنها شکل ظاهری جنگ که ماهیت آن را نیز دستخوش تغییرات عمیقی کردند. فرهنگ موسوم به فرهنگ دفاع مقدس، حاصل اخلاص و ایثار بسیجی‌هایی بود که بی‌هیچ چشمداشتی قدم در جبهه‌های جنگ می‌گذاشتند و گمنام اما جانانه از میهن و ارزش‌های نظام اسلامی شان دفاع می‌کردند.

آن روزها جای جای جبهه‌های جنگ شاهد راز و نیاز شیران روز و زاهدان شب بود که روح بلندشان عارفان الهی را به رشک وامی داشت. اگر می‌بینیم که حضرت امام (ره) با آن روح بزرگ و معنوی‌شان در خصوص بسیجی‌ها می‌فرماید: «بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را که همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا کرده‌اند.» از چنین واقعیتی نشئت می‌گیرد.

بسیج لشکر مخلص خدا بود که در آوردگاهی به نام دفاع مقدس، تاریخی باشکوه مملو از ایثارگری‌ها، رشادتها، حماسه‌ها و پیروزی‌ها را رقم زد. لشکری که هم‌اکنون نیز اندوخته‌های مادی و معنوی آن دوره باشکوه را چونان تجربیاتی گرانقدر به دیگر عرصه و جبهه‌ها کسانده و قدرت بی‌نظیر روحیه بسیجی را در قالب جبهه مقاومت اسلامی به رخ جهانیان کشیده است. ■





نگاهی به نقش و حضور بسیج در دفاع مقدس در گفت و گو با سردار اسماعیل کوثری

بسیجی‌ها نبودند دشمن در خاک ایران می‌ماند

احمد محمد تبریزی



امام نگفتند ار تش ۲۰ میلیونی تنها به مقطع جنگ اختصاص دارد، بلکه گفتند این سازمان برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است. نگاه امام یک نگاه عمیق به حفظ دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی بود. بعد از آن امام فرمودند باید بسیج جهان اسلام را تشکیل دهیم که بعدها جبهه مقاومت بسیج رزمندگان تشکیل شد

اصطلاح «فرمانده لشکر» برای خیلی از رزمندگان دفاع مقدس حاوی خاطرات ماندگاری است. آن روزها رابطه فرمانده و یک بسیجی ساده، رابطه بالادست و پایین دست نبود، جبهه مجمع دوستان همراهی بود که در یک هدف مقدس، از قرارگاه گرفته تا خط مقدم نبرد، هم‌رزم و همراه بودند و دوشادوش یکدیگر می‌جنگیدند. سردار محمد اسماعیل کوثری از فرماندهان نام آشنای لشکر در دفاع مقدس است. او که از سال ۱۳۶۴ به فرماندهی این لشکر رسید تا چند سال بعد از پایان دفاع مقدس همراه رزمندگان و بسیجی‌های این لشکر بود. کوثری در حال حاضر جانشینی فرمانده قرارگاه ثارالله را بر عهده دارد، اما هنوز خودش را یک بسیجی می‌داند و ارتباطش را با نیروهای بسیجی حفظ کرده است. در گفت و گو با ایشان به نقش بسیج در دفاع مقدس و حضور تأثیرگذار بسیجی‌ها در جنگ تحمیلی پرداختیم.

پیش از تشکیل بسیج در پنجم آذرماه ۱۳۵۸ نهادهایی مثل جهاد سازندگی، سپاه و کمیته تشکیل شده بود و هر کس می‌خواست خدمتی به انقلاب کند به عضویت این نهادها در می‌آمد. به نظر شما لزوم تشکیل بسیج با وجود دیگر نهادهای انقلابی چه بود؟

حضرت امام در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۸ فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی به نام بسیج مستضعفین را صادر کرد. در آن تاریخ دانشجویان پیرو خط امام سفارت آمریکا را تسخیر کرده بودند و امریکایی‌ها که آن زمان در دنیا حرف اول و آخر را می‌زدند، این موضوع خیلی برایشان سنگین بود. حضرت امام معتقد بود انقلاب اسلامی را مردم انجام داده‌اند پس مردم باید در صحنه حضور داشته باشند. آن زمان سپاه پاسداران نوپا بود، ارتش هم از درون انسجام نداشت و تنها نیروهای مردمی همان کمیته‌های انقلاب اسلامی

مردمی بودند. در چنین شرایطی بهترین نیرویی که می‌توانست از انقلاب، ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی دفاع کند، مردم بودند. حضرت امام همانند صدر اسلام مردم را سازماندهی کرد. آن زمان جمعیت ۳۶ میلیون بود و امام در فرمانشان بر ارتش ۲۰ میلیونی تأکید کرد. همه تعجب کردند و بسیاری از مسئولان گفتند انقلاب، ارتش ۵۰۰ هزار تایی را نمی‌تواند جمع و جور کند حالا حرف از ارتش ۲۰ میلیونی می‌زند. امام می‌دانست دارد چه کار می‌کند. ایشان نگاه عمیقی به مسائل داشتند و آینده‌نگر بودند. به همین خاطر ایشان نگفتند این ارتش ۲۰ میلیونی تنها به مقطع جنگ اختصاص دارد، بلکه گفتند این سازمان برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است. بنی‌صدر دو ماه بعد رئیس‌جمهور شد و گفت نیروهای مسلح اجازه کار به من نمی‌دهند و فرماندهی کل قوا را از امام گرفت. در صورتی که در قانون اساسی فرماندهی کل قوا از آن رهبر است. بنی‌صدر این فرماندهی را گرفت و برای بسیج هم هیچ کاری نکرد. بعدها قانون مشخص کرد که بسیج زیر نظر سپاه پاسداران باشد و سپاه به این سازمان پر و بال و نیروهایش را آموزش داد و به کار گرفت. نگاه امام یک نگاه عمیق به حفظ دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی بود. بعد از آن امام فرمودند باید بسیج جهان اسلام را تشکیل دهیم که بعدها جبهه مقاومت بسیج رزمندگان افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه و یمن تشکیل شد.

به عنوان یکی از پاسداران پیشکسوت، یادتان است از چه زمانی بسیجی‌ها به یگان‌های سپاه ورود کردند و قدم به میدان‌های جنگ گذاشتند؟

از همان روزهای اول جنگ که حضرت امام فرمودند کسانی که می‌توانند اسلحه به دست بگیرند به نیروهای مسلح کمک کنند، بسیجی‌ها در میدان حاضر بودند. بنی‌صدر تا ۹ ماه پس از شروع جنگ، نگذاشت نیروهای مردمی به خوبی کار کنند. نیروها به صورت مردمی بدون آموزش و سازمان به جبهه می‌آمدند اما پس از رفتن بنی‌صدر با سازمان و آموزش اعزام شدند. در عملیات ثامن‌الائمه و طریق القدس در سال ۱۳۶۰ بسیجی‌ها به صورت نیروی مردمی آموزش ندیده به جبهه اعزام شدند که موفق هم بودند. از عملیات فتح‌المبین نیروها جذب شدند و آموزش دیدند و در جبهه اسلحه گرفتند. از اینجا به بعد عملیات‌ها هم خیلی گسترده شد. عملیات فتح‌المبین که در

شجره چهل ساله | ویژه چهل‌مین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

شهید نوری در هر شرایطی آماده خدمت بود. طوری نبود که بگوید چون دستم قطع است در خط مقدم حاضر نمی شوم



»

شب‌های عملیات با دو عصا و یک پای قطع شده جلوتر از همه حرکت می کرد و به بقیه نیروها روحیه می داد. پس از پذیرش قطعنامه هم عضو تیم فوتبال جانبازان شد. توانمندی ما آنقدر بالاست که امام این را می دانست و به همین دلیل می فرمود که شما می توانید. بچه‌ها با حرف امام روحیه می گرفتند و هر چه جلوتر می رفتند می دیدند باز جا برای کار هست. وقتی حضرت آقا می فرماید شما می توانید، از روی واقعیت است. ما می توانیم اما گاهی باورمان نمی شود یا تنبلی می کنیم. **از بُعد معنوی، حضور بسیجی‌ها در جبهه‌های جنگ تحمیلی تا چه میزان به غنای فرهنگ دفاع مقدس کمک کرد؟**

چون در بسیج اقشار مختلف جامعه حضور داشت، خیلی به غنای فرهنگ دفاع مقدس کمک کرد. مثلاً

نمی توانستیم دشمن را از خاکمان بیرون کنیم. موقعی که امام پس از فرار بنی صدر همه را یکپارچه کرد باعث موفقیت‌مان در دفاع مقدس شد. **اتفاقاً سؤال بعدی ما از سردار شهید علیرضا نوری قائم مقام لشکر ۲۷ بود. یک کارمند راه آهن که به نوعی بسیجی وار به جبهه‌ها ورود کرد و در سطح عالی فرماندهی به شهادت رسید، چطور شد که به جانشینی لشکر انتخاب شد و چه خاطراتی از این شهید بزرگوار دارید؟**

ایشان زمانی که دستش در جبهه قطع شد و به عقب آمد همه توانمندی‌اش را می شناختند به همین خاطر او را فرمانده ناحیه ایوذر کردند. حاج رضا دستواره که به شهادت رسید ایشان را معرفی کردیم. شهید نوری

بروید، می گفتند برویم. وقتی نیروها این با هم بودن را می دیدند اطمینان‌شان چند برابر می شد. فرماندهان نمی گفتند ما فرمانده هستیم و عقب بایستیم و فقط دستور بدهیم. کنار بچه‌ها در خط مقدم می جنگیدند و اینها باعث موفقیت شد. فرماندهان در دانشگاه جنگ دوره ندیده بودند و در ذاتشان مسئولیت پذیری و خلاقیت بود. مسئولیت پذیری از این جهت که وقتی لشکر، تیپ و گردان عملیات می کرد فرماندهان باید می ایستادند و پس از عملیات کارها را رتق و فتق می کردند.

به نظر شما اگر بسیجی‌ها به جبهه ورود نمی کردند امکان داشت سرنواشت دیگری برای دفاع مقدس رقم بخورد؟

بله، من می گویم نمی توانستیم موفق شویم. روحیه

۱۳۶۱/۱/۱ انجام شد نسبت به دو عملیات طریق القدس و ثامن الائمه چند برابر توسعه و گسترش داشت. در عملیات بیت المقدس تعداد نیروهای بسیجی سه برابر بیشتر و همین باعث شد وسعت زمین بیشتری در نظر گرفته شود. اینجا دشمن به وحشت افتاد و از آن به بعد بسیج یک وضعیت خیلی خوبی پیدا کرد و خیلی از بچه‌های بسیجی فرماندهان جنگ شدند. خیلی از نیروهای بسیجی مسئولیت گرفتند. نیروهای بسیجی تفاوتی که با نیروهای دیگر داشتند در انگیزه الهی و داوطلبانه بودنشان بود. همچنین تمام سختی‌ها را می پذیرفتند و با تمام هستی‌شان می آمدند و یک ربال هم حقوق نمی گرفتند. این باعث می شد ما بتوانیم عملیات‌هایمان را به بهترین نحو انجام دهیم.

لشکر ۲۷ و جمع بسیجی‌های پرشور آن در دفاع مقدس شهرت خاصی دارد. به عنوان فرمانده این لشکر در مقطع قابل توجهی از جنگ تحمیلی، جمع بسیجی‌ها را چطور دیدید و چه تعریفی از این جمع باصفا برای جوان‌های نسل حاضر دارید؟

آن زمان جنگ بود و نیروها احساس مسئولیت می کردند و با احساس اینکه تکلیف الهی بر دوش دارند به جبهه می رفتند. بچه‌ها صفا، صمیمیت و انگیزه الهی را بین بسیجی‌ها و سپاهی‌ها می دیدند و انگیزه‌شان بیشتر می شد. لباس‌های بچه‌های بسیجی و سپاهی یکجور بود و بیشتر نیروها جوان بودند. آن شور و نشاط جوانی و انگیزه‌ای که امام به نیروها می داد باعث رفاهت و دوستی و همبستگی زیادی می شد که در جبهه زبانزد خاص و عام بود. نیروها وقتی به مرخصی می رفتند در پایگاه‌های بسیج محلات مشغول کار می شدند و کمتر به خانه می رفتند. با اینکه سختی و تیر و ترکش و شهادت بود اما چون مسیرشان در راه خدا بود برایشان جاذبه داشت. اقشار مختلف به عنوان بسیجی در جبهه بودند و فقط یک قشر خاص در آن حضور نداشت. لشکر ۲۷ را عمدتاً بچه‌های دبیرستانی و دانشگاهی تشکیل می داد. خاطرم است در سال ۱۳۶۴ و زمان انجام عملیات والفجر ۸ در آماری که گرفتیم ۶۴ درصد نیروهای لشکر دانش آموز، معلم و دانشجو بودند. در یگان‌های دیگر این آمار تفاوت داشت. نیروها که به جبهه می آمدند فضای معنوی در جبهه حاکم بود. خیلی روی خودشان کار می کردند و مسئولیت پذیر می شدند. شاید برخی در خانه خیلی کار نمی کردند اما در جبهه مسئولیت می گرفتند. فرماندهان تا می دیدند کسی توانمندی و جزیره بیشتری دارد مسئولیت به او می دادند. آنجا نان و حلاو آخر نمی کردند و سختی بود. آن ارتباطی که بین فرماندهان و نیروها بود فوق العاده دلچسب بود. در تمام یگان‌ها می گفتیم اگر نیروها در خط پدافندی هستند اول غذای گرم باید به آنجا برود. مثل الان نبود که برای رؤسا همه چیز باشد و بعد بخواهند به فکر نیروها بیفتند. هر چند سعی شده است فاصله کم شود ولی همچنان در کارهای اجرایی و اداری مسئولان آنقدر که به فکر خودشان و اطرافیانشان هستند به فکر کارمندان نیستند، اما در جبهه چنین چیزی نبود. فرماندهان می گفتند اگر چیزی هست اول برای بچه‌هایی که در شرایط سخت کار می کنند باید باشد. وقتی نیروها این عمل حسنه را می دیدند، شیفته فرمانده و جبهه می شدند. در عملیات‌ها نیز فرمانده را کنار خودشان می دیدند. فرماندهان نمی گفتند



مجتهدی صافی / جوان

گردان حبیب چهار مجتهد داشت و وقتی نیروها می دیدند این رزمندگان با لباس دیگر نیروها کنارشان حرکت می کنند از نظر فرهنگی نیز اشباع می شدند. اینگونه نبود که روحانیون وقتی به جبهه می رفتند فقط می خواستند سخنرانی داشته باشند. مثلاً آقای پناهیان، عالی، طائب، ماندگاری و حاج علی اکبری طلبه‌های جوانی بودند که در جبهه حضور داشتند. آقای حاج علی اکبری که در حال حاضر مسئولیت امام جمعه‌های سراسر کشور را بر عهده دارد در مدرسه عالی شهید مطهری درس می خواند. این روحانیون توانمندی‌شان را از همان اول نشان دادند. بین مداحان هم به همین شکل بود. مثلاً محمود کریمی در لشکر ۱۰ بود یا سعید حدادیان، محمد طاهری، حسین سازور و حاج منصور ارضی همه در لشکر حاضر بودند. حضور اقشار مختلف جامعه در کسوت بسیج و در دفاع مقدس

رئیس ستاد هم بود و گفتیم ایشان جانشین شود. با آمدن نوری، آقای حکمیان مسئول ستاد شد. شناخت خوبی از شهید نوری داشتیم و سابقه‌اش را می دانستیم. از مدیریت و تدبیرش آگاهی داشتیم. شهید نوری در هر شرایطی آماده خدمت بود. طوری نبود که بگوید چون دستم قطع است در خط مقدم حاضر نمی شوم. مثل شهید خرازی بود که فرماندهی لشکر ۱۴ را بر عهده داشت و در عملیات خیبر یکی از دست‌هایش را از دست داد. شهید خرازی با وجود مجروحیت تا سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ شهید شد در جبهه و خط مقدم حضوری فعال داشت. نیروهای اینچنینی در دفاع مقدس زیاد بودند. یکی از برادران رزمنده یک پایش قطع می شود و بعد به اسارت دشمن درمی آید. ایشان چند سال در اسارت بود و به خاطر جانبازی‌اش او را آزاد کردند. پس از آزادی دوباره به لشکر برگشت.

بسیجی یعنی انگیزه الهی داشتن و مسئولیت پذیر بودن. مسئولیت پذیر بودن یعنی نسبت به خطرات بی توجه نباشد و برطرف کردن خطر نسبت به انقلاب و مردم برایش اولویت داشته باشد. بسیجی‌هایی از این دست و با این تفکر زیاد داشتیم. مثل شهید علیرضا نوری که جانشین من بود. ایشان از سال ۱۳۵۲ تکنسین راه آهن بود. زمانی که انقلاب پیروز شد همه را رها کرد و بسیجی شد و بعد هم به عضویت سپاه درآمد. هنگامی که در سال ۱۳۶۵ وزیر راه و ترابری وقت، به ایشان حکم جانشین راه آهن سراسری داد و در دو کوهه حکم را به ایشان دادیم، او حکم را پاره کرد و گفت من برای مسئولیت نیامده‌ام. مثل شهید نوری در جبهه خیلی زیاد بود. شاید برخی بگویند اینها خیالبافی است ولی این موارد واقعاً بود و چنین روحیه‌ای بین نیروها حکمفرمایی می کرد. اگر بسیج نمی آمد قطعاً ما



مثلاً شخصی در پشت جبهه مسئولیت بالایی داشت ولی وقتی به عنوان بسیجی به جبهه می آمد همه کاری را انجام می داد. مثلاً اگر شهردار می شد باید چادرها را جارو می کرد و ظرف ها را می شست



می بینیم. اینجا هم مسئولیت دارم و در سپاه حضرت رسول (ص) و سیدالشهدا (ع) این ارتباط همچنان برقرار است.

با جوان ترها ارتباط دارید؟

خودم پنج پسر دارم و همه جوان هستند و ارتباط نزدیکی با هم داریم. هر کس در نسل خودش یک برداشتی از موضوعات دارد. ما باید این تجارب را که از گذشته تا امروز داریم، منتقل کنیم. پس از نمایندگی مجلس، سردار جعفری به من گفت باید دوباره مشغول شوی که من گفتم دوست دارم به دانشگاه امام حسین (ع) بروم تا با جوان ها ارتباط داشته باشم و تجربه هایم را منتقل کنم تا زودتر به هدفشان برسند. انتقال تجربه از روی کتاب با کلاس رفتن خیلی تفاوت دارد. این تجارب باید تبدیل به تئوری شود و آن موقع اینها را سر کلاس ارائه داد. چند ماهی که به دانشگاه می رفتم خیلی مؤثر بود و ارتباط خوبی با آنها داشتم.

چه تشابه و تفاوت هایی بین روحیه بسیجی های کنونی با بسیجی های دوران دفاع مقدس می بینید؟

الان به مراتب بچه ها آگاه تر از قبل انقلاب هستند. قبل از انقلاب خفقان شدیدی بود. مثلاً در خانه خودمان رساله حضرت امام را پدرمان پنهانش می کرد تا کسی متوجه آن نشود. اما الان شرایط خیلی فرق کرده است. در حال حاضر در دفاع از حرم آل الله ببینید بچه هایی که رفتند از همین جامعه بودند. شهید حججی برای همین جامعه بود. شرایط اینگونه نیست که برخی می گویند. زمان انقلاب هم برخی بی تفاوت بودند. برخی از کشور فرار کردند و خیلی ها ماندند و دیدند رهبرشان خیلی محکم ایستاده است پس آنها هم پشت ایشان ایستادند و نگذاشتند یک وجب از خاک کشورمان در اختیار دشمن بماند. آنها که می خواهند خدمتی انجام دهند و کاری کنند، به رهبرشان نگاه می کنند تا ببینند او چطور است تا بر همان اساس خودشان را تنظیم کنند. به هر حال همه را نمی توانیم در نظر بگیریم، زمان صدر اسلام هم همه مردم نبودند. کسی که خودش فکر و انتخاب می کند می آید و در مسیر قرار می گیرد.

ایران اسلامی تا چه میزانی می تواند بر توانایی های بسیجیانش تکیه کند؟

دو عامل باعث موفقیتمان تا امروز شده است. یکم رهبری و ولایت و دوم مردم ولایتمدار که در قالب بسیج هم تعریف می شود. این دو عامل لازم و ملزوم هم هستند که نمی توانند از هم جدا باشند. اگر جدا باشند کار تمام است. رهبری بدون مردم که بسیج داخلش است، نمی تواند کاری از پیش ببرد. نمونه اش امیرالمؤمنین (ع) در صدر اسلام است. زمانی که مردم و کارگزاران بی وفایی کردند ایشان تنها ماندند. امام علی (ع) که خیلی بالاتر هستند و معصوم بودند سرشان را در چاه کردند و در نخلستان از خدا خواستند از دست مردمش راحت شوند. چون به حرف ایشان گوش نمی کردند، اما الان مردم در سخت ترین شرایط حرف گوش می دهند. در دفاع از حرم خیلی از مردم به ما مراجعه کردند تا به سوره اعزام شوند. باید بگوییم مردم خوبی داریم و به خاطر همین حضرت امام فرمودند مردم ما به مراتب از مردم صدر اسلام بهتر هستند. یعنی اگر امام حسین ۷۲ بار داشت الان میلیونی پای کار می آیند. این غلو نیست و واقعیت است. ■

۴۰۰ تومان شد را ضمیمه نامه کرد و به دوستان داد و گفت من نمی توانم به تهران بروم و شما که می خواهید بروید این پول ها را به این آدرس ها ببرید. آدرس ها برای خانواده های نیازمند بود. ایشان چند بادی بود و تنها یک رزمنده نبود. یا برادری مثل محسن چراغی در کر بلا ۵ با خواهرزاده آقای ولایتی به جبهه آمده بود و هر دو در غرب کانال ماهی شهید شدند و پیکرشان همانجا ماند. به خانواده هایشان خبر دادند و مراسم سوم و هفتم برایشان گرفته شد. پس از ۱۸ روز که از کر بلا ۵ گذشته بود قرار شد پیکر و وصیتنامه شهدا را تحویل خانواده شان بدهیم اما پیکر هایشان پیدا نشد تا اینکه سال ۱۳۷۸ تفحص شد. شهید چراغی در وصیتنامه اش آورده بود پیکرش در امامزاده علی اکبر شمیران به خاک سپرده شود که همین اتفاق هم افتاد. همچنین از پدرش خواسته بود یک حسینی در دو کوه بسازد. ما گفتیم دو کوه دو حسینی

اگر بچه های شهید می شدند ما هم جزو خانواده معظم شهدا می شدیم و بر ایمان افتخاری بود. اگر جانباز هم می شدند باز بر ایمان افتخار بود. اما گفتیم سعی کنید اسیر نشوید، چون پسرهایم را شناسایی می کردند و می خواستند از من که پدرشان هستم و مسئولیت ریاست جمهوری را بر عهده داشتم، امتیازگیری کنند و من هم نه امتیاز بده بودم، نه هستم و نه خواهم بود. چون تفاوتی بین بچه های خودم با بچه های دیگر قائل نیستم. این درس عدالتخواهی است. دکتر منافعی که زمانی وزیر بهداشت و درمان بود، دکتر امام بود. فرزند ایشان هم در جبهه شهید شد. پسر آقای کربوی در جبهه پایش قطع و جانباز شد. از مسئولان، آقای جلیلی به عنوان بسیجی عازم جبهه شد. آقای مظفر وزیر آموزش و پرورش بود که فرمانده گروهان لشکر بود. خیلی از مسئولان دیگر در جبهه حضور داشتند.



شما در طول حضورتان در جبهه با بسیجی های زیادی هم رزم بودید، نام و خاطره کدام یک از این عزیزان تأثیر زیادی روی شما گذاشته است؟

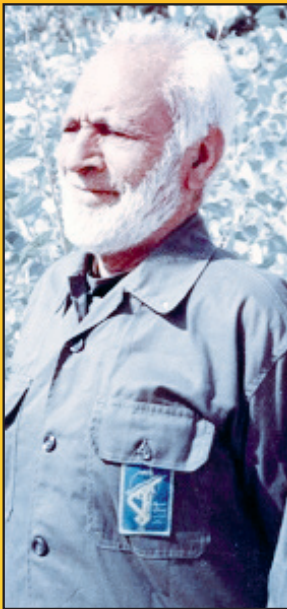
هر شهید و رزمنده ای با خصوصیات و اخلاقیاتش به نوعی تأثیر گذاشته است. خیلی از بسیجی ها الگو بودند اما اینکه این بچه ها آگاهانه می آمدند و خالصانه در جبهه حاضر می شدند خیلی اهمیت دارد. مثلاً شهید ابراهیم هادی به عنوان بسیجی به جبهه آمد. شهید هادی معلم ورزش، کشتی گیر، باستانی کار و مداح بود که در جبهه حاضر شد. من ایشان را نمی شناختم و همان ماه دوم جنگ در سرپل ذهاب با ایشان آشنا شدم. یک روز یکی از دوستان می خواست به تهران برود. شهید هادی در کاغذی پنج اسم و آدرس نوشت و ۱۸۰۰ تومان که حقوقش بود را به تعدادشان تقسیم کرد که نفری ۳۰۰

متمکن بودند و به بچه هایشان می گفتند پول و شغل می دهیم ولی جبهه نروید، اما بچه های می گفتند اینها برای ما ارزشی ندارد. بچه های مسئولان هم به جبهه می آمدند. بچه های حضرت آقا نیز به عنوان بسیجی گمنام می آمدند. بچه های شهید دکتر منافعی و مرحوم هاشمی هم می آمدند. زمانی که بچه های حضرت آقا در جبهه بودند ایشان پیامی فرستاد که اگر بچه های شهید و زخمی شدند عیبی ندارد، فقط سعی کنید اسیر نشوند. سال ها از این پیام گذشت تا سال ۱۳۸۷ من در مجلس بودم و از دفتر آقا تماس گرفتم و گفتند ایشان کتاب های لشکر را خوانده و حاشیه زده است. بیا باید چگونگی کار را توضیح دهید. با چند نفر از بچه های لشکر خدمت اقا رفتیم. در آن جلسه یکی از برادران جانباز گفت شما چنین پیامی داده بودید، می خواستم بدانم منظورتان چه بود؟ حضرت آقا در جواب فرمودند

رهبر معظم انقلاب:

فقط مردان نیستند؛ جوان و نوجوان و میانسال و پیر و مرد و زن و همه مخاطب این سازمان‌دهی و تمرکز حساس سازمان مقاومت بسیجند

حاج صفرقلی رحمانیان پیرترین رزمنده بسیجی جنگ تحمیلی یک قرن ماند تادر شلمچه باشد



رضامحمدی

جنگ که شروع شد، حاج صفرقلی رحمانیان ۷۴ سال داشت. او در حالی می‌خواست راهی میدان جنگ شود که چند دهه قبل دوران سربازی‌اش را تمام کرده بود. متولد یکم مهرماه ۱۲۸۵ در استان کرمان، حدود نیم قرن قبل، وقتی که جوانی ۲۰ و اندی ساله بود، برای اولین بار لباس نظامی پوشید و راهی خدمت سربازی شد. آن زمان دوران پهلوی اول بود و نماز خواندن را در ارتش غدغن کرده بودند اما صفرقلی آدمی نبود که چیزی مانع انجام فرایض دینی‌اش شود. نمازش را می‌خواند و تنبیه می‌شد. حاضر بود مرخصی‌هایش لغو شود، ملاقات با خانواده عقب بیفتد، ولی در راز و نیاز با خدایش به لحظه‌ای تأخیر نیفتد.

چند دهه بعد در ایران انقلاب شد، حالا به جای سلطنت پهلوی، جمهوری اسلامی استقرار پیدا کرده بود. در تمام این مدت، حاج صفرقلی کشاورزی می‌کرد و به گفته خانواده، نماز شبش هم ترک نمی‌شد. او که روحیات مذهبی داشت و پیش از انقلاب هم در نماز جمعه جهرم شرکت می‌کرد، در جریان انقلاب جذب شخصیت حضرت امام شد. او را حسین زمان می‌دانست و پیروی از دستوراتش را واجب می‌دانست. به همین خاطر با وجود اینکه در زمان پیروزی انقلاب ۷۲ سال داشت، آماده بود تا به فرمان رهبرش، رخت رزم به تن کند و وارد میدان نبرد شود.

جنگ که شروع شد، هیچ کسی از صفرقلی توقع نداشت به جبهه برود، جز خودش! کار سخت روی زمین‌های کشاورزی و زندگی سالم، باعث شده بود از لحاظ جسمی روی پا باشد و توان حضور در میدان سخت را نداشته باشد. پس لباس رزم پوشید و به عنوان یک بسیجی راهی میدان جهاد شد.

۶۶ ماه حضور در مناطق عملیاتی، ماحصل عزم جزم صفرقلی رحمانیان بود. آن طور که فرزند شهید می‌گوید، حاج صفرقلی تقریباً از سال ۱۳۶۱ به جبهه رفت و تا پایان جنگ حضور متناوبی داشت. آن موقع چیزی در حدود ۷۶ سال داشت. در عملیات بیت المقدس و محرم و خیبر و والفجر حضور یافته بود. چند تا از سخت‌ترین و خونین‌ترین عملیات دفاع مقدس که خیلی از جوان‌ها هنوز که هنوز از سختی‌ها و مشکلات این عملیات سخن می‌گویند.

حاج صفرقلی تقریباً تا پایان جنگ در جبهه‌ها حضور داشت و فرزندانش را هم تشویق به جبهه رفتن می‌کرد. هر سه پسرش مثل خود او رزمنده بودند. خودش آنها را تشویق به رفتن می‌کرد و آن طور که علیرضا رحمانیان یکی از پسرانش به رسانه‌ها گفته بود، حاج صفرقلی از آنها می‌خواست جانانه بجنگند و گر نه حلال‌شان نمی‌کند: «اگر ترسیدی و سر جلو نرفتی، حلال نمی‌کنم!»

لقب پیرترین رزمنده دفاع مقدس بعد از اتمام جنگ تحمیلی به او داده شد، چرا که صفرقلی تا دهه ۹۰ زنده بود و در این زمان بیش از ۱۰۰ سال داشت. او با اینکه در اواخر عمر بخشی از حافظه‌اش را از دست داده بود، اما هرگاه نام دوستان شهیدش را می‌شنید، اشک می‌ریخت. خانواده می‌گفتند آرزوی صفرقلی دفن شدن در کنار مشهد دوستانش یعنی شلمچه بود.

حاج صفرقلی رحمانیان ۱۳ خرداد سال ۱۳۹۲ به علت کهنولت سن در ۱۰۷ سالگی درگذشت. او از تبار مردانی بود که به فرموده حضرت امام مصداق کاملی از ایثار و خلوص را به نمایش گذاشته بودند. مردی که تا پایان عمر بسیجی مانده بود.

از حاج صفرقلی نقل می‌شود که همواره ولایت‌مداری را سرلوحه امور قرار می‌داد و معتقد بود دینداری بدون ولایت‌مداری امکان‌پذیر نیست. او می‌گفت: ولایت، قطب‌نمای دین است؛ چطور در جنگل با قطب‌نما راه را پیدا می‌کنیم، در زندگی هم راه را از طریق ولایت باید پیدا کرد. ■

لقب پیرترین رزمنده
دفاع مقدس بعد از
اتمام جنگ تحمیلی
به او داده شد، چرا
که صفرقلی تا دهه
۹۰ زنده بود و در این
زمان بیش از ۱۰۰ سال
داشت. او با اینکه در
اواخر عمر بخشی از
حافظه‌اش را از دست
داده بود، اما هرگاه
نام دوستان شهیدش
را می‌شنید، اشک
می‌ریخت. خانواده
می‌گفتند آرزوی
صفرقلی دفن شدن در
کنار مشهد دوستانش
یعنی شلمچه بود



د

زمانی که بسیج تشکیل شد، زمزمه‌های حمله نظامی امریکا به ایران در پی تسخیر لانه جاسوسی به گوش می‌رسید. از همین رو امام خمینی (ره) در سخنان‌شان، از اصلاح ارتش ۲۰ میلیونی استفاده کردند. این امر در حالی بود که در اندیشه‌های ایشان، بسیج هرگز منحصر به امور نظامی نمی‌شد و کارکردهای مختلفی داشت

علیرضا محمدی



سابقه بسیج از دیدگاه امام خمینی (ره) ریشه در تاریخ داشت. دفتری که همه مجاهدان عالم آن را امضا کرده‌اند، نمی‌توانست مختص به انقلاب اسلامی باشد. بنابراین در اندیشه‌های ایشان، در هر دوره‌ای که جبهه استضعاف علیه استکبار قد علم می‌کرد، «بسیج» در قالب بیداری ملت‌ها مشاهده می‌شد.

با چنین دیدگاهی، امام خمینی (ره) همواره به نقش بسیج توده‌های مردم در پیشبرد انقلاب اسلامی تأکید داشتند «شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروه‌هایی که در سراسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم بودند»

انقلابی که توسط مردم به پیروزی رسیده بود، قاعدتاً باید توسط خود آنها پشتیبانی و حفظ می‌شد. از همین رو در چهارم آذرماه ۱۳۵۸، حضرت امام دستور تشکیل بسیج را در پیامی که به فرمان «ارتش ۲۰ میلیونی» معروف است، صادر کردند.

زمانی که بسیج تشکیل شد، زمزمه‌های حمله نظامی امریکا به ایران در پی تسخیر لانه جاسوسی به گوش می‌رسید. از همین رو امام خمینی (ره) در سخنان‌شان، از اصلاح ارتش ۲۰ میلیونی استفاده کردند. این امر در حالی بود که در اندیشه‌های ایشان، بسیج هرگز منحصر به امور نظامی نمی‌شد و کارکردهای مختلفی داشت.

خود ایشان در چهارم آذرماه ۱۳۶۰ به مناسبت اولین سالگرد تأسیس بسیج می‌فرمایند: «بسیج مستضعفان که سالروز آن را به ملت ایران و جوانان متعهد و مؤمن تبریک می‌گوییم، در تعلیم و تربیت به جوانان و نوجوانان مساعی جمیله خود را روز افزون کند.»

مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی خود به مناسبت هفته بسیج در سال ۱۳۹۵ به مفهوم بسیج ۲۰ میلیونی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «بسیج ۲۰ میلیونی که ایشان اعلام کردند و سازمان بسیج که تشکیل شد، خیلی کار بزرگی بود. اصلاً معنای این کار چه بود؟ معنای این کار این بود که خدای متعال به امام بزرگوار این تعلیم را داد و این الهام را کرد که سرنوشت انقلاب را دست جوان‌ها بسپرد. نه فقط جوان‌های آن روز، وقتی جوان‌ها وارد میدان شدند، این امانتی را که دست آنها سپرده شده و این اعتمادی را که به آنها شده است، دست به دست در طول زمان به یکدیگر منتقل کنند و همین اتفاق افتاده است.»

قرار بود سرنوشت انقلاب به دست جوان‌هایی بیفتد که در تشکیلی پویا، زنده و رو به جلو، هر جا که احساس



پویا و تمام نشدنی

بسیج در اندیشه‌های امام و رهبری

بسیجیان غبطه می‌خوردند و از خدا می‌خواستند تا ایشان را با بسیجیان محشور گرداند در بخش انتهایی همین پیام، فرمان تشکیل بسیج طلاب و دانشجویان را صادر کردند: «بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروری‌ترین تشکلهای بسیج دانشجویان طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند، فرزندان بسیجی‌ام در این مراکز پاسدار اصول تغییر ناپذیر «به شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد.»

آخرین پیام امام خطاب به بسیج نشان می‌داد که این نهاد انقلابی باید پس از دفاع مقدس با قدرت به حرکت خود ادامه دهد و با تقویت ابعاد علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور، به آثار مختلف تسری پیدا کند. حالا وقت آن فرارسیده بود تا علاوه بر بسیج خواهران (زنان)،

بسیج مساجد و مدارس، حوزه و دانشگاه نیز در قشر تخصصی‌شان پذیرای بسیج باشند و این نهاد انقلابی در دیگر اقشار گسترش یابد.

در اندیشه‌های مقام معظم رهبری نیز بسیج تداوم همان تشکلهای الهی بود که به فرموده ایشان به امام خمینی (ره) الهام شده بود تا سرنوشت انقلاب را به دست جوانان بسیجی بسپارد. حضرت آقا در اولین سخنرانی خود به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در پنجم آذرماه ۱۳۶۸ خطاب به بسیجیان فرمودند: «ان شاء الله بتوانید همیشه در سنگرهای مهم دفاع از انقلاب و کشور، حضور داشته باشید. در هر مسئولیت و مأموریتی که هستید، بازوان خوبی برای سپاه باشید تا بتوانید ان شاء الله کار سازماندهی و بسیج ارتش ۲۰ میلیونی را انجام بدهید؛ به خصوص که امروز، بسیج مسئولیت بسیار مهمی دارد و شما، بسیجی‌های کارآمد و کارآزموده هستید.»

مسئولیت‌های بسیج پس از اتمام دفاع مقدس خطیرتر و گسترده‌تر بود. بسیجی‌ها باید در عرصه جنگ نرم، شبیخون فرهنگی، جنگ اقتصادی و عرصه‌های علمی ورود پیدا می‌کردند. در دیدگاه خلف شایسته امام خمینی (ره)، بسیج همان متن مردم بود که باید همانند انقلاب و دفاع مقدس، در هر جایی که احساس نیاز می‌شد، قد علم می‌کرد و به نقش آفرینی می‌پرداخت: «فرزندان بسیجی‌ام با حضور خود در هر صحنه‌ای که لازم است دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند.»

در سال ۱۳۷۹، وقتی که به‌رغم توصیه‌های مقام معظم رهبری، مجلس ششم لایحه ادغام جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی را صادر کرد، مقام معظم رهبری دستور تشکیل بسیج سازندگی را صادر کردند. این امر به خوبی نشان می‌داد که بسیج بازوی توانمند رهبری است که می‌تواند با وجوه مختلف خود، کاستی‌ها را پوشش دهد و حرکت رو به رشد نظام اسلامی را به‌رغم کارشکنی‌ها و تنگ‌نظری‌ها تضمین کند.

از همین روست که رهبری همواره در سخنان خود، بسیج را یکی از اصلی‌ترین ارکان نظام و ضامن حفظ آن می‌دانند. این سخن که «انکار بسیج، انکار بزرگ‌ترین ضرورت و مصلحت برای کشور است» به خوبی نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری چه جایگاه محوری و رفیعی را برای بسیج در نظام اسلامی قائل هستند. ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «انکار بسیج و بی‌احترامی به آن یا ناخبردانه یا خائنانانه است.»

اکنون که ۴۰ سال از تشکیل بسیج مستضعفین به عنوان شجره طیبه انقلاب اسلامی می‌گذرد، تالگو این تشکلهای عظیم که در اندیشه‌های حضرت امام و مقام معظم رهبری فراتر از مرزهای جغرافیایی و تقسیم‌بندی‌های ملیتی و قومیتی است، در میان جوانان دیگر کشورهای منطقه گسترش یافته است. روزی را که حضرت امام آرزو می‌کرد: «من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد» اکنون ذیل هدایت‌های مقام معظم رهبری فرارسیده است و بسیج جهانی اسلام در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن در قالب جبهه مقاومت اسلامی تشکیل شده است.

لشکر مخلص خدا که دفتر تشکیل آن را تمام مجاهدان عالم از ابتدا تا انتها به امضا رساندند، نعمت بزرگ الهی است که به فرموده مقام معظم رهبری «تمام ناشدنی است.» ■

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان

بسیج و زنان

سارا نیکویی

پیروزی و بقای انقلاب اسلامی ایران نتیجه خون حدود ۲۳۰ هزار شهید است. در سراسر ایران اسلامی شهر بدون شهید نداریم. تداوم انقلاب نیز منوط به زنده نگه داشتن یاد شهیداست، زیرا تا شور و شوق جهاد و شهادت در ملتی وجود داشته باشد، آن ملت آسیب پذیر نخواهد بود.

معرفی شهدای انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و اخیراً شهدای دفاع از حرم اهل بیت (ع) بر کات زبانی برای جامعه به ارمغان می آورد. برگزاری یادواره‌ها و کنگره‌ها برای شهدا اقدامی است که در این سال‌ها رونق خوبی پیدا کرده است. یکی از اقدامات قابل تقدیر سازمان بسیج، معرفی شهدای شاخص سال است که از سال ۸۹ آغاز شده است. بر این اساس هر ساله چند شهید مرد و زن به عنوان شهدای شاخص کشوری انتخاب می‌شوند و به تبع آن برخی استان‌ها و شهرستان‌ها نیز اقدام به معرفی شهدای شاخص استانی و شهرستانی می‌کنند که در جای خود اقدامی پسندیده است. یکی از اهداف انتخاب شهدای شاخص، معرفی الگوهای برجسته به نسل‌های امروز است. عموم مردم از اقشار مختلف به ویژه جوانان در طول یک سال با سیره و ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی این شهدا آشنا می‌شوند و از آنها الگو می‌پذیرند. در همین رابطه برای سال ۹۸ شهیده عصمت پورانوری به عنوان یکی از شهدای شاخص کشوری معرفی شده‌اند. در این گزارش بیشتر با این شهید آشنا می‌شویم.

دزفول مقاوم

برای شناخت بیشتر شهیده پورانوری باید به دزفول شهر مقاومت رفت. ابتدا سری به گلزار شهدای این شهر می‌زنیم. اصلاً دزفول را باید از گلزار شهدایش شناخت. قدم زدن در گلزار شهدای دزفول و نگاه به قاب عکس شهیدان و خواندن سنگ مزارها الهام‌بخش است. از هر قشری و سنی هستند. عکس‌هایی از کودکان معصوم و زن و مرد و دختر و پسر و کوچک و جوان و بزرگسال مقابل دیدگان شما رژه می‌روند و شما به احترام آنان کلاه از سر بر می‌داری و تعظیم‌شان می‌کنی. حالا مقابل مزار شهیده عصمت پورانوری هستی. می‌رسی این دختر ۱۹ ساله که بود و چرا و چگونه شهید شد. می‌گویند او در دوران پیش از پیروزی انقلاب هم بر حفظ حجاب پافشاری می‌کرد و مدیر مدرسه از او می‌خواهد بدون حجاب به مدرسه بیاید اما او نمی‌پذیرد. وقتی آنها اصرار و حتی تهدیدش می‌کنند، مادر عصمت به مدرسه می‌رود و در دفاع از حجاب دخترش با مدیر و برخی معلمان درگیر می‌شود.

د

و یکی در فراق او نوشته است که برگرد عصمت، بدان که اگر برنگردی، مردم تو را افسانه خواهند دانست و تویی که باید اسوه باشی را اسطوره هم نخواهند پنداشت و این یعنی که اصلاً نبوده‌ای. تویی که هم بوده‌ای و هم هستی و هم خواهی بود و شاید هم بر خواهی گشت!



عصمت پورانوری شهیده شاخص زن سال ۹۸ بسیج مستضعفین

شهر تشنه اندیشه توس
«عصمت» برگرد

مادرش می‌گوید وقتی چادر عروسی را روی سرش گذاشتم، دیدم زیر لب چیزی می‌گوید. پرسیدم چه چیزی از خدا می‌خواهی؟ با تعجب شنیدم شهادت! دعای شهادت با چادر عروسی؟! با شور و شوق گفت لیاقتش را دارم!

مبارز انقلابی

دوران انقلاب در راهپیمایی‌ها و مراسمات دیگر حاضر می‌شد. در توزیع اعلامیه‌های رهبر انقلاب مشارکت می‌کرد. بعد از انقلاب هم مثل بسیاری از جوان‌های خوش فکر مشغول فعالیت‌های گوناگون فرهنگی و دینی و سیاسی شد و در اینگونه جلسات که در دزفول به ویژه در مساجد «شاه رکن الدین»، «بابادر»، «مرشد بکان» و همچنین حسینیه‌های «بنی فاطمه» و «شهید درمغان»، تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد. مربی و متربی بود. از جمله این کلاس‌ها، متدقرا ن‌شناسی شیخ علی راجی بود که اهمیت زیادی به حضورش در این کلاس‌ها نشان می‌داد. باروحانیت و نمایندگانی رهبری انقلاب ارتباط داشت. «عصمت» مطالعات فراوان دینی داشت و کتاب‌های زیادی را در این زمینه خواند، اصول کافی، تفاسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجاده و کتاب‌های شهید مطهری از آن جمله بودند. از کودکی نماز می‌خواند و قرائت قرآن را آموخت. متولد سال ۴۱ بود. برادرش علیرضا در عملیات والفجر مقدماتی جاویدالاثرا شد. رابطه صمیمانه عصمت و علیرضا و عشق و علاقه مادر به این دو، در کلام مادر موج می‌زند.

۶۶ روز زندگی مشترک

این شهید شاخص در ۱۹ آذرماه ۶۰ برای زیارت مزار شهدا عازم گلزار شهدای شهر می‌شود که هواپیمای رژیم بعثی اقدام به بمباران شهر می‌کنند و او روی پل قدیم شهر هدف اصابت ترکش راکت‌های شلیک شده از سوی هواپیمای دشمن قرار می‌گیرد و آسمانی می‌شود. در حالی که ۱۹ ساله بود و فقط ۶۶ روز زندگی مشترک با همسرش را که از فرماندهان جبهه‌های جنگ تحمیلی بود، پشت سر گذاشته بود.

روایت زندگی و روایت ازدواج او می‌تواند الگویی برای تمامی دختران این سرزمین باشد. این روایت‌ها را می‌توانید در کتاب «عصمت» که از سوی سیده رقیه آذرنگ نوشته شده و نشر صریح آن را منتشر کرده است بخوانید.

و یکی در فراق او نوشته است که برگرد عصمت، بدان که اگر برنگردی، مردم تو را افسانه خواهند دانست و تویی که باید اسوه باشی را اسطوره هم نخواهند پنداشت و این یعنی که اصلاً نبوده‌ای. تویی که هم بوده‌ای و هم هستی و هم خواهی بود و شاید هم بر خواهی گشت! اما برگشتنت با موعود دیر است خواهرم! شهر امروز تشنه اندیشه توس، اندیشه عصمت و تشنه عاشقی به سبک عصمت!

شهر تشنه اندیشه توس، عصمت برگرد!



بر اساس رهنمودهای رهبری، مادر حوزه زن و خانواده، رویکرد تهاجمی و مطالبه گرانه داریم. حقیقتاً در این حوزه تعالیم اسلام بر تر و بالاتر از آموزه‌های غربی و شرقی است، لذا باید در موضع تهاجمی باشیم، نه در موضع تدافعی و انفعال که برخی اینگونه می‌پسندند



پروانه معصومی:
بسیجی از حیث
تفکرات معنوی یک نیروی
عادی نیست



مینو اصلانی در گفت و گو با «جوان» از نقش آفرینی بانوان بسیجی می‌گوید

۹ میلیون جمعیت زنان بسیجی آماده نقش آفرینی در گام دوم انقلاب هستند

صغری خیل فرهنگ



فرامی باشد. ترویج عفاف و حجاب در جامعه هم همواره یکی از محورهای اصلی برنامه‌های بسیج بانوان بوده است. در این زمینه در صدد جریان سازی و ارتقای جایگاه زن و خانواده برای دستیابی به خانواده تراز انقلاب اسلامی و احیا و تقویت هویت زن مسلمان هستیم. در خصوص گام دوم انقلاب ما همچنین سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در موضوع جمعیت را داریم. ما در بسیج جامعه بانوان همواره موانع اجرای این سیاست‌ها را رصد می‌کنیم. بر اساس رهنمودهای رهبری، مادر حوزه زن و خانواده، رویکرد تهاجمی و مطالبه گرانه داریم. حقیقتاً در این حوزه تعالیم اسلام بر تر و بالاتر از آموزه‌های غربی و شرقی است، لذا باید در موضع تهاجمی باشیم، نه در موضع تدافعی و انفعال که برخی اینگونه می‌پسندند. تردید نداریم که سبک زندگی غربی یک سبک شکست خورده با انواع و اقسام پیامدهای منفی برای خانواده‌هاست که رسانه‌های ما باید در تبیین این پیامدها بیش از پیش تلاش کنند. ما همچنین در خصوص تولید محتوا برای ترویج سبک زندگی اسلامی و کنترل آسیب‌های اجتماعی برنامه داریم. در این باره کار گروه‌های تخصصی زن و خانواده و هیئت‌های اندیشه‌ورز در محلات و اقشار را تقویت می‌کنیم. یکی دیگر از برنامه‌های ما ترویج ساده‌زیستی و مقابله با تجمل گرایی است که در شرایط کنونی جامعه ما بسیار مهم است. جامعه بسیج زنان این برنامه‌ها را به عنوان اصول محوری خود در تحقق گام دوم انقلاب در دستور کار دارد.

بحث عفاف و حجاب از موضوعات مطرح اجتماعی است. یعنی معتقدند الگوی مناسبی وجود ندارد که عمده سلیقه خانم‌ها در نوع پوشش را در بر بگیرد، به عبارت دیگر خانم‌ها اگر بخواهند هم نمی‌توانند به پوشش شیک اما مناسب و اسلامی دسترسی داشته باشند. راهکار شما در این خصوص چیست؟

در این زمینه کار گروه مد و لباس تشکیل شده است. راهبردها و اخذ تصمیمات مناسب جهت ارائه مدهای لباس زنان در حال انجام است. البته این تصمیمات قطعاً بر اساس احکام شرعی، زیبایی شناسی و در نظر گرفتن قدرت اقتصادی مخاطبین اخذ خواهد شد. استان‌های یزد، مازندران و تهران در این زمینه خوب عمل کرده‌اند. همچنین برگزاری جشنواره‌های ویژه ارائه طرح‌های اسلامی ایرانی و انتخاب بهترین مدها و ترویج آن در جامعه از طریق بسیج اصناف در دست اقدام است. یک نکته مهم اینکه تاکنون تاریخچه پوشش در ایران و تطبیق آن با آنچه اکنون در کشور رایج است، صورت نگرفته است. بر همین اساس محصولات تولید شده، وجه ایرانی و ملی ندارد ضمن اینکه وجه شرعی نیز ندارد.

در عرصه راهبردی و بین‌المللی ارتباط و تعاملی با بانوان دیگر کشورها دارید؟

اتفاقاً در این خصوص کارهای خوبی صورت گرفته است. در قالب نشست‌های مختلف علمی - تخصصی با محوریت زن و خانواده حضور داشتیم و نقش و جایگاه زنان در جامعه اسلامی را تبیین و محتواهای تولید شده توسط بسیج جامعه زنان را عرضه کردیم. در همین رابطه با همکاری سازمان ارتباطات اسلامی بسته لوح فشرده شامل مستند «اسب تروا»، «تلبیس» و «دختران ببینند» و همچنین لوح فشرده «خون جایگان معصوم» با هدف تبیین توطئه‌های فرهنگی اجتماعی صهیونیسم بین‌المللی و



زنان نیمی از اجتماع و بالطبع نیمی از بسیجیان کشور را تشکیل می‌دهند. هم‌زمان با تشکیل نهاد بسیج، «بسیج خواهران» نیز تشکیل شد که بعدها به «بسیج جامعه زنان» تغییر نام داد. خانم مینو اصلانی از سال ۸۳ مسئولیت این قشر فراگیر بسیج را بر عهده دارد. در ۴۰ سالگی بسیج برای آگاهی از عملکرد و وضعیت زنان بسیجی با وی گفت‌وگو کردیم. اصلانی معتقد است بسیج جامعه زنان در جهت تمدن سازی اسلامی و آمادگی روحی پذیرش نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر منویات امامین انقلاب بر نامه‌ریزی مشخصی دارد و جامعه زنان بسیجی آماده نقش آفرینی بر اساس بیانیه گام دوم رهبر معظم در مسیر ساختن تمدن نوین اسلامی است.



کار گروه مد و لباس تشکیل شده و راهبردها و اخذ تصمیمات مناسب جهت ارائه مدهای لباس زنان در حال انجام است. البته این تصمیمات قطعاً بر اساس احکام شرعی، زیبایی شناسی و در نظر گرفتن قدرت اقتصادی مخاطبین اخذ خواهد شد. استان‌های یزد، مازندران و تهران در این زمینه خوب عمل کرده‌اند. همچنین برگزاری جشنواره‌های ویژه ارائه طرح‌های اسلامی ایرانی و انتخاب بهترین مدها و ترویج آن در جامعه از طریق بسیج اصناف در دست اقدام است. یک نکته مهم اینکه تاکنون تاریخچه پوشش در ایران و تطبیق آن با آنچه اکنون در کشور رایج است، صورت نگرفته است. بر همین اساس محصولات تولید شده، وجه ایرانی و ملی ندارد ضمن اینکه وجه شرعی نیز ندارد.

در عرصه راهبردی و بین‌المللی ارتباط و تعاملی با بانوان دیگر کشورها دارید؟

مقام معظم رهبری همواره بر ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی تأکید داشتند. در بیانیه گام دوم انقلاب هم ضمن تأکید بر لزوم مقابله با سبک زندگی غربی، به این موضوع نیز اشاره شد. بسیج جامعه زنان به عنوان رکن اصلی خانواده چه برنامه‌هایی در این زمینه دارد؟

بسیج جامعه زنان در جهت تمدن سازی اسلامی و آمادگی روحی پذیرش نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر منویات مقام معظم رهبری برنامه‌ریزی مشخصی دارد. این برنامه‌ریزی مبتنی بر محورهای زیادی است؛ اولین محور، تربیت عنصر فعال در راستای بسط و گسترش انقلاب اسلامی است. از سوی دیگر لازمه مقابله با سبک زندگی غربی، آگاهی بخشی عمومی است و این موضوع نیز در برنامه‌ریزی ما وجود دارد. ما باید به مطالبات اصلی زنان و خانواده جهت‌دهی درست بدهیم. برای این کار نیاز به معرفی الگوی جامع و مانع زن مسلمان داریم و قطعاً این الگو یا الگوها نمی‌تواند از غرب یا شرق باشد، بلکه باید از متن دین و بومی در سطح ملی و

شجره چهل ساله | ویژه چهلمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین
آذر ۱۳۹۸ | روزنامه جوان



نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه انقلاب کمرنگ بشود. دیگران در مواجهه با انقلاب و معارضة با انقلاب سعی می کنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند

پژوهشی تشکیل شده و سندها و نظام نامه های راهبردی متعدد از جمله دکترین بسیج جامعه زنان تنظیم و تدوین شده است. باز می توانم به تشکیل و راه اندازی قریب به ۳ هزار مهد قرآنی مساجد و تربیت ۴ هزار مربی و کارشناس حوزه کودک و چاپ بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار جلد کتاب فقط در حوزه کودک اشاره کنم. بیش از ۱۵ هزار دقیقه مستند، تیزر، موشن گرافی و کلیپ تولید و از طریق صداوسیما و شبکه های اجتماعی پخش شده است، دهها هزار جلسه بصیرتی و معرفت افزایی برگزار کردیم.

۷ هزار زن شهیده در کشور داریم. برای معرفی شایسته این شهیدا، بسیج جامعه زنان چه اقداماتی را انجام داد؟

یکی از مهم ترین اقداماتی که در معرفی شهدای زن صورت گرفت، برگزاری کنگره ۷ هزار شهید زن و راه اندازی سایت زنان شهید بود که به معرفی این چهره های تابناک می پردازد. برگزاری یادواره های شهدا در سطح پایگاه ها هم در راستای همین مأموریت صورت گرفت، به طوری که تاکنون بیش از ۲۰ هزار یادواره شهدا برگزار گردیده است. بازسازی و مرمت مزار شهدای زن در سراسر کشور را داشتیم و یادمان های زن و دفاع مقدس نیز در ۲۸ نقطه کشور نصب شد.

مأموریت های بسیج جامعه زنان در ادوار انقلاب چه بود و چقدر در انجام این مأموریت ها موفق عمل کرد؟

اگرچه فرمان حضرت امام برای تشکیل بسیج قبل از آغاز جنگ تحمیلی بود، اما این نهال هنوز یک ساله نشده بود که جنگ تحمیلی آغاز شد. قبل از آن هم انواع آشوب ها و اغتشاشات را در اقصی نقاط کشور داشتیم برای همین بسیج به سرعت جهت آموزش دفاعی خواهران اقدام به تشکیل دسته های ۲۲ نفره کرد. با آغاز جنگ تحمیلی این آموزش ها گسترش یافت و ابعاد وسیع تری در زمینه های فرهنگی، پژوهشی و علمی، ورزشی و موضوعات اجتماعی و خدمت رسانی به خانواده رزمندگان در قالب انصار المجاهدین پیدا کرد. حضور مثال زدنی مادران و همسران صبور و مقاوم شهدا و وسعتی به پهنای تاریخ و به عمق اعتقاد و باور مردم ایران پیدا کرد و زنان شاخص در روند رویش انقلاب اسلامی خوش درخشیدند که در تاریخ بی نظیر بود. بعد از هشت سال دفاع مقدس نیز با بهره گیری از تجربیات موفق حضور زنان در دفاع مقدس، فصلی تازه شکل گرفت و آن حضور مؤمنانه زنان در عرصه های عمیق بخشی انقلاب اسلامی و گفتن ساز موضوع زن و خانواده در منظومه فکری امامین انقلاب بود که با تبیین و معرفی زن تراز انقلاب اسلامی ادامه یافت و سرانجام در چهارمین دهه از تشکیل بسیج، زن مسلمان در قله عزت و کرامت ایستاده و با توانمندی در عرصه های فکر و اندیشه و علم و عمل آماده نقش آفرینی در گام دوم و در مسیر تمدن سازی با ایجاد زیرساخت های تحکیم بنیان خانواده، ترسیم جامعه ای عقیف و غیرت مدار، ارائه نظام تربیتی مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلام ناب، طرح هایی جامع در موضوع اشتغال زنان و کارآفرینی است. ■



نفر گذشته است. در قریب به ۲۰ هزار مسجد کشور پایگاه مقاومت ایجاد کرده ایم و بیش از ۱۴۰۰ حوزه مقاومت داریم. تشکیل هزاران گروه تربیتی صالحین، صدها گروه جهادی، هزاران گروه هنری، آموزشی، ورزشی، تشکیل مدارس استعدادیابی ورزشی و برگزاری جشنواره های مختلف فرهنگی، ورزشی، صدها هزار کارگاه مهارت زندگی و تشکیل ۵۲ هزار شبکه خوشه ای عفاف و حجاب از جمله اقدامات تشکیلاتی بسیج بانوان است. هزاران هسته

سوریه در اوج بحران این کشور از دیگر برنامه های ما در عرصه بین المللی بود. ضمن آنکه معمولاً سالانه حداقل پنج نشست با فعالان حوزه زن و خانواده از کشورهای مختلف جهان داریم.

در ۴۰ سالگی تأسیس بسیج، وضعیت بسیج جامعه بانوان در کشور را از نظر سازماندهی و تشکیلاتی چگونه می بینید؟

اکنون تعداد کل بانوان بسیجی کشور از ۹ میلیون

آگاه سازی زنان تهیه شد. این تولیدات از سوی رایزنان فرهنگی ایران در خارج از کشور جهت بهره برداری زنان دیگر کشورها در اختیار آنان قرار گرفت. همچنین همایش بین المللی «طلایه داران حجاب و عفاف» از ۱۹ کشور جهان را برگزار کردیم. همایش «جهانی سازی الگوی سوم» را در دانشگاه امام صادق (ع) با حضور ۹۰ نفر از نمایندگان پنج قاره از ۵۰ کشور جهان را داشتیم. برگزاری همایش «تبیین الگوی سوم» در دانشگاه پیامبر اعظم (ص)





رهبر معظم انقلاب:

شخصیت‌های قرن‌های اخیر را ما در این دوره بین همین جوان‌ها دیدیم؛ همین جوان‌هایی که سر بلند کردند و شتافتند برای فداکاری و دفاع از کشور و انقلاب، همین‌ها واقعاً چهره‌های درخشان تاریخ ما هستند... انگیزه‌های بسیار شدیدی برای فراموشی یاد شهدا وجود دارد؛ جلوه‌های کاذب و عظمت‌های دروغین را مطرح می‌کنند تا عظمت‌های واقعی از یادها برود

تا آخر ایستاده

جهاد ادامه دارد
فدا آیین رهبر